خدا آفرین

تورکجه-فارسی

فرهنگی ، اجتماعی ، علمی

دی ۱۳۹۶، شمارگان مسلسل۱۵۹، سال چهاردهم ، ماهنامه ،قیمت ۲۰۰۰ تومن

تورک دونیاسینین بویوک شاعیری مختومقولو فراغی ۱۱۱۲-۱۱۶۶ شمسی



شماره مسلسل (۱۵۹)دی ۱۳۹۶ - ۱۱۴ صفحه
مدیر مسئول ، سردبیر و صاحب امتیاز:
دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)
مدیر داخلی:علی محمد نیا
ائدیتور و خبرنگاران: رکسانا کافی ،آرمان محمدنیا ،فیروز اسدی ، فریدون ستاری فر
زمینه مجله:
فرهنگی؛مسایل اجتماعی؛معلومات عمومی؛طنز و سرگرمی سالم
روش مجله:
آموزشی؛تحلیلی؛خبری؛ اطلاع رسانی؛پژوهشی
گستره توزیع:آذربایجانهای شرقی غربی؛ اردبیل؛وتهران
آدرس چاپخانه:تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/پ۳
نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵ **تلفن:** ٦٦٤٩٣٠٨٤ - **09192281916**

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت world به ایمیل یا آدرس ماهنامه به زبانهای ترکی و فارسی جهت معرفی آثار دو جلد همراه با توضیح مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه:**یک سال ۶۰۰۰۰ و شش ماه ۴۰۰۰۰ هزارتومان به شماره کارت بانک تجارت ٦٢٧٣٥٣٣٠١٠٣٨٨٧٠٧ به نام حسین شرقی دره جک واریز نمایید.**

KHUDAFARIN
Cultural and social monthly magazin managing Director concessioner and chief Editor:Dr.HÜSSEIN SHARGHIDAREJAK(SOYTURK)

XUDAFƏRİN
Aylıq Elmi,İctimayi,mədəni Dərgi
Təsissçi və Baş Redaktor:
Dr.HÜSEYN ŞƏRQİDƏRƏCƏK(SOYTÜRK)
say 159-il-2018. Tehran.14-Cİ İL
tiraj: 5000 تیراژ

https:// telegram.me/xudaferin
soyturk1345@gmail.com
WWW.KHUDAFARİN.İR



خداآفرین ۱۵۹

ایچینده کیلر:

مختومقولو فراغی----------٢
آشنایی با بزرگان علم و ادب تورکهای تورکمن--------۶
یادا دوشدو ،خدافرین----------۱۰
آغابگیم آغا حاقیندا نه بیلیریک----------۱۰
سئوگیدن آچیلان ایلهام یئلکه نی----------۲۰
دوغرو حالت گورمه دیم----------٢٦
هویت اوغوز خان و اوغوزها----------۳۱
نه اوچون فلسفی نیسگیللی شعر واریانتی------٣٦
عالیم عمرونون ساحیللری----------٤٠
اورونیملین لئکسیک سئمانتیک خصوصیتلری---٤٣
فشار خون یک دعامل نگران کننده----------٤٩
ازبرعلی خواجوی اکینجی بالاسی----------۵۱
لکه های قهوه ای پوست را با ماسک درمان کنیم٥٤
بیلال احمد رئپرسسیا قربانی----------۵۵
رژیم سیزده روزه و کاهش ۲۰ کیلویی--------۵۷
شخصییتلریمیز حسن بی زردابی----------٦١
گ.آذربایجان دا ادبیاتیت تاریخی انکشاف یولو--٦۵
زندگینامه ربیعه قدیر رهبر اویغورها----------۷۱
شعریمیز-۷۲ اجتماعی شبکه لردن درلمه لر-----۱۰۲
یاشام پسیکولوژیسی----------۱۰۹

مختوم‌قولو فراغی

حاضیرلادی:دکتر حسین شرقی



مختوم‌قولو فراغی (مختوم‌قلی هم نوشته‌اند) (زاده ۱۱۱۲ شمسی فوت ۱۱۶۹ یا ۱۱۷۶ شمسی) شاعر تورکمن است که از بزرگترین شاعران زبان تورکی تورکمنی و یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های مردم تورکمن و جهان تورک به شمار می‌آید. وی در اشعار خود بیشتر به مسایل اجتماعی و سیاسی می‌پرداخته.

زندگی

مخدوم‌قلی در سال ۱۱۱۲ هجری شمسی در روستای حاجی‌قوشان در شمال شرق گنبد کاووس به دنیا آمد.

برپایه برخی منابع محل تولد وی در منطقه‌ای به نام گینگ جای نزدیک مراوه‌تپه بوده است. پدرش دولت محمد آزادی از شاعران سرشناس قرن دوازدهم ترکمن و گوگلان و مادرش ارازگل از طایفه گوکلان، تیره گرکز بودند.

تحصیلات ابتدایی نزد پدر خود آموخت، سپس برای تحصیل به مدرسه شیرغازی در خیوه رفت و پس از آن سفرهای دیگری نیز داشت؛ از جمله به بخارا و افغانستان و هندوستان.

او در جوانی عاشق دخترخاله خود منگلو شده بود که نتوانست به او برسد، پس از کشته شدن برادر بزرگ‌تر خود عبدالله در افغانستان که به درخواست احمد شاه درانی (بنیانگذار افغانستان فعلی) به آن‌جا رفته بود با بیوه برادر خود به نام آق قیز ازدواج کرد و از او دو فرزند به نام‌های بابک و ابراهیم داشت که هر دو در کودکی از دنیا رفتند.

بر پایه برخی منابع مختوم قولو در سال ۱۱۶۹ ه. ش در کنار چشم اباساری در دامنه کوه سونگی داغ درگذشت. او را در کنار روستای آق تقه در ۴۰ کیلومتری غرب مراوه‌تپه (شمال شرق استان گلستان) و در جوار آرامگاه پدرش به خاک سپردند.

شعر

مختوم‌قولو در شعر خودمسائل اجتماعی و سیاسی را مورد توجه قرار داده و به اتحاد ترکمن‌ها و تقبیح جنگ‌های آن دوران می‌پردازد. او همچنین مسائل اجتماعی هم‌چون چندهمسری، سوادآموزی و نقش زنان در جامعه، فقر و اختلاف طبقاتی و معضل مواد مخدر را مورد توجه قرار می‌دهد. او به دلیل اعتراض

به ریاکاری دینی عالمان دورو و کنایاتش به روحانیان و صوفیان مورد تحریم قرار گرفته و محاکمه شده و به‌طور کلی مورد غضب اغلب خان‌ها و قدرتمندان زمان خود بود.

آرامگاه

در دهه ۱۳۷۰ آرامگاهی برای مختومقلی فراقی ساخته شد. ساخت این آرامگاه در سال ۱۳۷۸ پایان یافت و در ۲۸ اردیبهشت هم‌زمان با سال‌گرد تولد او با حضور و سخنرانی صفر مراد نیازاف رئیس جمهور وقت ترکمنستان و وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی افتتاح شد.

اهمیت

بیشتر اشعار او در جنگ‌های آن دوران (جنگ‌های ترکمن‌ها با حکومت قاجار ، خان‌نشین خیوه و خان‌نشین بخارا و نیز جنگ‌های بین قبایل ترکمن) نابود شده، اشعار باقی‌مانده او در دهه ۱۸۷۰ توسط آرمینیوس وامبری، جهانگرد و خاورشناس مجار گردآوری شده و در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود. سه دهه پیش از وامبری هم مختومقلی توسط دو پژوهشگر لهستانی به نام‌های بوریهو و آلکساندر شودزکو به دنیا معرفی شده‌بود

قول بولغیل

بیر بی‌دولت ایلینگ بگی بولینچانگ
دولتلی‌نینگ قاپیسیندا قول بولغیل
بداصل بگ قوللوغیندا قالینچانگ
اصل بگینگ سایاسیندا کول بولغیل
یامانی قوی، یاغشی‌لارا گوز ایلدیر
کلهمچ هم: اوز اوغلانیم گوزل دییر
قارغیش قوردونگ ذریاتینی آزالدیر
قویون کیمین چار طرفه ایل بولغیل

سلیمان سن، موره بیر قولاق قویغیل
سوزونی دینگله‌گیل، جوابین آیغیل
حاکم بولسانگ، خلقی گون کیبی چویغیل
آقاردا سوو، یا أوسرده یل بولغیل

نه ایشدن دیر- یاتیپ، نفسینگ بسله‌سنگ
آقماقلیق دیر اوزونگ یاغشی توسلاسانگ
هر بازاردا رواج بولماق ایسله‌سنگ
یاغشی‌لارینگ کیسه‌سینده پول بولغیل

مختومقلی، باردیر دمینگ حسیبی
ایر- گیچ یتر هر بندانینگ نصیبی
کیشی بولسانگ، قویغیل قوری تعصیبی
یاغشی، یامان، بارچالارا دیل بولغیل

بلا بولار

گورینگه اوزین اوانه
رحم اتماز دوغان دوغانه
سلاسین منگزادیب سوغانه
اوی یتان ملا بولار

گورینگ قدرتلی نشانی
هر آغیزدان سوز بوشانی
آخرت وقتینگ ایشانی
بداصل کدخدا بولار

آدم یخشی سی عالمدور
عمل اتمسه ظالمدور

منینگ زیناتلی مالمدور
حق بوگون آتا بولار

موخنث اوغلی هر یرده
اوزینی قویار چوخ درده
ایشنگ دوششه بر مرده
یامان گونده قلا بولار

گورینگ لار نچیک زمانه
یخشی قوشیلدی یامانه
قوچ یگیت مینسه چامانه
وهم بیلان مبتلا بولار

زمانه یاقین گلانده
پارخ بولماز یالان چینده
حق قناعتی آلانده
نوالی بی نوا بولار

مختومقلی سوزلار دیلیندان
ناموسین برمز قولیندان
قیاس ادینگ قیز گلیندان
ائیل ائیلدان بی حیا بولار

گؤرجک رسول

دوشدو بیر خوشلوق جهانا نصرتین گؤرجک رسول
سرنگون اولدو صنملر لُمعَتین گؤرجک رسول
کل عالم ائتدی اقرار سنّتین گؤرجک رسول
راه ظلمت اولدو روشن آیتین گؤرجک رسول
تاپدی دوزخ‌دن آمان کیم صحبتین گؤرجک رسول

سن کی گلدین دنیایا بت‌لار اولوندو سرنگون
آرتدی اسلام شهرتی کافرلر اولدولار زبون
هم ابوبکر و عمر، عثمان و حیدر رهنمون
اولدو کافر ضد سنه اسم قربن مؤمنون
ایکی دنیا اولدو خوشنود رحمتین گؤرجک رسول

حرمت ایله حق سلام وئره‌ن صفی‌الله کیمی
عالمی غرق ائیله‌ین نوح نبی‌الله کیمی
گؤیده گونه یار اولان عیسای روح‌الله کیمی
نئچه مین پیغمبر اول موسی کلیم‌الله کیمی
قالدیلار حیران‌دا «لولاک» خلقتین گؤرجک رسول

اول شب معراج خبر یئتجک سنه معشوق‌دن
عرش و فرش اولموش تجلّی چون منیم تک شوق‌دن
بو مقرّب‌لر بسی با بهره‌دیر بو ذوق‌دن
هم بساط قرب اوزه واردین اوتوردون فوق‌دن
قویدو دیش بارماقه اونلار قربتین گؤرجک رسول

دور سابق‌ده اؤتن‌لر وار جمالین چون أنین
گردشی شایسته قالان معتقددیرلر یقین
قوللوغون‌دا گون خجالت ایچره قالمیش هم زمین
هم فلک اوزره ملک‌لر دئدی‌لر صد آفرین
بو مقام اعلی ایله بو همّتین گؤرجک رسول

حمدینه دیل‌لر قصوردور عرش و فرش‌لر آغلادی
بی‌دهان و بی‌زبان اوت‌لار آغاج‌لار آغلادی
اشک‌آبین جوشدوروب بو داغ و داش‌لار آغلادی
یئددی گون کعبه داشیندا قورد ـ قوش‌لار آغلادی
آیدیار مختوم‌قولو بو فرقتین گؤرجک رسول

مختومقولو فراغی؛ تورک ادبیاتی‌نین بویوک عاریفی

دکتر حسین محمدزاده صدیق

کلاسیک تورک ادبیاتینا بیر یئنی باخیشمیز اولورسا، مختومقولو آدلی تورکمن شاعیرینین دوشونجه‌سی و باخیشی زیروه ده دایانمیب. بو ادبیاتین زیروه سینده بئله بیر بویوک عاریف و شاعیرین دایانماغی اؤنملی‌دیر. علیشیر نوایی، فضولی بغدادی و ... اولان ادبیاتین دوشونجه‌لی ، آنلی آچیق و اؤز زامانیندان آرتیقراق فیکیرله‌شن مختومقولوسودا اولا بیلمه‌لی‌دیر.

مختومقولو یالنیز تورکوستان شاعیری دییل، بو گؤن اونون دوشونجه‌لری و دویدوغو آنلار و یازدیغی اثرلر تورک دونیاسینین و ها بئله اسلام دونیاسینین باشا باشیندا یاییلیبدیر و عینی زاماندا بو عاریف چوخلو گنج باخیشلار اؤزونه ساری معطوف ائده بیلمیشدیر.

تورکمن چولونده ۲۶۶ ایل بوندان اول یاشایان مختومقولو فراغی‌نین اساس سوزو اینسانلیق‌دیر، او بیر سنی مذهب اولاراق علی(ع) و فاطمه(ص)نی چوخلو شیعی شاعیرلردن آرتیقراق تانمیمیشدیر.

از مختومقلی فراغی میتوان به عنوان بزرگترین عارفان ادبیات ترکی نام برد

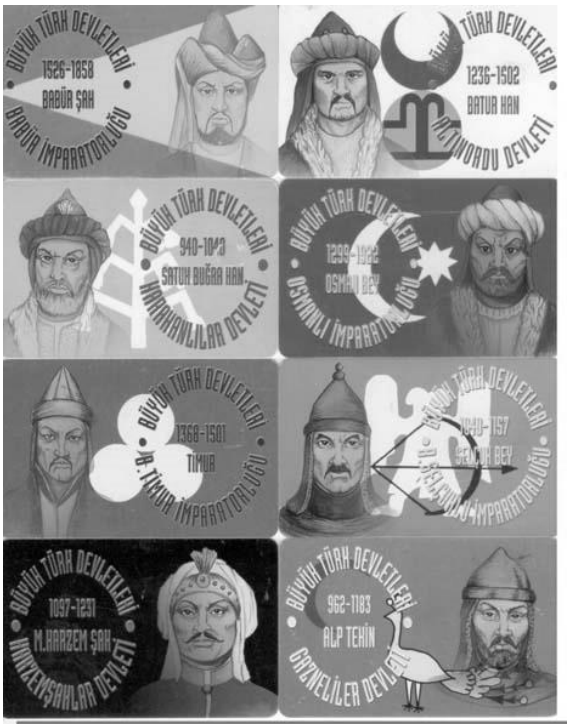
حدود سه قرن از تولد شعرهای مختومقلی فراغی می گذرد و روز به روز بر عاشقان شعر و تفکر او افزوده می شود. مختومقلی نابغه شعر ترکمنی در ترکمن صحرابه دنیا آمده است (سال ۱۱۵۳ هجری قمری (۲۶۵ سال پیش) در روستای حاجی قوشان گنبدکاووس) ، پنجاه و هفت سال زندگی کرده است، زبان‌های فارسی و عربی را نزد پدر خود دولت‌محمد آزادی(که از بزرگان شعر و ادبیات ترکمنی است) آموخته و آثار ماندگاری در شعر و ادبیات ترکمنی از خود به جا گذاشته است. خدمات مختومقلی به زبان ترکمنی را میتوانیم همپای فردوسی در زبان فارسی بدانیم . زنده کردن زبانی که شاید کمتر نوشته یی در آن در آن روزگار بوده ، به گفته پروفسور سلطان شاه نیازف ؛ نام ترکمن با نام او در جهان متجلی می شود او پدر شعر ترکمن است ، او از بزرگان شعر و ادبیات ترکی جهان می باشد مختومقلی شاعر تمام مردم جهان و مظهری از آمال و آرزوهای مردم شرق است مختومقلی در بهترین مدارس زمان خود تحصیل کرده به زبانهای فارسی ، عربی و ترکی تسلط دارد و از همین رو شاهکارهای زبان ترکمنی را خلق کرده است .

دیوان مختومقلی و شعرهای او از بی نظیر ترین آثار زبان ترکی است که با کمی دقت برای بیشتر ترک زبانان قابل استفاده و دریافت عمیق است تفکری بزرگ و اندیشه یی بکر که او را در میان نویسندگان ترک ممتاز میکند شاید به همین خاطر است که ناظم حکمت او را می ستاید:

ناظم حکمت : " مختومقلی " شاعر من نیز هست . زبان او زبان من نیز هست. من چیزهای زیادی از مختومقلی می آموزم. او استاد من نیز هست . بین چیزهایی که او آموخته ، می خواهم مخصوصا بر روی یکی تأکید نمایم و آن مبارزه برای آزادی مردمش است .



آشنایی با بزرگان علم و ادب تورکهای تورکمن



ترکمنها در توسعه و اعتدال اندیشه‌ی اسلامی نقش به‌سزایی داشتند. این حضور پر نقش، دلیلی بر عقیده راسخ و ایمان قوی آنها است. ترکمن‌ها که از روزگار دیرین در ترکستان میزیستند، اندیشمندان بزرگی را پرورش دادند که با نام ترکستانی معروف شده‌اند. ترکستان آن عصر و روزگار پرورشگاه بزرگ اندیشه و مورد توجه ملل اسلامی بوده و در دامان آن اندیشمندان بزرگی پرورش یافته‌اند که نبوغ آنها منجر به بالندگی فرهنگ و اندیشه اسلامی شده است.

تاریخ اسلام آکنده است از شواهدی است که بر عظمت علمی آن صحه میگذارد. از جمله‌ی آنها بزرگترین محدث و صاحب «الجامع الصحیح» مهمترین منبع حدیث اهل سنت است. در زمینه علوم اسلامی و دینی «ابوالقاسم محمود زمخشری» معروف به جارالله زمخشری در لغت، صرف و نحو، تفسیر، حدیث، فقه معانی و بیان استاد عصر بود. تولدش در قریه«زمخشر» خوارزم به سال ۴۶۷ هـق و وفاتش در شهر «جرجانیه» خوارزم به سال ۵۳۸ هـق اتفاق افتاد. از جمله تألیفات او کتاب «الکشّاف» در تفسیر است.

«محمدبن محمد خوارزمی» محدّث مشهور، در خیوه زندگی می‌کرد. در سال ۶۶۵ هـق وفات نمود.

«ابوبکر خوارزمی» نویسنده و شاعر مشهور اسلامی که در خیوه متولد شد و در دوران سامانیان زندگی می‌کرد و کتاب معروف «مفاتیح العلوم» درباره‌ی علم کلام، طب، ریاضی و فلکیات از اوست که تقدیم به یکی از وزرای عصر خود کرد و کتاب‌های فراوانی از یونانی ترجمه کرده است.

«محمدبن محمود» (متوفی ۶۶۵ هـق) اهل خیوه و از محدّثان بزرگ و گران مایه عصر خود بوده است.

لازم به یادآوری است که ترکمن‌های آن عصر تلاش زیادی جهت فراگیری زبان قرآن و تسلط بر آن زبان را داشتند و آن را به عنوان زبان رسمی ـ دینی خود می‌انگاشتند و تمامی تألیفات خود را به زبان عربی و یا حتی با کنیه‌ها و القاب عربی معروف شدند.

به نمونه هایی از فقیهان و اندیشمندان ترکمن که در کتابهای عربی به صراحت ترکمن بودن آنان تاکید شده، اشاره می کنم:

احمد بن عثمان التركماني (الماردیني): ج۱، ص۳۰۹

احمد بن یوسف التركماني (الفقیه) (۱۲۱۴ه/ ۱۷۹۹م)فقیه حنفی مذهب ترکمن که کتاب هایی چون

" الضوء الجلیل فی الفرق بین المذاهب" و " الفرض العملی " از اوست. ج۱،ص ۲۰۹

عبدالله بن علی الترکمانی (متولد:۷۱۹- ۷۶۹ ه) فقیه، مفتی و قاضی مصر شد.ج۶،ص۹۱کتابی با عنوان تکلمۀ شرح والده للهدایۀ فی فروع الفقه الحنفی از اوست.

عثمان بن ابراهیم الترکمانی (فخر الدین)،(۶۶۰-۷۳۱ه) فقیه معروف و مشهور در لغت زبان عربی، مفتی و مدرس که در قاهره وفات کرد. «شرح الجامع الکبیر» و« مناسک» از کتابهای اوست.(۱۳۳۰/۱۲۶۲م). ج۶، ص۲۴۹

علی بن عثمان الترکمانی (۶۴۵ه) فقیه و مفسر معروف مصر بود. از کتاب های اوست: " یتیمۀ الدهر فی فتاوی اهل العصر" و " تفسیر القرآن". ج۶، ص ۲۹۲.

علی بن محمد الترکمانی الدمشقی: متولد دمشق فقیه حنفی مذهب ترکمنهای سوریه که مفتی دمشق هم شده است. « الرسائل»، «تعلیقات» و « حواشی کبیرۀ» از اوست.ج۷، ص۱۹۹

قاسم بن محمد الترکمانی معروف به زین الدین متوفی ۸۰۸ ه/ ۱۴۰۵م) از ترکمن های سوریه که فقیه، متکلم، مفتی و استاد دانشمند معروف سخاوی بوده است.در کتاب « الضوء اللامع» در جلد ۶ ص ۱۹۳ درباره ی او به تفصیل سخن رانتده است.ج ۸، ص۹۶.

محمد بن احمد الترکمانی (المقتول بطرابلس)، (م م ۷۱۴/ ۱۳۱۴م) و (متوفی ۷۵۰/ ۱۳۴۹م) ترکمن حنفی مذهب و مورخ، فقیه متکلم اصولی و مدرس و مفتی که در طرابلس کشته شد سه کتاب معروف دارد: « الجنان فی مختصر وفیات الاعیان لابن خلکان»، « کشف الکاشف الذافی فی شرح المغنی للبخبازی فی الاصول» در دو جلد و کتاب « الوتر». ج۸، ص۲۸۸.

همانطور که ذکر گردید ترکستان مرکز علوم اسلامی آن عصر شد و خیوه و بخارا از مدارسی گشت که مقام و منزلت آن کمتر از مدارس حرمین شریفین نبوده است. به این خاطر بخارا را «قبّه الاسلام» می‌خواندند. حتی علماء آن عصر حرمین شریفین، فتوایشان را از علمای ترکستان أخذ می‌کردند

از جمله نامداران ترکمن که در زمینه‌های علوم اسلامی و دین اهتمام بلیغ داشته و صاحب آثار شکوهمندی بودند، می‌توان از: سعدالدین تفتازانی، علی‌بن عثمانی مشهور به امین الترکمانی، شمس‌الدین ترکمانی، ابوبکر خوارزمی، ابوحنیفه خوارزمی، قاسم‌بن محمد الترکمانی، نعمان‌الدین خوارزمی و المارديني الترکمانی و ... نام برد.

از معروفترین شخصیت‌های ترکمن این عصر «محمدبن احمد قایماز الترکمانی» که نام اصلی آن در کتب «شمس‌الدین محمدبن احمد» معروف به «الذهبی» (ت ۷۴۸ هـق / ۱۳۴۸ م) است. وی از نوابغ عصر خود بود که به عنوان محدّث و مورخ بزرگ شناخته شده است. به قاهره و بلاد اسلامی دیگر مسافرت‌هایی داشته، صاحب آثاری چون «دول الاسلام»، «تاریخ اسلام کبیر»، «تذکره الحفاظ» و «میزان الاعتدال فی نقد الرجال» است.

در کنار این به فضلاء و ادیبان نیز باید اشاره کرد که در گسترش ادبیات اسلامی نقش به سزایی داشتند. حاکمان سلجوق چون علی برتگین، قلیچ تمغاچ، طغرل‌بن ارسلان، جلال‌الدین ملکشاه، سلطان سنجر، طوغان شاه و سلیمان‌بن سلطان محمد، گذشته از اینکه خود مورد عنایت شاعران بودند، در حوزه ادبیات و شعر فارسی نیز ید طولانی داشتند. و ادیبان و شاعران آن عصر را نیز مورد تفقد و توجه قرار می‌دادند.

قاضی برهان الدین احمد (متوفی ژوئیه ۱۳۹۸) که در نیمه‌ی دوم قرن چهاردهم می‌زیست، نه تنها در سیاست بلکه با آثار علمی و اشعارش به سه زبان (ترکی، فارسی و عربی) در ادبیات نیز کسب شهرت فراوان نمود. این حکمران دانشمند اثر خود را به نام «اکسیر السعادات فی اسرار العبادات» در شب‌های زمستان سالی که به جنگ رفته بود نوشت. کتاب در سه باب تدوین گردیده است

قاضی برهان الدین کتاب تلویح سعدالدین تفتازانی را که در فقه است، نقادی کرده و با پرداختن اثری به نام ترجیح التوضیح به ردّ تلویح پرداخته است. وی سعدالدین را برای آنکه در آغاز اثرش نوشته بود که تحت تأثیر متفکران ایران قرار گرفته است، به نام عرفان ترک مورد اعتراض قرار داد. او از فقهای بزرگ مذهب حنفی بود.

در نظر ادبای برجسته‌ی عرب، اشعار عربی برهان‌الدین احمد، اشعاری نغز و قوی است. رباعیات و غزلیات او به زبان ترکی و لهجه آذری زبانی ناهموار دارد، امّا در میان این اشعار قطعات زیبایی نیز به چشم می‌خورد که انعکاس تخیّل زلال و روحیه خشن و جنگاور برهان الدین احمد است. از عناوین آثار مختلفی که در دسترس داریم، معلوم می‌شود که برهان‌الدین احمد، کتابخانه‌ای زیبا و معظمی داشته است. کتاب بزم و رزم عزیز استرآبادی، که منبعی در تاریخ آناتولی به شمار می‌رود و به فرمان قاضی برهان‌الدین احمد درباره‌ی وقایع ان عصر به رشته تحریر آمده است. روشنگر بخشی از تاریخ آناتولی است و از این لحاظ جزو آثار قابل ذکر است.

قاضی برهان الدین احمد نیز سه روز از هفته را به مباحثه با علماء اختصاص داده بود. علامه‌ی شیرازی مشهور در آغاز اثر خود، انتخاب سلیمانی ـ که برای سلیمان شاه جاندار اوغلی ـ حکمران قسطمونی، نوشت، آورده است که این حکمران با آنکه هنوز جوان است همه‌ی اوقات خود را صرف تمشیت امور کشور و محاضره با علماء کرده است.

در میان امرای آناتولی در قرن (۱۴/ م) (که همه بلا استثنا ترکمن بودند) مظفرالدین ارسلان، امیر قسطمونی، ارتنه حکمران سیواس، قاضی برهان الدین احمد، حاجی شاد گلدی، امیر آماسیه، عیسی‌بن آیدین و اسحاق بیگ صاروخان از حکمرانان دانشور زمان خود بودند. از میان امرای مذکور، ارتنه همسر خود را نیز در مناقشات و مباحثات علمی شرکت می‌داد. همان گونه که ابن بطوطه گفته است ارتنه زبان عربی را با فصاحت و سلاست تمام صحبت می‌کرد. وی خود مردی محقق و متتبع بود و در مسایل شرعی به «تقی‌الدین علی السبکی» (متوفی ۱۳۴۹ م) از علمای مشهور رجوع می‌کرد.

از دیگر تأثیرگذاران این دوره «بایرام خان» به عنوان نماینده‌ی تمدن مشرق زمین درخشیده است. بایرام خان از طایفه‌ی بهارلی قره‌قویونلوهاست و در تأسیس حکومت مغولان هند (بابریان) مخصوصاً همایون پسر بابر نقش اصلی داشته است. تا اینکه پس از فتوحات هندوستان و افغانستان به مقام وزیر اعظمی و سپه سالار همایون شاه ارتقاء یافته است. گذشته از این دارای قریحه‌ی شعری بوده اکثر اوقات خود را اهل فضل گذرانده است

در عهد گورکانی شاعران و دانشمندان را تشویق کرده و آنان را بزرگ داشته است و خود به زبان‌های فارسی، ترکی و حتی هندی شعر سروده است. اندیشمند انگلیسی به نام دنیسون راس درباره‌ی وی می‌گوید: «بایرام خان ستاره‌ی تابان و درخشانی که همواره به دربار همایون شاه و اکبرشاه پرتو افشانده و نورانی ساخته است، نام او در صفحه‌های تاریخ هندوستان در نیمه‌ی اول قرن شانزدهم جایگاه مخصوصی دارد. پسرش عبدالرحیم رحیمی ملقّب به خان خانان، سپه

سالار دستگاه اکبرشاه و جهانگیر نیز صاحب ذوق شعری بوده، دیوان شعری هم از او باقیست

یکی از شاعران برجسته قرن یازدهم ادبیات ترکمن، جهانشاه حقیقی قراقویونلی پسر قره‌یوسف است. او از دانش‌های ادبی، اجتماعی بهره‌ها داشت.

در زمینه‌ی تاریخ و تاریخ نگاری به کتاب‌های احسن التوریخ و تاریخ عالم آرای عباسی بسنده می‌کنیم که ترکمن بودند. احسن التواریخ تألیف حسن بیک روملو وقایع سال ۹۰۰ تا ۹۸۵ هـ را در برمی‌گیرد که شامل سلطنت‌های شاه اسماعیل اول، شاه طهماسب و اسماعیل دوم است. این تاریخ که نوعی تاریخ عمومی بوده با اسلوب گاهشماری تألیف یافته است. حسن بیک ملازم شاه طهماسب و از رؤسای لشکری او محسوب می‌شد. پاره‌ای از این کتاب به تاریخ سلطنت شاه اسماعیل ثانی معروف است.

تاریخ عالم عباسی از امهات کتب تاریخ دوره صفوی است. مولف آن اسکندربیک مشهور به منشی الترکمانی به سال ۹۶۸ هـ ولادت یافت. در جوانی به فراگیری علم سیاق پرداخت و سپس به علم انشا روی آورد و در علوم ادبی و شرعی نیز صاحب کمال شد. در سال ۹۹۵ هـ به سپاهگیری پرداخت و ملازمت شاه عباس اول یافت. سپس در دفترخانه همایونی در دفتر شرعیات به نویسندگی مشغول شد. اسکندربیک در خط نستعلیق تیزدست بود و بتدریج در فن انشا و تحریر کتابات و احکام همایونی سرآمد شد. از این رو مجموعه‌ای از منشآت از وی باقی است. اسکندر منشی تألیف تاریخ خود را از سال ۱۰۲۰ هـ ـ پایان سی‌ام سال سلطنت شاه عباس اول ـ شروع کرد و می‌خواست آن را در یک مقدمه و دو صحیفه و خاتمه بنویسد که به نگارش خاتمه موفق نشد و مقدمه و دو صحیفه را در سه مجلد تنظیم کرد. جلد اول شامل مقدمه و دوازده مقاله؛ جلد دوم رویدادهای سی سال اول پادشاهی شاه عباس اول (۹۹۶ تا ۱۰۲۵ هـ) و جلد سوم شامل وقایع دوازده سال آخر دوران شاه عباس است که به سال ۱۰۳۸ هـ ختم می‌شود. یکی از وجوه اهمیت این اثر، اشتمال آن بر احوال شاعران و عالمان و سادات و هنرمندان و ارکان دولت از وزیران و امیران و خوانین و وفیات آنهاست. مؤلف پس از اتمام ذیلی نیز بدان نوشت.

در زمینه‌ی عرفان اسلامی نیز شاگردان خواجه احمد یساوی مؤسس سلسله‌ی یسویّه که از خواجه یوسف همدانی (یوسف آتا) تربیت یافته در میان ترکمنان رواج و نفوذ فراوانی یافته است. به گونه‌ای که بعدها خواجه بهاء الدین نقشبندی مؤسس سلسله‌ی نقشبندیّه که پیرو و ادامه دهنده‌ی مسلک یسویه بود، تمام مناطق ترکستان، حتی جاوه را در برگرفت .از مشایخ بزرگ ترکمن میتوان: «حکیم سلیمان باقیرغانی» «سلیمان آتا» و فرزندش «حبّی آتا»، «شیخ سعید آتا»، «شیخ منصور آتا»، «زنگی بابا»، خواجه علاءالدین بخاری»، « صدرالدین آتا»، «سید احمد آتا»، «بدرالدین آتا»، «اندرجان صوفی سمرقندی»، «شیخ حبیب اله»، «شیخ الله یارابن تمریار» و بسیاری از عارفان دیگر را یاد کرد. که در حوزه‌ی عرفان اسلامی تأثیر فراوانی در اندیشه و خرد مردم و باروری فکری آنها داشته‌اند. این فرزانگان وارسته برای درک ژرفای این اقیانوس بیکران عرفان اسلامی غوّاصی کرده‌اند. در کنار این عارفان از اندیشمندان و بزرگانی چون: «دولت محمد آزادی»، «مختومقلی فراغی»، «مسکین قلیچ» و ... نام برد که اشعار عارفانه‌ی بسیاری سروده‌اند. و از بوستان معرفت و کمال گلی چیده‌اند و یا بوییده‌اند. تا نام باغبان آن، حضرت ختمی مرتبت محمد(ص) را در دل‌ها زنده دارند.

مخلص کلام اینکه بالندگی فکری اندیشمندان ترکمن در شکل‌گیری و توسعه تمدن بزرگ اسلامی، اهمیت شایانی داشتند. ترکمن‌ها به طور افتخار آفرین جایگاه خود را در والاترین تمدن اسلام تعیین کرده‌اند. اسلام میهن تمام انسان‌هایی است که در باور اسلامی ـ دینی پرورش یافتند و در آن زیستند.

برگرفته از کتاب دیباچه ای بر تاریخ اسلامی ترکمن ، تالیف: امانقلیچ شادمهر

"یادا دوشدو" "خدافرین" قارداشلیق و مدنیت کورپوسو

"YADADÜŞDÜ" XUDAFƏRİN" QARDAŞLIQ VƏ MƏDƏNİYYƏT KÖRPÜSÜ



آغابگیم آغا حاقیندا نه بیلیریک

AĞABƏYİM AĞA HAQQINDA NƏ BİLİRİK

پروفسور معارفعه حاجی اف
PROF.Dr.MARİFƏ HACIYEVA



ادبیات تاریخیمیزین هله ده ایندییه قدر هئچ آچیلمامیش و یا آچیلمیش صحیفه لری واردیر کی، اونلاری آرالاییب-آختارماق، تدقیق و تحلیل ائدیب خالقا چاتدیرماق خیدمت، قایغی و خئرخواهلیق ایفاده‌سی اولماقلا، اصیل وطنداشلیق بورجو، میللی-معنوی دیرلر، خالقین تاریخی وارلیغینا احتیرام و سئوگینین ایفاده‌سیدیر.

ادبیاتیمیز اؤز یارادیجیلیقلاری ایله نه قدر زنگین و درین کؤکلره صاحیب اولسا دا، اونون یارادیجیلارینین موعین تاریخی سببلر اوزوندن ایتیب-باتمیش، یازییا آلینمیش و یا آلینمامیش ادبی نومونه‌لرینی یارادان شخصیتلرینه دؤنه-دؤنه موراجیعت ائدیب اونلاری آراشدیرماق، اؤیرتمک و تقدیم ائتمک لازیم گلیر.

بئله آراشدیرمالار مدنیت، ادبیات تاریخیمیزه قییمتلی هدیه اولا بیلر.

اون سککیز عصر آذربایجانین خانلیقلار دؤورو و اون دوققوز عصرده آذربایجانین ایستیلا ائدیلمه‌سی دؤورونده چوخلو قارانلیق مقاملار و بو قارانلیقلار

ایچینده ادبی سیمالار دا مؤوجوددور کی، بونلارین بیر قیسمی ادبیات تاریخینه یا هئچ تقدیم ائدیلمه میش، یا آز و یا دوغرو-دوروست تقدیم ائدیلمه میشدیر.

معلومدور کی، نادیر شاه افشارین (۱۶۸۸-۱۷۴۷) اؤلدورولمه‌سیندن سونرا اونون قوردوغو ایمپئرییا داغیلماغا باشلادی و ایران، اورتا آسیا و آذربایجاندا موستقیل و یاریم موستقیل خانلیقلار یاراندی. واحید ایقتیصادی و سیاسی مرکز اولمادیغی اوچون داخیلی ایلیشکیلری ده ضعیف اولان آذربایجان تورپاقلاری



اون سککیز عصر بویونجا اون سککیز خانلیق و بئش سولطانلیغا بؤلونه‌رک موستقیللیگینی ایتیرمیشدی. روسیا و ایران ساواشلارینین مئیدانینا چئوریلمیش آذربایجان خانلیقلاری بو سببدن ضعیف دوشموش، ایستیلایا معروض قالاراق آراز بویو ایکییه بؤلونموشدور.

جمعی ۴۹ ایل عؤمور سورن (۱۷۸۲-۱۸۳۱)قاراباغ خانی ایبراهیم خلیل خانین قیزی آغابگیم آغانین طالعیینه بو کئشمکئشلی بؤلونمه‌نین آجی نتیجه لری ده یازیلدی.

۱۷۸۲-جی ایلده قاراباغ خانلیغینین پایتاختی شوشادا دونیایا گؤز آچان، ۱۸۳۱-جی ایلده ایرانین قوم شهرینده دونیاسینی دییشن قاراباغ خانی ایبراهیم خلیل خانین قیزی ایران شاهی فتحعلی شاه قاجارین قانونی زؤوجه‌سی اولموش و اون سککیز-اون دوققوز عصر آذربایجان و ایران ادبیاتیندا یئتیشمیش فیطری ایستعدادی، عاغلی، ذکاسی، گؤزللیگی و غئیرتی ایله دیللر ازبری اولان بیر شاعیره خانیمین ایتیب-باتمیش پوئزییا اینجیلرینی آراییب اوزه چیخارماق، اونون حاقیندا بیلینن و بیلینمه‌ین حقیقتلری شرح ائدیب دؤورون تاریخی و ادبی سالنامه‌سینه نظر سالماق مقصدیله یولا چیخاراق ایندییه قدر یازیلمیش و دئییلمیش فیکیرلری، اوخودوغوموز کیتابلاری بیر داها ورقله دیک. بو قناعته گلدیک کی، او، فیطرن ایستعداددیر، ادیبدیر، ناطیقدیر، هم ده بیر وفا سیمووولودور. بئله بیر تاریخی شخصیتی اؤیرنمک، یئنی نسله اونو بیر داها تانیتماق میللی-معنوی دیرلریمیزه بیر حؤرمت و احتیرامدیر.

اون سککیز-اون دوققوز عصرلرده آذربایجانین باشقا خانلیقلاری کیمی قاراباغ خانلیغی دا ایران و روسیا آراسیندا ساواش مئیدانینا چئوریلیردی. «آغابگیم آغا جاوانشیر» اثرینین مؤلیفی مهریبان وزیرین یازدیغی کیمی «ایران شاهلاری قاراباغی قافقازین قاپیسی سایین و آزاجیق گوجلنن کیمی بو قاپیدان ایچری سوخولماق ایسته‌ییردیلر».

«قافقازا آیاق آچمیش روسیا ایسه قاراباغی ایرانین قاپیسی سایین و اورتا شرقه مئیدان اوخوماق اوچون

بو قاپینی اله کئچیرمک ایسته‌ییردی» (باخ: مهریبان وزیر. آغابگیم آغا جاوانشیر. باکی، ۲۰۱۶، ص. ۴۰).
ایراندا شاهلیق ائدن قاجارلار اؤزلرینی قاراباغلی ساییردیلار. ایراندا شاهلیق تاجینا صاحیب اولاناغا محمد شاه قاجار قاراباغا ۱۹۷۵ و ۱۹۹۷-جی ایللرده ایکی دفعه یوروش ائدیر. بیرینجیده قاراباغ خانی ایبراهیم خانین قارداشی اوغلو، جسور سرکرده محمدبی جاوانشیر طرفیندن مغلوب اولوب، گئری دؤنمه‌یه مجبور اولور. ۱۹۹۷-جی ایلده ایسه قاراباغی اله کئچیرن محمد شاه قاجار شوشادا اؤلدورولور. منبعلرده یازیلیر کی، «شوشا اهلی و بوتون کوللو قاراباغ قاجار شاهین قطعلینی محمدبگین ایاغینا یازمیشدی» (باخ: مهریبان وزیر. آغابگیم آغا جاوانشیر. باکی، ۲۰۱۶، ص. ۹۵).
آغا محمد شاه قاجار ۱۸۹۷-جی ایلده شوشادا قتله یئتیریلدیکدن سونرا قارداشی اوغلو و واریثی فتحعلی شاه ایراندا سلطنت صاحیبی اولور. او، قاراباغ خانی ایبراهیم خانا مکتوب گؤندریب عمیسینین قاتیللرینی طلب ائدیردی. بو مکتوبدا ایبراهیم خلیل خانین قارداشی اوغلو محمدبی جاوانشیرین ده آدی واردی. فتحعلی شاه اونو قولوباغلی ایران شاهینا تحویل وئرمگی طلب ائدیردی.
محمدبگین علئیه دارلاری ایبراهیم خانی اینانديرماغا چالیشیردیلار کی، یا محمد بیی شاها تحویل وئرمه‌لیسن، یا دا شاهلا دوشمنچیلییه گئتمه لیسن. ایبراهیم خلیل خان اونو شاها تحویل وئرمگی ائل ایچینده بؤیوک تؤهمت ساییردی. اونون قاراباغدان اوزاقلاشماسینی ایسته‌دی و بونونلا دا نادیر شاها محمدبگین فرار ائتدیگینی دئیه‌جکدی. خانین بو تکلیفی محمدبه‌یه چاتدیریلیر. او، قاراباغی ترک ائدیر.
فتحعلی شاه و ایبراهیم خان آراسیندا سیاسی سؤودشمه‌لر نتیجه‌سینده فتحعلی شاه قاجار قاراباج خانی ایبراهیم خلیل خاندان قیزی آغابگیم آغانین حرمخاناسینا گؤندریلمه‌سینی طلب ائدیر. ایبراهیم خان ۱۸۰۰-جو ایلده ۲۰۰-دن آرتیق خیدمتچیسی ایله قیزینی تهران ساراییندا گؤندریر. شعیر یازماق سریشته‌سی اولان شاعیر طبیعتلی آغابگیم آغا عمیسی اوغلو محمد بیی سئوسه ده، عؤمرونون سونراکی ایللرینی فتحعلی شاهین ساراییندا شاهین سئویملی «شاه بانو»سو («شاهخانیم») اولاراق یاشاییر. دئییلنه گؤر، شعیرلرینی چوخ واخت «آغاباجی» ایمضاسی ایله ده یازیر.
قاراباغین جاوانشیر نسلیندن اولان قاراباغ خانی ایبراهیم خلیل جاوانشیرین قیزی، ۱۸۰۰-جو ایلدن ایران شاهی فتحعلی شاه قاجارین «شاه بانو»سو آغابگیم آغا جاوانشیرین ایندییه قدر یادداشلاردا یاشاییب و آفوریزمه دؤنن بیر-ایکی میصراعسی و دیگری ده بایاتیدان اولان ایکی شعیری وار کی، بو شعرلری بوگون ده حافظه‌لرده یاشاییر.
آغابگیم آغانین آفوریزمه دؤنموش مشهور

افسوس کی، یاریم گئجه گلدی، گئجه گئتدی،
هئچ بیلمه‌دیم عؤمروم نئجه گلدی، نئجه گئتدی

بئیتینین گنجلیگینده درین محبتله سئودیگی عمیسی اوغلو محمدبی جاوانشیر اوچون دئییلدیگی سؤیله‌نیلمکده‌دیر.
بیر روایته گؤره گؤزل آغابگیم آغا گنج یاشلاریندا عمیسی اوغلو، ایگیدلیگی و مردلیگی ایله آد قازانمیش، گؤزل قامتلی محمدبی جاوانشیره عاشیق اولور. محمدبی قاراباغ خانلیغیندا قوشونا باشچیلیق ائدیرمیش. او، بیر گئجه واجیب بیر مسله اوچون شوشای عمیسی ایبراهیم خانلا گؤروشور، همین گئجه ده گئرییه - دؤیوشن قوشونون یانینا قاییدیر. گؤزو یولدا اولان آغابگیم آغا همین بیتی سؤیله‌ییر.

باشقا بیر منبعده - یازیچی-ژورنالیست صابیر گنجه لینین «هر سطیرده بیر تاریخ...» کیتابیندا ایسه اوخویوروق: «دئییلنه گؤره زفاف گئجه‌سینده فتحعلی شاه آغا بییم آغا ایله قیسا صؤحبتدن سونرا اوتاقدان چیخیب گئتمیشدیر. گویا آغابگیم آغا دا بو حادیثه دن عصبلشه‌رک قاراباغدان اؤزو ایله گلمیش دسته‌نین باشچیسینا گؤستریش وئریر کی، آتاسینین ائوینه قاییتماق اوچون حاضیرلیق گؤرسون. شاه بو خبری ائشیتدیکده چوخ حیددتله نیر و اونون قاراباغا گئتمه‌سینه ایجازه وئرمیر. آغابگیم آغا سحریسی گون فتحعلی شاها شیکایتله دولو مکتوب یازیر و مکتوبون یوخاریسینا بیر قزلینی علاوه ائدیر. همین قزلدن آنجاق آشاغیداکی میصراع یادداشلاردا قالیر:

افسوس کی، یاریم گئجه گلدی، گئجه گئتدی،
هئچ بیلمه‌دیم نئجه گلدی، نئجه گئتدی. (ص. ۳۶).

آغابگیم آغانین ایندی ده دیللر ازبری اولان ایکینجی شعری ایسه آشاغیداکی بایاتیدیر:

عزیزیم قاراباغ،
شکی، شیروان، قاراباغ،
تهران جنّته دؤنسه،
یاددان چیخماز قاراباغ.

بو مشهور بایاتیدا قاراباغ، تهران، شکی، شیروان آدلارینین بیر بایاتیدایفاده ائدیلمه‌سی چوخ دوشوندوروجودور.

وطنی قاراباغدان ایستگی اولمادان سیاست نامینه زورلا تهرانا - شاه سارایینا گؤندریلن آغابگیم آغا اوچون فتحعلی شاه تهراندا جنّت میثاللی بیر گؤزللیک یاراتسا دا، او، یئنه عزیز وطن اولان قاراباغی دوشونور، شکی و شیروانی دا خاطیرلاماغی اونوتمور. چونکی اونون ناکام محبتی عمیسی اوغلو محمد جاوانشیری ایبراهیم خلیل خان تاخت-تاج حریصلیگیندن یارانان قیسقانجلیغی نتیجه‌سینده سیاستله قاراباغدان شکی خانلیغینا فرار ائتدیریلمیشدی. شکی خانی کور محمدحسن خانین خیانتی ایله محمد جاوانشیرین شیروان خانی موصطافا خانا گؤندریلمه‌سی و موصطافا خانین اینتیقامچی جینایتی نتیجه‌سینده اونون قتله یئتیریلمه‌سی آغابگیمین هله قاراباغدا اولدوغو گونلرده باش وئرمیشدی. بو، آمانسیز حادیثه شاعیر طبیعتلی آغابگیم خانیمین هئچ یادیندان سیلینردیمی؟ بیزجه، بایاتیدا آذربایجان خانلیقلاریندان ایکیسینین - شکی و شیروانین آدینین چکیلمه‌سی ده تصادوفی دئییل. ائله «قاراباغ شیکسته‌سی» ده بلکه ائله بو مشهور بایاتینین اووقاتیندان یارانیب یانیقلی بیر سیمفونییایا دؤنوب.

زمانه‌سینین ذکالی و عاغیللی خانیمی، مودریک کلاملاری ایله دیقتچکن آغابگیم آغا حاقیندا بیر چوخ منبعلرده معلوماتلارا راست گلینیر. بونلاردان بیری روس سیاحی پ.کووالئوسکینین «ПИСКИЗ او грузии» («گورجوستان حاقیندا قئیدلر») اثرینده‌دیر. اثرین «قاراباغ» باشلیغی حاقیندا اولان فصلینده کووالئوسکی آغابگیمین چوخ عاغیللی اولدوغونو، ایراندا آدینین حؤرمتله «آغابگیم» دئیه چاغیریلدیغینی، اینگیلیس کرالی بیر گئورقون ایرانا گلدیگی زامان اونونلا گؤروشدویونو قئید ائدیر.

باشقا بیر معلومات خان قاراداغینین تذکیره‌سینده وئریلمیشدیر. قاراباغی اؤز تذکیره‌سینده آغابگیم آغانین شوشادا آنادان اولدوغونو، ایراندا قریبلیک حیاتی کئچیردیگینی و تخمینن ۵۰ یاشیندا وفات ائتدیگینی قئید ائدیر و آذربایجان دیلینده‌کی شعرلریندن قاراباغ حاقیندا دئدیگی آشاغیداکی جیناس بایاتیسینی میثال چکیر:

من عاشیقم قاراباغ،
قارا سالخیم، قارا باغ.

تهران جنّته دؤنسه،
یاددان چیخماز قاراباغ.
آغابگیم آغا جاوانشیر حاقیندا باشقا بیر معلوماتا دا پروف. فیض الله قاسیمزاده نین اثرینده راست گلیریک. ف.قاسیمزاده منبع اولاراق پ.کووالئوسکینین اثرینه ایستیناد ائدیر و آغابگیم آغانین حیاتینا عایید معلوماتین همین اثرده یئر آلدیغینی دیقته چاتدیریر. پروف. ف.قاسیمزاده آغابگیمین مشهور بایاتیسینی دا میثال گتیره‌رک، اونون اوستاد قلمینه ایشاره اولاراق یازیر کی، بو بایاتیدان آغابگیمین اؤز موعاصیرلری آشیق پری، محمدبی عاشیق کیمی شیفاهی خالق یارادیجیلیغیندان ایستیفاده ائده‌رک آشیق شعری سپگیسینده یازدیغی معلوم اولور.

آذربایجاندا آغابگیم آغا حاقیندا آراشدیرمالار آپارمیش عالیملردن بیلر محمدوو ۱۹۸۹-جو ایلده یازدیغی «ناتوانین شاعیر قوهوملاری» کیتابیندا اون دوققوز عصرده یاشامیش شوشا خانی مئهریبان خانیم قیزی و «خان قیزی» آدی ایله مشهور اولان خورشودبانو ناتوان (۱۸۳۲-۱۹۸۷) حاقیندا معلومات وئرمکله، ناتوانین بیبیسی آغابگیم آغانین آنا دیلینده و فارس دیلینده شعرلرینین اولدوغونو یازیر.

آغابگیم آغا حاقیندا آراشدیرما آپاران بیلر محمدوو بو کیتابیندا ۱۸ یاشلی آغابگیم آغانین وطنیله ویدالاشیب تهرانا یولا دوشمزدن اول وطنی شوشایا یازدیغی فارس دیلینده‌کی آشاغیداکی روباعیسینین اولدوغونو یازیر. بیلر محمدوو همین روباعینین فارسجاسینی و آذربایجان دیلینه ترجومه‌سینی ده وئرمیشدیر. روباعینین فارسجاسینی بیلر محمدوو کیتابیندا بئله تقدیم ائدیر:

خرم اون که به سر کوی تو جای دارد،
که سر کوی تو خوش آب و هوای دارد.
به صفر رفت دلم شد جره‌سی نافله او،
رسم اینست که هر آنچه دارای دارد.

روباعینین ترجومه‌سینی ایسه بیلر محمدوو بئله تقدیم ائدیر:

سنده مسکن سالان نه بختییاردیر،
صفالی قوینون، خوش آب-هاوان واردیر.
دوه‌نین بوینوندا صفره چیخان،
زنگ کیمی کؤنول ده سنه باغلیدیر.
(باخ: آدی کئچن کیتاب، ص. ۱۴)

بیلر محمدوو همین کیتابیندا شیرین صؤحبتلری یوکسک اینتئللئکتی، ظریف رفتاری ایله آغابگیم آغانین ایران شاهی فتحعلی شاه قاجاری اؤزونه رام ائتمه‌سیندن، ۱۸۱۴-جو ایلده اینگیلتره کرالی بیر گئورقو یوکسک سلیقه و ادب قایدالاری ایله قارشیلاماسینا گؤره اونو کرال موکافاتینا لایق گؤرمه‌سیندن صؤحبت آچیر. اونون کدرلی میصراعلارینین شخصی فاجیعه سی ایله علاقه دار اولدوغونو یازیر.

بیلر محمدوو آغابگیم آغانین فارسجا یازدیغی بیر نئچه میصراعنی آذربایجان دیلینه ترجومه ائتمیش و بو میصراعلاری محمد حسن آغانین «خیرات الحجان» کیتابیندان گؤتوردویونو یازیر. همین میصراعلار بئله‌دیر:

چوختم از آتشین قم، نصیحتا کی ز منی،
میزنی بر آتشم دامن برو، خاموش باش.
تا حشر نویسند اگر می نشوند کی،
نه دفتری حسن تو، نه طومار فراقت.

بیلر محمدوو همین میصراعلارین آذربایجان دیلینه سطری ترجومه‌سینی ده وئرمیشدیر:

یانیرام قم اودونا، نصیحت بونجا یئتر،
سن اتگینله بو اودو آلیشدیریب گئت، ساکیت اول.
تا قییامته قدر یازیلسا قورتارماز،
نه سنین گؤزللیگینین دفتری، نه منیم آیریلیغیمین

حکایتی. (باخ: بیلر محمدوو.«ناتوانین شاعیر قوهوملاری».باکی: یازیچی، ۱۹۸۹، ص. ۱۶).

بیلر محمدوو آراشدیرما نتیجه‌سینده موعین ائتمیشدیر کی، آغابگیم آغانین فارسجا یازدیغی بیر فخرییه‌سی سحو اولاراق آغابگیم آغانین موعاصیری اولان گؤوهر آغانین (۱۷۹۶-۱۸۸۸) آدینا یازیلمیشدیر. حالبوکی همین فخرییه آذربایجان الیازمالاری فونوندارفده آغابگیم آغانین آدینا ایستینادن ساخلانیلیر. تدقیقاتچی همین فخرییه‌نی آذربایجان دیلینه ترجومه ائدیب ۱۲ یانوار ۱۹۷۷-جی ایلده «باکی» قزئتینده نشر ائتدیرمیشدیر. همین فخرییه بئله‌دیر:

اگر کوله‌یه وئرسم زولفی-عنبرفیشانی،
سالار تورونا بیر-بیری صحرا آهولارینی

ایستسم سیرنه چیخان گونون خوش بیر چاغیندا،
بوتون عاشیقلرینین گؤیه چیخار افقانی.
بو نرگیز گؤزلریمه سورمه چکه‌سی اولسام،
باتیرارام توزونا تامام جومله-جاهانی.

کیفایتدیر بیر شیوم، مین اؤلویه جان وئر،
اعجازیملا سالام حئیرته مسیحانی.
اگر دوشسه گوزاریم بیر زامان کلیسای،
ایمانه گتیررم او کافر قیزلارینی.

یئریشده ککلییم من، اوچاندا دا شاهبازام،
بیر قارنیمدا اوولارام پادیشاهی-اونقانی.
(باخ: بیلر محمدوو، ص. ۱۷-۱۸).

گؤرکملی تدقیقاتچی-عالیم، پروفسور عزیزه جعفرزاده «آذربایجانین آشیق و شاعیر قادینلاری» آدلی کیتابینین بیر جیلدینده و «آذربایجان قادین شاعیرلری آنتولوگییاسی» (باکی، آوراسیا پرئس، ۲۰۰۵) کیتابیندا آغابگیم آغانین فارس دیلینده شعرلرینین اولدوغونو و آذربایجان دیلینده هله‌لیک بیر بایاتی و بیر قزلیندنمتله بیتینین علم عالمینه بللی اولدوغونو ایفاده ائده‌رک یازیر کی، «آذربایجانجا بیر بایاتیسی و بیر قزلیندن مطلع بیتی قالمیشسا دا، فارسجا شعرلرینده‌کیروانلیق، یوکسک بدیعی کیفیت اوندان قابیلیتلی بیر شاعیره کیمی بحث ائتمه‌یه ایمکان وئریر» (باخ: «آذربایجان آشیق و شاعیر قادینلاری». باکی، ۱۹۷۴، ص. ۲۰-۲۱).

عزیزه جعفرزادنین آغابگیم آغایا ایستیناد ائتدیگی بایاتی و ایکی میصراع یوخاریدا وئردیگیمیز نومونه لرده قئید اولونان شعرلردیر.

عزیزه جعفرزاده نین «آذربایجان آشیق و شاعیر قادینلاری» کیتابیندا آغابگیم آغانین آذربایجان دیلینه ترجومه ائدیلن آشاغیداکی شعری ده وئریلمیشدیر.

او کس بختوردیر کی، خوشبختدیر کی، ای جانان،
اؤزونه منزیل ائدیب یاخین یئرده باغیندان.

سنین او گول باجچانین عطیرلیدیر هاواسی،
منیم ده بو کؤنلومون یالنیز اودور داواسی.
او صفره چیخاندا من غوصه یه دالارام،
دوه‌سینین بوینوندا اؤزوم بیر زنگ اولارام.

۲۰۰۸-جی ایلده باکیدا نشر اولونان، مؤلیفلری میلت وکیلی ملاحت حسنووا و شرف جلیلی، اؤن سؤز مؤلیفی آکادئمیک رامیز مهدییئو اولان «آذربایجان میللی دؤولتچیلیک تاریخینده قادینلار» آدلی فوتو-آلبومدا دا آغابگیم آغایا خیلی یئر وئریلمیش، آغابگیمین فتحعلی شاه قاجارین ساراییینا گؤندریلمه سینین سببی آشاغیداکی شکیلده آچیقلانمیشدیر: «شاه ایسماعیل ختایی، قوبالی فتحعلی خاندان سونرا بوتؤو آذربایجان ایدئیاسی ایله چیخیش ائدن آغا محمد شاه قاجار ایدی. اونون اؤلوموندن سونرا قاراباغی ایشغال ائدن فتحعلی شاه قاجار بوتؤو

آذربایجان سیاستینی یاریمچیق قویدو. فتحعلی شاه قاجار قاراباغ خانی ایبراهیم خلیل خاندان هر ایکی طرفین خاطیرجملیگی اوچون قیزی شاعیره آغابگیم آغانین شاهین حرمخاناسینا گؤندریلمه‌سینی طلب ائدیر. آغابگیم آغا ۲۰۰-دن آرتیق خیدمتچیسی ایله تهران سارایینا گؤندریلیر» (ص. ۱۲۳).

یئنه همین کیتابدا اوخویوروق: «دئییلنه گؤر، آغابگیمین فیطری ایستعدادی، قنیرسیز گؤزللیگی، سه گاهی، قاراباغ شیکسته‌سینی یانیقلی-یانیقلی اوخوماسی، خالق ماهنیلارینا اؤزونمخصوص خاللار علاوه ائتمه‌سی فتحعلی شاهی قاراباغ گؤزه‌لینین اؤنونده قولوباغلی قولا چئویریر» (ص. ۱۲۴).

یئنه همین کیتابدا ۱۸۱۱-جی ایلده اینگیلتره‌نین ایرانا تعیین ائتدیگی سفیر سر اوزئرلینین واسیطه سیله اینگیلتره کرالی و کرالیچاسی آدیندان آغابگیم آغایا آلمازلا ایشلنمیش آرخالیق باغیشلانیلدیغی قئید اولونموشدو.

بو فوتو آلبومدا آغابگیم آغانین حاقیندا معلوماتلارا رغمن اونون شعرلریندن نومونه‌لره راست گلیریک.

یازیچی-ژورنالیست عالیم سابیر گنجه‌لی «هر سطیرده بیر تاریخ» آدلی کیتابیندا یازیر: «اوشاقلیق و گنجلیک ایللرینی قاراباغدا کئچیرن آغابگیم آغا آتاسینین وزیری، گؤرکملی شاعیر مولا پناه واقیفین یئتیشدیرمه‌لریندندیر. آذربایجان و فارس دیللرینی موکمل بیلن بو خان قیزی هر ایکی دیلده گؤزل شعرلر یازمیشدیر» (باخ: «هر سطیرده بیر تاریخ». باکی، ۱۹۹۴، ص. ۳۶).

همین کیتابدا دا یوخاریدا دفعه لرله قئید ائدیلن بیر مشهور بایاتی و ایکی میصراع شعر نومونه‌سیندن باشقا آغابگیم آغانین باشقا شعرلرینه راست گلمه دیک.

آذربایجاندا یازیلان ایکی روماندا - یوسیف وزیر چمنزمینلینین۱۹۳۶-جیلده یازدیغی «قان ایچینده» رومانیندا (باخ: ی.چمنزمینلی. اثرلری. ایکی جیلد، ص. ۴۸۵-۶۴۸) اون دوققوز عصر آذربایجان خانلیقلارینین، خوصوصن قاراباغ خانلیغینین تاریخی فاجیعه سی عکس اولونموشدور. روماندا آغابگیم آغا، سرکرده محمد بی جاوانشیر و ایران شاهی فتحعلی شاه قاجار حاقیندا ائپیزودلار مؤوجوددور. بو ائپیزودلاردان بیری بئله‌دیر: «آغابگیم آغا فتحعلی شاهین او قدر خوشونا گلمیشدی کی، اونا باش حرملیک وئرمیش و اؤزونه ده باشدان-آیاغا اینجی ایله ایشلنمیش بیر دون باغیشلامیشدی. لاکین آغابگیم همیشه اؤز وطنینی آرزولایير و اؤزونون یازدیغی بو بایاتینی اوخویوردو:

من عاشیقم قاراباغ،
شکی، شیروان، قاراباغ.
تهران جنّته دؤنسه،
یاددان چیخماز قاراباغ!

فتحعلی شاه بونو ائشیدیب، آغابگیمدن اینجیمیشدی. آغابگیم ایسه اونون فیکرینی یاییندیرماق اوچون دئمیشدی: «من ائله یازمامیشدیم. من یازمیشدیم کی، «تهران جنّته دؤندو، یاددان چیخدی قاراباغ» (باخ: ی.بش.چمن-زمینلی. اثرلری. ایکی جیلد. باکی: علم نشریاتی، ۱۹۷۶، ص. ۷۰۵-۷۰۶).

بو روماندا دا آغابگیم آغانین یوخاریدا آدی چکیلن



بایاتی نومونه‌سیندن باشقا شعرینه راست گلمه‌دیک. سون ایللرده مهریبان وزیرین یازدیغی «آغابگیم آغا جاوانشیر» (باکی، ۲۰۱۶) اثرینده تاریخی معلوماتلار و آغابگیم آغانین یاشاییب-یاراتدیغی موحیط حاقیندا داها زنگین بیلیکلر مؤوجوددور.

مؤلیف آغابگیم آغانین و قاراباغین طالعییندن بحث ائدن بئله بیر اثری یازماقلا ایکی هدفدن بیرینین آغابگیم آغانی تانیدیغیمیز قدر تانیتماق اولدوغونو، دیگرینین ایسه آغابگیم آغانین فعالیتینده‌کی قاراباغ یانغیسینی دریندن اؤیرنمگین گرکلیگینی قاراباغشوناسلیقدا اولان بوشلوق کیمی آذربایجان تاریخچیلرینین دیقتینه چکمک اولدوغونو قئید



ائدیر. مؤلیف آشاغیداکیلاری یازیر: «...خانقیزی دونیایا آغا اولاراق گلدی، چونکی دوغولوشدان ایری مولکیت صاحیبی ایدی. آتاسینین ثروتیندن، آناسینین جئهیزیندن پایی واردی. قاراباغدا مولکیت صاحیبی اولان خانیملار «آغا» عونوانی داشیییردی» (ص. ۱۴).

«او، فیطرن ایستعدادلیدیر، شاعیردیر، ادیبدیر، بسته چیدیر. اؤزو ده... بیر وفا سیمگه‌سیدیر» (ص. ۶).

«آغابگیم آغا میللی گوونج کیمی اؤیرنمه‌لی، میللی دیر کیمی اؤیره‌دیلمه‌لیدیر» (ص. ۶).

مهریبان وزیر آغابگیم آغایا ایستیناد ائدیلن

حسنون تعریفینی حشره قدر یازسالار،

نه تعریفین قورتارار، نه حسرتین آزالار»

بیتینین یازیلما تاریخینین محمد بی جاوانشیری یارانماسی ایله باغلی اولدوغونو یازیر: «هیجران یاراسینین قیلینج یارالانماسی داها بئتر اولدوغونو توتیه کیمی نغمه‌لرینده دیللندیرمیشدی. تعریفی ائللرده گزن ایگیدین یاراسینین ساغالیب آیاغا قالخاجاغی او موبارک گونو حسرتله گؤزله‌دیگینی زررین بیر دیلله قلمه آلمیشدی» (ص. ۶۶).

مهریبان وزیر آشاغیداکی بایاتینی دا آغابگیم آغایا ایستیناد ائدیر:

گؤز الیننن، داد... آمان... گؤزه لیننن،

یاریمی اؤزگه‌لره وئردیم، اؤزوم اؤز الیمنن (ص. ۸۱)

آغابگیم آغانین حیاتی، دیللرده یاشایان ایکی شعری حاقیندا عالی و اورتا مکتب درسلیکلرینده، درس وسایتطینده ترتیب اولونموش آنتالوگییالاردا قیسا، ییغجام معلوماتلار دا مؤوجوددور.

بو سطیرلرین مؤلیفینین پئداقوژی فعالیت گؤستردیگی آذربایجان دؤولت ایقتیصاد اونیوئرسیتتینده ۲۰۰۰-جی ایلده اونیوئرسیتتده یاییناناں «آذربایجان دیلیندن پراکتیکوم» آدلی درس وسایطینده ده طلبه‌لر اوچون اوخو ماتئریالی کیمی «آغابگیم آغا» متنی ترتیب ائدیلمیشدیر (ص. ۵۹-۶۱).

عاغیلی و ذکاسی ایله تانینان آغابگیم آغا حاقیندا یادداشلاردا یاشایان خاطیره‌لر واردیر.

«آغابگیم آغا ایرانداکی شعرلرینی «آغاباجی» لقبی ایله یازیردی. اونا «آغاباجی» لقبینی فتحعلی شاهین وئردیگی سؤیله‌نیلیر».

«آغابگیم آغا فتحعلی شاهی گؤزللیگی و عاغلی ایله رام ائدیب، شاهین یاتاغینا دئییل، کؤنلونه گیرمیشدی».

«منبعلرده فتحعلی شاهین کبینلی و صیغه آروادلارینین سایی ۲۰۰-دن آرتیق ایدی. اونلارین

آراسیندا آغابگیم آغانین آیریجا یئری وارمیش».

«۳۰ یاشلی فتحعلی شاها آغابگیم آغا اون ایکینجی آروادی اولاراق گلین گلمیشدی. بیر مودت سونرا محمدخان قاجارین قیزی آسیا خانیم مازاندارااندا وفات ائدیر. آغابگیم آغا شاهین دایمی کبینینه آلینیر».

«آغاباجی گؤزل و فوسونکار قیز ایدی. دئییرلر، هوندور بویلو، گؤزل قامتلی، خورمایی ساچلی و یاراشیقلی اوزو واردی. اونون طبیعی گؤزللیگیندن علاوه لطیف دانیشیغی، یاخشی شعر یازماغی وار ایدی. اؤزو ده یاخشی شعرشوناس ایدی. ادبی مجلیسلرده پرده آرخاسیندا اَیلشیب موذاکیره‌لرده ایشتیراک ائدردی».

«بیر دفعه قاراباغ شیکسته‌سینی اوخویان آغابگیمدن شاه سوروشور کی، بسته‌نین آدینا «قاراباغ شیکسته سی» دئینده نه دئمک ایستمیسن؟

آغابگیم: - «شاه ساغ اولسون، ائله هامیمیزی دئمیشم. ائله سنی ده، اؤزومو ده. سنین ده اصلین- نسلین قاراباغلی دئییلمی؟»

دئییرلر کی، آغابگیم هئی:

عزیزیم قاراباغ،

قارا سالخیم، قارا باغ.

تهران جنّته دؤنسه،

یاددان چیخماز قاراباغ.

-اوخودوغونو شاه سوروشدوقدا حاضیرجاواب آغابگیم آغا دئییر کی، شاه ساغ اولسون، سنه سحو چاتدیریبلار. من دئمیشم کی،

تهران جنّته دؤندو،

یاددان چیخدی قاراباغ».

«آغاباجی گنج اولماسینا باخمایاراق، فتحعلی شاهین یانیندا او قدر احتیرامی وار ایدی کی، شاهدان هر نه ایستسه ایدی، او قبول اولاردی. هردنبیر اؤلومه محکوم اولانلار اونون واسیطه‌سی ایله باغیشلانардی».

«قلبینده محمد بیین عشقینی یاشادان، یاستیغین آلتیندا محمد بی جاوانشیرین خاطیره دفترینی ساخلایان آغابگیمین دیلینده‌کی آد قاراباغ، قلبینده کی آد محمد ایدی».

«آغابگیم آغا فتحعلی شاهدان ۶ ایل قاباق وفات ائتدی. شاه اونون خاطیره‌سینه بیر آی ماتم ساخلادی».

«آغابگیم آغانین ادب-ارکان، سؤز اوستاسی و ناطیق اولماسی، بیر نئچه دیل بیلمه‌سی، دونیا ایشلریندن باش چیخارماسی فتحعلی شاهی حیران ائدیر. دیواندا چیخاردیغی فرمانلا اونو «شاه بانو» ائلان ائدیر.



«دئییلنه گؤره آغابگیمین فیطری ایستعدادی، قنیرسیز گؤزللیگی، سه گاهی، قاراباغ شیکسته‌سینی یانیقلی-یانیقلی اوخوماسی، خالق ماهنیلارینا اؤزونمخصوص خاللار علاوه ائتمه‌سی فتحعلی شاهی قاراباغ گؤزه‌لینین اؤنونده قولوباغلی قولاچئویرمیشدی. فتحعلی شاهین عؤمرو بویو اونون بیر سؤزونو ایکی ائتمه‌دیگی سؤیله‌نیلیر».

«فتحعلی شاه قاراباغ گؤزه‌لینه اولان بؤیوک سئوگیسینه رغمن قم شهرینده اونا سارای تیکدیریر و دئییلنلره گؤر، بو سارایین قاپی-پنجره‌سینی، هیجرلرینی گونچیخانا - قیبله‌یه دئییل، قاراباغا ساری قودورور، مؤحتشم بیر باغ سال‌دیریر و اورادا آغابگیم آغا قاراباغین مشهور«خاری بولبول»ونو اکدیریر».



آذربایجانداکی آراشدیرمالاردان آیدین اولور کی، آغابگیم آغانین بدیعی یارادیجیلیغیندان یالنیز بیر فخریه، فارسجا سؤیله‌دیگی بیر روباعی، دیللر ازبری اولان بیرجیناسلی بایاتیسی و آفوریزمه دؤنن بیر بیت وار. فتحعلی شاها سیاست نامینه هدیه گلین کیمی گؤندریلن آغابگیم آغانین عؤمرو و یارادیجیلیغی تهران و قم دا کئچمیشدیر. اونون بدیعی یارادیجیلیغی اساسن ایران موحیطینده یاییلمیشدیر. طبیعی کی، عؤمرونون تخمینن ۳۱ ایلینی ایران شاه سارایيندا کئچیرن، وطنی قاراباغ و ناکام محبت نیسگیلی ایله یاشایان یوکسک ایستعداد و مؤحتشم ذکا صاحیبی اولان آغابگیم آغا بو ایللرده‌کی دوشونجه و نیسگیللرینی سئوینج و کدرینی یازیلارییندا ایفاده ائتمیشدیر.

شاه سارایيندا دا بؤیوک حؤرمت و عزت صاحیبی، شاهین «شاه بانو»سو اولان منبعلرده ایستعدادلی شاعیر کیمی ده آدی کئچن یوکسک اینتئللئکت، نجیب اخلاق صاحیبی آغابگیم آغا آغاباجینین بدیعی یارادیجیلیغی اوتایلی، بوتایلی آذربایجاندا بیلدیگیم قدر هله ده لازیمینجا آراشدیریلمایيب. اونون ادبی اینجیلری تام اولاراق سو اوستونه چیخمایيب. اوتایلی، بوتایلی آذربایجانین هم شاعیره قیزی، هم گلینی، هم ده درد اورتاغی اولان آغابگیم آغا حاقیندا ایراندا یاییلانان یازیلانلاردان معلوم اولور کی، آغابگیم آغانین آشیق شعری اوسلوبوندا یازدیغی بیر الیازماسی اوزون ایللردیر کی، شاه سارایی کیتابخاناسیندا موحافیظه ائدیلیر.

م.ر.ویلاییینین ۱۹۴۶-جی ایلده تبریزده یاییلانان «آذربایجانین سسی» (تبریز، ۱۹۴۶، № ۱، ص. ۳۲-۳۷) مجموعه‌سینده «شاه دفترخاناسیندان اینجیلر» ایستیناد ائده‌رک آغابگیم آغانین یئددی قوشماسینی، اوچ گرایلیسینی و آلتی بایاتیسینی چاپ ائتدیردیگی منبعلرده یازیلماقدادیر. بو قزئتین همین نوسخه‌لرینی قوزیی آذربایجینین کیتابخانالارییندا تاپماق هله‌لیک مومکون اولمادی. اینانیریق کی، ایران آذربایجانیندا یاشایان سویداشلاریمیز، علم آداملاری آغابگیم آغانین مجموعه‌ده یاییلانان و بیزه معلوم اولمایان شعرلرینین «خدافرین» درگیسینده یاییلانماسینا جهد گؤسترەجکلر.

ایران منبعلرینده علی اکبرمشیری سلیمینین «زنان سخنور»، «تذکره خواتین»ده آغابگیم آغا حاقیندا معلوماتلارین یئر آلدیغی دا یازیلماقدادیر. بو معلوماتلارین دا «خدافرین» درگیسینده یاییلانیب علم عالمینه چاتدیریلماسی آرزوسوندایيق.

سئوگیدن آچیلان ایلهام یئلکه‌نی

SEVGİDƏN AÇILAN İLHAM YELKƏNİ

SÖHRAB TAHİR AZƏR-AZƏR
سؤهراب طاهیر آذر–آذر



آذربایجان یازیچیلار و آذربایجان ژورنالیستلر بیرلیکلرینین عوضوو،"عبدالله شایق " ،" نریمان نریمانوو " ،" قیزیل قلم " ،" قیزیل بوتا " ،موکافاتلاری لاورئاتی، " ایبرمی بیر عصرین ضیالیسی " ،فخری آدینا و "وطن اؤولادی " قیزیل مئدالینا لایيق گؤرولموش نغمه کار شاعیر و ایستعدادلی دراماتورق رامیز عبدالله یئو ایمضاسی آرتیق کیفایت قدر آذربایجان اوخوجوسونا تانیشدیر. ایندییه‌نه‌ده ک اونون ایشیق اوزو گؤرموش پیئسلری، شعر کیتابلاری بیزه بونو دئمه‌یه اساس وئریر.

بو گون ایسه رامیز موعلیم " آنا یوردوم منیم آذربایجانیم ! " آدلی یئنی شعرلر کیتابی ایله سیز اوخوجولارین گؤروشونه گلیر. بورادا مؤلیفین یورد سئوگیسیندن بحث آچان، آنا یوردونو وصف – ترننوم ائدن میصراعلارینین، گؤزللیگی تعریفه چکن نومونه‌لرینین سِحرینه دوشه‌جکسینیز، اولوی سئوگی دویغولارینین اؤز ایلهام یئلکه‌نینی آچدیغینین شاهیدی اولاجاقسینیز. بیر سؤزل، کیتابداکی شعرلرین هامیسینین بیر آنا قایناغی وار – یوردا سئوگی، گؤزله سئوگی، گؤزلییه سئوگی.

آدینین سونلوغو جانلا باغلیدیر،
شهیدلردن آخان قانلا باغلیدیر.
دونیادا شؤهرتین شانلا باغلیدیر،
آنا یوردوم منیم آذربایجانیم!

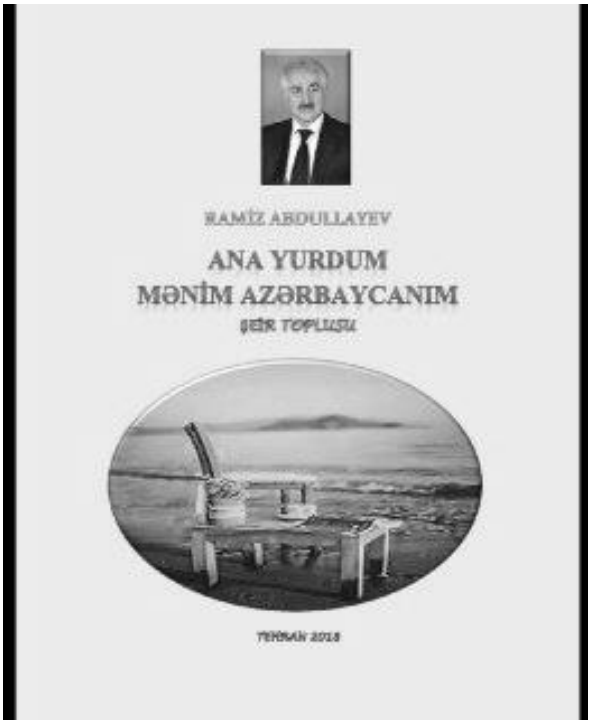
بندده‌کی وورغویا فیکیر وئرک: آذربایجان آدلی مملکتیمیزین آدینداکی سون هئجا " جان " حیصه جیيی ایله بیتیر. رامیز عبدالله یئو بو ایفادنی ائله–بئل، گلیشی گؤزل معنادا، داها دوغروسو، تصادوفی حیصه جیک حساب ائتمیر.

رامیزین شاعیرانه غریبه لیگی بو شعرده بورادادیر کی، "جان" ترکیبینه باشقالاریندان فرقلی شکیلد،تامیله فرقلی مضمون مضمون وئریر. بو مضمونون سیررینی ایکینجی میصراعدا باریاشا ایفاده ائدیر: " شهیدلردن آخان قانلا " باغلاییر بو معنانی. (باشقا سؤزله آذربایجان کلیمه‌سینده‌کی"جان" سؤزونو شهیدلرین جانی ایله باغلاییر.) بئله بیر فیکیر هاسیله گلیر کی، آذربایجان آدلی وطنیمیز شهیدلرین جانیندان آخان قانلا وطن یاشاییب، یاشاییر. بلی، بو، دوغرودان دا، بئله‌دیر، اگر تورپاق اوغروندا اؤلن اولورسا، او یورد، او تورپاق وطن اولور، وطن استاتوس قازانیر. باخ، بیزیم وطنیمیز، آذربایجانیمیز دا، اوغروندا قوربان گئدن قهرمانلارینین، شهیدلریمیزین آل–قانیحسابینا مؤوجود اولوب، مؤوجوددور...

باخ، رامیز عبدالله یئوین وطن سئوگیسی یوخاریداکی میصراعلارین روحوندان بو جور ایفاده اولونور، بیرمعنالیدیر.

باخ بئلجه، وطن سئوگیسینده بو جور صاف و صمیمی اولدوغو کیمی، گؤزللره قارشی ایلقاریندا، محبتینده ده باشقا جور ایصرارلیدیر، تمیزدیر.

"گولدور منی، گولسون او قارا گؤزلرین، ای گول " میصراعسی اوستونده باشلایان بیر نومونه‌ده ده بیز



عاشیقان، لیریک موضونون سِحرینه دوشوروک:

صافدیر سنه اولان بو عشقی–محبت،
قویما کی، باخا گؤزلری گؤزللرین، ائی گول.
رامیز، گئدیرم من گؤروشه یار ایله خلوت،
اولماز صبری–قراری دؤزنلرین، ائی گول.

بورادا بیر اینجه نوانسا دیقتی چکمک ایستردیک: "قویما کی، باخا گؤزلری گؤزللرین، ائی گول" میصراعسی. ینی لیریک عاشیق اوبرازی اؤز سئوگیلیسینی قیسقانیر و هم ده اؤزونو اؤز سئوگیلیسینه قیسقاندیرماق مقصدیل: "قویما منه باشقا گؤزلر ده باخسین، ای گول" دئیه موراجیعت ائدیر. ماراقلیدیر کی، قیسقانماق هر بیر سئون قلب اوچون تاثیر علامتیدیر. آما قیسقاندیرماق اؤزو بیر "کشفدیر"– ینی اؤزونو ایسته‌دیگینه قیسقاندیرماق ایستگی آرتیق سئوگیده‌کی،عشقده‌کیایفراط صافلیغا دلالت ائدن عامیلدیر. باخ، رامیز عبداللهیئوین میصراعلاریندان سوزولن سئوگی فرقی یوخدور، بو سئوگینین اوبیئکتی ایستر گؤزل اولسون، ایستر وطن اولسون، ایستر طبیعت اولسون، بئلجه پاکدیر و ایفراط درجه‌ده قیسقانجلیق دوغوران صاف سئوگیدیر.

یاخود دا بیر باشقا نومونه‌ده رامیزین سئوگی آنلاییشینا موناسیبتینه فیکیر وئرک:

بلکه ده بیر قدر غریبه گله،
واردیر مین سئوه‌نین، بیریسی ده من.
اعتیراف ائدنلر اونلاردی هله،
سوسوب، لال– دینمزدی، اؤلوسو ده من.

"سوسوب لال– دینمزدی، اؤلوسو ده من." بیر قدر غریبه منطیقله ایفاده ائدیلسه د، مثلاین مغزی بئله قویولوب کی، گؤزله خطابن بیلدیریلیر کی، بو گؤزلییه والئه اولوب ووروولانلارین بیری ده منم. بونونلا گؤزه‌لین پرستیشکارلارینین چوخ اولدوغو بیلدیریلیر، ینی حدسیز گؤزلدیر کی، بو قدر موشتریسی، سئوه‌نی وار، بونلاردان بیری ده منم دئیه اعتیراف ائدیر.

ایلک باخیشدان دوشونورسن کی، ه، نه اولسون کی: "بیریسی ده سن". آما دیگر ایکی میصراعدا فیکیر توندلشدیریلیر، سئوگیسینی آچیب اعتیراف ائدنلر اونلارلادیر، یوزلرله‌دیر، آما سوسوب، لال، دینمز اولانلاری دا وار. چونکی اسل سئوگی دیلسیز اولور، عاشیق سوسوب،لال، دینمز اولور. لاکین بو سوسماغین ایچینده داها سوسقون بیریسی وار کی،و نینکی سوسوب، لال اولوب، حتّی "اؤلوب ده" – اؤلو کیمی لال اولوب. باخ، بو موبالیغه اوسولوندان مؤلیف یئترینجه ایستیفاده ائدیب دئییر کی، بو سوسانلارین "اؤلوسو ده من"ام. اونا گؤره نؤوبتی بنده بیلدیریلیر کی، حتّی سؤزلری هوزوروندا دایانیب، سؤیله‌مک اوچون ازبرلسم د، یئنه ده بو سئوگی سؤزونو دیله گتیره بیلمرم.

یئکون بنده ایسه رامیز عبدالله یئو بیرباشا آچیقلاییر کی:

سنسیز بو دونیادا بوز تک دونارام،
اعتیراف ائتمکچون سنه سؤزومو.
ایضطیراب، عذابدان هئیکل قورارام،
سنه گؤسترمکچون عشقین اؤزونو.

"سنه گؤسترمکچون عشقین اؤزونو." بلی، بوز تک دونوب هئیکللشه‌جگینی دیله گتیریر. "عشقین اؤزونو گؤسترمک اوچون" سئوگی یولوندا چکدیگی ظلیت و عذابدان "هئیکل قورار"– هئیکله دؤنر فداکار عاشیق اوبرازی. هئیکل ایسه دینیب–دانیشماز، بو، معلوم حقیقتدیر.

رامیز عبدالله یئو قزل ژانرینا موراجیعت ائدنده ده طبیعی کی، گؤزله اولان اولوی سئوگیدن یانیقلی–یارالی بیر عاشیق فداکارلیغی ایله بحث ائدیر.

بیر باخیشی آتش یاخیر، دیگر باخیر چوخ سادجه
بلکه ده حیسئتمه‌ییب، یایدان آتیر اوخ سادجه...

بیر جومله ایله باشلایان "سادجه" ردیفلی قزلده چوخ ماراقلی بیر صحنه تصویر اولونوب. باخیشین بیریندن سئوگی آتشینین اله‌ییب یاغدیغینی گؤسترمکله، فیکریندن سادجه سویوقلوق یاغدیغینی ایفاده ائتمکله، اصلینده بیر تضاد، کونتراست یارادیب. بو تضادلی قوطبلرین فونوندا اؤز شاعیرانه دویغولارینی داها ائموسیانال طرزده ایفاده ائتمه‌یه شانس قازانیر. نؤوبتی بیر بنده یازیر کی:

بیر ملکدی، جنّتی ترک ائیله‌ییب گلمیش بورا
هئچ کسه بیلدیرمه‌دن مفتون ائدیر باخ، سادجه.

مؤلیف سئودیگی گؤزه‌لین جنّتی ترک ائدیب، اینسانلارین آراسینا گلیب گیرمیش حوری ملک اولدوغونو ایدیعا ائدیر، اؤزو ده بو گؤزل ائله بیر خوش سیمالی بختوردیر کی، نه بو سیررینی کیمسه‌یه بیان ائدیر، نه ده کیمیسه اؤز عشق اودونا سالیب یاندیردیغینی بوروزه وئریر.

آما بو گؤزلییه مفتون اولوب وورولان فداکار عاشیق، مجنون اؤزونه قاپیلیب سئوگی عذابینی چکیر، اؤزو ده بو عذاب اونا گؤره هم ده آجیدیر کی، بو دردی ایچینده خلوتی چکیر و دردینی بؤلوب یونگوللشمه‌یه اؤزونه بیر همدردی، سیرداشی دا یوخدور.

باخ، رامیز موعلیمین غئیری–عادی ایفاده اوسوللاری ایله دئدیکلریندن بو مضمون اوزه چیخیر. داها سونرا ایسه بیر یئرده قئید ائدیر کی:

دونیا لذت ائتمز ایدی، اولماسا سن تک گؤزل
وئر منه لذت سونوندا، چارمیخا تاخ سادجه.

یئنی عاشیق گؤزه‌لین یولوندا نه قدر سئوگی هیجرینده یانیب–قووروسا دا، بوندان کدرلنمیر، عکسینه بئله قناعتده‌دیر کی، بئله گؤزل اولماسا دونیا آداما دادسیز، لذتسیز کیمی گؤرونردی. باخ، عاشیق فداکارلیغینی، اؤزونو بو جور تظاهور ائتدیریر. لاکین سوندا گؤزله قووشماغی آرزولاییب، "منی چارمیخا چکمکله بو دونیانین لذتینی گؤستر" دئیه ایدیعا قالدیریر. البتت، بو ایدیعا ایکیباشلی معنایا یؤنلندیریلیر کی، عاقیل اوخوجو اؤزو اوچون بوردان ایستر صوفی–میستیک معنانی، رومانتیک سئوگینی قاوراییب نتیجه چیخاریر، ایسترسه ده سادجه بوراداکی حرفی معنانین تاثیری ایله دونیوی عشقه قووشمانین جیسمانی لذت گتیره‌جگینی وروورد ائدیب آنلاییر. هر ایکی حالدا مؤلیف ایستر پلاتونیک سئوگینی، ایسترسه ده حقیقی دونیوی عشقی تبلیغ، ترننوم ائتمکله اوخوجویا بو دونیانین شیرینلیگینی، سئویب–سئویلمه‌لی اولدوغونو آنلادیر.

رامیز، مجنون یادا دوشدو، وورغون اولدوم البت،
دورما آرتیق، سن زهردن دوداغا یاخ سادجه.

مقطع بئیتده ایسه سئوگیده مجنونلوق حددینه یئتیشدیگینی دیله گتیریر. بورادا گؤروندویو کیمی، مؤلیف یئنه خیالی–مجنونانه عشقه مئیدان وئریر.

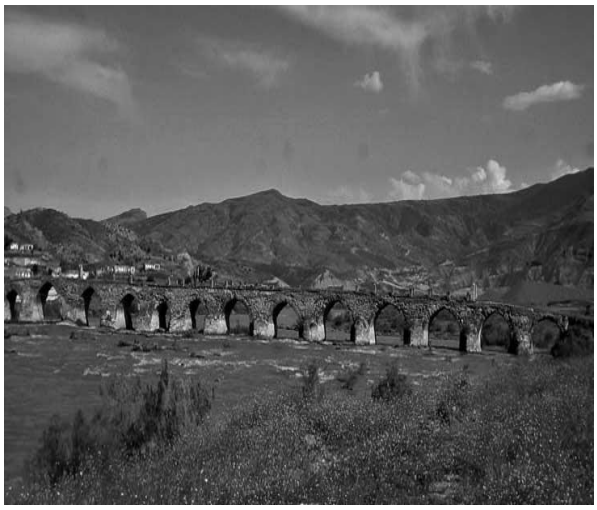
عوموميتله، رامیز عبدالله یئوین آرزولاریندا‌کی سئوگی آنلامیندا دونیوی عشقله صوفییانه عشقین تصویر ترننومو پارالئل ایستیقامتده دوشونولور، یعنی اونون میصراعلاریندا دریندن دوشونولنده ایکیباشلی معنالار اؤزونو داها چوخ سئزدیریر: بو سطیرین اوست قاتیندان گؤرونن رئال–حقیقی معنا، بیر ده میصراعنین آلت یاپیسیندان بوی گؤسترن مجازی معنا.

دیگر بیر نومونه‌دن آشاغیداکی بئیتله دریندن دیقت ائتسک، دئدیگیمیزین تصدیقینی گؤررییک:

نازی–قمزن ده منیم جانیما درمان اولسون
اریدک دردی–قمی، آرزولارا دؤنمک اوچون
جام گتیر داملاسی بال تک، ایچی شربت دولسون
اعتیراض ائیله‌مه‌سن، تن یاریبا بؤلمک اوچون.

بو بیت لرده فیکرین حقیقی و مجازی معنا چالارلاری مووازی شکیلده دوشونوله بیلر، هر بیر حالدا سئوگی قانادینین یئلکنلرینین آچیلیب ایلهام پریلرینی حرکته گتیردیگی آچیق–آشکار دویولور.

بیر سؤزل، رامیز عبدالله یئو سئوگی ترننومچوسودور، بو ترننوم ایفاده‌چیسی اولان لیریک عاشیق اوبرازی سنسن، منم، اودور، بیزیک، بیزیم هر بیریمیزدیر؛ اوخوجولارینا



سئوگی دویغولارینی آشیلایان مؤلیفین ایسه پرستیشکارلاری همیشه وار...
باشقا بیر یئرده ایسه:
تاپماجایا دؤنوب چیخدین قارشیما،
هاردا دولانیرام، اوردا سن وارسان،
–دئیه‌رک سئوگیلیسینی بیر سِحرلی حیات تاپماجاسینا بنزه‌دیر به " بیر بلا اولموسان منیم باشیما " – دئیه‌رک سئودیگینه ارکیانا میننت قویور. البته کی، بو دا بیر جوره پرییومدور، کومپلیمئنتدیر کی، بونو دا رامیز موعلیم اؤزونه خاص شکیلده ایشله‌ده بیلیر. بئلجه اؤزونه خاص دئییمی، دویومو ایله رامیز عبدالله یئو اوخوجولارینین اوزونه بیر سئوگی دونیاسی آچیر.
سئوگی ایسه موقدسدیر، بو موقدسلییه تاپینانلار اؤزلری ده موقدسدیرلر. سئوگینیز قیسمتینیز اولسون، عزیز اوخوجولاریمیز !
رامیز عبدالله یئوین سئوگی دونیاسی ایله اوز–اوزه قالیب اونون شعرلرینی اوخوماق دا سیزلرین ایختییارینیزدادیر...

آنا یوردوم آذربایجان

انا یوردوم منیم آذربایجانیم
آدینی چکرکن قلبیمده غرور
گؤزلریمده سئوینج، گؤز یاشی دولور،
اینسانلار آدینلا آیاغا دورور،
آنا یوردوم منیم آذربایجانیم !

آدینین سونلوغو جانلا باغلیدیر،
شهیدلردناخان قانلا باغلیدیر.
دونیادا شؤهرتین شانلا باغلیدیر،
آنا یوردوم منیم آذربایجانیم !

سنله بو دونیادا خوشبختم اینان،
میلیون ایللر کئچمیش، کئچه‌جک زامان،
چیچکلن، قودرتلن سن زامان – زامان
آنا یوردوم منیم آذربایجانیم !

زحمتکئش خالقیملا چات نایلیته،
گؤستر سن اؤزونو بشریت،
آپار آرزولاری ابدیته،
آنا یوردوم منیم آذربایجانیم !

اورک

سندن نامه گلدی، گؤردوم بیر اورک،
تصویر اولونموشدو تورپاق اوستونه.
فلک سویون چکمیش بوغارکن دیلک،
ایمدادلا باخیردی منیم هوسنومه.

سسینی دویوردوم، سوکوت ایچیند،
او اورک ائله بیل، بوتؤو منیمدی.
تانری یاراتمیشدی، عئینی بیچیمد،
بونا روحوم ایله جیسمیم امیندی.

سنی خیلاص ائتسم، خیلاصام اؤزوم،
ائتمه‌سه م محو اولوب، گئدرم گولوم.
سئویرم من سنی، بودور سون سؤزوم،
رامیز تک سئچه‌رک، یولوندا اؤلوم.

قویما اورگیمی،نادان آلا

بیر قاخلیب اوتورسانا یئرینده،
دینگیلدی، دینگیلده‌یه گزیرسن.
کولکلرین قوجاغیندا، یئلینده،
چوخ قلبلری اللرینله ازیرسن.

بیر جللادسان، یوخ قالخانین، یوخ بالتان،
آددیملاییب گئرییه ده دؤنمه‌دن.
چوخ اورکلر ائیلمیسن سن، آل قان
کورلار تکی، ائتدیگینی گؤرمه‌دن.

اؤیونورسن اؤزوندن چوخ،خیر اولا؟
بو دونیا کی، سنین دئییل ابدی.
رامیز، قویما اورگیمی او آلا،
فرق ائیله‌مز، باخیب دئیر بو نه

سن بالدان دا شیرین اولان سئوگیلیم

قیزیلگول کولوندان بویلانیر تر گول،
سؤیله‌ییر کی، گئتم، دایان سئوگیلیم.
سنه بویون آیر اینان کی، هر گول
سن بالدان دا شیرین اولان سئوگیلیم.

دیر نازی قمزن منیم عؤمروم،
گتیرر بو سئوگی حلیم عؤمرومه.
چکدیگین بس ائیلر قمیم عؤمروم،
سن بالدان دا شیرین اولان سئوگیلیم.

دونیانین ایقلیمی اون بیر اولسا دا،
دوققوزو وطنه مئیل سالسا دا.
آریلار گوللردن شیره آلسا دا،
سن بالدان دا شیرین اولان سئوگیلیم.

ایندینه فایداسی بو یالوارماغین

گنج ایکن بیلمه‌دین، قدیر قییمتین،
تمنناسیز جانین، تانری زینتین.
ییخدی خیانتین، ییخدی نیتین،
ایندی نه فایداسی بو یالوارماغین.

باخدین اطرافینا چوخ نازلی–نازلی،
ایچدین بولاق سویون، اونو دا قازلی.
اوچماق ایسته‌ییردین، گؤیلره آزی،
ایندی نه فایداسی بو یالوارماغین.

بویلان کئچمیشینه تاپارسان اؤزون،
اوردا شکیللرد، گؤره‌جک گؤزون.
یالانمیش، یالاندان قورولوب سؤزون،
ایندی نه فایداسی بو یالوارماغین.

سنه ملک دئیردیم

یادیندامی، سنه ملک دئیردیم،
سن ملک اولمادین، بیر کلک اولدون.
یانیمدا اولسایدین الک دئیردیم
او، خیردا گؤزلوکده سن کپک اولدون.
توزونو اوفورمک لازیمدیر سنین،
اثرکن هر شیمال کولکلرینده.
او زامان خوشوما گلمیشدی نیین؟
منی چاشدیراراق دیلکلریمده.

ای ملک سیمالی، شئیطان جوسسه‌سی،
یولونوب قانادین، جوللوتسن آرتیق.
رامیز، بو ملگین زهر بوسه‌سی،
اورک بولاندیران، هم اولوب سیرتیق.

تامام

منی یاندیرانی یاندیرسین آلله،
باشینا گتیرسین منه ائدنی.
شاهماتدا مات اولوب، گئدرکن بیر شاه،
یئنسین تاخت و – تاجا حاقسیز سئچه‌نی.

او، اؤزو قازدیغی قویودا باتسین،
چیخماغا طاقتی اولماسین تامام.
اویانیب یاتارکن دردییله یاتسین،
ترسینه دؤور ائتسین اونونچون زامان.

منی یاندیرانی یاندیرسین آللاه،
گؤزلری اووجونا دیکیلیب باخسین.

چکه‌جک آهوزار، او ایچینده آه،
گؤزوندن قلبینه چیخمادان یاخسین.

محبت سؤنمز

گؤره‌سن یئنیدن سئوسم، سئویلسم،
باشیما بیر قاخینج اولمازمی منیم؟
باشقا بیر سئوگیده سئوینجله گولسم،
توکه‌نیب اوستومدن گئدرمی قمیم؟

دئییرلر محبت سؤنمز یاشاردیر،
یاشاماق بوشلوقدا چتیندیر چتین.
هارداسا گؤزله‌ییر، منیمچون واردیر،
اودور کی، گؤزله‌ییب، اولورام متین.

اینانیرام عشق، اودا، آتش،
یانار داغ، آتشگاه، سؤنمز مشعله.
دئییر کی، اومیدسیز اولماییم هل،
صوبح چاغی اویانان پارلاق گونشه.

رسام اولسایدیم اگر

رسسام اولسایدیم اگر، گؤزلرینی چکردیم،
باخان باخیشلاریندا گؤرمک اوچون بیر آنی.
یالان، یا دوز دئدیگین، سؤزلرینی چکردیم،
ترزینین گؤزونده توتماق اوچون زامانی.

رسام اولسایدیم اگر، گؤررردیم آغ قارانی،
کور اولمازدیم، گؤررردیم، بو رنگلری بایاغی.
باغا صحرا دئمزدیم، بیلمزدیم داغ، آرانی،
سحو ائتمزدیم ال ایل، جانا مؤحتاج آیاغی.

رسسام اولسایدیم اگر، چکیب حوسنونو تامام،
پورترئتین اؤنونده، ساعاتلارلا دوراردیم.
جیزگیلری تاپماقچون، توتاراق الیمده شام،
بیر الیمده توتوب اوخ، همین یئره ووراردیم.

رسام اولسایدیم اگر، من گؤررکن خیانت،
چالین چارپاز خط چکیب پورترئتی پوزاردیم.
یئنیدن او گؤزلری، چکردیم یقین البت،
دعوت ائدیب رامیزی، قملی سطیر یازاردیم.

سن دئمه

سنینله برابر اولان ایللرده،
دونیانین خوشبختی بیلدیم اؤزومو.
سنین اوجباتیندان غرق اولدوم درده،
دئیه بیلمه‌ییرم آرتیق سؤزومو.

سنلی سحرلرین گلیشی اوچون،
گئجه‌نی یاتمادیم گؤزله‌دیم صوبحو.
سئوینجدن کؤنلومون گولوشو اوچون،
سن دئمه سحو ائدیب ایزله‌دیم صوبحو.

یالانلار قوینونا آتاراق منی،
اویدوم او سئوگینه بیلمه‌دن بئله.
من اینان بئلجه سئومیردیم سنی،
نه اوچون قصدیمه چیخدین سن بئله.



«...دوغرو حالت گؤرمدیم»... «هپ‌سی رنگ‌دیر»

DOĞRU HALƏT GÖRMƏDİM... HƏPİSİ RƏNGDİR (SƏMƏD MƏNSUR)

آکادمیک نظامی جعفراوو
AKADEMİK NİZAMİ CƏFƏROVV



آذربایجان ادبیاتشوناسلیغیندا، منیم بیلدیمه گؤره، مولا پناه واقیفین «گؤرمدیم»ی ایله صمد منصورون «هپ‌سی رنگ‌دیر»ینی ایلک دفعه (عباس چینگیز عبدالله یئو) موقاییسه ائتمیش، آنجاق ندنسه بو شعرلر آراسینداکی ایدئیا–ائستئتیک واریئللیین درینلیینه وارماق اورزینه، باشلادیغی اوغورلو موقاییسه‌نی تامامیله آبسورد ایستیقامته یؤنلتمیشدیر.

صمد منصور پوئزییاسینم ان یوکسک زیروه‌سی، هئچ بیر موباحیثه‌سیز دئمک اولار کی، مشهور «هپ‌سی رنگدیر» شعری‌دیر. و تامامیله طبیعی‌دیر کی، شاعرین ایلک کیتابی دا (باکی، آذربایجان ژورنالیستلر بیرلیگی «نجات» نشریاتی، ۱۹۹۳. ترتیب ائدنی و اؤن سؤزون مؤلفی آنار. رئداکتور حاجی حاجییئو) محض بو آدلا نشر ائدیلمیشدیر. کیتابین «دونیانی «رنگ» بیله‌ن شاعر» باشلیقلی اؤن سؤزونده آنار یازیر:

«صمد منصور (۱۸۷۹–۱۹۲۷) ادبیات تاریخلریمیز، ادبیاتشوناسلیق کیتابلاریمیز، مطبوعات صحیفه‌لرینده آدی آز چکیله‌ن، یا هئچ چکیلمه‌یه‌ن، یا دا چکیله‌نده ایللر بویو منفی سعجییه‌له‌ندیریلن باشیبلالی شاعرلریمیزدندیر. هر حال‌دا لاپ سون زامانلارا قدر بئله ایدی. اونون حاقیندا آز–چوخ معلوماتی اولانلارین بئله بیلدیکلری نه ایدی؟ باکی‌دا آنادان اولوب. آذربایجانین سووئتلشمه‌سیندن اوول شاعر کیمی تانینیب. سووئت دؤورونده ده بیر نئچه ایل یاشاییب، شعرلر یازیب و تازه حیاتا ایرونیک، ریشخندلی موناسیبت بسله‌ییب. بیر ده اونو بیلیردیک کی، صمد منصورون «هپ‌سی رنگ‌دیر» آدلی شعری وار و بو شعرده مورتجع، بدبین فلسفه ایفاده اولونوب».

و علاوه ائدیر کی، «بو گون، نهایت، چوخ ساده بیر حیکمتی درک ائتمیشیک – بدبینلیک هئچ ده مورتجع، ضررلی، زیانلی دئمک دئییل. ماهیتی اعتباریله، حیاتا بدبین، کوسگون بیر باخیشی عکس ائتدیره‌ن شعر ده یوکسک صنعت امیی اولا بیلر. هر حال‌دا صمد منصورون «هپ‌سی رنگ‌دیر» شعری مین ایللیک آذربایجان شعرینین هر هانسی بیر آنتولوگییاسینا، سؤز خزینه‌سینه داخیل ائدیلمه‌یه لاییق بیر اثردیر».

شعر ۱۹۱۹–جو ایل مارتین ۲۲–ده قلمه آلینسا دا، معلوم اولدوغو کیمی، ۱۹۲۶–جی ایلین مایيندا چیخان «ادبی پارچالار» مجموعه‌سینده، اؤزو ده ماراقلی‌دیر کی، «کلاسسیک ادبیاتیمیزدان» باشلیغی آلتیندا درج ائدیلمیشدیر. و بیر طرفدن، چوخ بؤیوک ماراق دوغورموش، دیگر طرف‌دن، چوخ کسکین تنقیده معروض قالمیشدی.

«هپ‌سی رنگ‌دیر» گرک یازیلدیغی گونلرده چاپ اولونایدی... اگر بئله اولسایدی، یقین کی، صمد منصور هم دؤورون آز–چوخ دئموکراتییاسینا، هم ده اؤزونون پولاد کیمی مؤحکم کاراکتئرینه دایانیب ساغ قالا بیلردی. آنجاق ۱۹۲۶–جی ایلین یازیندا چاپ اولونان بئله بیر شعرین مؤلفینین همین ایلین قیشینا قدر یاشاماسی دا قنیمت ساییلا بیلر.

«هپسی رنگ‌دیر» صمد منصورون سووئت دؤوروندکی ادبی طالعیینی (و عمومیتله طالعیینی) حل ائدن حادثه اولموش، چوخ زامان شاعرین دونیاگؤروشو، یارادیجیلیق مئتودو باره‌ده‌کی رس‌می ایدئولوژی موقعیی بوتون یارادیجیلیغی یوخ، یالنیز بو شعر (اثر!) فورمالاشدیرمیشدیر. همین مؤقع ایسه تخمیناً بوندان عبارت ایدی کی، صمد منصور فئودال–بورژوا تفککورلو، سوسیالیست اینقیلابینین نایلیتلرینی گؤرمه‌ین، نیهیلیست، پئسسیمیست و میستیک شاعردیر.

۲۰–جی، ۳۰–جو ایللرده هر هانسی شاعره بئله، یاخود بونا بنزر بیر دامغا وورولوردوسا، اونون عاقیبتینین نئجه اولاجاغی حسین جاویدین، احمد جاوادین، میکاییل موشفیقین ترجمه حاللاریندان یاخشی معلومدور. و یقین کی، بو باره‌ده تفصیلاتی ایله بحث ائتمه‌یه ده آرتیق هئچ بیر احتیاج یوخدور...

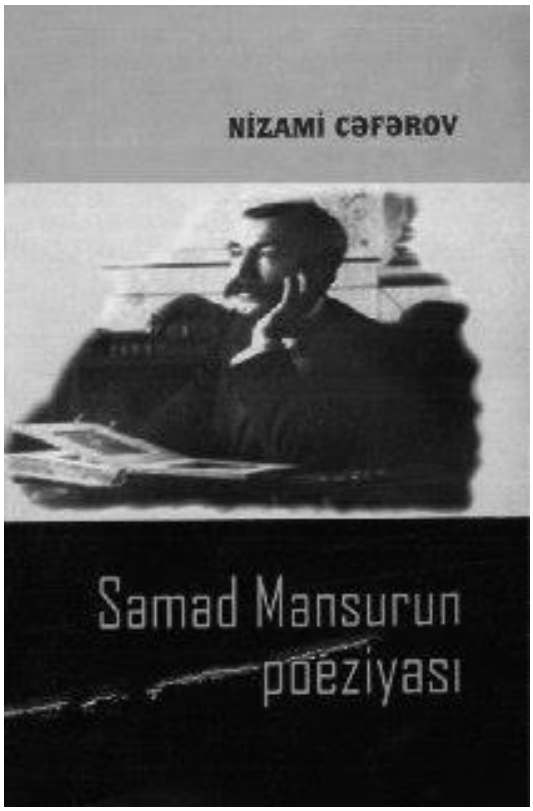
لاکین سوال اولونور: «هپسی رنگ‌دیر» شعرینده نه واردی کی، یئنی یارانمیش سووئت ادبی تنقیدینی (و عموماً سووئت ایدئولوگییاسینی) بو قدر غضبلندیرمیشدی؟.. تدقیقات‌چیلار همین سوالا جاواب تاپماغا چالیشمیشلار...

ناظیف الکبرلی یازیر:

«تدقیقات‌چی عباس چینگیز «هر شئی رنگ‌دیر» شعرینی ملا پناه واقیفین «گؤرمدیم» موخممه‌سی ایله مقاییسه ائدیر و ص.منصورون بدبینلییینه حاق قازاندیریر. ع.چینگیز اؤز مقاله‌سینده یازیر: «گؤرمدیم» موخمسینین بدبین روحو «نیکبین» واقیف اوچون بیر مزیت ساییدیغی حال‌دا بس نیه آغیر، عذاب–اذیتلی، کئشمکئشلی بیر دؤورده یاشایان ص.منصور اوچون بیر قباحت ساییلیر و ترکی دونیالیق، بدبینلیک، اینتیهارا چاغیریش، «اؤلوم و سرخوشلوق هیمنی» کیمی قیمتلندیریلیر؟»

«رنگ‌دیر» شعرینی تکجه «گؤرمدیم موخممسی ایله دئییل، کلاسسیک پوئزییامیزین بیر سیرا نومونه‌لری ایله مقاییسه ائتمک مومکوندور»...

البته، مومکوندور و بئله ده اولمالی‌دیر. هر شئی‌دن اول اونا گؤره کی، صمد منصورون یارادیجیلیغی، دونیاگؤروشو



زنگین میللی (کلاسسیک) عنعنه‌لره اساسلانیردی، «ایمپروویزاسییا) دئییدی. و یقین کی، «هپسی رنگ‌دیر»ی ادبی سلف‌لیک–خلف‌لیک باخیمیندان موقاییسه ائتمک اوچون ان موناسیب تاریخی فاکت دا محض «گؤرمدیم»دیر... آنجاق مسئله بوندا دئییل... تدقیقات‌چی عباس چینگیزی دوشوندورن اودور کی، نه اوچون سووئت ایدئولوگییاسی واقیفی قبول ائتدی، صمد منصورو ایسه یوخ؟..

بیرینجیسی، ۲۰–جی، ۳۰–جو ایللرده واقیف، خصوصیله اونون «گؤرمدیم»ی رسمی ایدئولوگییا سوییه‌سینده ائله ده راحت هضم اولونموردو. و بو «فئودال–پاتریارخال تفککورلو» شاعری همین ایدئولوگییایا قبول ائلتدیرمکدن اؤترو چوخ زحمتلر چکیلمیشدی... ائلجه ده داهی فوضولینی!..

ایکینجیسی ایسه، واقیفین «گؤرمدیم»ی چوخ اوولکی دؤورلره عاییید ایدی. او دؤورلره کی، سووئت ایدئولوگییاسینین اؤزونون ده تنقید هدفی ایدی... صمد منصور ایسه هر شئیین «رنگ» (ساختا!) اولدوغونو ۲۰–جی ایللرین «تریبونا»سیندان دئییردی...

اویما، ائی دیل، خلق‌ده یوخ‌دور صداقت، رنگ‌دیر،
مسجیدو مئیخانه رنگ، عیشو عبادت رنگ‌دیر،
می ریا، مشوقه کش، حوسنو وجاهت رنگ‌دیر..
رنگ‌دیر هر دورلو ماتم، هر موسررت رنگ‌دیر،
آنلا، ای ابنایی خیلقت، جمله خیلقت رنگ‌دیر.

صمد منصور ۱۹–جو عصرین سونلاریندا آرتیق دونیا ایشلریندن باش چیخاران فهملی بیر گنج ایدی. و نظره آلساق کی، بو دؤوردن اعتباراً «نفت بومو» یاشایان باکی دا منن روحه‌ن ائله او یاشدا، او فهمده ایدی، اوندا تصووور ائتمک چتین دئییل کی، صمد منصورون احوالی روحییه‌سی ایله وطنی باکینین اووقاتی موختلیف پارامئترلر اوزره نه قدر اوست–اوسته دوشوردو...

گؤرمدیم بیر ذرره ی–خالص بوته یی–ناسوت‌ده،
معنوی مین لکه گؤردوم لل‌ده، یاقوت‌ده،
بیقرار اینسان اولور گؤرمک فقط تابوت‌ده...
بیلمرم وارمی صداقت عالمی–لاهوت‌ده،
آزما، فیکریم، جمله اعجازو کرامت رنگ‌دیر.

۲۰–جی عصرین ایلک ایللری تحصیلینی حیات‌دان آلان (اؤزو ده نئجه حیات‌دان؟.. بیر طرف‌ده دؤولت – ایمپئرییالار، او بیری طرف‌ده اونا قارشی عصیانلار!.. بیر طرف‌ده دین، او بیری طرف‌ده اونا «قارشی» طریقتلر!.. بیر طرف‌ده الله، او بیری طرف‌ده الله‌لیق ادعاسیندا اولان نؤع به نؤع شیطانلار!..) صمد منصورون معلمی نه قدر لاوبالی اولسا دا، او قدر صمیمی ایدی...

هر کسین جیبریلی کندی قلبی‌دیر، ویجدانی‌دیر،
وار ایسه اینصافی شخصین، دینی‌دیر، ایمانی‌دیر،
بدنیهاد اینسانلارین اؤز نفسی اؤز شیطانی‌دیر...
لؤوحی–قلبی عاریفین آیاتی‌دیر، قورانی‌دیر،
معبدی اؤوهامی‌دیر، شرو طریقت رنگ‌دیر.

و بو لاوبالی صمیمیت‌دن چیخان نتیجه او ایدی کی، اینسان شخصیتی (اؤزونون مورکب پسیخولوژی طبیعتیله بیرلیک‌ده) هر شئیین فؤوقونده‌دیر. اگر اونون ویجدانی وارسا... قالانی، نئجه دئیرلر، «تفرروات»دیر...

بیر زامان واردی کی، من همفیکیر ایدیم ضحاد ایله،
سونرا گؤردوم فرقی یوخموش زاهیدین جلاد ایله،
دئدیم،عییاش اولمالی، تا گون کئچه معتاد ایله...
جمله عیشو نوشی گؤردوم موختلیف فریاد ایله،
آنلادیم کی، زهد و تقوا، عیشو عیشرت رنگ‌دیر.

«هپ‌سی رنگ‌دیر»ده صمد منصورون ان اوغورلو مئتافورالاریندان بیری شاعر اویدورماسینا «تاکیلماسی»دیر... آذربایجان پوئزییاسی تاریخینده بئله جهدلر، اصلینده، چوخ اولموش، «هپ‌سی رنگ‌دیر» مؤلفینین اوستادی بیر واختلار حتتا «آلدانماکی، شاعر سؤزو، البته، یالاندیر» دئمیشدی...

آنجاق صمد منصور مثلاًین «کؤک»ونه گئدیر...

قیل تصور بیر داها شاعرلرین خولیاسینی،
عاشیقی زارین باشیندا سئیر قیل سؤوداسینی،
قبری آچ، گؤستر اونا شیرینینی، لیلاسینی...
بیر آییل‌سین دا، دوشونسون گؤردویو رؤیاسینی،
«باخ»، دئییر، «حقی، بوتون عشق و محبت رنگ‌دیر»...

«هپ‌سی رنگ‌دیر» شعرینین ایدئیا–ائستئتیک مضمونونو، خصوصیله مؤلفین منسوب اولدوغو یارادیجیلیق مئتودونو موعینلشدیرمک باخیمیندان، هم بؤیوک ماراق، هم ده معین ملاحظه‌لر دوغورموشدور...

ناظیف الکبرلی یازیر:

«صمد منصورون پوئتیک–فلسفی ایدراکی همیشه رنگلرله نفس آلیر، رنگلرله دوشونور، اساس ایستیاره کیمی رنگلردن ایستیفاده ائدیر. بو معنادا عصرین اوللرینده او، سیموولیزمه ان یاخین و حتی بو سیموولیزمی تبلیغ و تلقین ائدن شاعرلردن بیری اولموشدور».

البته، فیکرین بیرینجی حیسه‌سی نه قدر دوغرودورسا، ایکینجیسی او قدر یانلیشدیر. چونکی بو، سیموولیزم دئییل، رنگ سیموولیکاسمدان، ساده‌جه، یوکسک صنعتکارلیقلا ایستیفاده‌دیر. اونا گؤره ده صمد منصورو ۲۰–جی عصرین اوللری آذربایجان ادبیاتینا «سیموولیزمی تبلیغ و تلقین ائدن شاعرلردن بیری» کیمی تقدیم ائتمک نه سیموولیزم نظریه سی، نه صمد منصورون یارادیجیلیق مئتودو، نه ده شاعیرین یازیب یاراتدیغی دؤورون ادبی مئتود آختاریشلاری باخیمیندان اؤزونو دوغرولدور.

دیگر بیر موباحثه‌لی مسئله «هپ‌سی رنگ‌دیر» شعرینین یارانماسیندا هانسیسا کونکرئت تاریخی حادثه‌لرین تاثیرینین اولوب–اولماماسی‌دیر.

ناظیف الکبرلی، پرینسیپ اعتباریله، بئله بیر تأثیرین اولدوغو قناعتینده‌دیر. و اونا گؤره ده یازیر:

«... ۱۹-جو ایلده نه اولموشدو، نه باش وئرمیشدی کی، شایرین اووقاتینا گوجلو تأثیر گؤسترمیشدی؟ قیسا مدت عرضینده بیر نئچه ناظیرلر کابینئتینین دییشمه‌سی، آذربایجان ایستیقلالی اوزرینده تهلوکه، خصوصیله بولشئویکلرین چئوریلیش عرفه‌سینده خصوصی فعاللاشماسی، شیمال‌دان دئنیکین تهلوکه سی - بوتون بونلار دؤورون بدیعی تفککورونه اهمیتلی درجه‌ده عکس اولونموشدور...

فیکریمیزجه، درین اجتماعی-فلسفی تفککورون (و یوکسک بدیعی-مئتافیزیک عوموميلشديرمه‌نين) محصولو اولان «هپ‌سی رنگ‌دیر» شعرینی بیر ایلین، نه قدر مورککب اولورسا-اولسون، حادثه‌لرینین دوغوردوغو اووقاتین نتیجه‌سی کیمی قبول ائتمک دوغرو دئییل... طیار سالام اوغلونون آشاغیداکی لاحظه‌سی ده محض بو باخیمدان بیزه موباحثه‌لی گؤرونور:

«هپ‌سی رنگ‌دیر» شعری ص.منصورون یارادیجیلیغینین ان موفقیتلی نومونه‌سی اولماقلا، اونون یاشادیغی جمعیتین، قوینوندا دولاشدیغی اجتماعی موحیطین چوروکلویونو، معنوی عیبجرلییینی بوتون چیلپاقلیغی ایله تصویر ائدن بیر اثردیر.

...ص.منصور حیاتی درین موشاهیده نتیجه‌سینده یاشادیغی موحیطده صداقتلیلرین صداقتینه، کرم اهلینین کرمینه، مسلک‌لیلرین مسلکینه، عاشیقلرین عشقینه و س. اینانمیر، بونلارین بیر رنگ اولماسی قناعتینه گلیر».

هرچند طیار سالام اوغلو شعرین یارانماسینا تأثیر ائدن کونکرئت تاریخی حادثه و یا حادثه‌لردن دئییل، بوتؤو بیر دؤورون جمعیتینین و موحیطینین «عیبجرلی»ایندن، «چوروکلوی»وندن بحث ائدیر، آنجاق بو دا اساس ساییلا بیلمز.

صمد منصورون تدقیقاتچیلاریندان یادیگار مهدیئوا یازیر:

«.. .حیاتی توند رنگلرله گؤره‌ن ص.منصورون کدری قاباقجادان دویدوغو تاریخه اساسلانیردی».

فیکریمیزجه، بو سؤزلرده معین حقیقت وار. بئله کی، صمد منصور «هپ‌سی رنگ‌دیر» دئیه‌نده، دوغرودان دا، بیر ایلین، بیر دؤورون دئییل، بوتون دؤورلرین منظره سینی، یاخود مضمون-ماهیتینی نظرده توتور. و بو جور میقیاسلی عوموميلشديرمه محدود بیر زامان حادثه‌لری اوزرینده‌کی موشاهیده‌لرین و یا همین حادثه‌لرین بیلاواسطه تأثیرینین نتیجه‌سی اولا بیلمز...

چونکی فلسفی موحاکیمه‌نین زامانی یوخ‌دور...

«هپ‌سی رنگ‌دیر» ایسه بوتونلوک‌ده فلسفی موحاکیمه لردن عبارت‌دیر...

تاپمادیم عالمده بیر همدم کی، اولسون بیریا،
گؤرمدیم هئچ کس‌ده بیر نیت قرضدن مادا،
کوللن ابنایی-بشر اؤز نفسینه اولموش فدا...
نفسی اوغروندا گؤرورسه هر بلا، هر ماجرا،

«مسلک»ا ایسناد ائدر، مسلک، دیانت رنگ‌دیر.

۱۸-جی عصرین سونلارینین واقیفی ایله ۲۰-جی عصرین اوللرینین منصورو آراسیندا «گؤرمدیم»له «هپ‌سی رنگ‌دیر»ین موقاییسه‌سی کونتئکستینده حیاتا (و دونیایا) ایدئیا- ائستئتیک (مئتودولوژی!) باخیشدا بیر فرق وارمی؟..

«وار!» دئیه‌ن وارسا، «هپ‌سی رنگ‌دیر»ده واقیفله منصورون یالنیز اووقات فلسفه‌سینی دئییل، اورتاق پوئتیک لئکسیکونونو دا گرک گؤرمه‌سین...

بیلمدیم نئیچینمیش عالم، بونجا دا یاس و الم،
زؤورقی-عؤمرون موحیطی یرتبان،دریایی-قم،
بؤیله حال‌دا کیمسه‌دن بیهوده‌دیر اوماق کرم...
هر گلن بولماق دیلر اؤز نفسینه آسوده دم،

آرخالانمام کیمسه‌یه، اولفت، رفاقت رنگ‌دیر.

اودور کی، ناظیف الکبرلینین نه «هپ‌سی رنگ‌دیر» موخممسی میللی سیموولیزمین ان یوکسک زیروه‌سی ساییلا بیلر» گومانی، نه ده «بو شعرین قایناقلان کلاسسیک نور فلسفه‌سیندن، ایشراقیلیک‌دن و یا ائموسییا ایدئیالاریندان گلیر» قناعتی اؤزونو دوغرولتمور. آشاغیداکی فیکری ایسه، نه گوماندیر، نه ده قناعت، آنجاق اعتراف ائدک کی، ماراقلی‌دیر، ان آزی آبسوردلوغونا گؤره:

«... رنگه سیتاییش «رنگ‌دیر» شعرینین یازیبدیغی ایللرده چوخ آکتوال گؤرونوردو. بئله کی، روسییادا وطنداش محاربه‌سی «آغلار»ایله «قیرمیزیلار» آراسیندا گئدیردی. آغ قواردییا قیرمیزی قواردییا ایله چارپیشیردی، آغ بایراقلانن قیرمیزی بایراقلاری یئنمه‌سی اوچون گوجلو موباریزه آپاریلیردی. موستقیللیک اعلان ائدن اؤلکه‌لرین چوخو اوچرنگلی بایراقلارلا سیاسی صحنه‌یه آتیلیردیلار».

«هپ‌سی رنگ‌دیر» شعرینی داها دریندن آنلاماق اوچون، ائله بیلیریک کی، بیر ایستیناد نقطه‌سی ده وار کی، اونو «طالعسیز شاعرین طالعیی» مقاله‌سینین مؤلفی طیار سالام اوغلو گؤسترمیشدیر:

«شخصی حیاتیندا... نه قدر چوخ محرومیتلره معروض قالمیشدیرسا دا، ص.منصور اینسان «نجیب خیصلتلی، پاک ویجدانلی اولمالی‌دیر» عقیده‌سینده اولموش، بوتون حیاتی بویو بو فیکره صادق قالمیشدیر... بوتون بونلارسیز ص.منصورو «هپ‌سی رنگ‌دیر» شعرینین مؤلفی کیمی ده درک ائتمک غیری مومکوندور».

واقیفین «گؤرمدیم»ینده حیاتین «مئتافیزیکا» سیندان «چیخیش یولو» گؤستریلمیر، منصوردا ایسه، واقیف‌دن یئگانه فرق اودور کی، بو «یول» وار...

ایندی کی مومکون دئییل عالمده اولماق کامیاب،
ائی گؤزوم قوربانی، ساقی، وئر گئنه ساغر–شراب،
وئر گئنه ساغر–شراب، ائی ساقیی–آلیجناب...
بلکه، بده‌نله ائده منصور راهت ایکتیساب،
یوخ‌سا، بو عالمده یوخ‌دور استراحت، رنگ‌دیر...

شعری اوچ نقطه ایله بیتیردیم، لاکین عینی مووفقیتله نیدا (!..) و یا سواللا (؟..) دا بیتیرمک اولاردی... بیرینجی حال‌دا شراب (ترکی–دونیالیق!) رنگلردن (ساختاکارلیقدان) عبارت دونیادان خلاص یولو («استراحت») دئمک اولاردی، ایکینجی حال‌دا ایسه بو جور «استراحت»دن ده رنگین (ساختاکارلیغین) نؤوبتی تظاهرو کیمی ایمتینا ائتمک معناسینا گلردی.

شاعر بونلاردان هانسینی دئمیشدی، دئیه بیلمرم...

آنجاق اونو دئیه بیلرم کی، هئچ بیری سووئت ایدئولوگییاسینی «اوسترایوات» ائلمیردی. ائله ایسه «اوکتیابر و تورک ادبیاتی» (۱۹۳۰) کیتابینین مؤلفی بدبخت‌دن (و یا اونون کیمیلریندن) نیه اینجییریک کی، بؤیوک شاعره اؤلومو‌ندن سونرا دا اؤلوم حکمو یازمالی اولوب، بیر حال‌دا کی، «هپ‌سی رنگ‌دیر»؟..

«هپ‌سی رنگ‌دیر» آذربایجان پوئزییاسیندا بیر شاعیرین شعری اولاراق قالمادی، نه قدر یاساق ائدیلسه ده گئنیش یاییلدی و اونا نظیره‌لر یازیلدی کی، موکمللریندن بیری محمد آغا موشتریيه مخصوص‌دور:

اویما دونیایه، کؤنول، چون کاری دونیا رنگ‌دیر،
چک نظر شو سئیرگه‌دن کیم، بو ماوا رنگ‌دیر،
فرشی–گولشنده چکیلمیش نقشی زیبا رنگ‌دیر،
موختلیف رنگه دوشن گوللر سراپا رنگ‌دیر،
الغرض، شو باغدا نه وارسا، یئکسا رنگ‌دیر.
مهری عالمتاب‌دیر گول چؤهرسیتی رنگین ائدن،
بولبولون ناحق قانی‌دیر گول اوزون تلوین ائدن،
حوسنی–یوسیف‌دیر زولئیخا طلعتین تزیین ائدن،
حیف کیم، یوخ بو سؤزو اوششاقه بیر تلقین ائدن،
حوسنی یوسیف رنگ‌دیر، حوسنی زولیخا رنگ‌دیر.
موختلیف رنگه دوشن بیر شخصه دون اولدوم دوچار،
سؤیلدیم، یا روسیاه و بدشوار و کجمدار،
گونده بیر رنگی نه اوچون ائیله‌ییب‌سن ایختیار،
راست وخونده سؤیله‌دی: غفلت‌ده‌سن، ای هوشیار،
باخ جهان میراتینه، بیللورآسا رنگ‌دیر.
مجلیسی–عیشرت آرا چارپدی گؤزه بیر شوخ شنگ،
رنگ آلیردی لبلریندن، باده یی یاقوت رنگ،
چون نکیسا، باربد چالیب اوخوردو نای و جنگ،
سؤیلدیم: ای خوسروو شیریندن یوز قیز قشنگ،
بو نه محفیل‌دیر، دئدی: سونرا، تمامن رنگ‌دیر.
مسجید و جامئده، ای دیل، توتما مینبر تک مقام،
سجده‌دن چون بیر یئره صف–صف جمع اولموش خاص وعام،
تسبحین مؤولاسی تک آیریلمیش اونلاردان ایمام،
زاهیدی–خوشکون نامازینا گل اویما صوبح و شام.
شو سؤزو اؤوراق قیل کیم، زهدو تقوا رنگ‌دیر.
ائی کؤنول، سئومه جاهانی، سن دئیه‌ن دیلبر دئییل،
دیلبر اول کس‌دیر کی، او محتاجی هئچ زیور دئییل،
چئشمه چارپان عاریضی‌دیر، ذاتاً او هم جؤوهر دئییل،
اؤیله بیر دیلدار بول، رنگی اونون ایزهار دئییل،
قان کی، ظاهرده اولان مجموعی–اشیا رنگ‌دیر.
موشتری، آچ دیده‌نی، قیل کایناته بیر نظر،
نیلگون خم ایچره گؤر قاچ لؤونه گیرمیش بهرو بر،
چرخی–اعلاده چکیلمیش گؤر نه الوان نقشه‌لر،
باخ نئچه مین رنگه دوشموش صورتی نؤوعی بشر،
موختصر، دونیاو و ماتیها سراسر رنگ‌دیر.

«هپ‌سی رنگ‌دیر» بشر تفککورونون چوخ درین قاتلاریندان گلدییینه گؤره‌دیر کی، میللی اجتماعی شعوردا بو قدر میقیاسلی رئزونانس وئره، بوتون دؤورلرین و زامانلارین ایدئیا–پوئتیک حادثه‌سینه چئوریله بیلدی.

و موستملکه تضییقی بیر بالاجا ایمکان وئره‌ن کیمی دؤورون بؤیوک شاعر–متفکری رسول رضا اؤز «رنگ لر» سیل‌سیله‌سینی قلمه آلیب جسارتله صمد منصورو خاطیرلادی...

هویت اوغوز قاغان ونکاتی در باره اوغوزها وحماسه اوغوز قاغان

نگارش: پروفسور دکتر سعد الدین گومچ
ترجمه ی : محمد قجقی

توضیح مترجم: مقاله ای که ترجمه ی آن تقدیم می شود، نگارش دکتر" گومچ" از اساتید فاضل رشته ی تاریخ دانشگاه آنکارا ی ترکیه می باشد.قبلاً مقاله ای از پژوهش های استاد، در مورد " عنوان ترکن" با ترجمه ی آقای وحید صوفی زاده، در روزنامه ی صحرا به چاپ رسید. دکتر گومچ تالیفات فراوانی دارند، امید که بخشی از آن ها را ترجمه ودر اختیار



طالبان موضوعات تاریخی، قرار دهیم.

بدون هیچ شک و شبهه ای، یکی از ارزشمند ترین گنجینه های ادبیات ترک، حماسه ی " اوغوز قاغا ن"

و به عبارت دیگر " اوغوز نامه ها " است. می دانیم اوغوز نامه هایی که در تارو پود آن ها، عناصر ریشه دار تاریخ و فرهنگ نهفته است، در خصوص کشور گشایی های اوغوز قاغان، قهرمان و فرمانروای حماسه ای ترک می باشد. از این رو مفید خواهد بود که ابتداء در باره ی " هویت اوغوز"- که نقش اصلی را در داستان های اوغوز قاغان بازی می کند، مکث و تاملی داشته باشیم.

این اوغوز کیست؟ آیا صرفاً قهرمانی حماسی است؟ یا شخصیتی است که واقعاً در تاریخ وجود داشته است؟

تا این زمان دانشمندان زیادی سعی نموده اند به این پرسش، پاسخ دهند. برخی اورا " یبغوی بزرگ هون"

(مو-تون ، همان " مته") شمرده اند. گروه دیگری بر آنند که او " پیامبر" بوده و برای هدایت ملت ترک فرستاده شده است.در واقع هر دو طرف، از زاویه ی دید خودشان تا حدودی محق بنظر می رسند.

قدیمی ترین دولت شناخته شده ی ترک را " هون ها " تاسیس کردند. " مو- تون یبغو"(ق.م ۲۰۹تا ۱۷۴(

یکی از قدرتمند ترین و نامدارترین فرمانروایان تاریخ ترکان، دولت هون را به اوج قدرت رساند، و زمینه ها و مبانی لازم برای افرادی که بعد ها ، سلسله ها و دولت هایی ایجاد نمودند، فراهم آورد.

تومان -(Tuman)شاید -Tümenاو را به عنوان وارث بر نگزید، بلکه برادر او را جانشین خویش اعلام نمود. " مو-

تون" با نیروی ده هزار نفره ی تحت امرش، به حرکت در آمد و پدرش را درحین یک شکار گروهی، به قتل رساند و خود قدرت را به دست گرفت(۲۰۹ق.م). مو- تون تشکیلات دولت را سازماندهی کرد، " تونک – هو" ها را که مداوماً مدعی و خواستار خاک و اراضی وی بودند، به سختی شکست داد. در سال ۲۰۳ق.م " یوئه چی " ها را مغلوب ساخت. می دانیم که در اسناد " چینی" شرح زندگی" مو- تون" به شکل بسیار پر رنگ و مفصلی توضیح داده شده است. اطلاعات و روایت های موجود در منابع چینی، اولین مطالب داستانی در خصوص ترکان را به دست می دهند.

" مو- تون " پس از کسب حاکمیت سیاسی در آسیا، به قلمروی چین، هجوم برد. به سهولت از سد چین عبور کرد و حتی امپراتئر چین" کائو – تی– (Kao-ti)"حکومت بین سا ل های ۲۰۶ تا ۱۹۵ ق.م- را تحت فشار قرار داد، به شکلی که وی در سا ل ۲۰۱ ق. م با پرداخت خراج سالیانه از دست او رهایی یافت.

زمانی که مو- تون یبغو در سال ۱۷۴ ق.م ، در گذشت، علاوه بر اینکه ترکان را متحد ساخته بود، تعداد زیادی از طوایف بیگانه را نیز تحت اطاعت خویش در آورده بود . او یک "تا نری – کوت(Tanrı-kut)"

×مطمح نظرو مورد لطف تانری – بود و منشاء قدرتش تانری ، ولی فرزند تانری نبود. مرزهای دولتش در شرق به " کره" در غرب به " دریای آرال" در شمال به" مجاری فوقانی ینی سئی" در جنوب تا " شمال هندوستان" گسترش یافته بود. بدین جهت هیچ کس نمی تواند اهمیت تاریخی این فرمانروای بزرگ

×ترک را انکار نماید. " مو- تون یبغو" فقط در تاریخ ملت ترک مهم نیست، بلکه در میان ملل غیر ترک آسیای میانه هم دارای اهمیت می باشد. او نه تنها تعداد زیادی از دولت ها را سرنگون ساخت ، بلکه از عوامل شکل گیری آسیا نیز بود. بنا بر این فراموش کردن و به بادنسیان سپردن چنین شخصیت مهمی امکان ندارد.. خدمات این شخصیت، که در حافظه ی ملت ترک جا گرفته، سینه به سینه و به صورت شفاهی انتقال یافت و بعداً به صورت مکتوب در آمد. بنا بر این بسیار طبیعی است که احتمال یکی بودن

"اوغوز و " مو– تون" را نمی توان یک سره از نظر دور داشت.

خداوند برای اینکه انسان ها را به راه راست هدایت فرماید، هر از چند گاهی پیامبرانی را فرستاده است.

طبق کتب آسمانی الهی، برای هر قومی، پیامبری فرستاده شده است، و می دانیم که تعداد آنها بسیار زیاد بوده است، به ویژه در واریا نت ها ی اوغوز نامه هایی که عناصر و اجزای اسلامی دارند، منسوب بودن " اوغوز" به یک دین الهی- که در این جا دین اسلام در اولویت قرار دارد- احتمال این که او می توانسته است یک " نبی" باشد را تقویت می نماید. شاید در تاریخ پیامبری با نام " اوغوز" آمده و برای ترویج دینش، به همراه ملتش مبارزه نموده و در طی زمان تبدیل به یک قهرمان داستانی(حماسی) شده باشد.هیچ استبعادی ندارد همان گونه که شرح غزوات حضرت محمد(ص) و حوادثی که برای حضرتش پیش آمده ، شکل داستانی و حماسی به خود گرفته، می توان احتمال چنین روندی را در مورد " اوغوز" نیز در نظر گرفت.

در این جا باید متعرض مورد دیگری نیز بشویم و آن اسم های " مو- تون" است. می دانیم که " تانری کوت مو- تون" (که در دیدگاه چینی ها، فرزند تانری نیست) در سال ۱۷۴ ق.م در گذشت و پسرش" کوک"(به چینی-Ki ok)جانشین وی شد. پس از این فرد- که بسیار شبیه پدرش بوده است- در سال ۱۶۰ ق.م پسر او به نام " گون ایچن "(به چینی (çuen- çen را در راس دولت ترک می بینیم. در این جا توجه شما را به اسامی پسر تانری کوت مو- تون و نوه ی او جلب می نمایم. به نظر ما یکی از آن ها" کوک" است(گوگ خان) و دیگری " گون" (گون خان). یعنی پس از مو- تون یبغو، اسم دو فرمانروای ترک، با نام پسران " اوغوز قاغان – داستان اوغوزان – عیناً یکی است. از این مورد – به عنوان سرنخ در موضوع شباهت " اوغوز" با " مو- تون"- نمی توان صرف نظر نمود.

بجا و مفید می دانیم که در این جا در باره ی " اوغوز ها" نیز مکث و تاملی داشته باشیم. در داستان ها با " اوغوز" به عنوان اسم یک شخص، روبرو هستیم. اما یک گروه قومی به همین نام وجود دارد، که

قسمت مهمی از ملت ترک، یعنی "اوغوز ها" یا " ترکمن ها" می باشند. در کتیبه های " کول تکین" و " بیلگه قاغان" – که در زمره ی آثار اصلی تاریخ ترکان می باشند- اوغوزان جزو طوایف ترک تلقی شده اند.در باره ی ساختار قومی آن

ها تا امروز پژوهش های فراوانی صورت گرفته است. عموماً این دیدگاه پذیرفته شده است که "اوغوز" به معنای " اتحاد طا یفه ها" یعنی به معنای " قبیله " است. هر چند برخی از فضلاء " قاغان های گوگ ترک " را نیز دارای منشاء اوغوزی می دانند، به نظر ما فعلاً ضرورت یافته است که در آن باره با تردید بنگریم. زیرا که دلایل کافی در این مورد که " بورولو ها -(Börülüler) "آشینا – Aşinaاز نژا د " اوغوز" بوده باشند، در دست نداریم. جمله ای که در کتیبه به این مضمون آمده: طایفه ی " تو کوز – اوغوز، از قبیله ی خود م هستند ،برای اثبات این که " قاغان های گوگ ترک" جزو " اوغوز ها" هستند، کافی نیست. این عبارت را می توانیم این گونه تعبیر نمائیم : اوغوزان هم تابع من می باشند. علاوه بر آ ن گفته شده است که اوغوزان بعد از سال ۶۳۰/ م ، از طوایف " تو لوس)" (Tölösپدید آمده اند.در واقع اوغوزان، همان گونه که در منبع مکتوب گوگ ترکان می بینیم و همانند طایفه ی " آلتی – باغ " هنگامی که دولت های ترک در گیر دوره ی آشوب های مداوم گردیدند(که احتمالاً می تواند در زمان هون ها بوده باشد) قبایل برای نجات خودشان ، با یک دیگر متحد شده باشند. نتایجی که از کتیبه ها ی موجود می توان گرفت این است که اسم " اوغوز" هرچند به شکل

"مفرد" مورد استفاده قرار گرفته است، اما با " عدد های " مختلف در اتحادیه ها حضوریا فته اند. در کتیبه های گوگ ترکی " اوغوزان" به صورت های : توقوز اوغوز، اوچ اوغوز، آلتی اوغوز و سکیز اوغوز، مشاهده می شوند. سئوال این است که آیا همه ی این اتحادیه های ایلات در یک زمان وجود داشته اند؟ در کتیبه ها آمده است که اوغوزان قبل از آن که " اویغورها" به قد ر ت برسند "تو قو ز ا وغو ز" نا میده می شدند. ولی در کتیبه های " شینه – او سو (Şine- usu) –که به دوره ی اویغور تعلق دارد.

با یک اتحادیه ی ایلات اوغوز با نام " سکیز اوغوز" آشنا می شویم. هم چنین در کتیبه ی " بیلگه قاغان"

، از جنگ " اوچ – اوغوز" صحبت می شود. بنا بر این تمام این اتحادیه ها ، بین قرون ۷ تا ۹ وجود داشته اند. ضمناً در متن برخی از نوشته های قرن ۱۰ / م با یک اوغوز و ۱۰ فرمانده ی آن روبرو می شویم. می توان گفت که اوغوزان در ابتدا ی قرن ۱۰ / م اتحادیه ای با ۲۴ عضو تشکیل داده بودند. اما ضرورت دارد نکته ای را متذکر گردیم و آن این که تعداد اتحادیه های اوغوز موجود در کتیبه ها ۲۶ مورد می باشد. امروزه به عنوان یک اصل پذیرفته شده ، تعداد طوایف اوغوز ۲۴ عدد است ، که به دو قسمت تقسیم شده اند: بوز- اوق ها و اوچ- اوق ها. می بینیم که این تعداد ، از ۲۶ طایفه ی ثبت شده در کتیبه ها ۲ طایفه کم دارد. در این مورد نظر ما این است که در طی قرون قبایل گوناگونی وارد اتحادیه ی ایلات اوغوز شده و یا از آن خارج شده اند. در قرن ۱۰ / م اتحادیه ی ایلات اوغوز شکل قطعی و نهایی خود را به دست آورد. پس از این توضیحات شاید ایرادی نداشته باشد که بگوئیم " اوغوزان" از طوایف" تولوس" و از نژاد ترکان می باشند.

موطن اوغوزان بر اسا س کتیبه های گوگ ترک در شرق " سلنگه" بوده است. هر چند طبق نوشته های جغرافی دانان مسلمان : غز، غوز و یا اوغوز، از نسل یافث ، در کناره ی " بلغار" توطن یافته بودند. این اطلاعات مربوط به دوره های متاخر است. روی نهادن اوغوزان به غرب پس از نیمه ی دوم قرن ۸ / م آغاز شده است. اغوزا ن عیناً مثل آنچه در زمان گوگ ترکان اتفاق افتاده بود، در دوره ی اویغوران نیز عصیان نموده بودند. از این جهت جزو جماعات ترکی می با شند که بسیار شایان توجه می با شند.

آنها حتی بزرگ ترین مخالفین دولت های سلسله هایی بودند که خود تاسیس کرده بودند. ما در خصوص اوغوزان ، پس از نیمه ی قرن ۸ / م در اسناد مکتوب گوگ ترکان به موردی بر نمی خوریم. این امر به این معنا تواند بود که آن ها به سمت غرب روانه شده اند. عموماً اوغوزانی که به کناره ی های " سیر دریا" آمده بودند، " پچنک " های این مناطق را به سمت غرب رانده و صاحب یورت و موطن جدیدی شدند. منابع اسلامی در نیمه ی دوم قرن ۸ / م از وجود یک یبغو، در راس آنها و شهری به نام " ینگی کنت" به عنوان مرکز ایشان یاد کرده اند. این منطقه کلاً بیابان های واقع در بین" ارتیش و ایتیل" را در بر می گرفت. در جنوب هم پهنه های " سیر دریا" و " اوست یورت" را شامل می شد.

گفته شده که اوغوزان در قرن ۱۰ / م بسیار قدرتمند شده بودند و مخصوصاً در اوایل قرن ۹ / م و در جریان اختلافات و منازعات والیان عرب ، اوغوزان نیز ایفای نقش کردند. آن ها عمدتاً تابع آئین مانی بودند. اوغوزان در قرن ۱۱ / م متفقاً و به صورت نیرو های پر تعداد و انبوه ، به مناطق

آناتولی و سوریه کوچ نمودند و باعث ایجاد تحولات بسیار مهم در تاریخ دنیا گشتند. تشرف به دین اسلام آغاز نامیده شدن ایشان به نام " ترکمن" بود . اوغوزان اولین دولت ترک سلجوقی را – با تکیه بر قبیله ی " قنیق" بر پا نمودند.
آن ها در تضعیف دولت سلجوق نیز نقش داشتند. بعداً از طریق خاندان عثمانی قدرت و حاکمیت را به " قایی" ها تسلیم کردند . بدین صورت علاوه بر این که در طول مدتی ۶۰۰ سا له رهبری ترکان و جهان اسلام رابه عهده داشتند، عنوان یکی از قدرتمند ترین دولت های جهان را کسب نمودند.

حال می خواهیم اندکی هم در باره ی " حماسه ی اوغوز قاغان" مکث و تامل نمائیم. در ساختار و متن داستان ها ، که در طول زمان پدید آمده بودند، بعد ها تعدادی عناصر اسطوره ای نفوذ می کنند." حماسه ها " که مهم ترین میراث زبان و ادبیات ترکان می باشند را می توان به عنوان " منا بع تاریخ ترکان" مورد استفاده قرار داد. حماسه ها (داستان ها) با ورود ترکان به صحنه ی تاریخ آغاز شد. در ادبیاتمان- که تا امروز پیشرفت و ترقی داشته – از آن ها به عنوان یک " نوع ادبی" بسیار سخن می رانند . حماسه ها چون در گستره ی وسیع زمان ، بعضاً تا ریخ و بعضاً نیز عناصردیگری را جذ ب نموده اند،شکل سرگذشت نامه به خود گرفته اند.
داستان ها(حماسه ها) آثار منظومی هستند که با آرمان های ملی مزین شده اند. این حماسه ها که ازفرا سوی قرون آمده اند، نما ینگر روح ملی هستند. تاریخ شهادت می دهد ملل فراوانی برای دستیابی به روح ملی در زندگی و حتی برای ایجاد تاریخ ملی، حماسه ها ساخته و پرداخته اند. مثلاً ایرانیان بقا ی خود را به عنوان یک ملت ، مدیون " شاهنامه " اثر شاعر ملی " فردوسی" می با شند.

حماسه های ترک را می توان نوعی تاریخ مردمی نیز نامید. اولین دانشمندی که در خصوص حماسه های ترک تحقیق کرد، ضیاء گوک آلپ " بود. ضیاء گوک آلپ در هفته نامه ی " د نیای کودک" که برای دانش آموزان دبستان تهیه می نمود، صورت تغییر شکل داده شده ی " حماسه ی اوغوز قاغان" را به شکل منظوم و با عنوان" توفان ترک" منتشر کرد. بعداً " ذکی ولیدی توغان" – یک ترک باشغور –با شناختن گستره ای که ادبیات شفاهی ترکان و گویش های ترکی در آن رواج داشت و با استفاده ازشا نس حضور در آن جوامع و آشنا یی با گویش های آنان، سعی نمود حماسه هایمان را تدوین و تصنیف کرده و برخی از نکا ت تاریک آن ها را روشن نماید.

×(شاعر مردمی اجزاء و قطعات کوچک سرگذشت پرماجرای یک ملت را که روح و جنبه ی حماسی دارند ، و به ادوار مختلف تعلق دارند، می سراید.
×این اجزاء و قطعات کوچک، حول حادثه ای که توجه همه ی ملت را به خود جلب می نماید، گرد)

برای پیدایش " حماسه ی ملی" باید از سه مرحله گذشت آورده می شود.
در پایان این امر موجد یک حرکت ملی و مدنی بزرگ می شده، شاعر مردمی آگاهی – که دراین برهه
ظهور می یابد- این اجزای کوچک و پراکنده را تالیف و " حماسه ی ملی" را خلق می نماید.

×)کوشش هایی نیز برای به نظم کشیدن حماسه هایمان صورت گرفته است. این کار را- بجز ضیاء گوک آلپ که قبلاً ذکر نمودیم- " رضا نور" و" بصری گوجول" انجام داده اند. رضا نور با به نظم کشیدن حماسه ی اوغوز قاغان در بیش از ۶۱۰۰ بیت، اثری بزرگ پدید آورد. ن. بیلدریم گنج اوغلی، یکی از آخرین افرادی است که در این زمینه تلاش نموده است.)

ما امروزه در مناطق مختلف، در مورد اشخا ص گوناگون و طوایف مختلف، تعداد فراوانی " اوغوز نامه " داریم. ولی واقعیت این است که منشاء و خاستگاه همه ی آن ها یکی است. منبع " حماسه های اوغوز" که امروز به شکل مکتوب در آمده اند، کتاب" جامع التواریخ" جلد دوم و بخش " تاریخ اوغوزان و ترکان" اثر " رشید الدین" وزیر ایلخانی می باشد. هر چند مورخین و راویان ترک، در بحث از حماسه ی اوغوز، به رشید الدین اشاره می نمایند، اما خود وی نیز به منبعی استناد کرده است. بدین سبب و بر اساس آنچه در بالا بدان اشارت رفت، امروزه تعدادی اوغوز نامه در اختیار داریم. آن ها را با استناد به نوشته ی احمد ذکی ولیدی توغا ن ، این گونه بر می شماریم:
-تاریخ اوغوز، که در زمان حیات " رشید الدین " استنساخ شده و با مینیاتور تزئین گشته و بعد ها وارد نسخه ی دست نویس " مجمل التواریخ" اثر " حافظ ابرو" شده است. این نسخه در کاخ توپکاپی، خزانه ی شماره ی ۱۶۵۳ نگهداری می شود.

-نسخه ی دوم همین اثر، که در زمان حیات " رشید الدین" تهیه شده و در کاخ توپکاپی ، با شماه ی ۱۶۵۴ ثبت و نگهداری می شود. این نسخه دارای مینیاتور است ، اما برخی از صفحاتش مفقود شده است.

-همان اثر در کاخ توپکاپی، در کتاب خانه ی " سلطان احمد سوم" نسخه ی شماره ی ۲۹۳۵ – که برای " کتاب خانه ی " اولوغ بیگ" تهیه شده است.

-همان اثر، کاخ توپکاپی، کوشک بغداد، نسخه ی شماره ی ۲۸۲

-نسخه ی موجود در کتاب خانه ی " داماد ابراهیم پاشا" جزو کتاب خانه ی سلیمانیه، که با شماره ی ۹۹۱ ثبت و نگهداری می گردد.

-اوغوز نامه ی موجود در " شجره ی ترکمه ی" ابو الغازی بهادرخان

-نسخه ای با الفبای اویغوری، که در پاریس نگهداری می شود.

-حکایات " دده قور قوت" که آن ها نیز نوعی اوغوز نامه می باشند.

-روایت" اوزون کوپرو" که به ترکی چغتایی قلمی شده است.

-داستان اوغوز، موجود در مدخل" تواریخ آل سلجوق" اثر " یازیجی اوغلو

علاوه بر این ها ، نسخ کشف شده ی اوغوز نامه ها نیز وجود دارند. یکی از آن ها در کتاب" خان نامه ی امامی" که در قرن ۱۷ / م نوشته شده، وجود دارد. دیگری اوغوز نامه ای است که در " قازان" پیدا شده و در سال ۱۹۹۸ در ترکیه به چاپ رسید. واریا نت دیگری از اوغوز نامه ، با عنوان " نسخه ی عشق آباد" شناخته می شود. به نظر ما این نسخه با دیگر نسخ تفا وت دارد.اوغوز نامه هایی نیز، در دیگر نقا ط و در داخل آثار متفا وت یافت می شوند.یکی از آن ها – که با الفبای اویغوری نوشته شده – اوغوز نامه ای است که موتیف (درون مایه) های پیش از اسلام در ساختار آن حفظ شده اند. این نسخه از اوغوز نامه، نسبت به دیگر نسخ ، بسیار ساده است. تمام حوادث بر حول و محوریت " اوغوز" شکل می گیرد. در صورتی که نسخ دیگر، ضمن این که شامل یک " افسانه آفرینش" است، بعضاً خصوصیات " تاریخ چنگیز"و گاهی نیز وبژ گیهای تاریخ " سلجوقی" یا تاریخ " عثمانی" را در بر دارد.

در پایان ذکر این موارد را مفید می دانیم:

- اوغوز قاغا ن" به احتمال بسیار زیاد همان" مو – تون یبغو" است

-می توانیم وجود برخی از فرزندان " اوغوز" را با استناد به مستندات تاریخی اثبات نماییم و این که آن ها واقعاً فرمانروایی کرده اند

-تکوین و تشکیل قوم " اوغوز" در طی قرون صورت گرفته و آخرین شکل نظم و انسجام قومی(ملی) در قرن ۱۰ / م تثبیت شده است.به نظر ما، در نقد و ارزیابی اوغوز نامه ها باید " نسخه ی ترکی اویغوری" – که عناصر و اجزای قبل از اسلام را خفظ نموده است . مبنا و پایه قرار بگیرد

صیادزیادپور



"صاد"ی مشدد "یا"یا
"الیف "ی "دال"ا قاتیب
کیملیک وثیقمه یازدیلار؛
عربجه آدیمدان باشلادی اوءگئیلیگیم
آدیم اویغون گلمه دی تورک کاراکتئریمه
بیرگه گلن اینجه-قالین سسلی لری
پوزدو آنامین دیل قورال لارین،
آدیم تاریخین قدداری
دوشونجه مین گونده لیک داعیشی
اوءزگولوگومون قیرمیزی زولاغی دیر...
روحومو قاراباغدان قوپاریب
حلبده دارا چکمه میش
ائدیت ائده جه یم آدیمی
آدیم یانلیش یازیلماسایدی
سینمده ایستیقلال اوردئنی
پاریلداییردی ایندی!

نه اوچون فلسفی – نیسگیللی شعر واریانتینا اوستونلوک وئردیم

NE ÜÇÜN FƏLSƏFİ NİSGİLLİ ŞEİR VARYANTİNA ÜSTÜNLÜK VERDİM

PROF.TOFİQ FƏRİD QULİYEV
پروفسور توفیق فرید قلی اف



ساغلام تملی اولمایان دوشونجه ادبیاتا، روحا ضربه دیر، بو اونون قان دامارینی بوشالدیر، سارسیدیر. عکسینه اولدوقدا ایسه روحو عدالت، حاق قاپیسینا یاخینلاشدیریر. تفککورون ساغلام و غئیری - ساغلاملیغی ایسه بیرینجی نؤوبه‌ده اینسانین نه درجه‌ده حیس ایپاتلی اولوب اولماماسی ایله اؤلچولور. محمد فیزولی دئمیشدیر: «بدبخت اودور کی، قم چکه بیلمیر». تورپاقلاریمیزین ۲۰٪-نین ایشغال آلتیندا قالدیغی، ۸ میلیون اهالیدن ۱ میلیوندان آرتیغینین قاچقین دوشدویو، ضبط ائدیلمیش بؤلگ، شهر و کندلرده مینلرله ائولرین، مکتبلرین، خستخانالارین و س-نین تجاووزکار ائرمنیلر - طرفیندن داغیلدیغی بیر شراییطده تئلئویزور ائکرانلاریندا شوو پروقراملارا، شیت آیلنجه لی وئریلیشلره باخدیقدا دوشونورم کی، اگر فضولی بابامیز قالسایدی بلکه ده اکثریتیمیزی بدبخت آدلاندیرارادی. یاددان چی‌خاریریق کی، قمین اؤزونده ده بیر راحاتلیق، موباریزه حیسی اولور، اینسانین سوسیال فل‌سفی،سیاسی دوشونجه طرزینی ایتیلشدیریر. فضولی دردی یاشادیغی دؤورون -فئودالیزمین اؤزونون دردی ایدی. اونون عشق فلسفه‌سی ده اساسن کدرلیدیر و سوسیال - فلسفی ماهیت داشییییردی. چونکی فیزولی هم ده دونیا، شرق فلسفه‌سینی دریندن بیلن بیر عالیم ایدی. اونا گؤره ده فیزولیده علمله پوئزییا، پوئتیک ایدراک و تفککورسینتئزلشمیشدیر.

فضولی پوئزییاسینین قودرتی، عالیلیگی خالق یارادیجیلیغیندان بحرلنمه‌سیدیر. فیزولی هم ده عدالتسیزلییه دؤزمه‌دیگین، گئرچکلییه هسساس اولدوغونا گؤره بدبین ایدی، بدبین شعرلر یازیردی. اونون حتّی صیرف لیریک، ائستئتیک شعرلرینده بئله سانکی بیر ساتیریک ایتتیهام، تنقیدی رئاللیق، درد، بدبینلیک، دؤوراندان، روزیگاردان نارازیلیق حیس اولونور. فیزولی علم، پوئزییا دریاسیدیر، اوندان بیر دامجی گؤتورمک مومکون اولسایدی من اؤزومو خوشبخت حیسئدردیم. قدیم تورک آشیق شاعیری رجب هیفزی دئییر: «آرسیز گوله‌ین اولار». شیت گولوش اینسانی بیر نؤو روحانی حیس لردن اوزاقلاشدیریر، حتّی بعضاً ده اوندا آزغینلاشما، آرسیزلیق حیس لری دوغورور. بو معنادا یئرسیز، آرسیز شعرلر ده اینسانلارین اولوی حیس لرینه تجووز عامیلی کیمی اؤزونو گؤستریر.

هئنریخ هئینئ ده تخمینن بئله دوشونوردو. او، «تانهئیزئر» شعرینده یازیردی:

«ایندی گؤز یاشلاری گرکدیر من،

او گؤزل، عطیرلی گولوش یئرینه».
ه.هئینئ «دونا کلارا» شعرینده ایسه بئله دئییر:
«حیس لری سئیر ائتمک اولوبدور پئشم،
سارساق جاوانلاردان تنگه گلمیشم»
ویلیام شئکسپیر نتیجه اعتیباریله اینسان، اونون طالعیی، داورانیشی، پسیخولوگییاسی، اخلاقی حاقیندا یازمیشدیر. او، شعردمودا آختارماق مؤوقئعییندن اوزاق ایدی. ب .ش.شئکسپیر اؤز شعر اوسلوبو حاقیندا «شعریمده یئنیلیک گؤرونمور ندن» آدلی شعرینده یازیردی: (اینگیلیس دیلیندن ترجومه سی صابیر موصطافانیندیر)
شعریمده یئنیلیک گؤرونمور ندن؟
هر فیکریم کؤهنه‌دیر، هر سؤزوم تکرار.
واختلا آیاقلاشا بیلمه‌ییرم من،
گزمیرم غریبه،یئنی اوسوللار.

نه اوچون یازیرام عئینی موضودان
هر کلمم دیل آچیب سؤیله‌ییر اینسان.
تکرارلا شعریمی سئوگین بزه‌دیر،
آخشام باتان گونش سحر تزه‌دیر.
اووه‌کی هونرله گئیییندیریرم
ان کؤهنه سؤزومه تپتزه پالتار.
او بو پروبلئمه دایر بیر شعرینده ده قاییدیر، عئینی موضویا موراجیعت ائتمگینی: «بودپرست سانماسین قوی ائللر منی» شعرینده بئله ایضاح ائدیر:
«گؤزللیک، نجیبلیک، صداقت هله
وهدتده اولمامیش هئچ کسده بئله.
صاباح دا دییشمز اونو بو دؤوران،
همیشه یازیرام بیرجه موضودان»
گؤروندویو کیمی، مودئرنیزم کونسئپسییاسی هله ۴۰۰ ایل اول شئکسپیر و ۲۰۰ ایل اول هئینه دؤورونده ده اولموشدور.
هر خالقین اؤز خالق یارادیجیلیغی، نئجه دئیرلر، اؤز فولکولورو، تورکوسو اولموشدور. ادبیات تاریخیندن بللیدیر کی، آذربایجاندا، تورکیه‌ده آشیق ماهنیلاری، قوشمالاری، قزل، قربی آوروپادا (ایسپانییا، فرانسا، ایتالییا، اینگیلتره و س) سونئتلر، تریولئت، ویریلئ اؤزونه گئنیش یول آچمیشدیر. اولا بیلسین کی، موعاصیر مودئرن ادبیییات و ادبیات‌شوناسلیق بونو قبول ائتمه‌سین، بو فیکیرله راضیلاشماسین. آنجاق اونو دئیه بیلرم کی، کلاسسیک قایناقلاردان بهرلنمین، اونون قانینا، کؤکونه ائنمه‌ین بدیعی اثرلر، او جومله‌دن شعرلر اینسان طالعییینین ترکیب حیصه سینه چئوریله بیلمز، اوزون عؤمورلو اولماز. تورکو همیشه ساغلام دوشونجه‌یه اساسلانمیش، خالقین عوموميشری دیرلرینی اساس گؤتورموشدور. بو معنادا تورکولری هئچ ده آرخایک، غئیری موعاصیر شعرلر آدلاندیرماق دوزگون اولمازدی. بیر چوخ شعرلر مودئرنی شعرلر اولسالار دا، بو گون یازیلسا دا اونو هله موعاصیر آدلاندیرماق اولماز. تورکولر دبدن دوشمور، سوقوط ائتمیر، همیشه یاشار اولور. نه سببدن؟ چونکی تورکیلر اینجه حیس ایلره توخونور، دوغروجولوغا، اینقسانلیغا کؤلگه سالمیر.
بورادا پرده آرخالی سؤزلر، فیکیرلر یوخدور. دئمک، قدیملییه نیهیلیستجه‌سینه یاناشمانی، هر شئیدن اوزاقلاشمانی هئچ ده یئنیلیک حساب ائتمک اولماز. اینکاری اینکار هئچ ده کؤهنه ایله یئنینین دیالئکتیک علاقه سینین اینکاری اولمامالیدیر. بو جور یاناشما هئچ ده بدیعی یارادیجیلیقدا دینامیکلیگین، اینتئللئکتوال گئنیشلیگین اینکاری دئییلدیر. البته، ادبیات، شعر ائستئتیک باخیمدان دا اؤنملیدیر. لاکین فوضولی، نیظامی، دوستایئوسکی، صابیر، جلیل محمدزاد، حسین جاوید، نسیمی و دیگرلری اونا گؤره داها چوخ سئویلیر کی، اونلارین درین فلسفی فیکیرلری اینسانلارین دردینی، آجیسینی آینا کیمی عکس ائتدیریر، درین اینسانی

حیس لر آرایییر، ایچریده، قلبده اولانلاری اوزه چیخاریر، خطالاری دئیه - دئیه بو خطالاردان اوزاقلاشماغی اینسانلارا اؤیره‌دیر، اینسانلاردا اخلاقی تمل فورمالاشدیریر، اونلاری اخلاقی زنگینلییی، قلوبال پلانئتار تففکوره دوغرو ایستیقامتلندیریر.

دئمک، شعرین تمه‌لینی بوتون زامانلاردا اینسان، اونون حیس لری تشکیل ائدیر. آز سؤزله بؤیوک فیکیرلر سؤیله‌ین هر بیر شعر همیشه تزه‌دیر.بئش شئکسپئر یاخشی دئمیشدیر: «آخشام باتان گونش سحر تزه‌دیر». دونیادا ائستئتیک گؤزللیکلر، گؤرونتولر چوخدور، بولدور. لاکین بونلار موترققی، معنوی عمللرله علاقه لی، طارازلی اولمالیدیر. اینسان نتیجه اعتیباریله حاق، عدالت اؤلچولرین، مئیارلارینا گؤره گؤزل اولور.



شعرده بو گؤزلییه اوستونلوک وئریلمه‌لیدیر. اینسان موعین زامان اؤلچوسونده، کسیگینده فعالیت گؤستریر، یاشییییر. اینسانلا اینسان، اینسانلا جمعیت، اینسانلا زامان آراسیندا همیشه ضیدیتلر، اؤزگلشمه حاللاری باش وئرمیشدیر. همین سوسیال، بدیعی، بؤهران حاللارینین حلینی دئیک ایک، نه کیمیا، نه ده فیزیکا اؤز عؤهده سینه گؤرورە بیلمز. بونو آنجاق ادبیات ائده بیلر. رسام بونو رسم شکیللری ایل، یازیچی قلمل، سؤزله ائدیر. سؤز، دوشونجه دیری، چکیسی ایسه همیشه اؤنملی و ابدیدیر. دئمک، تورکولر ده ابدیدیر، همیشیاشیلدیر. چونکی تورکولرده دویغو یوکو، ائتیک حیس لر زنگیندیر؛ دئمک بورادا اینسان فلسفه‌سی، اینسان حیس لری، دیلکلری، هابئله تنقیدی تفککور داها گوجلودور. بیر سؤزل، تورک ادبیاتینین، تورکونون پوئتیک ایمکانلاری، پوتئنسیالی داها گئنیش و رنگارنگدیر. البتت، واخت، زامان کسیگی مرحله-مرحلهبه‌دی تفککوره اؤز تاثیرینی گؤستریر. لاکین بو تاثیر دئفورماسییا اولونموش و موترقق حالدا دا اولا بیلر. لاکین تورکونون اصیل اوستونلوگو، مؤحتشملیگی اوندان عیبارتدیر کی، اونون دیانتی، معناسی، دیری بیر زامان کسیگی ایله مهدودلاشمیر. هم ده او رئال گئرچکلیگی داها آیدین و ساده عکس ائتدیردیگینه گؤره اینسانلارین شعوورونا، حیس لرینه داها اؤنملی تاثیر ائتمه گوجونه مالیک اولور، اینسانلاردا کامیللیک فورمالاشدیریر، اونلاردا زنگینلیک، صمیمیلیک، تمکینلیلیک، صافلیق، وطنسئورلیک حیس لری اویادیر، آشیلاییر، تلقین ائدیر. بو باخیمدان تورکولرده هم ده معاریفچیلیک، ضیالیلیق ایدئیالاری دا کیفایت قدردیر.

تورکو هر هانسی بیر سوسیال طبقه‌نین دئییل، ساده اینسانلارین ایدئولوگییاینی ایفاده ائدیر، بورادا بئله علامت، موعاصیر دیلله دئسک هر هانسی ساغچیلیق، سولچولوق مئیارلاری یوخدور. عکس تقدیرده تورکولر ابدی، عوموممبشر اولمازدی. بو ابدیلیک هئچ ده تورکونون کونسئرواتیو، موحافیظ اکار سعجیییه طبیعتینه مالیک اولماسی دئمک دئییلدیر. بو هم ده او دئمک دئییلدیر کی، ادبیاتدا ایدئولوگییا اولمامالیدیر. تورکوده اساس ایدئولوگییا کیمه‌سه خیدمت ائتمک دئییل، اینسانلیق و حقیقت ایدئولوگییاسیدیر. بیزجه هم ده تورکوده لیریکا ایله

یاناشی تنقیدی یاناشما دا گوجلودور. حتّی ۴۰۰-۴۰۰ ایل اول یازیلمیش، دئییلمیش تورکولرین موعاصیر دئموکراتیک دیرلره مالیک اولدوغونو ثوبوت ائدیر. همین دوغرولوق، زنگینلیک، بوتؤولوک بو سطیرلرین مؤلیفی اوچون ده اؤرنکولا بیلر. نیسگیللی، قملی، آغیر شعرلر یازماقدا شوبهه‌سیز کی، یئگانه اوغلوم فرید قولییئوین ۳۱ یاشدا حیاتینی دییشمه‌سیولموش، بو حادیثه اونسوز دا کؤورک اولان قلبینی یئنیدن طلاتومه گتیرمیش، سانکی مورگوله‌ین، یاتمیش حیس لریمی اویاتمیشدیر. فرید اورگی آچیق، حتّی من دئیردیم کی، سادلؤوح بیر گنج ایدی. مالیه ناظیرلیگینده ایشله‌ییردی. نامیزدلیک، آوروپا استاندارتلاری باخیمیندان دئسک دوکتورلوق دیسسئرتاسییاسینی مودافیعه ائتمیش عالیملیک درجه‌سی آلمیشدی. دیسسئرتاسییا ایشی ایله باغلی اونون «دؤولت گلیرلرینین ایداره ائدیلمه‌سی» «میلت و دؤولت گلیرلری» «گلیرلر نظرییه‌سی» و س. مانوقرافی‌یا-لاری و بیر سیرا مقاله‌لری نشر ائدیلمیشدیر. فریدین حیاتدان گئتمه‌سی سانکی گله‌جگیمه بالتا ووردو. قاراباغ شهیدلری ده قلبیمه ضربه ووردو. منی ناراحات ائدن پروبلئم‌لردن بیری د، بیزده ضیالیلیغین آشاغی سوییه‌ده اولماسیدیر.دئیک کی، اورتا عصرلرده ضیالیلار بیر جور، ایندیکی بازار سیستئمی شراییطینده ایسه باشقا بیر حالدا هاقسیزلیقلا اوزلشمیش، اؤزلری ایسه نییسنه نامینه مداحچی، بیر چوخ مأمورلارین آزغینلیغینا قارشی ایسه دؤزوملو اولموش، تولئرانتلیق مؤوقعی توتموشلار.

اینسانلار بعضاً حقیقتدن باشقا هر شئی، هر بیر حوققابازلیغاینانیرلار، بعضاً قارینی، وضعیفه‌نی آلله ساییرلار، حیاتی گئرچکلیک دئییل، ناغیل سانیرلار. هر شئیی ناغیل صاندیقجا، اینسانلیقدان دا بیر او قدر اوزاقلاشیر و اؤزگلشیرلر. باخ بودور حیاتین، اینسانلارین ناقیضلیگی، عئیبجرلیگی. بونو بیلنلر، درک ائدنلر ایسه دایما معنوی یوک آلتیندا اینله ییرلر، عذاب چکیرلر، نئجه دئیرلر پروبلئملرین حلینده بئله‌لرینین نه سؤزو کئچیر، نه گوجو یئتیر. آنجاق او دا وار کی، حیات بیزی سیخسا دا، ازسسه ده هر حالدا قیجیقلاندیریر، اویادیر، هارداسا اومودسیزلیگی یوخ ائدیر، موباریزه‌یه چاغیریر. بو دا بیر گئرچکلیکدیر، بو دا بیر تسلیدیر، بلکه ده تورکونون گؤزللیکدیر.



تورکوده یوکسک بدیعی مدنیت، دونیویلیک حیس لری ده واردیر. بو حال تورکونو یالنیز میللی دئییل، هم ده دونیاوی ائدیر. تورکو موترققی فلسفی دوشون‌جه‌لرله دولودور. بورادا تنقیدی رئالیزم، تورکونون قهرمانلاری کیتاب، ژورنال قهرمانلاری دئییل، حیاتین قهرمانلاریدیر. بئله قهرمانلار همیشه موعاصیر اولور. دئیک کی، شئکسپئرین، نیزاعمینین، حسین جاویدین واختیندا دا، سمد وورغونون، رسول ریضانین دا دؤورونده د، حتّی اینقیلابی حیس لر ده واردیر. او عدالتسیزلیی، اینسانسیزلیغا، شیطان عمللره عوصیان ائدیر.

عالیم عؤمرونون ساحیللری

ALİM ÖMRÜNÜN SAHİLLƏRİ

نزاکت منمداوا

NƏZAKƏT MƏMƏDOVA



"آلتی ایل دجله و فرات ساحیللرینده" یاشامیش بیر عالیم عؤمرونون بؤیوک سعجیییه‌سیندن صؤحبت آچماق شرفلیدیر.

۱۹۸۵-جی ایلده بدیعی-پوبلیسیستیک، علمی-کونسئپتوال مضمونلو بیر کیتاب دؤورون سانبالللی نشریاتیندا ("یازیچی") ایشیق اوزو گؤردو. حیاتا وثیقه آلدیغی گوندن گئنیش اوخوجو ماراغینی قازانان بو خوشبخت طالعلی کیتاب - "آلتی ایل دجله-فرات ساحیللرینده" آدلانیردی. آلتی ایللیک موشاهیده و تدقیقاتلارین نتیجه‌سی اولان بو کیتاب قدیم بابیل مدنیتینین بئشیگی عیراق و عیراقلیلارین کئچمیشی، چاغداشلیغی، همچنین عادت- عنعنه سی، ایجتیماعی-سوسیال حیاتی، دینامیکاسی ایله باغلی زنگین معلوماتی اؤزونده احتیوا ائدیردی. گئنیش اوخوجو آئودیتوریاسینین سئوگیله قارشیلادیغی و موختلیف دوشونجه موستویلرینده بدیعی-فلسفی، همچنین علمی موزاکیره‌لره وسیله اولان کیتابین مؤلیفی او زامان فیلولوگیا علملری نامیزه‌دی، ایندی ایسه فیلولوگیا علملری دوکتورو، پروفسور، بؤیوک فولکلورشوناس عالیم غضنفر پاشایئو ایدی.

چاغداش فیلولوژی علمین، خوصوصیله فولکلورشوناسلیغین گؤرکملی سیمالاریندان بیری اولان ایشیقلی شخصیت، ائل آغساققالی پاشایئو غضنفر محمد اوغلو اولو سازین، موقدس سؤزون اوجالیغینا تاپینان بیر ائلده، سازلی-سؤزلو تووزون دوزقیریخلی کندینده توللود تاپیب. ثباتلی بیر اوجاغین، اورواتلی بیر ائلین عادت-عنعنه لری اونون اوشاق یادداشینا حک اولونوب. حالاللیق، عالیجنابلیق، خیرخواهلیق، قایغیکئشلیک، یوردسئورلیک دویغولاری اوشاقلیقدان غضنفر پاشایئوین آلین یازیسینا، عؤمور کرئدوسونا چئوریلیب. کند مکتبینه گئدن یوللارین یادداشیندا اونونایاق سسلری هله ده دیریدیر. جونکی او یوللار اونو اولو ائلم معبدینه قووشدورب و او، بو یوللاردا بؤیوک عالیم کیمی ایناملا، سئوگیله، قطعیتله آددیملاییر.

۱۹۶۲-جی ایلده آرزولارینا قاپی آچدیآذربایجان دؤولت پئداقوژی خاریجی دیللر اینستیتوتو.بو عالی تحصیل اوجاغیندا آرزو قانادلی، اومید دولو طلبه آدینی قازاندی. اینگیلیس دیلی فاکولته‌سینی بیتیردیکدن سونرا عالی تحصیللی موعلیم کیمی اوچ آی پئداقوژی فعالیتینی کند مکتبینده داوام ائتدیریر. خوصوسی دیرلندیرمه و سئچیم اساسیندا غضنفر

پاشایئو عیراق رئسپوبلیکاسینا ترجومه‌چی ایشله‌مه‌یه دعوت اولونور. او، موختلیف واختلاردا عیراقدا ترجومه‌چی کیمی فعالیت گؤستریب. علمی باجاریغی و دیقتلاییق تدقیقاتلاری، اوندا ترجومه‌چیلیکدن علاوه،گئنیش علمی پوتئنسیالین اولماسینی گؤستردی. غضنفر پاشایئو تحصیل آلدیغی عالی تحصیل اوجاغیندا موختلیف وضعیفه‌لرده چالیشیب. پئداقوژی فعالیتله مشغول اولدوغو زامانلاردا علمی یارادیجیلیغینی داها دا گئنیشلندیرمیشدیر. ۱۹۶۸-جی ایلده خالق شاعیری رسول ریضانین ایشتیراکی ایله "کرکوک بایاتیلاری" آدلی ایلک کیتابی ایشیق اوزو گؤرور. آرتیق ۳۰-دان یوخاری ادبی-علمی و پوبلیسیستیک کیتابلارین مؤلیفیدیر.

هر بیر یارادیجی اینسانین حیاتیندا یاراتدیغی، عرصه یه گتیردیگی اثرلر آراسیندا، کیتابلار ایچینده بیری مخصوصیلیک قازانیر و یارادیجی دوشونجه‌نین ایندئکسینه چئوریلیر. غضنفر موعلیمین دیرلی کیتابلاری، یادداقالان ماراقلی اثرلری چوخدور. لاکین بؤیوک فولکلورشوناس عالیمین، دیرلی پوبلیسیستین یارادیجیلیق یولوندا "آلتی ایل دجله-فرات ساحیللرینده" کیتابینین اؤزونمخصوص سعجیییه سی وار. بو کیتاب تکجه مؤلیفین یارادیجیلیغیندا دئییل، هم ده بدیعی-علمی پوبلیسیستیکامیزین سانبالللی نومونه‌لری سیراسیندا مخصوصی یئره لاییقدیر.

غضنفر پاشایئو عیراقدا ترجومه‌چیلیک فعالیتی دؤورونده آسوده واختلاریندا دینجلمه‌میش، بیر یارادیجی عالیم شؤوقویله، تدقیقاتچی-فولکلورشوناس کیمی واختیله قدیم شرقین ان زنگین



دوشونجه مرکزلریندن اولموش عیراقین حیاتییلا کومپلئکس ماراقلانمیشدیر. او، عیراق خالقلارینین مدنیتینی، ادبیاتینی، ایجتیماعی حیاتینی، همچنین بورادا یاشایان آذربایجانلیلارین عادت-عنعنه لرینی درین شؤوقله اؤیرنمیشدیر.

زنگین شرق کولوریتینی اؤزونده احتیوا ائدن "آلتی ایل دجله-فرات ساحیللرینده " کیتابیندا دوشونجه‌لر، معلوماتلار، آراشدیرمالار موختلیف فصیللرده تقدیم اولونسا دا، اونلاری بیر سجییه عوومیلشدیریر. بو دا اوندان قایناقلانیر کی، دیرلی فولکلورشوناس عالیم عیراقدا یاشایان خالقلارا، اونلارین حیات طرزین، دونیاگؤروشونه و اینانجینا، عادت-عنعنه سینه صمیمی یاناشیر. بو صمیمیلیگین ایچینده مؤلیفین زنگین معنوی دونیاسی، بشریلیگی اونون دیرلی عالیم تفککورونون ایندئکسی کیمی چیخیش ائدیر.

تصادوفی دئییل کی، گؤرکملی عالیم، خالق یازیچیسی ائلچین غضنفر پاشایئوین علمی یارادیجیلیغینی یوکسک دیرلندیره‌رک یازیر: "بیر طرفدن "نسیمنین عیراق دیوانی" یاخود "فوضولینین حیات و یارادیجیلیغی" ،او بیری طرفدن ایسه حسین عاریف، حسین کوردوغلو، عیسی ملیکزاده، توفیق

بایرام، فیکرت قوجا، علیبالا حاجیزاده و ب. موعاصیر یازیچی و شاعیرلر حاقیندا کیتابلار.

آنجاق بو هله هامیسی دئییل. باخین: بیر طرفدن پروفئسسیونال دیلچی عالیمین قلمیندن چیخمیش "کرکوک دیالئکتینین فونئتیکاسی" علمی مونوقرافییاسی، او بیری طرفدن ایسه یئنه پروفئسسیونال صنعتشوناس، فولکلورشوناس کیمی آذربایجان آشیق یارادیجیلیغینین تدقیقاتچیسینین، آشیق صنعتی ایله باغلی نوفوذلو سؤز صاحیبینین مقاله‌لری، رایلری، ترتیبلری".

بؤیوک یازیچی گؤرکملی عالیمین دیرلی یارادیجیلیغینین میقیاسینی، سانبالینی موکمل خاراکتئریزه ائدیر. علمی ایجتیماعیت غضنفر پاشایئوی "کرکوک فولکلورشوناسلیغینین بانیسی" آدلاندیریر و بو حقیقتدیر کی، کرکوک آذربایجانلیلارینین یئنیدن آذربایجانچیلیق دوشونجه سینین فاکتینا چئوریلمه‌سینده بو ادیبین حلل ائدیجی خیدمتلری وار.

بوتون بو فیکیرلر گؤرکملی بیر عالیم عؤمرونون علمی موندریجه‌سینه ایشیق توتور. لاکین اینسان عؤمرو تکجه فعالیتدن عیبارت دئییل، بو عؤمرون ایچینده اونون خاراکتئرینی فورمالاشدیران دویغو و دوشونجه لر ده اؤنملی رول اویناییر.

غضنفر پاشایئو ائلم عالمینده نه قدر اوجالیقلار فتح ائتمیشس، بیر او قدر و اوندان داها اوجا مقاملاری اینسانلیق، شخصیت دونیاسیندا قازانیب.

بؤیوک عالیم گؤزو-کؤنلو توخ اولماقلا یاناشی هم ده چوخ قایغیکئش و گئنیش اورکلیدیر. عؤمرونون مودریک چاغلارینی یاشایان ائل آغساققالی، دیرلی عالیم کیمی دوشونجه‌لرینی بئله صاف و صمیمی، فلسفی آنلامدا ایفاده ائدیر: "من خوشبخت آدامام. خوشبختلیک اینسانا نصیب اولورسا، بو چوخ بؤیوک ایشدیر. من ایکی یوزایللیگین، ایکی مینیللیگین قووشاغینی یاشامیشام. آذربایجانین موستقیللیگینی گؤرموشم. بوتون خوشبختلیکلر کئچریدیر، اؤتوب کئچیر. ایکی خوشبختلیکدن باشقا. بیری اودور کی، وتن آزاد اولسون، خالق آزاد اولسون، موستقیل اولسون. اونون تؤهفه‌لرینین بهره‌سینی بیز دریریک. ایکینجیسی ده، اینسان او واخت ابدی خوشبخت اولور کی، اؤولادلاریندان یاریسین..."

خالق تفککورووندن سوزولوب گلن بدیعی-فلسفی، سوسیال-ایجتیماعی موندریجه‌لی معنوی ثروتلری عالیم صیقلتی ایله سیستئملشدیرن، علمی موستویده دیرلندیرن فولکلورشوناس عالیم کیمی غضنفر موعلیمین امگی اونیکالدیر. بو بؤیوک زحمتی علمی ایجتیماعیت همیشه یوکسک قییمتلندیریب.

معنالی و شرفلی عؤمرونون ۸۰-جی باهارینی دیرلی علمی تؤهفه‌لرله، کؤنول اوخشایان، چین اولموش آرزولارین سئوینجییله یاشایان ائل آغساققالی، پروفئسسور غضنفر پاشایئو بو گون ده اؤز علمی-ایجتیماعی فعالیتینی اوغورلا، هوسله داوام ائتدیریر.

شرق دونیاسینین قدیم، زنگین ائلم و مدنیت بئشیکلریندن اولان عیراقدا (بابیلیستاندا)، دجله-فرات چایلارینین ساحیللرینده باشلانان سانباللی عالیم عؤمرونون درین ائلم دریالارییندان کئچه‌رک بؤیوک باجاریقلا لیمانا چاتماسی آغساچلی کاپیتانین مهارتیندن، جسارتیندن سوراق وئریر. ساحیللردن-ساحیللره گئدن، اونیکال بیر معنوی ثروت داشییان بو عؤمور گمیسینین شانلی کاپیتانینی، همچنین بو ثروتین ازه‌لی و ابدی صاحیبی اولان آذربایجان خالقینی موژده‌ییرم. معنالی، شرفلی عؤمرونوزه اوجا تانری برکت وئرسین، ائل آغساققالی حؤرمتلی غضنفر پاشایئو!

اورونیملرین لئکسیک سئمانتیک خوصوصییتلری

ORONİMLƏRİN LEKSİK-SEMANTİK XÜSUSİYYƏTLƏRİ

Kərimova İradə Məzahim qızı

دکتر ایراده کریموا



اورونیم تورپاغین اوست قاتیندان رئلیئف قورولوشونا گؤره بیر-بیریندن فرقلنن یئرلرین آدینی بیلدیریر.

آذربایجان اونوماستیک لئکسیکاسینین توپونیمیک لاییننین خئیلی حیصه سینی اورونیملر تشکیل ائدیر. بورایا، اساسن، داغ، در، تپ، دوز، یوخوش، ائنیش، مئش، قوبو، اؤروش، ساحه،قالا، اوتلاق، یایلاق، قیشلاق، قوروغ، بین، بازی، ساحهوه س. یئر آدلاری داخیلدیر (۸. ۲۳۱-۲۳۲).

اورونیملر آذربایجاندا اهالینین اکثریتینی تشکیل ائدن تورکدیللی آذربای‌جان‌لیلارین و موختلیف داغیستاندیللی (ودینلر، آوارلار، ساخورلار، لزگیلر، خینالیق‌لار، قیریزلار و بودوقلار) و ایراندیللی (تالیشلار، تاتلار و کوردلر) آزسایلی خالقلارین دیللرینده لئکسیک واحیدلردنعیبارت اولدوقلارینا گؤره خالقیمیزین موختلیف تاریخی دؤورلرده ائتنیک ترکیبی مسله‌لرینین آراشدیریلماسی اوچون منبع رولونا مالیکدیر. بونونلا علاقه دار اولاراق، خوصوصیله قئید ائتمک لازیمدیر کی، ائرمنیلرین آذربایجانا قارشی اراضی ایدیعاسینین اساسسیزلیغینی گؤسترن فاکتلاردان بیری ده محض اورونیملردیر. آذربایجان اراضیسیند، او سیرادان، داغلیق قاراباغدا ائرمنی دیلی اساسیندا یارانمیش اورونیملر یوخدور. آذربایجان اورونیمییاسینین تدقیق اولونماسینین آکتواللیغی هم ده بوندادیر. بو باخیمدان آذربایجان اورونیملرینین ائتیمولوگییاسینین دریندن اؤیره‌نیلمه سینین اهمیتی بؤیوکدور.

آراشدیرمالاریمیز گؤسترییر کی، آذربایجاندیللی اورونیملرین بؤیوک اکثریتی آذربایجان دیلینه و قدیم تورک دیللرینه منسوب سؤزلر اساسیندا یارانماقلا اورونیمیک سیستئمین ۹۹٪- نی تشکیل ائدیر. بو اورونیملر آذربایجانین اورونیمیک ستراتئگییاسیندا اساس یئر توتور. آذربایجاندیللی (تورکدیللی) اورونیملرین رئسپوبلیکانین اورونیمییاسیندا اکثریت تشکیل ائتمه‌سی ایکی عامیلله ایضاح اولونور: بیرینجیسی، آذربای‌جان‌لیلارین شیمالدا اولو اجدادلاری حساب ائدیلن آلبان ائتنوسونون تورک منشالی اولماسی و موختلیف تورکدیللی طایفالارین ائرکن اورتا عصرلرده آذربایجاندا مسکون‌لاش‌ماسی؛ ایکینجیسی ائتنیک قروپلارین یاشادیغی اراضیلرده اورونیملرین یارانماسیندا سوسیال-جوغرافی، ایقتیصادی فاکتورلارین تاثیری. باشقا سؤزل، کؤچری مالدارلیقلا مشغول اولان ائللر مال-قارانی یایدا یایلاقلاردا ساخلادیقلارینا گؤره داغلیق اراضیلرین

رئلیئف فورمالارینین ایستیفادەسینه اویغون اولاراق اونلارا موختلیف آدلار وئرمیش و همین آدلار نسیلدن-نسیله کئچمیشدیر. آذربایجان اورونیملرینین بیر قیسمی هله قدیمدنیایلاقلاردا مالدارلیقلا مشغول اولموش ائللرین آدلارینی عکس ائتدیریر (۹. ۵۰). آذربایجان اورونیملرینده اون ایکی-اون اوچ عصرلره قدر آذربایجانا گلیب مسکونلاشمیش بیر سیرا تورک طایفالارینین: آغاجری، بویات، بولقار، قانلی، قاپان، قیپچاق، قوو، کرکی، کوزان، کونگوت، ماسکوت، اوغوز، پادار، پئچئنئق، ساک، سووار، تاتار، تئللی، تیرکش، توغ، تولوس و خزر طایفالارینین آدلاری عکسینی تاپمیشدیر (۹. ۵۱). بو سببدن ده اورونیملریمیزین خئیلی حیصه سی طایفالارین و اونلارین قوللارینین آدلاری اساسیندا یارانمیش سوسیال اوروقرافیک تئرمینلردیر. آذربای‌جان جوغرافی موحیطین ایستیفادەسی پروبلئمینده باشقا عامیللرله یاناشی، اورونیملرین یارادیلماسیندا سوسیال-جوغرافی آسپئکتلرین رولو چوخ بؤیوکدور.

آذربایجان اراضیسینده مؤوجود اولان اورونیملر، اونلارین آیری-آیری نؤولری موعین چوخلوق تشکیل ائدیر و اراضینین میکروتوپونیمیک سیستئمینین فورمالاشماسیندا خوصوصی رول اویناییر.

میکروتوپونیملرین اساس خوصوصیتلریندن بیری اونلارین جوغرافی اوبیئکته عاییدلیگینی بیلدیرن و میکروجوغرافی اوبیئکتی تعیین ائدن نومئنله بیر ایشلنمه‌سیدیر. میکروتوپونیملرین بیلدیردیکلری اساس اوبیئکتلری تپ، یوکسکلیک، آشیریم، یال، یوکسکلیک، در، دوز، چؤککک، کئچید، قایا، قوبو، تیر، تالا، بین، پی،قیشلاق، ساحه،یئر، بیچنک، قوروغ، کوچ، محلل، بولاق، چشمه، آرخ و س. تشکیل ائدیر. بو اوبیئکتلرین هئچ ده هامیسی جوغرافی اوبیئکت دئییلدیر. جوغرافیلیک بئله اوبیئکتلرین یئر سطحیند، عوموميتله یئر قورولوشوندا یئرلشمه‌سی، موعین اؤلچو و فورمالارا مالیک اولماسیدیر. سادالانان اوبیئکتلردن بعضیلری تصروفات مقصدیله یارادیلمیش، بعضیلری اینسان معیشتی ایله باغلی مئیدانا چیخمیش، بعضیلری یئر سطحینده گئدن طبیعی پروسئسلرین نتیجه‌سی کیمی و س. یوللارلا مئیدانا گلمیشدیر. بئله اوبیئکتلرین موعین قیسمی بیلاواسیته جوغرافی اوبیئکتلردیر و اونلار جوغرافییادا موعین تئرمینله آدلاندیریلیر. بعضی میکروتوپونیملرین ترکیبینده ایشلنن سؤز دیلین موعین دیالئکتی ایله باغلی اولور. بو دیالئکت داشییجیلارینین یاشادیقلاری اراضیلرده ترکیبینده بئله سؤزلر اولان میکروتوپونیملر داها چوخ ایشلکلیگی ایله سئچیلیر. باشقا بیر حالدا اراضینین طبیعی شراییطی همین رئگیوندا یاشایان آداملارا موعین تصروفات اوبیئکتلرینی سالماغا ایمکان وئردیگی اوچون اونلارین یاشادیقلاری اراضیلرده عئینیتیپلی بئله اوبیئکتلر چوخ اولور.

شاتوت قاباغی. بیرینجی کومپونئنت، اصلیند، شاهتوت اولموشدور. کندده‌کیبؤیوک توت آغاجی اورانین اهالیسی طرفیندن شاه توت آدلاندیریلمیشدیر. سونرادان شاه و توت سؤزلرینین بیرلشمه‌سی پروسئسینده «ه» صامیتی دوشموشدور. بونونلا یاناشی، گؤیچایدا «شاتوت» آغ توتون آدی اولوب نؤوون ایفاده‌سی اوچون ده ایستیفاده ائدیلیر. آدین نؤوله باغلی عمله گلمه‌سی احتیمالی بؤیوکدور. شاتوت قاباغی توت آغاجینی احاطه ائدن اراضینی بیلدیریر.

بورادا «قاباق» سؤزو شرطی سجییه داشییر. شاتوت قاباغی آداملارین بوش واختلاریندا ییغیشدیغی یئردیر. بورا ییغیشماغین بیر سببی ده توت آغاجینین آلتیندا کؤلگه‌لیگین اولماسیدیر.

آذربایجان اورونیمییاسیندا زوونیم منشالی جوغرافی آدلارا چوخ راست گلمک اولار. بونلاری ایکی قروپا بؤلمک اولار: ۱) حیوان آدلاری اساسیندا دوزلن اورونیملر؛ ۲) اورنیتونیملر –قوش آدلاری اساسیندا دوزلن اورونیملر.

آیی زاغاسی، آتبئلی داغی، پلنگتوللانان داغ، دوباتان در، اینکوچان قایا، ایلانلی چؤکک، دووشان یوواسی و س. حیوان آدلاری اساسیندا عمله گلن اورونیملر قروپونا داخیل اولان آدلاردیر.

دوباتان – گؤیچای رایونو اراضیسینده یئرلشن دره‌دیر. چای دره‌سی کوللوق و باتاقلیق اولموش، سونرالار اوستونده سو آنباری تیکیلمیشدیر. واختیله کاروان یولو ایله قبله طرفه گئدن دوه‌لرین بورادا باتماسی دره نین بئله آدلانماسینا سبب اولموشدور (۸. ۲۲۶).

اورنیتونیملر اساسیندا دوزلن اورونیملر رایون اراضیسینده آزلیق تشکیل ائدیر. قوزغون قایاسی، قاراقوش داغی، قارتال داغی و س.

قاراقوش – گؤیچای رایونوندا شاهسولتانلی کندینین جنوب شرقینده یئرلشن داغدیر. احتیمالا گؤر، داغین بئله آدلاندیریلماسی اورادا چوخلو قارا قوشون اولماسی ایله علاقه داردیر. ینی داغین آدی ییرتیجی قارا قوشلارین قایالاردا یووا سالماسی ایله باغلی یارانمیشدیر.

گؤیچای رایونونون فاوناسی زنگین دئییلدیر. بو مئشه زولاقلارینین سئیرکلیگیندن و داغلیق حیصه نین آلچاقلیغیندان ایره‌لی گلیر. بورادا جاناوار، تولکو، بوز دووشان، چؤل سیچانی داها چوخ یاییلمیشدیر.

رئسپوبلیکامیزین فاوناسی چوخ رنگارنگدیر. بونونلا بئل، بعضی رایونلاریمیزین تورپاق و بیتکی اؤرتویو، دوزنلیک رئلیئفینین اوستونلوگو بو رایونلاردا فاونانین کیفایت قدر ده زنگین اولماماسی ایله سجییله نیر.گؤیچای بئله رایونلاریمیزداندیر. رایونون فاوناسی کیفایت قدر زنگین و رنگارنگ دئییلدیر. جوغرافی اوبیئکتلرین حیوان آدلاری ایله آدلاندیریلماسی نتیجه سینده زوونیمیک اونوماستیک واحیدلر یارانیر. «زوونیمیک اورونیملر اساس اعتیباری ایله یالنیز چؤل حیوانلارینین و قوشلارینین آدلاری ایله باغلی اورونیملردیر. ائو حیوانلاری ایله علاقه دار یارانمیش زوونیملر ایسه موعین حادیثه لرله علاقه دار اولاراق آد وئریلمیش اورونیملردیر. بئله‌لیکل، زووتوپونیمیک اورونیملر ایکی یئره آیریلا بیلر: ۱) چؤل حیوانلاری و قوشلارین همین اراضیلرده یاشاماسی ایله علاقه دار یارانمیش آدلار؛ ۲) ائو حیوانلاری ایله موعین حادیثه لر نتیجه‌سینده آد وئریلمیش اورونیملر» (۹. ۹۹–۱۰۰). البتت، زوونیملر توپونیملرین یارانماسیندا فعال ایشتیراک ائدیر. لاکین قئید ائدیلدیگی کیمی، گؤیچای رایونونون فاوناسی کیفایت قدر زنگین دئییلدیر. بو مئشه زولاقلارینین سئیرکلیگیندن و داغلیق حیصه نین آلچاقلیغیندان ایره‌لی گلیر. بورادا جاناوار، تولکو، بوز دووشان، چؤل سیچانی و س. یاییلمیشدیر. بونونلا بئل، حیوان، قوش، بالیق، هشارت و س. جانلیلارین آدلاری اساسیندا دوزلن توپونیملر زووتوپونیملر آدلانیر. بئله یئر آدلاری دئمک اولار کی، آذربایجانین بیر چوخ رایونلارینین اراضیسینده

موشاهیده اولونور. آذربایجان اهالیسی همیشه حیواندارلیقلا مشغول اولموش و بونونلا علاقه دار بیر سیرا یئر آدلاری حیواندارلیقلا باغلی تئرمینلر اساسیندا یارانمیشدیر.گؤیچای رایونو بو باخیمدان ایستیثنا تشکیل ائتمیر. رایونون ماکرو و میکروتوپونیم سیستئمینده زووتوپونیملر قئیده آلینیر. ماکروتوپونیم سیستئمینده زووتوپونیملر داها چوخ داغ آدلارینی احاطه ائدیر. گؤیچای رایونوندا‌کی زوونیم منشالی جوغرافی آدلاری ایکی قروپا بؤلمک اولار: ۱) حیوان آدلاری اساسیندا دوزلن اورونیملر؛ مثلا، آیی ماغاراسی، آتبئلی داغی، پلنگتوللانان داغ، دوباتان در، ایلانلی چؤککک، دووشان یوواسی و س. ؛۲) اورنیتونیملر (قوش آدلاری) اساسیندا دوزلن اورونیملر. مثلا، قاراقوش داغی،قارانقوش داغی، قوزغون قایاسی و س.

دوباتان دره – گؤیچای رایونو اراضیسینده یئرلشیر. چای دره‌سی کوللوق و باتاقلیق اولموش، سونرالار اوستونده سو آنباری تیکیلمیشدیر. واختیله کاروان یولو ایله قبله طرفه گئدن و اورادان قاییدان کاروانداکی دوه‌لرین بورادا سووواریلماسی، سووارما زامانی بعضاً دوه‌نین باتاقلیقدا باتماسی ایله موشاییت ائدیلمیشدیر. نتیجه‌ده یئر باش وئرمیش حادیثه‌ساسیندا آد آلمیشدیر. آدین ترکیبینده زوونیم واردیر (۸. ۲۲۶).

دوه – صحرالاردا و قورو چؤللرده ایستیفاده اولونان، بیر و یا ایکیهؤرگوجلو، چوخ دؤزوملو ایری یوک حیوانی (۲. ۵۵). قدیم تورک دیللرینده ائرککک دوه بوغرا آدلانمیشدیر. دوه صحرا و قورو چؤللرده ایستیفاده اولونان داواملی، اتی یئییلن و بول یون وئرن حیوان اولدوغوندان اونون ساخلانماسی و چوخالدیلماسینا خوصوصی فیکیر وئریلمیشدیر. دوه وار–دؤولت رمزی کیمی ده چیخیش ائدیر. «دؤولتده دو، اؤولاددا نو» آتالار سؤزو ده بونو تصدیق ائدیر. دوه تورکدیللی خالقلارین، او جوملەدن آذربایجانلیلارین معیشتینده خوصوصی یئر توتموشدور. اوغوزلاردا دوه چوخ ایستیفاده اولونان هئوانلاردان بیری ایدی. کدق–ده دوه سؤزو ایشلکدیر. «دوه‌لرینه واردی، بین بوغرا –نر سئچدی» (۷. ۵۷).

حاضیردا آذربایجانین آبشئرون، سالیان، شاماخی، گؤیچای و س. رایونلاریندا دوه ساخلانیلیر. آذربایجانین بیر سیرا رایونلاریندا دوه‌لرین اوتاریلماسی، ساخلانماسی اوچون ایمکانلار اولموشدور. نتیجه‌ده آدی چکیلن اراضیلرده همین حیوان آدی اساسیندا توپونیملر یارادیلمیشدیر. گؤیچایداکی دوباتان دره بو قبیلدن اولان یئر آدیدیر. لاکین آد بو یئرده دوه ساخلانماسی ایله علاقه دار دئییل، باش وئرمیش حادیثه‌یله باغلی وئریلمیشدیر.

جئیران دوزو، جئیرانداغ، جئیرانباتان، جئیران اؤروشو، جئیرانچؤل. آذربایجاندا «جئیران» اساسلی زووتوپونیملر چوخدور. رئسپوبلیکامیزدا جئیران دوزو (گؤیچای)، جئیرانداغ (یسماییللی)، جئیرانباتان (باکی، آبشئرون)، جئیران اؤروشو (نئفتچالا)، جئیرانچؤل (قاخ، خانلار، شاماخی) و س. زووتوپونیملر قئیده آلینمیشدیر.

جئیران – آنتیلوپ جینسیندن ایری گؤزلو، اینجایاقلی، ایتیقاچان، ظریف حیوان آدیدیر. آذربایجاندا اساسیندا «جئیران» زوونیمی اولان کیفایت قدر چوخ اونوماستیک واحید واردیر. چوخ دار، کئچیلمه‌سی چتین اولان یولا دیلیمیزده جئیرانکئچمز دئییلیر (۴. ۴۶۸).

جئیران حاضیردا آذربایجاندا قیرمیزی کیتابا دوشموش حیوانلاردان بیریدیر. رئسپوبلیکادا جئیرانین آرتیریلماسی، اونون قوروقلاردا ساخلانماسی ایستیقامتینده ایش آپاریلیر. حاضیردا بو حیوان شیروان دؤولت قوروغوندا، گؤیچای یاساقلیغیندا ساخلانیلیر. بو فاکت واختیله بو رایون اراضیسینده جئیرانین اولدوغونو و بو حیوانلارین راست گلیندیگی دوزون اونلارین آدی ایله آدلاندیریلماسی فاکتینی تصدیق ائدیر.

چاققال قوبوسو. رئسپوبلیکامیزین آغسو، آغجابه‌دی، گؤیچای، گؤی-گؤل رایونلاریندا زوورونیم کیمی قئیده آلینیر. چاققال - اساسن دسته شکیلده قیدالانان ایتکیمیلر عاییلهسیندن وحشی حیواندیر (۴. ۴۰۹). آذربایجاندا چاققالا داها چوخ آران دوزنلیگیند، موغان، سالیان، میل-قاراباغ دوزنلیکلریند، او جومله دن ده گؤیچایدا راست گلینیر. اساسیندا «چاققال» سؤزو دوران اوروقرافیک اوبیئکتلر، اساسن، صحرا و دوزنلیک رایونلارین توپونیمیکاسیندا اؤزونو گؤستریر. زووتوپونیم آدی ایفاده اولونان قوبودا چاققال سورولرینین چوخلوغو ایله باغلی عمله گلمیشدیر.

پلنگتوللانان//پلکتوللانان داغ. آراشدیرمالار گؤستریر کی، آذربایجانین کلبجر، زنگیلان، لاچین، قوبادلی، گؤیچای رایونلارینین توپونیملر سیستئمینده پلنگ اونیمی ایله باشلایان اورونیملر نیسبتن چوخ تصادوف ائدیلیر. فونئتیک واریانتلیلیق دانیشیق دیلینده «گ» و «ت» فونئملرینین یاناشی ایشلنمه‌سی ایله باغلیگ>ک سس عوضلنمه‌سیندن ایره‌لی گلیر.

پلنگ - پیشیک جینسیندن اولوب دریسی زولاقلی ایریییرتیجی حیوان؛ قاپلان (۳. ۴۹۳). حاضیردا پلنگه رئسپوبلیکامیزین لنکران-آستارا زوناسیندا چوخ نادیر حاللاردا تصادوف ائدیلیر. بو دا کیچیک قافقاز مئشه‌لیکلرینده بیر زامانلار پلنگلرین یاشاماسینی تصدیق ائدیر. گؤیچای رایونوندا قئیده آلینمیش اورونیم اولا بیلسین کی، باش وئرمیش حادیثهیله باغلی یارانمیشدیر. کیچیک قافقاز مئشه‌لیکلریندن گلمیش پلنگین بو داغدان ائنمه‌سی اساسیندا فورمالاشماسی احتیمال اولونا بیلر.

اؤلکه‌میزین اراضیسینده اورنیتونیملر (قوش آدلاری) اساسیندا دوزلن اورونیملره د، راست گلینیر. مثلا، قوزغون قایاسی، قاراقوش داغی، قارتال داغی و س.

قاراقوش داغی. گؤیچایرایونو اراضیسینده‌دیر. شاهسولتانلی کندیندن جنوب-شرقده یئرلشن زووتوپونیمدیر. داغ چایدان اوزاق دئییلدیر. چایین بو حیصه سینده بالیقلار چوخ اولموشدور. بو اساس یئمی بالیق اولان قاراقوشلارین مؤوسومده داغدا مسکونلاش‌ماسینا، بورایا اوچوب گلمه‌سینه ایمکان یاراتمیشدیر. احتیمالا گؤر، داغین بئله آدلاندیریلماسی اورادا چوخلو قاراقوشون اولماسی ایله علاقه دار اولدوغو احتیمال اولونور. اونا اوخشار دیگر واریانتدا دئییلیر کی، داغین آدی ییرتیجی قاراقوشلارا، قایالاردا یووا سالماسی ایله علاقه دار یاراندیغی قئید اولونور.

قوشلار دونیانین، دئمک اولار کی،هر یئرینده یاییلمیشدیر. یئر کوره‌سینده قوشلارین ۹ مینه قدر نؤوو واردیر. اونلاردان ۳۵۷ نؤوو آذربایجان فاوناسینا داخیلدیر. قاراقوشلار پاندیونیدائ فصیله‌سینه - چای قاراقوشلاری فصیله‌سینه داخیلدیر. آذربایجاندا آران رایونلاریندا و داغ-مئشه قورشاغیندا یاییلمیشلار. ایری چای بویونداکی و دنیز ساحیلینده‌کیمئشه‌لیکلری

خوشلاییر. قوشون بئل طرفی توند قونور، بوینونون آردی و باشی آغدیر، تپه‌سینده توند رنگلی اوزونونا جیزگیلر واردیر. پئیسرینده لعلکلر اوزانیب ککیل عمله گتیریر. قانادینین اوزونلوغو ائرککده ۴۴۸-۴۹۲ مم، دیشیده ۴۸۵-۵۱۵ مم-دیر. اساس یئمی بالیقدیر. تصروفات اهمیتی یوخدور (۵. ۱۳۴-۱۳۵). گؤیچای چایی و رایونون قاراقوش داغی اراضیسینده موشاهیده اولونور. سون دؤورلرده سایی کسکین آزالمیشدیر.

قاراقوش سؤزو قارا+قوش کومپونئنتلرینه آیریلیر. قارا قوشون رنگی ایله دئییل، اونون بؤیوکلوگو ایله علاقه داردیر. «قوش» سؤزو جینسین آدیدیر. واختیله بو اراضیده یاییلدیغینا گؤره داغ قوشون آدی ایله آدلاندیریلمیشدیر. اونو دا قئید ائدک کی، قاراقوش آدی باشقا بیر نؤودن اولان «قارتال» قوشونون آدینین سینونیمی کیمی بعضی تورک دیللرینده، او جوملەدن ده آذربایجان دیلینده ایستیفاده اولونور (۱. ۴۲۹). اصلینده زوولوگییادا قارتال و قاراقوش فرقلی نؤولردیر. قارتال آقویلا بریسسون جینسیندن اولوب قیرغیلار فصیله‌سینه داخیلدیر و موختلیف نؤولری واردیر. آذربایجاندا قارتال نؤولری کیمی سار، چؤل قارتالی، کیچیک قارتال، جیرتدان قارتال، چیغیران قارتال و س. نؤولری واردیر (۵. ۱۵۰-۱۶۱).

قارانقوش داغی. گؤیچای رایونوندادیر.

ایکیکومپونئنتلی اورونیمدیر. بیرینجی کومپونئنت زوونیم اولوب قوش آدیدیر.

قارانقوش آدینا تورک دیللرینده موختلیف فورمالاردا راست گلینیر. کارلاقاش (التای)، کارلوغاس (باشقیرد)، قیرلانقاچ (قاقاوز)، کارلیقاش (نوقای)، کارلیقاچ (تاتار)، کیرلانغیچ (تورک) و س. (۱۰. ۵۵).م.کاشغاریده کارغیلاچ و کارلیغاچ فورمالاریندا راست گلینیر. مؤلیف ایکی فورمانین مئتاتئزا حادیثه سی اساسیندا یارانماسینی قئید ائتمیشدیر (۶. ۳۷۰).

سؤزون بیرینجی هئجاسینداکی «ای» سایتینین اوللر «آ» اولماسی و «ن» صامیتینین کیلیچ>کیلینچ سؤزونده اولدوغو کیمی سونرادان آرتیریلماسینا اساسلاناراق تورک دیلینده‌کیکیرلانغیچ<<کارلاغوچ شکلینده برپا ائدیلیر (۱۱. ۲۳۸).

قارانقوش هاچاقویروقلو، دار اوزون قانادلی، ایتیوچان کؤچری قوشدور (۱. ۴۳۲).

قارانقوشون ساحیل، داغ (قایا)، کند، شهر نؤولری فرقلندیریلیر.

آذربایجان اونوماستیکاسیندا قارانقوش آدینی عکس ائتدیرن واحیدلر واردیر. بونلاردان بیری ده گؤیچایداکی قارانقوش داغی اورونیمیدیر. اورونیم داغ (قایا) قارانقوشلارینین بؤیوک دسته ایله بو یئره کؤچوب گلمه‌سی ایله باغلی بو آدی آلمیشدیر.

İstifadə olunmuş ədəbiyyat
1. Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti. I c.,(4 cilddə),Bakı: Azərnəşr, 1966, 595 s.
2. Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti. II c., Bakı: Elm, 1980, 576 s.
3. Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti. III c., Bakı: Elm, 1983, 555 s.
4. Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti. IV c., Bakı: Elm, 1987, 544 s.
5. Azərbaycan faunası. VI c., Quşlar, I b., Bakı: Elm, 1977, 316 s.
6. Kaşğari Mahmud. Divanü luğat-it-türk. I c., Bakı: Ozan, 2006, 752 s.
7. "Kitabi-Dədə Qorqud" dastanları. Bakı: Yazıçı, 1988, 265 s.
8. Qurbanov A.M. Azərbaycan onomalogiyasının əsasları. II c., (2 cilddə), Bakı: Nurlan, 2004, 504 s.
9. Məmmədov N. Azərbaycanın yer adları (oronomiya). Bakı: Azərnəşr, 1993, 184 s.
10. Ramazanov K.T. Türk dillərində quş adları // Türk dillərinin tarixi-müqayisəli leksikologiyası məsələləri. I c., Bakı: Kitab aləmi, 2004, s. 18-74.
11. Подольская Н.В. Словарь русской ономастической терминологии. Москва: Наука, 1988, 192с.

فشار خون یک عامل نگران کننده

حسین قهرمانی

فشار خون بالا برای هر فردی یک عامل نگران کننده و تهدیدآمیز به شمار می آید که حتی می تواند باعث مرگ شود. بیشتر افراد دارای فشار خون بالا درمان دارویی را آغاز می کنند. در این مقاله قصد داریم راه های کاهش فشار خون بدون استفاده از دارو را به شما معرفی کنیم.

یک.از نمک دوری کنید.

سدیم موجود در نمک باعث نگه داشت بیشتر مایعات در بدن و افزایش حجم مایع خون می شود. افزایش حجم خون باعث می شود قلب بیشتر پمپاژ کند تا بتواند حجم اضافی را در سطح بدن پخش کند و این عمل باعث افزایش فشار خون می شود. به یاد داشته باشید پرهیز از نمک، تنها شامل نمک موجود در غذا یا نمک موجود در نمک دان روی میز نمی شود. بلکه باید مراقب سدیم موجود در غذاهای فرآوری شده نیز باشید. از غذاهای فرآوری شده با ماندگاری طولانی، کنسرو ها، سوسیس، کالباس، انواع سس از جمله سس کچاپ و دیگر مواد غذایی با نمک و سدیم بالا دوری کنید. رژیم غذایی با سدیم پایین به معنی مصرف روزانه ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی گرم سدیم در روز است. اگر نمی توانید خوردن غذاهای کم نمک را تحمل کنید از جایگزین های نمک موجود در بازار استفاده کنید. این به معنی استفاده از مواد نمکی ملایم تر نیست؛ بلکه به معنی این است که به طور کلی به جای استفاده از نمک، جایگزین های آن را مصرف کنید که به عنوان مثال به جای "سدیم" بر پایه "پتاسیم" هستند.

دو.متعادل غذا بخورید و از غذا های پر چرب و حاوی مواد محرک دوری کنید.

در خوردن مواد غذایی حاوی آرد سفید، شکر، برنج، تعادل را رعایت کنید و از خوردن غذاهای پرچرب و مواد غذایی حاوی مواد محرک مانند کافئین در قهوه و نوشیدنی های حاوی مواد شیرین کننده مانند نوشابه اجتناب کنید. حتی ۱ یا ۲ فنجان قهوه یا چای تیره می تواند باعث افزایش فشار خون شود. کافئین موجود یک ماده محرک است که باعث افزایش ضربان قلب و در نتیجه افزایش فشار خون می شود. به جای خوردن گوشت، شیر و تخم مرغ، از رژیم های غذایی گیاه خواری استفاده کنید.

سه.سیگار کشیدن را متوقف کنید.

سیگار کشیدن به دلیل وجود مواد محرک در دود خود باعث افزایش فشار خون می شود. ترک سیگار علاوه بر جلوگیری از افزایش فشار خون، به سلامت قلب نیز کمک می کند و احتمال ابتلا به سرطان ریه را کاهش می دهد.

چهار.وزن کم کنید.

حمل وزن بیشتر باعث می شود که قلب تمام مدت بیشتر کار کند و باعث افزایش فشار خون شود. داشتن ۱۰ کیلو اضافه وزن مانند این است که دائما یک وزنه ۱۰ کیلویی را با خود حمل کنید. حمل این میزان وزنه توسط یک فرد معمولی نیز باعث افزایش ضربان قلب، به نفس افتادن شخص و خستگی می شود. تصور کنید که حمل تمام مدت این میزان وزن یا حتی بیشتر چه فشاری به بدن و قلب وارد می کند. با کاهش این اضافه وزن، قلب دیگر مجبور به تپیدن بیش از حد معمول نخواهد بود و در نتیجه فشار خون نیز کاهش می یابد.

پنج.از الکل و مواد مخدر دوری کنید.

استفاده مفرط مواد مخدر و الکل به ارگان های حیاتی بدن آسیب می رساند. وقتی اعضای بدن آسیب می بینند، باعث بالا رفتن و ذخیره مایعات در بدن می شوند. همانطور که پیشتر هم گفته شد، افزایش حجم مایعات بدن، منجر به افزایش فشار خون می شود. علاوه بر این، بسیاری از مواد مخدر محرک هستند و با تحریک قلب باعث افزایش ضربان قلب و در نتیجه افزایش فشار خون می شوند. علاوه بر مواد مخدر، داروهای ساده ای مانند مسکن ایبوپروفن باعث جذب و نگهداشت بیشتر سدیم در بدن می شوند. همانطور که به خاطر دارید، افزایش سدیم در بدن نیز منجر به افزایش فشار خون می شود. بنابراین افرادی که از پیش به دلیل مشکل فشار خون با مصرف سدیم مشکل داشته اند حالا سدیم بیشتری نسبت به یک شخص معمولی جذب می کنند که باعث حادتر مشکل آنها خواهد شد.

شش.ریلکس باشید.

افراد بسیاری تحت شرایط استرس زا یک افزایش فشار خون موقت را تجربه می کنند. اگر شما به دلیل وزن بالا یا دلایل ارثی از فشار خون بالا رنج می برید، باید از استرس، نگرانی و عصبانیت دوری کنید. قدد فوق کلیوی در این شرایط هورمون بیشتری ترشح می کنند که باعث افزایش فشار بر سیستم قلبی عروقی می شود .

هفت.ورزش کنید.

هر روز برای ۲۰ تا ۳۰ دقیقه با سرعت ملایم (٥ کیلومتر در ساعت) پیاده روی کنید. مطالعات متعدد نشان می دهند که پیاده روی به تنهایی بر روی فشار خون بالا تاثیر کاهنده دارد. اگر نمی توانید خارج از منزل به پیادروی بپردازید با خرید یک تردمیل ارزان قیمت پیاده روی را در خانه انجام دهید. مزیتش این است که در برف و بارن، با پیژامه و بی آنکه کسی شما را ببیند می توانید پیاده روی کنید. فقط این لطف را به خودتان بکنید و هر روز بدون حتی یک روز وقفه، پیاده روی کنید.تنها زمانی که از شما گرفته می شود ۳۰ دقیقه در روز است.

هشت.مدیتیشن کنید.

کاهش سرعت دم و بازدم به سادگی کاهش چشمگیری در فشار خون شما به وجود می آورد. نفس کشیدن عمیق و طولانی را چندین بار در روز امتحان کنید. این کار را هر روز چندین بار برای ۵ تا ۱۰ دقیقه با گوش دادن به موسیقی ملایم و به منظور ریلکس کردن و کاهش فشار خون انجام دهید.

نه.دوش آب گرم بگیرید.

دوش آب گرم برای ۱۵ دقیقه در طول روز و یا قبل از خواب می تواند فشار خون را برای چندین ساعت پایین نگه دارد.

ده.فشار خون خود را زیر نظر داشته باشید.

با استفاده از یک دستگاه اندازه گیری فشار خون دیجیتال، فشار خون خود را به طور مرتب زیر نظر داشته باشید:

فشار خون طبیعی: ۸۰/۱۲۰

مرحله قبل از پرفشاری خون: فشار خون سیستولی بین ۱۲۰ تا ۱۳۹ میلیمتر جیوه و دیاستولی بین ۸۰ تا ۸۹ میلیمتر جیوه

فشار خون بالا مرحله اول: فشار خون سیستولی بین ۱۴۰ تا ۱۵۹ میلیمتر جیوه و دیاستولی بین ۹۰ تا ۹۹ میلیمتر جیوه

فشار خون بالا مرحله دوم: فشار خون سیستولی بیشتر یا مساوی ۱۶۰ میلیمتر جیوه و دیاستولی بیشتر یا مساوی ۱۰۰ میلیمتر جیوه

یازده.با مشورت دکتر، از درمانهای طبیعی استفاده کنید.

بیشتر دارو های گیاهی دلایل علمی برای کاهش فشار خون دارند. سیر، روغن زیتون، مواد غذایی حاوی منیزیم، پتاسیم، و کلسیم.

مواد غذایی حاوی پتاسیم :رب گوجه طبیعی، لوبیا، موز، اسفناج، آب پرتقال، شیر کم چرب.

مواد غذایی حاوی کلسیم :ماست، شیر کم چرب، پنیر، ماهی قزل آلا، ساردین، کلم پیچ، اسفناج

مواد غذایی حاوی منیزیم :ماهی، آجیل (گردو، فندق، بادوم، تخم آفتاب گردان)، کاهو، کلم، اسفناج

دوازده.ویتامین B مصرف کنید.

مصرف ویتامینB12 ، B6و B9 سطح هوموسیتین خون را که باعث مشکلات قلبی می شود، کاهش می دهد.

سیزده.درمان های فوری.

تقریبا می توان گفت هیچ درمان خانگی سریع و اورژانسی برای کاهش فشار خون وجود ندارد و تمامی روشها برای تاثیر بر فشار خون نیاز به تداوم استفاده و زمان دارند. اما تحقیقات نشان داده است بعضی مواد غذایی مانند سیر، فلفل قرمز، زنجبیل، شکلات تیره، سرکه سیب تاثیر سریعتری بر فشار خون می گذارند.

سیر :می توانید به هر شکلی چه به صورت خام و چه به صورت پودر و به هر اندازه که خواستید مصرف کنید. اما تاثیر آن به صورت خام بیشتر است. طبق تحقیقات در کمتر از ۵ ساعت تاثیر کاهنده آن مشخص خواهد شد.

زنجبیل :می توانید زنجبیل را به عنوان طعم دهنده در غذا استفاده کنید یا به صورت چای بنوشید. تاثیر آن به قدری است که بهتر است در مصرف آن احتیاط کنید. ممکن است کاهش فشار خون بیش از اندازه باشد و ضربان قلب را نیز نا منظم کند.

شکلات تیره :هرچه تیره تر باشد بهتر است و شایند خوشایندترین ماده غذایی کاهنده فشار خون باشد. طبق تحقیقاتی در کشور سوئیس بر روی ۲۰ فرد سیگاری، تاثیر شکلات بر بهبود جریان خون تنها بعد از ۲ ساعت مشاهده شده است.

فلفل قرمز :این روش احتمالا سریعترین روش خانگی، برای کاهش فشار خون از طریق مواد طبیعی است. دو قاشق غذاخوری عسل را با دو قاشق چایخوری فلفل قرمز مخلوط کنید و با یک لیوان آب بجوشانید.

سرکه سیب 3 :بار در روز ۱ قاشق غذاخوری سرکه سیب بنوشید و تاثیر آن را در یک هفته مشاهده کنید .

نکته ها :

اگرچه تمامی روشهای فوق برای کاهش فشار خون مؤثر هستند، اما گاهی کافی نیستند و حتما فشار خون باید توسط دارو کنترل شود. اگر با رعایت نکات فوق باز هم فشار خون شما بالای ۹۰/۱۴۰ بود، باید حتما به پزشک مراجعه کنید .

عدم توجه به فشار خون بالا منجر به سکته مغزی می شود که باعث فلج شدن یا مرگ شخص می شود. علاوه بر این، خطر حمله قلبی و مشکلات کلیوی نیز شما را تهدید می کند.

نباید بیش از یک قاشق چای خوری (۲۳۰۰ میلی گرم) در روز سدیم مصرف کنید. با دکتر خود برای کاهش مصرف به کمتر از ۱۵۰۰ میلی گرم در روز مشورت کنید .

به میزان سدیم درج شده روی بسته بندی مواد غذایی توجه کنید.

فشار خون بالا معمولا علائم خاصی در بر ندارد و از آن به عنوان قاتل خاموش نام برده می شود. اما در بعضی افراد با فشار خون بسیار بالا، علائمی چون سردرد شدید در ناحیه پشت سر، خستگی و گیجی، سرگیجه، حالت تهوع و تاری دید گزارش شده است.

قبل از استفاده از درمانهای خانگی و هرگونه داروی گیاهی با دکتر خود مشورت کنید تا با دیگر داروهای مصرفی تداخل نداشته و برای دیگر بیماری های شما مضر نباشد.



ازبرعلی خواجوی اکینجی بالاسی

ائلچی بی انزلی شهریندن



بیزیم خالقیمیزدا ها بئله بشرییته بخش ائله دیگیمیز ارنلری بارماقینان سایاندا هر یوز ایلیکده آذاربایجانلی آنالاریمیز اوز قوجاقلاریندانچه قهرمان بئجررکن خیر دوعا وئریب دونیالیق ایجتماعیتینه بخش ائله میشدیر ؛تاریخین یادداشینا کوچورولن یازی لاری اوخویاندا ار قوچاقلاریمیزی دده قورقورودان توتموش هابئله اوزو آشاغی گلنده اولوغ بابکی آلپ ارسلانی شاه قازان خانی کواوغلونو یاخود قاچاق نبی نی جاوانشیری گوروک؛ اما گئچن یوز ایللیکلره نظر سالانداستارخانی سید جعفرپیشه ورینی صفرخان قهرمانی گوزوموزون اونونه گلیر؛ بوتون بو آدلارین صادالادیغیم اوضمانلاریمیزین ایچینده حمزه علی (ریزعلی)خواجوی فارسلار دئمیشکن دهقان فداکاردا گوزه دئیر هله یاشینین گنج چاغلاریندا آتا آناسیندان آلدیقی شرف و غیرت اویودلرین اونوتمایاراق قارانقولوق گئجه ده قایا پارچالارینی اوچوب قاطار یولونا توکولموش گورنده ائینین کوینه گین چیخاردیب اوتلایاراق مشعل گوتوروب قاطاراساری قاچان حمزه علی دونیایا بو مساژی یولاماق ایسده یردی کی آذابایجان خالقی اولدوقجا اینسان سئور بیر خالقدیر بیزیم ائل آراسی بیر سوز وارکی دئیللر اینسانلار دانیشدیقی سوزونن و یاخود گوردوکلری ایشلرینین ایجتماعیتده تانینیب اوز لرینه قدیر قیمت قازانیللار ؛اما تاسفلرل اولسون بیزیم اولکه میزده گاهدان آیری سئچگیلیک اولاراق ارنلریمیزین اولدوقجا قیمتین وئرن اولمور؛ یادیمدادیر ایلک صینیف درسلریمی اوخویاندا کیتابیمیزدا (دهقان فداکار)آدینی گورنده اوزومنن آسیلی اولمایاراق چالیشیردیم منده بیر آیری ریزعلی اولاراق آدیمی کیتابا یازیسینلار؛ اما نه دئمک کی بویوک ایشلری یوکسک روحا و باجاریقا مالیک اولان اینسانلار گوره بیلیللر .گله جک توره مه لریمیزه اورنک اولان میانالی حمزه علی فداکار بیلدیگینیز کیمین مین اوچ یوز دوغسان دوردونجو ایلین یام یاشیل فصلی نین هشتاد سگیزینجی گونونده دونیایا شرف غیرت اینسان سئورلیک مِساژ وئرن سسیز سمیرسیزحیاتین دئیشدی ؛اما یوخ من هیچ دئمزدیم دهقان فداکار اولدو اونا گوره اوتاریخمیزدا و یادداشیمیزا بیر گنج کیمین دوشوب ائله خالقیمیزین اوره گینده گنج اولارایق یاشایاجاقدیر ؛ یوخاریدا دئدیگیم کیمین یرمینجی یوزایللیگین یتیردیگی ارنلری ایچینده من دئیردیم حمزه علی(ریزعلی) خواجوی بوتون اوضمانلارین سیراسینین باشیندا دایانیر چونکو اونون یاندیردیقی مشعل بشریتی قورخولو دهشتلردن قوتارماق اوچون هله ده قارانلیق گئجه لریمیز ایشیقی اولاراق یول گئدیر.

زندگینامه دهقان فداکار

آزبرعلی حاجوی معروف به ریزعلی خواجوی و دهقان فداکار (۵ اسفند ۱۳۰۹-۱۱ آذر ۱۳۹۶) شهرستان میانه



آذربایجان‌شرقی فرزند علی‌اصغر، فردی است که داستانش سال‌هاست با عنوان «دهقان فداکار» در کتاب فارسی مدارس ایران چاپ می‌شد. ریزعلی امروز ۱۱ اذر ۱۳۹۶ در بیمارستان امار رضا تبریز فوت کرد.

دانش‌آموزان او را با نام ریزعلی خواجوی می‌شناسند اما خودش اصرار داشت نامش درست ادا شود یعنی ازبرعلی حاجوی.

در کتاب درس آمده بود:

غروب یکی از روزهای سرد پاییز بود. خورشید در پشت کوه های پربرف یکی از روستاهای آذربایجان فرورفته بود. کار روزانه ی دهقانان پایان یافته بود. ریز علی هم دست از کار کشیده بود و به ده خود باز می گشت. در آن شب سرد و تاریک، نور لرزان فانوس کوچکی راه او را روشن می کرد. دهی که ریز علی در آن زندگی می کرد نزدیک راه آهن بود. ریز علی هر شب از کنار راه آهن می گذشت تا به خانه اش برسد. آن شب، ناگهان صدای غرش ترسناکی از کوه برخاست. سنگ های بسیاری از کوه فرو ریخت و راه آهن را مسدود کرد. ریز علی می دانست که، تا چند دقیقه دیگر، قطار مسافربری به آن جا خواهد رسید. با خود اندیشید که اگر قطار با توده های سنگ برخورد کند واژگون خواهد شد. از این اندیشه سخت مضطرب شد. نمی دانست در آن بیابان دور افتاده چگونه راننده ی قطار را از خطر آگاه کند. در همین حال، صدای سوت قطار از پشت کوه شنیده شد که نزدیک شدن آن را خبر داد.

ریزعلی روزهایی را که به تماشای قطار می رفت به یاد آورد. صورت خندان مسافران را به یاد آورد که از درون قطار برای او دست تکان می دادند. از اندیشه ی حادثه ی خطرناکی که در پیش بود قلبش سخت به تپش افتاد. در جست و جوی چاره ای بود تا بتواند جان مسافران را نجات بدهد. ناگهان، چاره ای به خاطرش رسید. با وجود سوز و سرمای شدید، به سرعت لباسهای خود را از تن درآورد و بر چوبدست خود بست. نفت فانوس را بر لباسها ریخت و آن را آتش زد. ریز علی در حالی که مشعل را بالا نگاه داشته بود، به طرف قطار شروع به دویدن کرد. راننده قطار از دیدن آتش دانست که خطری در پیش است. ترمز را کشید. قطار پس از تکانهای شدید، از حرکت باز ایستاد. راننده و مسافران سراسیمه از قطار بیرون ریختند. از دیدن ریزش کوه و مشعل ریزعلی، که با بدن برهنه در آنجا ایستاده بود، دانستند که فداکاری این مرد آنها را از چه خطر بزرگی نجات داده است.

خود وی در خصوص این ماجرا می‌گوید: در آن ایام من ۳۳ سال داشتم... در مسیر قطار حومه میانه دو تونل به فاصله ۵۰ متر از همدیگر وجود دارد که به تونل ۱۸ معروف است... زمانی که از کنار این منطقه عبور می کردم تا به منزل بازگردم متوجه شدم کوه ریزش کرده و میانه این دو تونل را کاملاً مسدود نموده است. ابتدا توجهی نکردم ولی بعداً یاد دهها مسافر بیگناه و کودک معصوم افتادم که داخل قطار هستند...» وی می افزاید: «به سرعت به طرف ایستگاه دویدم ـ در میانه راه متوجه شدم قطار حرکت کرده اگر وارد تونل می شد راننده بدون دید کافی حتماً با سنگهای انباشته شده برروی ریل برخورد می کرد و فاجعه ای بزرگ به بار می آمد ، نمی دانستم چه باید بکنم ـ نگران و هراسان کت ام را درآورده و درآن شب بارانی به زحمت آتش زده وعلامت دادم ـ اما راننده قطار به علامت من توجهی نکرد وقطار به سرعت از کنار من رد شد... من نیز آخرین چاره را در شلیک دو تیرهوایی توسط اسلحه دولول خود دیدم ـ با صدای شلیک گلوله ها به یکباره صدای گوشخراش ترمز قطار به گوش رسید و قطار متوقف شد«...

»آقا چشمتان روز بد نبیند... همه کارکنان وپرسنل قطار بدون اینکه از من چیزی بپرسند، به محض پیاده شدن کتکم زدند ، خلاصه هرکه پیاده می شد چندضربه ای به من می زد ، آنها فکر می کردند که من بدون دلیل مزاحم حرکت قطار شده ام«...

»پس از آنکه از کتک زدن من خسته شدند رئیس قطار از من در باره علت کاری که کرده ام توضیح خواست «!» من هم که حال و روز مناسبی نداشتم ماجرا را تعریف کردم . آنها باز هم باورشان نشد لذا مرا نیز سوار قطار کردند وآرام وآهسته به طرف محل موردنظر حرکت کردند... با دیدن صحنه ریزش کوه، همه شوکه شده بودند... شرمندگی را از چشمان تک تک آنها می دیدم... مسافران و کارکنان قطار پس از عذرخواهی ، کلی از من تشکر کردند... رئیس قطار شخصی به نام عبادی بود...» ریزعلی در مورد عکس العمل مسؤولان راه آهن آن زمان می گوید: «یک ماه پس از ماجرا رئیس قطار آن زمان قزوین مرا دعوت کرد وراجع به آن شب با من صحبت کرد ـ آنها به من ۵۰تومان پاداش دادند...» او می افزاید: « آن دوران سربازانی تحت عنوان «سپاه دانش » در روستاها خدمت می کردند ... یک سال پس از ماجرا «علی آقا» ، یکی از سپاهیان دانش منطقه نزد من آمده ومژده داد که جریان آن شب من را در کتاب فارسی کلاس سوم ابتدایی چاپ کرده اند... اینگونه بود که ما شدیم « دهقان فداکار« ...

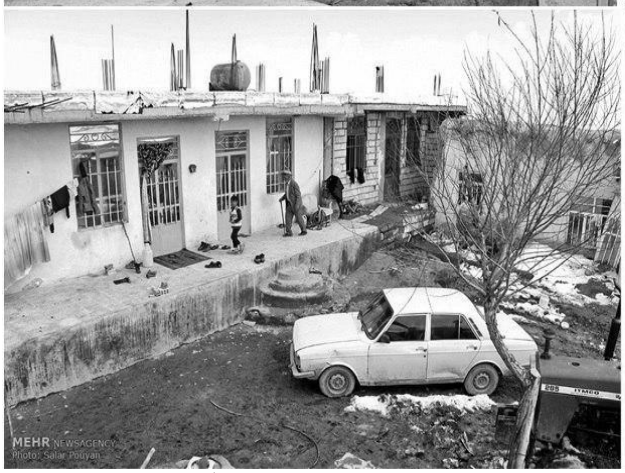
او می گوید: «دوران بسیارسختی گذراندم، پس از آن ماجرا مریض شدم و ۳۵ روز تمام در بیمارستان بستری بودم چرا که تمام بدنم عفونت کرده بود ونیاز به مراقبتهای پزشکی داشتم. آن زمان بود که همه زندگیم را فروختم تا هزینه بیمارستان و درمان خود را تأمین نمایم.« ریزعلی درمورد نحوه گذران ۴۴ سال گذشته واینکه چه روزهایی را پشت سرنهاده است، می گوید: «از کجا بگویم؟ من فراموش شده ای بودم که ۴۰ سال تمام در انزوا به سر بردم و کسی به من سر نمی زد. اگر لطف خدا نبودنمی دانم الآن چه حالی داشتم«...

در سال ۱۳۸۵ در سومین همایش اعطای تندیس ملی فداکاری از وی تجلیل شد و تندیسی به او اهدا شد. در این مراسم که در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد، ازبرعلی داستان را از زبان خود تعریف کرد و مترجم ، آن را از زبان تورکی به فارسی ترجمه نمود.









ماجرای دهقان فداکار یکبار در سال ۱۳۴۷ با روایتی مشابه دستمایهٔ فیلم مستندی به نام «اون شب که بارون اومد» به کارگردانی کامران شیردل قرار گرفت.

ریزعلی خواجوی دهقان فداکار عصر روز یکشنبه پنجم آذرماه از شهر میانه به این بیمارستان انتقال یافت که در بدو ورود، در بخش آی. سی. یو این مرکز تحت مراقبت قرار گرفت.

حجت الاسلام آل هاشم، اما جمعه تبریز، در دیداری که با این قهرمان داشت از حذف درس دهقان فداکار از کتب درسی انتقاد کرد.

بعد از چند روز به بیمترستان امام رضا تبریز منتقل شد و امروز ۱۱ آذر ۱۳۹۶ساعتی قبل در بیمارستان در همین بیمارستان فانوس زندگی‌اش خاموش شد.

منع یول پرس

لکه های قهوه ای پوست را با ماسک ضد لک درمان کنید

لکه های قهوه ای پوست که مزاحم زیبایی چهره هستند باید درمان شوند. برای درمان سریع این لکه های پوستی راههای مختلفی در طب مدرن و طب سنتی وجود دارد که در این بخش ما به معرفی بهترین راههای درمان و ماسک های ضد لک خانگی خواهیم پرداخت.

برخی ازپوستها بعد از اینکه دوران جوشش تمام می شود تازه سختی های لکه های قهوه ای جای جوش را دارند. خیلی از خانم ها و آقایون برای اینکه این لکه ها را بپوشانند از کرم های آرایشی استفاده می کنند که آنها خودشان اثرات سوء بسیاری روی پوست می گذارد علاوه بر اینکه هزینه های زیادی هم باید پرداخت کنند تا بهترین نوع فاندیشن را بگیرند به این امید که لکه ها دیگر دیده نشوند.

قبل از هر چیز باید بدانید که لکه های تیره در درجه اول به دلیل جوش و **آکنه** و جوش های سرسیاه ایجاد می شود. درصد لکه های تیره می تواند با قرار گرفتن زیاد در معرض نور خورشید بیشتر شود. علاوه بر دلایل زیر برخی به علت مشکلات هورمونی یا در دوران حاملگی و یا کبد پوستشان لکه های تیره می زند که آنها حتما باید به پزشک مراجعه کنند. برای لکه های حاملگی این لینک را بخوانید.

برای از بین بردن لکه های ناشی از جون صورت راههای خانگی زیر را پیاده کنید.

آب سیب زمینی و عسل

یک سیب زمینی کوچک را آبش را بگیرید (می توانید رنده کنید و آبش را بگیرید) و با کمی عسل مخلوط کنید که حالت سفتتری پیدا کند و روی پوست بماند. تمام صورت خود را با این ترکیب بپوشانید. بعد از ۱۵ دقیقه صورت را بشویید. شما می توانید به جای این کار حلقه های ***سیب زمینی*** را روی پوستتان بمالید .***سیب زمینی*** خاصیت روشن کنندگی دارد و بعد از مدتی می بینید پوستتان چقدر روشن شده و لکه ها روز به روز کمرنگ می شوند.

بهترین ماسک ها برای رفع لکه های قهوه ای پوست و جای جوش

چوب صندل

دو قاشق غذاخوری پودر چوب صندل را با چند قطره **گلاب** مخلوط کنید و روی قسمتهای لک دار پوست بمالید. بگذارید روی **پوست خشک** شود و بعد از خشک شدن آن را با آب بشویید. یک روز در میان این کار را انجام دهید نتیجه می گیرید.

زردچوبه و آبلیمو

نوک قاشق **چای**خوری ***زردچوبه*** را با آب **لیمو ترش** تازه مخلوط کنید تا خمیری شود بعد ترکیب را روی لکها بزنید و بعد از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه بشویید. این کار را اگر هر روز انجام دهید مطمئن باشید که نتیجه بسیار خوبی می گیرید وبعد از یک هفته خودتان حس می کنید که لکه ها کم شده اند

شیر سرد

شیر سرد و ارگانیک را روی پوست خود بمالید و ***ماساژ*** دهید . اسید لاکتیک در شیر پوست را آرام می کند یک پنبه داخل شیر سرد بکنید و پوست خود را هر روز صبح با شیر صورتتان را **ماساژ** دهید و یا اگر بدنتان لک شده شیر را به پوست بدنتان بزنید بعد از ۱۵ دقیقه بشویید. این کار را هر روز انجام دهید تا ببینید پوستتان چه تغییری می کند..

خیار و شیر و لیمو ترش

یک ***خیار*** را رنده کمی شیر به آن اضافه کنید و چند قطره لیمو ترش هم به آن ترکیب اضافه کنید تا یک حالت خمیری داشته باشد این ماسک را روی صورتتان بزنید و بگذارید بماند تا بعد از ۱۵ دقیقه آن را بشویید.این ترکیب هم صورت شما را جوانتر می کند و هم لکه ها را کم رنگ می کند این تر کیب را یک روز در میان انجام دهید بعد از یک ماه نتیجه را به چشم ببینید.

ویتامین ای

ویتامین E یک آنتی اکسیدان فوق العاده است و برای جوانسازی و از بین بردن لکه های پوست. ویتامین E را با کمی روغن کرچک مخلوط کنید ترکیب را روی لکه های پوست بگذارید و به مدت ۲۰ دقیقه صبر کنید بعد می توانید صورت را با آب ولرم بشویید.

یادتان باشد در کنار این موارد همیشه ته مانده لیمو ترش و **گوجه فرنگی** و پوست موزی که تیره نشده باشد و تازه باشد را به صورتتان و جاهای تیره بدنتان بمالید. اینها به تنهایی در از بین بردن لک های صورت بسیار و بدن بسیار موثر اند این کار را بکنید ببینید چقدر موثرتر از مواد آرایشی گران قیمت است .

۱۹۳۷-جی ایل رئیرئسسییاسینین قوربانی بیلال احمد

دیلبر رضایئو



(احمد بیلال ماحمود اوغلو)(تئاتر و سینما خادیمی،یونتمن،اکتیور،یازیچی،موترجیم)

حیاتی

آذربایجانین درام-سینما صنعتینین اینکیشاف تاریخینده رول اوینامیش شخصیتلردن بیری ده بیلال احمد کربلایی ماهمود اوغلودور. او،۱۸۸۴-جو ایلده باکینین پیرشاغی کندینده حکیم عاییله سینده دونیایا گؤز آچیب.

کربلایی ماهمود بی مؤمین بیر آدام اولماقلا یاناشی اؤز پئشه سینین ده ماهیر بیلیچیسییدی. باکی کندلرینده خوصوصی حؤرمت-عزتی واردی. حیات یولداشی چئشمی خانیم موللا عظیم قیزی آدلی-سانلی "محمد صفی" نسلیندندی، سککیز اوشاق تربییه ائدیب آرایا-عرصه یه گتیرمیشدی. هله کیچیک یاشلاریندان درین عاغلی، ذکاسی ایله قارداش باجیلاریندان فرقلنن بیلالی آتاسی موللاخانایا قویور. بورادا، او، قورانی اوخویوب باشا چیخیر، عرب-فارس دیلرینی موکمل اؤیرەنیر. بونونلا کیفایتلنمەین بیلال سونرا باکی گیمنازییاسینا قبول اولونور و ۱۹۰۷-جی ایلده اورانی فرقلنمیله بیتیریر.

گیمنازییادا اوخودوغو ایللرده او، دراماتورگییایا هوس گؤسترییر، عوموميتله صحنه صنعتینه اوندا خوصوصی محبت یارانیر. چوخ کئچمیر کی، بیلال روس و آلمان دیللرینی موکمل اؤیرەنیر. لاکین بؤیوک عاییله نین احتییاجلاری اونون دا چیینلرینه یوکلەنیر. ایشلەمەیه مجبور اولور. اوروجوو قارداشلارینین مطبعه سینده ایشه گیریر. مورتتیب ایختیصاصینا یییلەنیر. سولئیمان ملیکوو، قولام محمدلی، حاجی ممد قافقازلی، آغابی ماحمودوو و باشقالاری او واخت احمد بیلاللا بیرلیکده "کاسپی" مطبعه سینده ایشلەمیشلر.

دراماتورگییایا اولان بؤیوک هوەسی، آکتیورلوغا مئیلی، ایشدن آیریلماماق شرطیله اونو اؤز فعالیت درام درنگینه گتیریب چیخارمالییدی. حسن خطی گؤزل اولان بیلال احمد درام اثرلرینین اوزونو کؤچورور، سوفلیورلوق، آرتیستلیک ائدیر. آذربایجاندا سووئت حاکیمیتی قورولدوقدان سونرا، بیلال احمد آذربایجان حؤکومتی طرفیندن سان پتربورق اینجەصنعت اینستیتوتونا اوخوماغا گؤندریلیر.

پتربورگ صحنه صنعتینین اینجەلیکلرینه یییلەنیر. استانیسلاوسکی-نئمیروویچ-دانچئکو مکتبیندن بهرلەنیر. او، لئنینقراددا ماریا واسیلیئونا آدلی بیر ضیالی قادینلا عاییله حیاتی قورور.

۱۹۲۴-جو ایلده باکییا قاییدان احمد بیلال تورک ایشچی تئاترینا ایشه گیریر. بو همین دؤور ایدی کی، "ساتیراقیت" تئاترینین عوضینه "تورک ایشچی تئاتری" یارادیلمیشدی. بیلال احمد بو تئاتردا اولجه آرتیست، سونرالار ادبی حیصه مودیری اولور، ان نهایت، تئاترین دیرئکتورو وظیفەسینه قدر یوکسەلیر.

بللیدیر کی، ۱۹۳۳-جو ایلده "تورک ایشچی تئاتری" خوصوصیله قرارلا گنجەیه کؤچورولدو. لاکین بیلال احمدی ایسه باجاریقلی بیر تئاتر تشکیلاتچیسی کیمی شکییه-درام تئاترینی یاراتماغا گؤندردیلر. سونرا، یئنی ۱۹۳۳-جو ایلده یئنه ده باکییا قاییدیر. بو دفعه بیلال احمد آذربایجان درام تئاترینا باش رئژیسسور و دیرئکتور تعیین ائدیلیر. اونون صنعت دوستلاری موراد مورادوو، میرماحمود کاظیموسکی، روستم

کاظیموو و باشقالاری سؤیله‌ییردیلر کی، احمد بیلال ساکیت، مولاییم طبیعتلی، هئچ کسی اؤزوندن رنجیده سالمایان، ضیالی بیر شخص ایدی. اونا راست گلنده موطلق سالامی بیرینجی او وئررردی. کوللئکتیوده نوفوذو بؤیوک ایدی.

بیلال احمد گئنیش ساوادا مالیک، هرطرفلی شخصیت اولوب. بیر طرفدن او، قوقولو، چئخووو، قریبوئیدووو و باشقالارینین اثرلرینی آذربایجان دیلینه چئویریر، دیگر طرفدن خیردا حکایه لر، اوچئرکلر یازیب مطبوعاتدا چاپ ائتدیریردی. سؤزسوز کی، اونو دا دئمک واجیبدیر کی، بیلال احمد آذربایجان کینوسونون(سینما) یارادیجیلاریندان بیری اولوبدور.

عاباس میرزه شریفزادنین رئژیسسورلوغو ایله ۱۹۲۵-جی ایلده چکیلمیش "بسم الله" فیلمینده او، آپاریجی روللاردان بیری اولان احمد رولوندا چکیلمیشدی.

تئاترددا و کینودا خیدمتلری نظره آلیناراق ا.بیلال او دؤور اوچون یوکسک آد سایبلان "امک قهرمانی"(ایندیکی امکدار آرتیست) آدینا لایق گؤرولور. لاکین ۱۹۳۷-۳۸-جی ایللرین قارا یئلی اونون دا باشینین اوستوندن یان کئچمه‌دی.

۱۹۳۷-جی ایلده اونا پانتورکیست دامغاسی ووراراق حبس ائدیبلر. ن ک ب د-نین زیرزمیسینه آتدیلار. هئش بیر ایتتیهام بیلدیریلمه‌دی. مشققتلر ایچینده کئچن دوققوز آی اونون ایراده سینی سیندیرا بیلمه‌دی. احمد بیلال هئچ کیمین اوزونه دورمادی. علاجسیز قالیب اونو حبسخانادان بوراخدیلار. لاکین عذابلی گونلر صحتینی پوزموش اونو عصب خستسینه دؤندرمیشدی. او، وارلیغی قدر سئودیگی صنعتدن اوزاقلاشماغی اؤزونه روا بیلیر، حتّی باکی آسفالت-بتن زاوودونون کادرلار شؤعبه سینده ایشه گیریر. آنجاق، سن سایدیغینی سای.... دئمه، بیلال احمد ن ک ود-نین پانتورکیست کیمی دایمی نظارتینده ایمیش، اونو حبس ائتمک اوچون بهانه گزیرلرمیش. اونونسا بوندان خبری یوخ ایدی. دوزدور، هئچ کیمینله گؤروشمور، چوخ قاپالی بیر حیات سوروردو. عصبلری ده تاریما چکیلمیشدی.

گونلرین بیر گونو ایسه زاوودا گویا چؤرک کارتوچکالارینین اوچوتونو دوز آپارمادیغینا گؤره ائرمنیلر طرفیندن بوینونا شر آتیلاراق، اونو ۱۰ ایل حبس جزاسینا محکوم ائدیرلر و بو گؤزل اینسان، باجاریقلی آکتیور، رئژیسسور، ترجومه‌چی، پوبلیسیست یازیچی، تشکیلاتچی اولان بیلال احمد **۱۹۴۴**-جو ایلده گنجه حبسخاناسیندا جییر خسته‌لیگیندن وفات ائدیر.

بس بیز بئله شخصیتین اوزه چیخمارتماق، تانیتماق، آدینی ابدیللشدیرمک اوچون نئیله‌میشیک؟ دئمک اولار کی، هئچ نه. مگر احمد بیلالین یاشادیغی شامیل علییوو کوچه‌سینده‌کی۴۱ نؤمره‌لی ائوین دیوارینا خاطیره لؤوحه‌سی ووراماق بئله چتین ایشدیر، یا بلکه اونون آدینا کوچه قویماق کوللی خرج ایسته ییر؟ بیزه ائله گلیر کی، مدنیت نازیرلیگینین، باکی ایجرا حاکیمیتینین رهبر ایشچیلری بو ایشه بیگانه قالمازلار. حتّی اوراسی دا ماراقلیدیر کی، آذربایجان دران تئاترینین سالنامه سینده احمد بیلالین آدی هئچ یئرلی-دیبلی چکیلمیر.

بیلال احمدین یئگانه اؤولادی-قیزی گولخانیم واختی ایله جنوبی اوسئتییادا سخینوالیده یاشاییب. اوزون مودت اورادا **مکتب دیرئکتورو ایشله‌ییب، تقاوده چیخیب و حاق درگاهینا قووشوب.**

بیلال احمدین قارداشی سولتان احمدین اوغلو- بؤیوک وتن موحاربه سی علیلی،موحاربه و امک قهرمانی میکاییل ماحمودون اؤولادلاری حال-حاضیردا آذربایجاندا علمی،ادبی و ایجتیماعی موحیطده تانینمیش شخصیتلردیر: بؤیوک اوغلو احمد احمد ایختیراچی-فیزیک عالیم،اورتانجیل اوغلو محسن احمد یازیچی، دراماتورق،کیچیک اوغلو ووقار احمد فیلولوگییا اوزره علملر دوکتورو، پروفئسسور، شاعیردیر. قارداشی نوه‌سی آلماخانیم احمدلی وقار قیزی آذ ت و-نین سولیستی، آلتی موغام موسابیقه‌سینین قالیبی، "قیرانپری" موکافاچیسیدیر.

بیلال احمدین ادبی ایرثی آذربایجان دؤولت ادبیات و اینجه صنعت آرخیوینده موحافیظه اولونور.

Ədəbiyyat:

1.Hafiz Sadıqov. Əhməd Bilal,yaxud yaxşılığa yamanlıq... "İlham" qəzeti. 14may 1991. səh.2.
2.Alim Nəbioğlu. Bilal Əhməd-130.Qəbri bilinməyən sənət fədaisi 70 ildən sonra xatırlandı. miq.az/az/bilal-ehmed-130
3. Bilal Əhməd (Əhməd Bilal)-130 illiyi "Space" radiosu - YouTube. https://www.youtube.com

رژیم ۱۳ روزه و کاهش ۲۰ کیلویی

۷ تا ۲۰ کیلو در ۱۳ روز لاغر شوید



رژیم لاغری دیگری باعنوان رژیم ۱۳ روزه در بین اکثر افرادی که بدنبال لاغری سریع و کاهش وزن در یک بازه زمانی کوتاه میباشد شناخته شده و محبوب است،این رژیم ۱۳ روزه که با بالا بردن سوخت و ساز بدن اقدام به سوزاندن چربی ها میکند در عین مشکل بودن بسیار تاثیر گذار میباشد.

رژیم لاغری ۱۳ روزه متابولیسم شما را دگرگون کرده و موجب سوختن چربی ها میشود و پس از ۱۳ روز شما میتوانید بصورت عادی غذا مصرف کنید.رژیم ۱۳ روزه به شما کمک میکند در کمتر از ۲ هفته ۷ تا ۲۰ کیلو گرم کم کنید این رژیم برخلاف رژیم های سنتی که شما مجبورید بمدت طولانی گرسنه بمانید میباشد.

این رژیم لاغری باید بمدت ۱۳ روز گرفته شود نه بیشتر نه کمتر! بنابراین توجه داشته باشید اگر در طول این رژیم غذایی شراب یا آبجو بنوشید ،شکلات یا آدامس بخورید و یا حتی کمی ناخونک بزنید و از غذاهای دیگری بجز غذاهای رژیم مصرف کنید و یا در اندازه های بیشتری مصرف کنید،نتیجه دلخواه به هیچ وجه بدست نخواهد آمد،لذا هر زمان که در این رژیم لاغری تقلب کردید دیگر ادامه ندهید و پس از گذشت ۶ ماه مجدد رژیم ۱۳ روزه را از نو بگیرید. با توجه به حساس بودن این رژیم غذایی توصیه میشود با پشتکار و انگیزه بالا ۱۳ روز را با جدیت تمام برنامه غذایی را دنبال نمایید و از تقلب کردن بپرهیزید.

آیا رژیم ۱۳ روزه موثر است ؟

آیا این رژیم لاغری تنها برای مدت ۱۳ روز است و ممکن است وزن از دست داده برگردد و یا حتی بیشتر از قبل وزن اضافه کنیم ؟ تجربه نشان داده است ایینگونه رژیم های سریع لاغری تنها زمانی مفید است که شما مجبور باشید به علت موضوع و رویداد خاصی مانند مسابقه ،عروسی ،جشن و ... میزان مشخصی (۵-۱۰ کیلوگرم) از وزن خود

را کم کنید ، خاطر نشان میگردد باید فاصله بین تکرار رژیم ۱۳ روزه حداقل ۲ سال باشد، پر واضح است درصد بازگشت پذیری وزن در این قبیل رژیم های لاغری بسیار بالاست و حتی بسیاری از افراد از قبلشان هم چاقتر میشوند، ا این رو توصیه میشود جهت اینکه یک بار برای همیشه لاغر شوید و لاغر بمانید از رژیم های اصولی و از متخصص رژیم سایت کمک بگیرید تا هم وزن کم کنید و هم برای همیشه وزن ثابت و پایداری داشته باشید که این تنها از تغییر لایف استایل و سبک زندگی مقدور است.

یکی از مهمترین عوارض رژیم ۱۳ روزه برگشت پذیری وزن از دست داده میباشد، همچنین از آنجائیکه این رژیم لاغری بسیار سخت و شکنجه وار است و بسیاری از مواد مغذی مورد نیاز بدن در طول ۱۳ روز قطع میشود لذا پس از پایان رژیم احساس خستگی و بی حوصلی در فرد ظاهر میگردد،بنابراین نتایج ما به هیچ عنوان این رژیم کاهش وزن را پیشنهاد نمیکنیم و تصمیم را به خود شما میسپاریم.

در زیر نمونه استانداردی از رژیم ۱۳ روزه، برای استفاده شما عزیزان قرار داده شده است:

روز اول رژیم ۱۳ روزه

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر

نهار : ۲ عدد تخم مرغ آبپز+۲۰۰ گرم سالاد بدون سس +یک عدد گوجه فرنگی

شام : ۲۰۰ گرم استیک کبابی بدون روغن و چربی + سالاد با آبلیمو و روغن زیتون

روز دوم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر

نهار : ۲۰۰ گرم ژامبون + یک پیاله ماست

شام : ۲۰۰ گرم استیک کبابی بدون روغن و چربی + سالاد با آبلیمو و روغن زیتون + یک عدد میوه دلخواه

روز سوم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر + یک تکه نان تست

نهار : ۲ عدد تخم مرغ آبپز+یک ورق ژامبون+۲۰۰ گرم سالاد بدون سس +یک عدد گوجه فرنگی

شام : یک لیوان بزرگ کرفس پخته شده +یک عدد گوجه +یک عدد میوه دلخواه

روز چهارم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر + یک تکه نان تست

نهار : ۲ لیوان آب پرتقال یا آب سیب طبیعی تازه + یک لیوان ماست

شام : ۱ تخم مرغ آب پز، ۱ هویج بزرگ، ۲۰۰ گرم پنیر پرچرب

روز پنجم

صبحانه : یک هویج بزرگ بهمراه آب لیمو

نهار : ۲۰۰ گرم ماهی قزل آلا کبابی یا سرخ شده با یک قاشق کره حیوانی (لیمو به دلخواه
شام : ۲۰۰ گرم استیک کبابی بدون روغن و چربی + سالاد با آبلیمو و روغن زیتون + کرفس

روز ششم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر + یک تکه نان تست
نهار : ۲ عدد تخم مرغ آبپز + هویج
شام : ۲۵۰ گرم سینه مرغ کبابی و یا آبپز+سالاد اسفناج با لیمو و روغن زیتون

روز هفتم

صبحانه : یک فنجان قهوه بدون شکر
نهار : هیچی بجز آب
شام : گوشت بره گریل شده + یک عدد سیب بزرگ

روز هشتم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر
نهار : ۲ عدد تخم مرغ آبپز +۲۰۰ گرم اسفناج+یک عدد گوجه فرنگی
شام : ۲۰۰ گرم استیک کبابی بدون روغن و چربی + سالاد با آبلیمو و روغن زیتون + کرفس

روز نهم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر
نهار : یک ورق ژامبون+یک پیاله ماست
شام :یک عدد میوه دلخواه و بعد از آن ۲۰۰ گرم استیک کبابی بدون روغن و چربی + سالاد با آبلیمو و روغن زیتون

روز دهم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر + یک تکه نان تست
نهار : ۲ عدد تخم مرغ آبپز+یک ورق ژامبون+۲۰۰ گرم سالاد بدون سس +یک عدد گوجه فرنگی
شام : یک لیوان بزرگ کرفس پخته شده +یک عدد گوجه +یک عدد میوه دلخواه

روز یازدهم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر + یک تکه نان تست
نهار : ۱ لیوان آب پرتقال یا آب سیب طبیعی تازه + یک لیوان ماست
شام : ۱ تخم مرغ آب پز، ۱ هویج بزرگ، یک قطعه پنیر کیبی

روز دوازدهم

صبحانه : یک هویج بزرگ بهمراه آب لیمو
نهار : ۱۰۰ گرم ماهی سالمون کبابی یا سرخ شده با یک قاشق کره حیوانی .لیمو به دلخواه
شام : ۲۰۰ گرم استیک کبابی بدون روغن و چربی + سالاد اسفناج با آبلیمو و روغن زیتون + کرفس

روز سیزدهم

صبحانه : یک فنجان قهوه با یک قاشق چای خوری شکر + یک تکه نان تست
نهار : ۲ عدد تخم مرغ آبپز + یک عدد هویج بهمراه لیمو
شام : ۲۵۰ گرم سینه مرغ کبابی و یا آب پز+سالاد اسفناج با لیمو و روغن زیتون



سید نجم الدین دانیالی

شاعرو نویسنده : سید نجم الدین دانیالی فرزند سید نورالدیندر سال۱۳۳۷ در روستای خوجین شهرستان خلخال به دنیا آمد . تحصیلات خود را تا مدرک لیسانس ادامه داد

ایشان در زمان تحصیل دوره ی کاردانی در شهرتبریز سرپرست گروه پژوهش شاخه ی ریاضی دانشسرا بودند ،که نتیجه ی تلاش گروه را در کتابی جمع آوری کرده و دانشسرا با توجه به اهمّیت موضوع به امر انتشار آن اقدام نمود. در سال ۱۳۵۷ به استخدام آموزش و پرورش در آمده و در شهرستان خلخال به عنوان دبیر ریاضی مشغول خدمت به آینده سازان جامعه گردیدند. همچنین در کنار معلمی با یاری جستن از دوستان ، انجمنی فرهنگی را بنیان نهاده و به همراه این انجمن در امر نویسندگی و کارگردانی چندین نمایشنامه فعالیّت نمودند .

در ضمن، همراه با مطبوعات همراهی لازم را در انعکاس اخبار و گزارشات رسانه ای شهرستان گام بر می داشتند .

در سال ۱۳۶۸ به رشت منتقل شده و ضمن ادامه ی تحصیل در مدارس استان مشغول خدمت گردیدند و در سال ۱۳۸۶ از آموزش و پرورش بازنشست شده و بابی از ذوق و هنر را که استعداد آن در ضمن سالهای گذشته گاه و گذار بروز می کرد ، به روی خویش گشوده و در امر شعر و شاعری گام برداشتند و همگام با دوستان شاعرآذری انجمنی را به نام انجمن شعر و ادب شهریار گیلان پایه گذاری و در این انجمن به عنوان دبیر، کارهای اجرایی را به پیش می برند

مخمس

اولکه داغی محبتون بول اولسون
محبتدن اورکلره یو ل اولسون
شعیر سوزوم مجلیسیزده قورولسون
بوگون گلن گئدیر ایتیر اولکه دن
یرینده گور نه لر بیتیر اولکه ده
درین دهنز قولاقلارین آچگینان
گونش کیمین قاناتلارین ساچگینان
سئل گلنده دئیرمانا قاچگینان
آپارماسین آشیب داشان سئل سنی
ایکید دئسین قوچاق دئسین ائل سنی
سنین گوزون منیم گونلوم آغلییر
آغلادقجا سینه لری داغلییر
ائوی یخیر قاپ باجانی باغلییر
آهای گئجه یاتان قوچاق بیر اویان
من بورونن نیسگیله سنده بویان
کیمسه یاددی کیمسه منه آشنا
اجل باخمیر قوجا جاوان یاشینا
داغیلان ائل لرین چاغیر باشینا
قارداش اولوب آیری سئچگی اولماسین
یووامیزی قارقا گلیب آلماسین
یوخون گلر داش قایی یا قان قانا
غریب اولسون گتیر مزلر هیچ سانا
آیری دوشمک حقارتی انسانا
بیر اولاغین بیرلیگه یول گوسترین
گور نج اولدی آیری دوشن کس لرین
درین دهنز آغریلارا اول شریک
قویما دوشه دردیم اوسده اوسته لیک
قوجاقلاشاق ساغول لاشاق هله لیک
یولوموزدا بوروقلار وار چونوم وار
قیش یولودی نچه نچه دونوم وار

شخصیتلریمیز



حسن بی ملیک اف زردابی

حسن بی ملیک اف زردابی ۲۸ ژوئن ۱۸۴۲ در شهر زرداب در ساحل رود کورا متولدشد.

تحصیلات ابتدایی را در شاماخی و متوسط را در تفلیس گذراند.

درسال ۱۸۶۱ وارد دانشگاه مسکو شد و چهار سال بعد با معدل ممتاز از دانشگاه علوم طبیعی این دانشگاه فارغ التحصیل گشت.

با وجود امکان تدریس در دانشگاه مسکو ، عشق بی حد و وصف به وطن و سرزمین مادری و همچنین آرزوی خدمت به ملت آزربایجان ، این معلم جوان و آینده دار را به آزربایجان کشاند.

بعد از مدتی خدمت درتفلیس ، به قوبا رفته و در دادگاهی مشغول خدمت به مردم شد . بعدها به باکو آمد و در دبیرستان به تدریس روی آورد . بعد از کشف نفت درسال ۱۸۲۵ ، آزربایجان نگاه ویژه ی دنیا را به خودجلب کرد .

به طوری که بعد از حفر اولین چاه نفت در خاک آزربایجان درسال ۱۸۴۸ ، شرایط آزربایجان به کلی دگرگون شد .

باکو روزهای متفاوتی سپری می کرد . صنایع ، کارگاه هاو کارخانه ها ، امکانات و فضای شهری و ... به سرعت هرچه تمام تر به سوی توسعه قدم برمی داشتند.

چنین فضایی پیشرفت فرهنگی و آموزشی را می طلبید .

بنابرین دراولین اقدم ضروری ایجاد مطبوعات حس می شد.

"حسن بی زردابی" در این شرایط وجود نشریه ای به زبان مادری مردم آزربایجان را ضروری می دید . برای جامه عمل پوشاندن به آرزوی خود سه سال تمام تلاش کرد و زحمات و دردسرهای زیادی به جان خرید بارها به اداره ژاندارمری فراخوانده شد و تحت بازجویی قرارگرفت. با تهدید به مرگ از سوی باندها و مافیای سیاه روبه رو شد .

از استانبول دستگاه چاپ وحروفچینی سفارس داد و سرانجام زحمات او به بارنشست و در روز ۲۲ جولای ۱۸۷۵ در چاپخانه ی قوبرناتور باکو نشریه اکینچی به عنوان اولین جریده به زبان تورکی آزربایجانی منتشر شد.

آزربایجان، ۲۲ جولای هرسال را با نام "روز نشر ملی" نام گذاری کرده است .

از تاریخ ۲۲ جولای ۱۸۷۵ لغایت ۲۹ سپتامبر ۱۸۷۷ روزنامه ی اکینجی به صورت دو شماره در هر ماه و در تیراژ ۳۰۰-۴۰۰ نسخه منتشر می شد.

درطی این دو سال ۵۶ شماره از این جریده چاپ شد . در این دو هفته نامه مقالات و نوشته های نجف بی وزیروف ، عسگربی آدی گؤزل از مسکو ، محمدتقی علیزاده شیروانی ازشاماخی ، محمدصادق گنجوی از گنجه ، حیدری از دربند و هم چنین اشعار سید عظیم شیروانی و مقالات میرزافتحعلی آخوندوف که با نام وکیل نامعلوم ملت امضاء می کرد به چاپ می رسید .

تمام کارها ازجمله گردآوری نوشته ها ، چاپ ، توزیع و ... را حسن بی خودش به تنهایی انجام می داد و گاهی روزنامه را رایگان به ولایات و روستاها می فرستاد .

نشریه ی اکینجی که به دست پرتوان پدر مطبوعات آزربایجان حسن بی زردابی پا به عرصه وجود نهاده بود ، دراندک مدتی نام و آوازه اش در سراسر قفقاز پیچید و تحسین بسیاری از فرهیختگان ، روشنفکران و مردم عادی رابرانگیخت .

زردابی وگروه همکاران وی دلیل عقب ماندگی مردم منطقه را در نبود آزادی حقیقی ، باورها و پندارهای غلط ، دین و مذهب آلوده شدن به خرافات ، حاکمان و اربابان استعمارگر و ... می دانستند

آنان که نویسندگانی آزاداندیش و آزادی خواه و طرفدار زندگی مناسب و درخور شأن مردم بودند ، نهایت تلاش خود را در جهت خارج شدن ملت از گرداب جهالتی که ناخودآگاه گرفتار آن شده بود و روز به روز بیش تر به اعماق تاریک آن فرو می رفت ، می کردند و حرف ها و راهکارهای خود را به واسطه این جریده به گوش مردم می رساندند

طبیعی بود که این خط مشی و افکار نویسندگان به مذاق دولت مردان و حاکمانی که می خواستند مردم را در ناآگاهی و جهالت نگه دارند به معنای واقعی ، ملت را استعمار کنند ، خوش نمی آمد و موجبات نارضایتی آنان را فراهم می نمود

لذا بعد از این که انتشار این جریده هم چون غرش آتشفشانی ، توجه منطقه رابه خودجلب کرد ، برخی نوکران حلقه به گوش اربابان و منفعت طلبان ، با در خطر دیدن منافع شان وکساد شدن بازارشان که جز ناامیدی و یاس چیز دیگری برای مردم نداشت ، باهر بهانه ی واهی به این نشریه حمله کرده و از هیچ تلاشی برای زمین زدن آن فروگذاری نکردند

نهایتا ۲۹ سپتامبر ۱۸۸۷ انتشار اکینجی برای همیشه متوقف شد . دراین مدت کوتاه این نشریه تبدیل به فریاد و صدای آزادی خواهان و دموکراسی خواهان عصر خویش گردید.

بنابراین در فضای اختناق و خفقان رژیمی مرتجع ، اشغال گر و تمامیت خواه ، زیاد دوام نیاورد.

زردابی و اکینجی آغازگر و پیشرو راهی پرتلاطم ولی درعین حال درخشان و پرثمر در تاریخ فرهنگ و مطبوعات آزربایجان شدند و مشعلی را که روشن کرده بودند نه تنهاخاموش نشد بلکه روز به روز شعله ورتر گردید.

پس از تعطیلی اکینجی ، زرردابی از تدریس منع گردید و از باکو تبعید شد ، ولی هم چنان به صورت فعال در مطبوعات حاضر بود و در نشریات زیبا ، حیات ، ارشاد ، کشکول ، کاسپی و ... مقالات علمی فرهنگ پرشماری از وی چاپ گردید.

"زردابی" را می توان مرد اولین های آزربایجان نامید.

علاوه بر بنیان گذاری مطبوعات ، وی در سال ۱۸۷۳ اولین تئاتر تورکی آزربایجانی با نام " سرگذشت وزیر خان لنگران" را در شهر باکو به روی صحنه برد

هم چنین ایشان از مؤسسان نخستین مجتمع آموزشی و فرهنگی دخترانه در آزربایجان ، صدر اولین کنگره ی معلمان ، فارغ التحصیل دانشگاه مسکو ، اولین استاد مسلمان و بومی اولین دانشگاه آزربایجان ، اولین دانشمند طبیعت شناس آزربایجان ، بنیان گذار اولین جمعیت خیریه درکشورهای اسلامی و ... بودند

حسن بی زردابی که لحظه لحظه عمر پربار خود را در جهت اعتلای نام آزربایجان در عرصه های علمی ، آموزشی ، فرهنگی و ادبی گذرانده بود در تاریخ ۲۸ نوامبر سال ۱۹۰۷ چشم از جهان فرو بست و در کنار مسجد "بی بی هیبت " باکو به خاک سپرده شد.

سال ها بعد ، مزار او به گورستان فخری انتقال یافت.

@RASHTTURKLERI



سحرین «ماویلر»ی

علیرضا ذیحق



حمیده رئیس‌زاده (سحر)ین «ماویلر» آدلی شعر مجموعه‌سی‌نین ۶۵- نجی ایلده یاییلما خبری، اولدوز کیمی‌نه قَدَر سس‌سیز آخسادا او قَدَر آرتیق پارلادی و آذربایجان ادبیات سماسیندا یئنی بیر آیدینلیق و جانلانمایا چئوریلدی. فیکیرده و دویغودا تام بیر دَییشیک‌لیک، باجاریقلی تکنیک و فورم، گؤزل، جانلی و الوان تصویرلر، اونون صنعت و یارادیجیلغی‌نین گؤزه چارپان ایلک خصوصیتلریندن اولاراق، بیز بو شعرلرین آردیندا دوشونجه‌لی، آییق، درین ایلهاملی و اینجه دویغولو بیر قادین شخصیتی ایله ده تانیش اولوروق. بو قادینلیغین سرین و گئنیش کؤلگه‌سی، تکجه اونون جسارتلی لیریکاسیندا یوخ، بلکه باشقا جهتلی شعرلرینده ایسه اؤز اُبرازینی یئر به یئر تمثیل، تشبیه و استعاره شکلینده بیلدیریر.

‘‘ ماوی گؤیلر چارشابلارین آچان زامان ‘‘، “دریالار اوسکویه دولمایان کیمی”، “آغزیمدا کی ساققیز سئوینجیم”، “قان رنگین گؤستر مز دونومو گئییم”،”قاشی دوشموش اوزوگومو” و داها آیری میصراعلاردا گلن بئله‌نکی تشبیه‌لر، تکجه قادین احساساتیندان چاغلانا بیلن ادبی بدیعی تصویرلر اولا بیلرلر. اجتماعی موناسیبتلره یاناشماق، دؤورون موعاصیر طلب و چتینلیک‌لرینه توخونماق و آچیق گیزلین دردلری دویوب قانماق، بیلیک و آییقلیقدان آسیلی اولماقلا برابر، او نیسگیل و دردلری ادبی – بدیعی بیر شکیلده جسارتله یازیب بیان ائتمک، صنعتکارین داها آرتیق بیر وظیفه‌سینه چئوریلمه‌لیدی و “سحر”ین پوئزیاسی حتتا او آنلاردا کی شاعیر، حیاتی‌نین لاپ خصوصی و محرمانه جهتلریندن سؤز آچیر بو آغیر و چتین اجتماعی وظیفه‌یه صادیق قالاراق، اومود وئریجی بیر واقیف‌لیک‌له اوخوجویا یاناشیر:

سارسیلماز داغلارین ذیروه‌سین دئدیم،
دیزلریم یورولوب بوکولن زامان
لحظه‌لر اوستونه گئجه‌لر بویو
ظولمت قارقیش کیمی‌تؤکولن زامان
صاباحین، گونشین جیلوه‌سین دئدیم
سئوگینین گؤروشه گلمه‌سین گرک
هاچاناجان دئمک؟هاچانا قدر؟

بو آییق سالماقلیق و خلقین مینلرجه آدسیز، سوسموش و گیزلی کدر و غملریندن حزین – حزین سؤز آچماق نهایتده اوجا بیر فریاده دؤنور:

سارالدی غصه‌دن اوزلر،
آغاردی یول دؤین گؤزلر
نه لازیمدیر حزین سؤزلر،
“سحر” فریاد اولان یئرده

بو اَلده ائدیلمیش واقیف‌لیک‌دیر کی آزاد ائدیجی دینامیزم‌لره جان و گوج وئریر و “کؤرپه اَللرین بارماقلارینداٍ، قان قورویاندا ” و اونداکی “ماویلر قارالیر دان اوزاقلاشیر”، “آد آرزوسون سینه‌سیندن کؤهنه نیشان کیمین درن، عشقی قیبله ائده‌ن ایگیت،

گونش یولون گئده‌ن ایگیت" لر بسله‌نیرلر. صنعتکارین موعاصیرلیگی و دؤوره اویغون اولان بیر دیلی مهارتله بدیعی یارادیجیلیغیندا ایشه آپاردیغی، اونون لیریکاسینا داها دَیَرلی بیر گؤزه‌ل‌لیک و یئنی‌لیک وئریر.

...پولاد تک اراده
بیر شوشه گولاب کیمی‌ساده انسان
دیله‌ییرم.
پاساژ قاباغیندان، پاساژ قاباغینا چاتماق
ساوالان دایانا جاقلی یاشاماق
چتین یولا یولداش دیله‌ییرم.
چتین یولا
یولداش...

'' زامان یوکو کوره‌گیمده "دئییب" صاباحین یولوهاردانديی ؟ "سوران شاعیرین "پاساژ" کیمی‌بئله‌نکی اُبرازلاری ایشه آپارماغی، هئچ ده تصادفی دئییل، بلکه بونلار بوتونلوک‌له، موعاصیر طلب‌لری دویوب قانماقدان ایره‌لی گلن بیر آغیر ضرورتین نیشانی کیمی‌قییمت‌لنمه‌لیدیرلر. اجتماعی سیمبولیزمین تأثیر گوجو و آرادا سیرادا گؤرونن سوررئالیزمین ایری و قانلی دامارلاری، "ماویلر" مجموعه‌سینی داها زنگین‌له‌دیر. نئجه دئیه‌رلر شاعیرین یارادیجیلیق دونیاسیندا اَن سیرلی، تعجبلی و دهشتلی اولان ایشلر و اتفاق‌لار، ائله بیر عادی و حقیقی ساياقدا جیلوه‌لنیرلر کی بو آرادا تکجه شاعیر ایلهامی‌و ایلهاما باغلیلیق‌دیر کی او اَل چاتماز و سئحیرلی دونیالارین "زامان توزونا " بورونموش قاپی‌لارین بیزیم اوزوموزه آچیر:

گئجه دیر...
باخیرام آی باجاسیندان
باشقا بیر ماوی گؤیه
اوردا دا وار ائله بیل
گئجه یوردون قانا دؤنموش دنیزیندن
نئچه بیر غملی بولود،
چنلی داغ،
قانلی سؤیود.
گئجه دیر...
باخیرام آی باجاسیندان
باشقا بیر ماوی گؤیه

سربست شعرلرده ریتمیک بیر وزن و کلامین موسیقیایی ظرفیتلریندن باجاردیقجا بهره‌لنمک، تکنیک و فورما جهتیندن "سحر"ین شعرینی داها اوستون بیر سویه‌یه قالدیریر:

یاخینلاشیر
یاواش یاواش
یانار داغا یاناشماقیم،
یاناشماغین،
یاناشماقلار.

'' سارالان گولو، بیچیلن دیلی" و "قفس آدلی لانه‌نی نئیلیرم" سؤیله‌ین شاعیر "یئنی غربته قووشوم گئدیم" دئسه‌ده غربت پنجه‌سینده ده وارلیغین بوغولان گؤرور. آخی شاعیر دئمیشکن گئجه‌دیر و بو گئجه‌ده "شیرینلر آجی دیر، هرنه وار غریب / لحظه‌لر لاپ اوزون / دیلک‌لر سورگون / اولدوزلار اوزونه چئویریب بؤرکون ..." آمما نه غم کی ظلمتدن زارا گلن و اوره‌گینی کدر اوزه‌ن شاعیر صاباحا اینانیر، اؤزوده بؤیوک بیر اینامla:

تک قالیب ظلمت اَلینده، باغیریب سوسما "سحر''
چکیلر جهد ائله‌سک آیری مداره گئجه‌لر



آذربایجان گونئینده ادبیاتینین تاریخی اینکیشاف یولو

Güney Azərbaycan ədəbiyyatının tarixi inkişaf yolu
Prof.Nizami Xudiyev
پروف. نظامی خودیف



موعاصیر ایراندا پهلوی رئژیمی دؤورونده اللی ایل ایران آذربایجانی ادبیاتینا قارشی میللی سیتم سیاستی یئریدیلمیش و بونون نتیجه‌سینده ده آذربایجان ادبیاتی، مدنیتی و دیلی غئیری-اینسانی شکیلده یوخ ائدیلمیشدیر و بو مدنیت داخیلی آسسیمیلیاسییایا معروض قالمیشدیر. اودور کی، ضیالیلارین، شاعیرلرین، ادیبلرین و ائلجه ده عالیملرین دوشونجه و یازیلاریندا دیلین قورولوشو،ونون شیوه دئییم و لهجه قورولوشو آرادان دئمک اولار کی، گئتمیشدیر. فارس دیلی بوتون یازیچی و شاعیرلرین یازیلارینا داخیل اولاراق دیلین لئکسیکاسینیوه ستروکتورونو خئیلی درجه‌ده پوزموشدور. لاکین ایران ایسلام اینقیلابی باش وئردیکدن سونرا بوتون آذربایجانلیلار و آذربایجان مدنیتینی سئونلر دیل و مدنیته دیمیش بو ضربه‌لری آرادان قالدیرماغا جهد گؤسترمیشلر. بو سببدن دکیتابلار، ژورناللار و قزئتلر بو دیلده یاییملانماغا باشلادی.

کیملیکدن یوخسول قالان آذربایجان اینسانی بوتون تضیقلر، زورلوقلارا و مهدودیتلره باخمایاراق تاریخی گئرچکلیکلری دریندن اؤیرنمه‌یه باشلامیش و اونون اینکار ائدیلمه‌سینه و اونا یؤنلدیلن ضربه‌لره قارشی عملی حرکته کئچمیشدیر. ایران ایسلام اینقیلابیندان سونرا ادبیات چوخ کیچیک آددیملارلا دا اولسا ایره‌لیله‌مه‌یه باشلامیش و ادبی و مدنی اؤزونودرکین تمه‌لی قویولموشدور. ایراندا فارس ادبیاتینین مانعه‌سیز ایره‌لیله‌دیگینه و دؤولت قایغیسیندان یاردیم آلدیغینا گؤر، هم ده آذربایجان ادبیاتی ایران ادبیاتینین اینکیشاف ائتدیگی عئینی اؤلکه‌ده اولدوغونا گؤره گئنیش معنادا اونون تاثیری آلتینا دوشموشدور. فیکریمیزجه، آذربایجان شعرینده و ادبیاتیندا، عوومیلیکده مدنیتینده، فردیلشمه و اؤزباشنالیغین قاباریق شکیلده اؤزونو گؤسترمه‌سینین سببی بو سیاسی و ایجتیماعی آسسیمیلیاسییا، غئیری-فارس میلتلرین وارلیقلارینین یوخ ائدیلمه سی سیاستی اولموشدور.

ییرمی عصرین اوللریندن باشلایاراقدونیادا بیر سیرا ایجتیماعی-سیاسی و ادبی دییشیکلیکلر باش وئرمیش و ادبی مکتبلر میدانا گلمیشدیر. بونون نتیجه‌سی اولاراق مودئرن واه دینامیک ادبیات، سربست ادبیات اوسلوبو، هئچ دؤولتدن آسیلی اولمایان ادبیات فورمالاشماغا باشلامیشدیر. ایران شاعیر و یازیچیلاری دونیاداکی دیگر همکارلاری کیمی بو ادبیاتی منیمسه‌یه بیلمیشلر. اونلارین اثرلری بو دئدیکلریمیزی بیر داها ثوبوت ائدیر. دونیانین گؤرکملی ادیبلریندن اولان ماکسیم قورکی، شولوخوو، چئخوو، ناظیم حیکمت، اورخان پاموک، بالزاک، عزیز نئسین، ف. آخوندوو، نیما یوشیج، صمد بهرنگی، و باشقالارینین اثرلری اینقیلابدان سونرا ایراندا نشر اولونان قزئت، ژورنال و کیتابلاردا گئنیش یئر آلمیشدیر. لاکین چوخ تأسوفلر اولسونکی، آدلارینی چکدیگیمیز بو دونیا شؤهرتلی یازیچیلارین

اثرلرینین چوخ آز حیصه سیوخوجولارا آذربایجان دیلینده تقدیم ائدیلمیشدیر. گونئی آذربایجانلیلارین حتّی قارداش، دوغما و دوست اؤلکه‌لرین - تورکییه و آذربایجان رئسپوبلیکاسی کیمی اؤلکه‌لرین یازیچیلارینین اثرلرینین ده فارس دیلیندن ترجومه سینی اوخویوب اؤیرنمه‌لرینین ده اساس سببی محض بودور.

بو گونکو گونده دونیانین نئجه اینکیشاف ائتدیگینی گؤروروک وبو اینکیشافین فونوندا رسمی ادبیاتینین دا اینکیشاف ائتدیگی حالدا آذربایجاندا ادبی اثرلرین (داستان، شعر، رومان و س.) مئیدانا چیخماسی اوچون هئچ بیر مونبیت شرایط اولمامیشدیر. بونون دا اساس سببی آذربایجان ادبیاتینین یالنیز کلاسسیک ادبیاتا باغلیلیغی اولموشدور. ان اؤنملیسی ده اودور کی، قدیم داستانلارین ایله کنارا چیخا بیلمه‌میشدیر. یازیچیلارین اکثریتی کؤهنه و قدیم موحیطین کؤهنلمیش مضمونلو ژانرلارینا، ائلجه ده عرب وه فارس ادبی اوسلوبو اولان دیوان-شعر ادبیاتینا اوز توتموشلار. دیگر یازیچیلار باشقا بیر اوسلوبدا، مثلا، سربست شعر کیمی اوسلوبدا اثرلر یاراتسالار دا یئنه ده آذربایجان دیلینین زنگین سؤز خزینه‌سیندن ایستیفاده ائده بیلمه‌دیکلریندن داها چوخ عرب و فارس ترکیبلی سؤز و ایفاده‌لری سایه سینده یاراتمیشلار و بو ایسه نتیجه‌ده میلّیلیگین ایتیریلمه‌سینه گتیریب چیخارمیشدیر.

لاکین بو جور اثرلرده جیدی ایره‌لییش و دینامیکلیک نظره چارپمیر، حالبوکی شعر، رومان و داستانلاردا ماهیت و مضمون اعتیباریله مودئرنیزم و پوستمودئرنیزم چالارلاری سئزیلمکده‌دیر. آما بوتون بونلارلا یاناشی کؤهنپرستلییه قاپیلمیش وگؤزللیکدن محروم اولان بو گونکوآذربایجان ادبیاتیندا هله ده یئنیلیکچی فورما و اوسلوبلار اؤز یئرینی آلا بیلمه میشدیر. اؤز یارادیجیلیغیندا تکرارچیلیغا، شوعارچیلیغا اوستونلوک وئرن شاعیرلر خئیلی چوخالمیش،دیل ایسه قراماتیک جهتدن برباد وضعیته دوشموشدور.

گونئی آذربایجان ادبیاتیندا شاعیر و ادیبلر دیل فاکتورونو اونوداراق دیلچیلیک فاکتورونو، دیلی قوروما و دیلی سئومه فاکتورونو اوستون توتموشدور. بوردان ایره‌لی گله‌رک شهریارین «حیدربابا» و «سهندیه» اثرلرینه باش ووران شاعیرلرین سایی آرتمیشدیر. فوضولینین، واقیفین، حافیظین، حتّی، مولوینین دوشونجه طرزی گونئی آذربایجان شاعیرلرینین شعر و یازیلاریندا اؤزونو گؤسترمکده دیر. بونونلا یاناشی قوشما و گرایلی، تجنیس و مخممس، هم ده بایاتی نؤوو سینیق-سالخاق دا اولسا، بیر آز یئرلی، بیر آز دا قوزئی آذربایجانین تاثیری آلتیندا اینکیشاف ائتمکده‌دیر [1].

موعاصیر دونیادا تورک دونیاسیندا اؤندر اولان تورکیه جومهوریتینده ادبی ایننوواسییالار گئنیشلنمکده‌دیر. لاکین گ. آذربایجانین تورکیه ایله ایجتیماعی، مدنی و سیاسی علاقه لری اولمادیغیندان گ. آذربایجان ادبییاتینا تاثیری چوخ جوزی اولموشدور. لاکین بونلاردا یاناشی چوخ آز سایدا دا اولسا گونئی آذربایجان ادبیاتچیلاری تورکیه ادبیاتینی، او جومله دن دونیا ادبیاتینی آرتیق منیمسمه‌یه و دریندن اؤیرنمه‌یه باشلامیشلار. آنجاق مسله اوندادیر کی، اینقیلابدان بیر نئچه ایللر اؤتسه ده خالق اؤز آنا دیلینده تحصیل آلماقدان محروم قالماقدادیر. محض بونا گؤره‌دیر کی، ادیبلر دونیا سوییه‌سینده، حتّی اؤلکه سوییه‌سینده بئله، موعاصیر و مودئرن بیر اثر یارادابیلمه‌میشلر. بونون باشقا بیر سببی دا اودور کی، آذربایجان ادبیاتی اینقیلابدان سونرا شوعارچیلیق مضمونوندان هله ده یاخاسینی قورتارامیشدیر. آذربایجان یازیچی و شاعیرلری باش وئرن بوتون یئنیلیکلری هله ده فارس دیلی واسیطه‌سیله

منیمسمکده‌دیرلر کی، بو دا بؤیوک اثر یاراتماق ایمکانلارینی خئیلی آزالدیر. یئنه ده قوشما و قزللر یارادان یازیچی و شاعیرلر قونشو خالق‌لارین ادبیاتیندان، هم ده موعاصیر دونیا ادبیاتیندان گئری قالماقدادیرلار. لاکین نظره آلماق لازیمدیر کی، بونلار آذربایجانلیلارین دوشدویو تاریخی ایجتیماعی-سیاسی وضعیتدن ایره‌لی گلیر. اوندا آذربایجان ادبیاتینین فولکلورچولوقدان یاخا قورتارا بیلمه‌مه سینین، دیلین ایسه کؤهنه سایاق رسمی ادبیاتینین اسیری اولماسینین اساس سببینی آیدین شکیلده گؤره بیلریک. اصلینده یئنیلیکچی اولماق او دئمکدیر کی، دیلین فورماسی موعاصیر دونیا دوشونجه‌سینده ایفاده ائدیله بیلن حالا گتیریلسین. بیلیریک کی، ایسپان سؤزو اولان مودئرنیزم، یئنی موعاصیرلشمک اینجه‌صنعتده، ادبیاتدا داها ایره‌لی گئده‌رک رومانتیزم ایدئیالارینین مضمونونو جسور و مدنی حرکتلرده ایفاده ائتمکله کؤهنه اوسلوبلاری آرادان آپارماق دئمکدیر. مودئرنیزم اون آلتی عصرده اینکیشاف ائتمیه باشلامیشدیر، لاکین گونئی آذربایجاندا حتّی ییرمینجی عصرده ده اؤز یئرینی تاپمامیشدیر. اون ایللرله اؤز آنا دیلیندن محروم اولان آذربایجانلیلار سربستلیک الده ائتدیکلری زامان دیلین اینکیشافینا دئییل، داها چوخ اونو قورونماغا چالیشماق مجبوریتینده قالمیشلار. دونیانین بیر چوخ اؤلکه‌لرینده اؤز آنا دیلیندن محروم اولان و آنا دیلینده تحصیل گؤرمه‌ین بیر سیرا یازیچی و شاعیرلر بیر سیرا اثرلر یاراتمیشلار کی، اونلارا قازاندیرمیشدیر. بس اوندا نه اوچون آذربایجان ادبیاتچیسی اؤز آنا دیلینده سامباللی و اونا دونیا شؤهرتی قازاندیرا بیله‌جک اثرلر یارادا بیلمه‌میشلر؟ فیکریمیزجه، یئنه ده بونون اساس سببلری کیمی قدیم و کؤهنه ژانرلارا اوستونلوک وئریلمه‌سی، عقل و منطیقین حیس لریمیزدن داها اوستون توتولماسی، محدودیتلرله بوخوولانما، آزادلیغین قوربان وئریلمه سی کیمی عامیللری گؤسترمک اولار.

موختلیف دؤورلردآذربایجان ادبیاتیندا تورکلویه قارشی مئیللرین اولماسی، ایرانچی و روس مئیللرین آذربایجانچیلیقدان اوستون اولماسی نتیجه‌سینده آذربایجان ادبیاتی تورک سئوگیسیندن محروم قالمیش و مودئرن اوسلوبدا، رومان و دراملاری یارادیلیب عرصه یه گلمه‌میشدیر. هر بیر یئنیلشمه، ایره‌لیلییش و سیچراییشلارین یالانچی هومانیستلیک، خیالپرستلیک یؤنونده اولان بدیعی یارادیجیلیقدا قارشیسی آلینمیش و موعاصیر دونیا ادبی اوسلوبوندا اولان اینکیشاف یولوندا مانعه‌لر تؤره دیلمیشدیر. بیر سیرا آذربایجان شاعیر و یازیچیسی موختلیف اینانج و عقیده لر، دوشونجه طرزلرینه اوستونلوک وئره‌رک اؤز میللی وارلیقلارینین قورونماسی یولوندا گرکلی تؤهفه‌لر اولا بیله‌جک سامباللی اثرلر یارادا بیلمه‌میشلر. لاکین بونا باخمایاراق، جمعیتده تام درک اولونا بیلمسه‌لر ده، معنوی، میللی و تورکچولوکدن یولا چیخمیش چوخ آز دا اولسا یارادیجی اینسانلار واردیر. بونونلا یاناشی اونو دا قئید ائتمک لازیمدیر کی، فیکیر و ایدئولوژی باخیمدان بوشلوق ایچینده بوغولان آذربایجان ادبیاتی ایللر بویو اؤزگلشمه‌یه معروض قالسا دا،گئتدیکجه داها جسور آددیملار آتاراق موعاصیر دؤورده تاریخی اینکیشاف یولونا قدم قویموشدور. البته، بو یول چوخ چتین اولسا دا، موعاصیر ادبیاتچیلار بو یولو توتموش و گله‌جگه دوغرو حرکتده‌دیرلر.

به-به ادبیاتی، تعریف و تمجید ادبیاتی یاواش-یاواش یئرینی تنقید و کسرلی قلمره بوراخماقدادیر. یورولمادان قلملرینی قیلینج کیمی گؤزه‌لی عئیبجردن آییرانلار یئنی-یئنی گؤزلرینی آچیب قونشو ادبیاتینی اوخویوب اؤیرننلر، حال حاضیردا هر

گون چوخالماقدادیر، ایدیعا ائدیب دئمک اولار کی، بو گونکو گونئی آذربایجان ادبیاتینین یارادیجی و داوامچیلاری ۲۰-۲۵ یاشیندا اولان گنجلردن عیبارت اولسا دا، اونلارین اینتئللئکتوال فراستینین تجللیسی ۷۰-۸۰ یاشلی چوروک، باشقا ادبیاتین وورغونلاری و اونلارین کوپییاچی داوامچیلاریندان داها اوستوندور. [۲]

باکوبسئن، باختین کیمی دونیا شؤهرتلی ادبیاتچیلارین اثرلرینده موعاصیر ادبیاتین اینتئللئکتوال دینامیزمییلیی ایلک دفعه اولاراق اؤز عکسینی تاپمیشدیر. اونلار اؤز اثرلرینده گؤستریرلر کی، آنا دیلینی اینکیشاف ائتدیرمک و باشقا دیلین تاثیرینه دوشهرک اونون اسیری اولماقدان قورتارماق هر بیر شاعیرین اساس و موقدس وظیفهسیدیر. ادبیاتدا بو جریان فورمالیزم آدلانیر. بورادادیلین اصلین، قورولوشونا و نجیبلیگینه زیان وئرمهدن اونو تا قدیمدن ایندییه قدرکی فورماسیندا ساخلایاراق موعاصیر دؤورده موعاصیرلشدیرمک و اونو یئنی ادبی بدیعی چالارلارلا زنگینلشدیرمک نظرده توتولور. مودئرن ادبیاتین اساسلارینی فورما و قورولوشا اینانماق، فورمانی ساخلاماق تشکیل ائدیر. بواستیقامتده دونیا سوییهسینده بیر چوخ ایشلرین آپاریلماسینا باخمایاراق، گونئی آذربایجاندا اوجوز ادبیات آرخاسینجا سورونلر، آسان یوللا مشهور اولماق آرزوسوندا اولانلار اؤزلرینی زحمته وئرمهدن زحمت وئرمهدن بو گونکو گونده دوشدوکلری سسسیزلیک شرایطینده آشاغی کئیفیتلی و ثمره سیز اثرلر یاراتماقدادیرلار. اگر بو مسلهیه تنقیدی یاناشساق، یارادیلمیش اولان بو تیپ ادبی اثرلرین اساس حیصه سی تقلیدچی ادبیاتدان باشقا بیر شئی دئییلدیر. اساسن عرب و فارس ادبیاتیندا یئر آلمیش تقلیدچیلیک داها سونرالار بو ادبیاتلار واسیطهسیله اؤلکهیه گلن فرانسا ادبیاتینین و بوتؤولوکده آوروپا ادبیاتینین مضمونسوز و بایاغی اوسلوبلارینی منیمسه یرک داها دا اینکیشاف ائتمهیه باشلامیشدیر و شعره بنزمهین شعرلر، نثره بنزمهین نسر اثرلری مئیدانا گلمیشدیر. لاکین گ. آذربایجان مدنی حرکاتینین لیدئرلریندن بیری اولان علی تبریزلی میللی دیرلری منیمسهمیش،مودئرنیزم اوسلوبوندا میللی ادبیاتی میللی کیملیکله بوتؤولشدیرن درین مضمونلو اثرلر یاراتمیشدیر. آذربایجان ادیبلری دویغو و اینتئللئکت آراسیندا مؤوجود اولان اوچورومو آرادان قالدیریاغا مووفق اولا بیلمهمیشدیر.

هر بیر گ. آذربایجانلینین یازدیغی هر بیر اثری ایله میللی موباریزه موستویسیندن حاقلی اولاراق سسینی اوجالتماق حاقی واردیر. لاکین بو، مدنی اینکیشاف و تکاملون یالنیز موباریزلییه باغلیلیغی آنلامینا گلمیر. بئله کی، ادبیاتین گئنیش کوتله آراسیندا یاییلماسی، آذربایجانداکی ایجتیماعی-سیاسی و تاریخی شراییطه اویغونلاشاراق آنا دیلینین قورخو بیلمهدن ایستیفاده ائدیلمهسی اساسلی بیر ادبیاتین مئیدانا گلمهسینه زمین یاردا بیلر.

ایران ایسلام اینقیلابیندان سونرا گونئی آذربایجان ادبیاتی گئتدیکجه پوختلشمهیه باشلادی و گؤرکملی شخصیتلرین یئتیشمهسی اینکار ائدیلمز اولدو. لاکین یئرسیز ادبی قروپلاشمالار، مداحلیقلار، شخصیته پرستیشله یاناشی یارانمیش ادبی موحیطده ادیبلرین بیر-بیری ایله دیدیشمهسی، ادبی اورقانلارین بیر-بیری ایله ایشبیرلیگینه گله بیلمهمهسی عامیلی ادبیاتین دیرچلمهسینه خیدمت ائتمک یئرینه، عکسینه، آذربایجان ادبیاتینا چوخ جیدی ضربهلر وورموشدور. اونو دا قئید ائتمک یئرینه دوشر کی، اینقیلابدان سونراکی ۳۰ ایلدن چوخ بیر مودت عرضینده باش وئرن بوتون بو ضربهلرین اساس سببی ایلک اؤنجه یازیچی و شاعیرلرین بیر آرایا گله بیلمه مهسی، ادیبلرین یارادیجیلیق قابیلیتینین آشاغی

سوییه‌ده اولماسی، او جوملەدن تنقید مدنیتینین دئمک اولار کی، اولاماسی، قونشو خالقلارین ادبیاتلارینین تقلید ائدیلمه‌سی کیمی عامیللردیر و بونون نتیجه‌سیدیر کی، ادیبلر جیدی اثرلر یاراتماقدان یایینمیشدیرلار. لاکین گؤستردیگیمیز بو دؤور عرضینده جاواد هئیتین «وارلیق» ژورنالی، ح.شرقی دره‌جک سوی تورکون «خدافرین» ژورنالی، هاشیم ترلانین شعر و نثری، محمدتاغی ذهتابینین نثر و نظم اثرلری گونئی آذربایجان ادبیاتینا و دیلیمیزه عوضسیز تؤهفه‌لر اولموشدور. بو دئییلنلره اساسن سؤیله‌مک اولار کی، گونئی آذربایجان ادبیاتی آرتیق اؤزو اینامیلا ایره‌لیله‌مه‌یه باشلامیش و ادبی مؤوضو، فورما، مضمون، هئرمونوتیک تنقیدی یاناشمالار و هم ده دیل گؤزللیگی باخیمیندان یئنی فیکیر و جریانلار یارانمیشدیر.

مودئرنیزم، پوستمودئرنیزم، رومانتیزم، کلاسسیک و دیگر بو کیم ادبی جریانلار گونئی آذربایجان ادبیاتیندا یاشانمامیشدیر. گونئی آذربایجان ادبیاتی فارس ادبیاتینین بو ایستیقامتده یاشادیغی حادیثه لری منیمسمکدن چیخیش ائده‌رک اؤز گئرچکلیکلرینی ایره‌لی سورموشدور. بو باخیمدان حبیب ساهیر اؤزونون «اولکر» شعرینده سربست شعر اوسلوبو ایله آذربایجان ادبیاتینا یئنیلیک گتیرمیش و اونو تورکیه ادبیاتیندا باش وئرن جریانلاردان قایناقلانان موعاصیر ادبی حادیثه لرله موقاییسه ائده رک آذربایجان ادبیاتیندا اینکیشاف توخوملارینی جوجرتمه‌یه چالیشمیشدیر.

لاکین تأسوفلر اولسون کی، شاعیر حبیب ساهیرین تورک اولماسینا باخمایاراق، اونون یازدیغی اثرلرده قونشو ادبیاتین مضمونو و روحو نظره چارپیر.. محض بونا گؤره‌دیر کی، محمدحسین شهریار، صمد بئهرنگی، رضا براهنی کیمی آذربایجان ادبیاتی مشهورلارین اثرلری فارس دیلینده اولموشدور. بونونلا یاناشی صابیر، تقی روفت، مؤجوز، آخوندزاده ایستعداد و باجاریقلارینی اؤز آنا دیللرینده اورتایا قویماغا چالیشسالار دا اونلارین دوشدویو شراییطین تاثیری ایله اصلینده اونلار باشقا ادبیاتین داوامچیلارینا چئوریلمیشلر. آما گونوموزده آذربایجان شاعیر و یازیچیلاریندان ائلچین افندییئو، نیظامی جعفروو، آنار، رامیز رؤوشن، مؤولود سولئیمانلی، تورکیه جومهوریتیندن ایسه یحیا کامال، محمت آکیف ارسوی، اورخان پاموک، ناظیم حیکمت، قاراجا اوغلان، یونوس امره کیمی گؤرکملی یازیچیلارین بو گون گونئی آذربایجاندا داوامچیلاری مئیدانا گلمیشدیر.

اونو دا قئید ائدک کی، فارس ادبیاتینین ویاخود دا سربست فارس شعرینین منصور نوماینده‌لرینین آرخاسینجا گئده‌رک اونلارین اوسلوبونو داوام ائتدیرنلرین سایی گوندن-گونه آزالماقدادیر. ائله بونلار دا سبب اولموشدور کی، گ. آذربایجان ادبی یارادیجیلیغیندا عرب و فارس ترکیبلی سؤز و ایفاده‌لر گئتدیکجه ضعیفله‌مه‌یه باشلامیشدیر. علیرضا نابدیل (اوکتای) یارادیجیلیغی و شعری اینقیلاب عرفه سینده مئیدانا گلمیشدیر. گله‌جگه اینام، مردلیک، جسورلوق، جسارتلیلیک اونون شعرلرینین اساس قایه سینی تشکیل ائتمیشدیر. عئینی زاماندا بونونلا یاناشی اولاراق ادبیاتدا اؤزونوتنقید و اؤزونودرک مئیدانا گلمیشدیر. بئله‌لیکله د، صیرف آذربایجانچیلیق، میللی کئچمیشه سؤیکنن میللی اؤزونودرک اینکیشاف ائتمه‌یه و هم ده آذربایجان ادبیاتی قونشو خالقلارین ادبیاتینین تاثیریندن آزاد اولماغا باشلادی. بو دا ادبیاتدا تئکستدن کونتئکسته کئچیدین اساسینی قویدو. میللی چالارلارلا دولو اولان و هر گون ایره‌لیله‌ین ادبیات فورمالاشماغا باشلامیشدیر کی، بو ادبیاتین یارانماسیندا علی حسینزاده (داشقین)، حسین صدیق (دوزگون)،

حسن ریاضی (ایلدیریم)، علیرضا میبانالی، صدیار وظیفه (ائل اوغلو)، آلتای آغ، سولئیمان اوغلو کیمی موعاصیریازیچیلارین یارادیجیلیغی موهوم رول اویناميشدير. یئنی نسیل اوچون یئنی فورماتدا اولان بو ادبیاتی فورمالاشدیرانلارین ادبی یارادیجیلیغی موعاصیر آذربایجان، تورکیه، همچنین دونیا و ایران ادبیاتیندان قایناقلانمیشدیر. (۳)

حال حاضیردا یاواش-یاواش شوعارچیلیقدان مضمونچولوغا کئچید آلان گونئی آذربایجان ادبیاتی چوخسسلی، چوخ ایستیقامتلی ادبیاتا چئوریلمیشدیر. بو ادبیات قویولان بوتون قاداغالارا و تضیقلره آرتیق سسسیز قالمایان، اؤز سسینی اوخوجولارینا چاتدیرا بیلن ادبیاتدیر کی، بورادا گونئی آذربایجاندا آنا دیلینده نشر اولونان«خدافرین»، «وارلیق»، «آذری»، و س. کیمی مطبوع اورقانلارینین گوجلو تاثیری واردیر. سوبیئکتیو دوشونجه‌یه اساسلاناراق معنا آختاریشیندا اولان موعاصیر گ. آذربایجان ادبیاتی آرتیق درین مضمون و معناکسب ائتمکده‌دیر و مودئرنیزم باخیمیندان هر گون یارانماقدا اولان بدیعی ادبی یارادیجیلیق بو گوندن گله‌جگه آپاران کؤرپودور و بو ایسه دیل قورولوشوندا مضمون و معنا ثابیتلیگینین گوندن-گونه پارلاماسی دئمکدیر.

حقیقتن ده، ایللر بویونجا محو اولماغا، یوخ ائدیلمه‌یه و سوکوتا محکوم اولونموش آذربایجان ادبیاتی دیرچلمیشدیر و اومید ائدیریک کی، دونیا سوییه سینده اوغورلار قازاندیرا بیله‌جک بدیعی اثرلر اورتایا قویماق گوجونه مالیک اولاجاقدیر. موعاصیر آذربایجان ادبیاتیندا آرتیق تقلیدچیلیکدن اوزاقلاشما مئیللری اوستونلوک تشکیل ائدیر و دار دوشونجه تفککورون‌دن آیریلماقدادیر. آنادیلینده دوشونه‌رک عقل و منطیقه مالیک یئنی نسیل یارادیجی بئییلر مئیدانا گلمکده‌دیرلر (۴).

اونو دا خوصوصیله قئید ائتمک ایستردیم کی، گ. آذربایجان درین کؤکلره مالیک اولان، عظمتلی و قدیم بیر آغاج کیمیدیر. اونون عظمتینی قیرا بیلمه‌میشلر، کؤکونو قورودا بیلمه‌میشلر و اودور کی، بورادا یارادیجی و دیره‌نیش ادبیاتی جانلانمیش و اینکیشاف ائتمکده‌دیر. بئله کی، گ. آذربایجاندا گنج یازیچی و شاعیرلر بیرینجی نؤوبه‌ده آذربایجان ادبیاتینین قایه‌سینی دوشونه‌رک موعاصیر شعری مدنی و سیاسی مداحلیقلاردان قورتارماغا چالیشمالیدیرلار. داها سونرا ایسه آذربایجان دیلینین معنا و مضمونونا اویغون اولان شعر و نثرین اساسلارینین یارادیلماسینا جهد ائدیلمه‌لیدیر. دیگر طرفدن، آشیق و فولکلور ادبیاتینی درینden منیمسمکله آذربایجان ادبیاتینی دونیا ادبیاتیندان قایناقلانان و داها اصرارانگیز چالارلارا مالیک اولان ادبیاتا چئویرمه‌لیدیرلر. یئنی، آذربایجان ادبیاتیندا کؤهنه‌لیکدن ال چکه‌رک، یئنی موعاصیر اوسلوبلارا داها چوخ و گئنیش یئر وئریلمه لیدیر. عئینی زاماندا موعاصیر دونیا سوییه‌سینده فورمالاشان ادبی ایننوواسییالار دا آذربایجان ادبییاتین‌دا قاورانیلمالی و تطبیق ائدیلمه‌لیدیر.

بو ادبیات آرتیق بوش مضمونلو ادبیات دئییل، حقیقتن ده درین مضمون و معنا کسب ائدن سربست ادبیات اولاجاقدیر. هم ده بو ادبیات دیگر ادبیات تاثیریندن اساسلی شکیلده اوزاقلاشمالیدیر. بئله‌لیکله د، اؤزونون زنگین تورک سؤزلوکلری ایله دولو اولانینی و جسور ادبیات یارانمیش اولاجاقدیر. بو گونکو گونده آرتیق باشقا خالقلارین مدنیتی و ادبی یارادیجیلیقلارینین تاثیریندن اوزاقلاشماقدا اولان، هر گون گؤزللشن و اصیل اولان آذربایجان ادبیاتی اؤز دولغونلوغو ایله فورمالاشماقدا و اینکیشاف ائتمکده‌دیر.

ادبیات:

۱.گونئی آذربایجان فولکلور آنتولوگییاسی. فولکلور اینستیتوتو.جیلد ۴. ص. ۶-۷. باکی، ۲۰۱۵
۲.«خدافرین» ژورنالی. №. ۱۵۴. تهران، ۲۰۱۷. ص. ۶۵-۶۹.
۳.ژیرنجی یول درگیسی. تهران اونیوئرسیتئتی. ۲۰۰۹
۴.دکتر. حسین صدیق محمدزاده. پهلوی شووینیزمینین آنتی تورک سیاستی. تهران ۱۹۹۹. ۳۵-۳۸

زندگینامه ربیعه قدیر رهبر تورک های مسلمان اویغور

تورک دونیاسینین تانینمیش اوزلری



چین اشغالینده کی اویغور تورکلرینین اوندری

ربیعه قدیر (متولد ۱۹۴۸) فعال حقوق بشر تورک است که در جهت حقوق ملت تورک در کشور جمهوری خلق چین بویژه در منطقه خودمختار سین‌کیانگ فعالیت می‌کند.

وی در سن ۲۷ سالگی با شش بچه مستقلاً تجارت خود را در کسب و کار پارچه و نساجی شروع نموده و چندی بعد دو باب مغازه را در شهر اورومچی دایر کرد و معروف به زن میلیونر گردید.

درسال ۱۹۷۸ با مجاهد سابق اویغور به نام سیدیک روزی (صدیق) ازدواج کرد و صاحب سه بچه از او شد و دو بچه دیگر را هم به فرزندی گرفت.

او در سال ۱۹۹۲ رئیس اتاق بازرگانی سین‌کیانگ و عضو کنگرهٔ ملی خلق گردید و اندکی بعد حامی حقوق زنان شد.

در سال ۱۹۹۵ بعنوان عضو فعال نمایندگان دولت چین کنفرانس جهانی زن در سازمان ملل متحد شرکت و سخنرانی نمود.

در سال ۱۹۹۷ در یک سخنرانی کنگرهٔ خلق چین خانم قدیر از سیاست دولت چین در استان سین‌کیانگ به شدت انتقاد نمود .

بنابراین ، مدت کوتاهی بعد از آن ، از نمایندگی کنگرهٔ خلق اخراج و از تمامی مناصب دولتی محروم شد.

همچنین در سال ۱۹۹۷ " جنبش هزار مادر " را برای ارتقاء حقوق زنان و بهبود وضعیت اقتصادی زنان محلی تأسیس نمود .

در آگوست ۱۹۹۹ دولت چین او را که می‌خواست با نماینده و بازرس کنگرهٔ آمریکا دیدار کند دستگیر نمود و به دلیل محکوم نکردن اظهارات شوهر تبعیدی خود و شهادت بر کشتار مردم در شهر گؤلجه در سال ۱۹۹۷ به اتهام افشای اطلاعات محرمانه به ۸ سال زندان محکوم نمود.





با وجود تخفیف یک سال زندان به خاطر رفتار خوب باید ۲۰۰۴ آزاد می‌شد.

سرانجام بخاطر افزایش فشارهای بین‌المللی در مارس سال ۲۰۰۵ خانم کادیر(قدیر) آزاد شد. سپس با رفتن به خارج از چین به شوهر تبعیدی خود پیوست و در حال حاضر در واشنگتن - آمریکا ساکن است با وجود این خود را فرزند واقعی اویغور می‌داند و هیچ شهروندی غیر از اویغوری قبول نمی‌کند و حتی در راه آزادی مردم اویغور حاضر به شهادت است

در حال حاضر ۵ فرزند ایشان در چین تحت تعقیب و بازداشت است

ربیعه قدیر در سال ۲۰۰۴ به خاطر فعالیت در زمینه حقوق بشر جایزهٔ بنیاد حقوق بشر رافتو نروژ Thorolf Rafto Memorial Prizeرا دریافت نمود.

در نوامبر ۲۰۰۶ کنگرهٔ جهانی اویغور (نهاد بین‌المللی مدافع حقوق اقلیت های اویغور) در مونیخ ، خانم کادیر به عنوان رئیس کنگره انتخاب شد.

در سال ۲۰۰۷ کتابی به زبان آلمانی توسط الکساندرا کاولیس تحت عنوان ایده‌آلیست بزرگ Himmelsstürmerin Die دربارهٔ او نوشته شد.

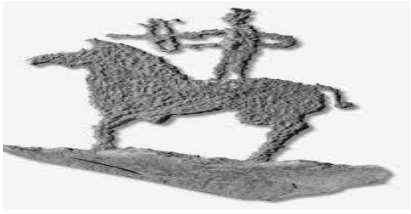
دولت چین سرکوب مردم اویغور را با عنوان " مبارزه علیه تجزیه طلبی ، تروریسم و تعصبات مذهبی " توجیه می‌نماید.

اخیراً دولت چین قیام مردم اویغور در سال ۲۰۰۹ را به کنگرهٔ اویغور و رهبری خانم قدیر منسوب دانست.

ولی رابعه قدیر گفت که تاکنون در اظهارات خویش هرگز اشاره‌ای به شورش نافرمانی ها ننموده است . مبارزات خود را بدون خشونت و صلح طلبانه ادامه می‌دهد و همیشه ارتباط خود را با گروه‌های تندرو اسلامی و تجزیه طلبان نفی می‌نماید.

در حال حاضر ، وی شناخته شده‌ترین رهبر تورک های مسلمان اویغور تحت ستم دولت آتئیست چین می‌باشد.

@ rashtturkleri



شعریمیز..

۱۱ بوداق کتابین دان حاضیرلانان شعرلرین زحمتینی شاعیر علی طالبی قایاباشی چکمیشدی.

بهروز صدیق دن شعرلر



دومانلار باشینی بوروموش داغام
کوله ک له چارپیشان سؤنمز
چیراغام
چپرلر دالیندان آراز گؤزومله
خزر دالغاسینا یئنه دوستاغام

اسه نده هر سحر خزری کولکلر
قاپیمدان گیرمه ده جانلی دیلکلر
باش ایبر تورپاغا منیمله بیرگه
وطن دن وطنه گؤی بیچه نکلر

من"بهروز صدیق"م حزین نغمه لی
یئتیشمیش حسرتیم سولو درمه لی
تاپشیریب اؤزومو آرازا بیر گون
اولارام سئوگیلیم سیزه گلمه لی .

هاراییم باغریمدا چکیلمیش دارا

اؤلومجول کوچه ده اؤلوم گزنده ن
بوخوولو قیچیمدا گویرمیش یارا
اؤلومجول کوچه ده اؤلوم گزند ه ن
کلبتین سرت لیگین بنزه دیر چاغیم
اونوتموش یوکسه لیش آندین بایراغیم
ییخیلمیش کوءنلومده سءوینج چارداغیم
اؤلومجول کوچه ده اؤلوم گزنده ن
کؤلگه می ایزله یبر تانیش دا یاددا
گولمه یبر اوزومه قاری حیات دا
اوچماق دیر دیله ییم سینیب قاناددا
اؤلومجول کوچه ده اؤلوم گزنده ن
قان آغلار بو یوردا کورده آرازدا
دووارداں آسیلمیش او اولو سازدا
آغریمی قویلادیم باغیرتی لاردا
اؤلومجول کوچه ده اؤلوم گزنده ن....

نیفرت‌لره قارشی دَلی عوصیاندی محبت

نیفرت‌لره قارشی دَلی عوصیاندی محبت
قوشدان و گونشدن تؤره میش جاندی محبت
نور ائلچیسی دیر قان قارالان چاغدا ایناندیم
ظولمت سینه‌سین پارچالایان دان‌دی محبت
قورخونج شبح‌دیر دئیه‌سن سئوگیسیز آنلار
قانسیز یاشانان آنلارا قالخان‌دی محبت
مین-مین یازیلا آربادی هر سطری اونونچون
مین کنده حؤکوم سورمه‌یه بیر خان‌دی محبت
بیر میصراع یاشاتمیشدی منی سؤز دوشونن دن
نیفرت‌لره قارشی دَلی عوصیاندی محبت

یاریدان قاییتدی

آلا گؤز باهار
آغاجلار ایبرندی
آیبلماق عشقین
دوداغیم حجمینده
سؤیوش گؤیردی
سویوقدان
کیشنه ین
پالچیق ائولرین
یاسیندا
بیر الیم
بیر باشیم اولدو.
او قده ر قوجالدیم
اودردلی آخشام

نیسگیل لر
ابدی
یولداشیم اولدو.

بو شعر ایللر اونجه اردبیل ده باشوئرن زلزله زامانی یازیلمیشدیر



پریسا حیدری دن

شعر لر

یاشاداجاغام

قوی سنی یاشاییم،سنی دوشونمک
من اوچون رئال دیر - گئرچکدیر ، گؤیچک
باخمارام سؤزونه کیم دئسه ال چک
سنی دوشونموشم یاشاداجاغام

عشقین عنوانیلا بطنیمده سن،سن
سنی بسله یه جم یاشادیقجا من
قورخما سیلینه سن خیال اؤنوندن
سنی دوشونموشم یاشاداجاغام

قورخولو گئجه لر طوفانلی آندا
امیدیم سنه وار اولسان هر یاندا
اینان،حقیقتده رویا،گوماندا
سنی دوشونموشم یاشاداجاغام

بوگئجه هر شئیی اونوت سئوگیلیم

سئوگیده ن دانیش منه
اونودوم دردلریمی سئویلیم سنه
بوگئجه گؤز یاشلاریمی سیل اؤزومدن
دردلریمین آخیری سئوگی آخاری اولسون
سئوگیلیم نه یاخشی گلمیسن بو آخشام
یاسدیغیمدا عطرین قالاجاق
سنی آنلایاجاغام هر گئجه
سئویشمه میزی دوشونه جه یم
یاشایاجاغام گؤنلر اوتدوکجه سنی
بوگئجه هر شئیی اونوت سئوگیلیم
آرابیر سئویشک سئوگیده ن دانیشاق
من سنین تئللرینی اوخشاییم
سن منیم تئللریمه سیغال چک
من گوزلرینده یاشاییم
سن گوز یاشیمی سیل
نه اولار سئوگیلی !
اؤنوت بو گئجه دردلرینی
اؤنوت اؤتن گونده کئچیرتدیین آجی آنلاری
گل اونوداق سیخینتیلاریمیزی
سئوگیلیم یاشات اللریمی
اوشویور هر گئجه تنهالیقدان
سیخ اللریمی،ایسیت بارماقلاریمی
سنی یاشاماق ایسته ییره م هرگئجه
سئوگیلیم هرشئی اونوت بوگئجه
سن منیمسن
منیم اول بوگئجه
آآه سئوگیلیم کاش بیرداها یوخو گوره یدیم
سنینله اولایدیم

آند ایچیرم قادینلیغیما

بار وئرمه یه ن تارلالار
زامانیندا سوورولاجاقدیر
وسونبوللرین بارماغیما دولاشمیش سسلرینی
هئچ کیمسه یه گوتورمه یه جکدیم
حیاتیمین قارانلیغین ایشیقلاندیرسالاردا
حیاتیمین تارلالاری بار وئرمه یه جکدیر
آند ایچیره م قادنلیغیما
آند ایچیرم قادینلیغیما

سئومکدن اؤلوم قوخوسو گلیر

وازکئچدیم سئویب سئویلمکدن
منی سئونلر بو دونیادا قالمیرلار
باغلانیرام
سئویرم
نفس چکیرم
سانکی دونیا چیچک قوخوسویلا دولور
بیر آن یاشاماق هوه سیندن دوشورم
سئونلر ایتگیه دونورلر
اولور بدنیم
یاسا باتیرام
جانیم سیخیلیر
یئنه اولوم قوخوسو بورنومون اوجونو گویندیر
کیمسه منی بیرداها سئویر سانیرام
دونیا ایتگیله دولور
و و و و و
منی سئوه ن بیر یئنی اینسان دونیاسینی دییشیر
منی سئوگیده ن قورتارین
سئومک و سئویلمک ایسته میرم
نوقطه لر قویاجام حیاتیما...
کیمسه
دونیاسینی دیشمه سین
منه سئوگی یاساقدیر یاساق
یاساق
یاساق
یاساق



پاشا موغانلی دان شعرلر

گئجه دیر

فاجیعه یارادیب سوکوت
یوخسول خیاواندا
باییرا دوشونورم!
بیری سووشور؛
سووشور ایکی سی
و من
بوغولورام
سنسیزلیک ق ف س ی ن د ه...

یاشا وورغون...

کسکین کولک تک اسیرم
سن سیلاح لی، من اسیرم
طالئعیمدن آه...کوسورم
زیروه لرده یاشا وورغون

حایاتیمی بویاقلادین
وارلیغیمی واراقلادین
و سئوگی نی ایاقلادین
دؤندو کؤنلون داشا وورغون

گؤرونوردون سونای تکین
هر گئجه م ده سن آی تکین
اولایلی اولدو ایسته گین
بیر آلای سیز پاشا وورغون
÷÷÷

بو سونسوز حیاتدا
اؤلومدن یوخ
دؤنومدن قورخورام!
گَل
یاپیش الیمدن
بیر
ایکی
اوچ
اوچ منیمله،
اوچ
ایکی

بیر
بیتدی حیات**!.**
÷÷÷

اوخول یولو (اوشاق شعری)

قارانلیق گئدیب
گونش دوغاندا
گؤزللیکلری
گؤرن زاماندا

شیرین یوخودان
دوراجام داها
چون دوشونورم
بو گون صاباحا

گون آیدین آتا
او آن دئیه جم
گون آیدین آنا
من سؤیله یه جم

اَل-اوزوم یووب
یئمَک یئیه جم
فیرچا ووروب تئز
پالتار گئیه جم

آنام نازلاییب
منی اؤپرکن
تئز دوتوب اونو
اؤپه جه یم من

تک دئییل بو گون
منیمله کؤنلو
چانتامدادیر چون
آنامین دیلی

اوخول یولوندا
باخیب ساغ-سولا
گؤزل دیلیمله
دوشه جم یولا

اؤز کئفیمین پاشاسیام

یوخلوغوندا اوشومورم
اؤز کئفیمین پاشاسیام
درد یوکونو داشیمیرام
اؤز کئفیمین پاشاسیام

نه گؤزلریم دنیز اولور
نه اوره ییم بیرآن سولور
بوشالیر کول قابیم، دولور
اؤز کئفیمین پاشاسیام

غم چکمیرم بیر آن له له
جاوان دیر بیل، بو جان هله
اوره ک سؤزوم جوشور بئله
اؤز کئفیمین پاشاسیام

اؤنمسیزدیر منه ساهات
یاشاییرام دردسیز راحات
جهنم اولسون بو حیات
اؤز کئفیمین پاشاسیام

دوشونمه کی داغیلمیشام
داغلارین لا، داغ اولموشام
شاعیر فصلی دوغولموشام
اؤز کئفیمین پاشاسیام

یاشامیرام بیرآن سورگون
کی ایشلریم دوشه دوگون

"دونیا بئش گون، اودا خوش گون"
اؤز کئفیمین پاشاسیام

داریخاجام...

دوستلار سیزدن آیری دوشدوم
سیزدن ساری داریخاجام
شیرین-شیرین او صوحبت دن
سوزدن ساری داریخاجام

نحس طالئعیم دوردو باش دا
درده دوشدوم من بو یاش دا
عؤمروم بیتدی قارلی قیش دا
یازدان ساری داریخاجام

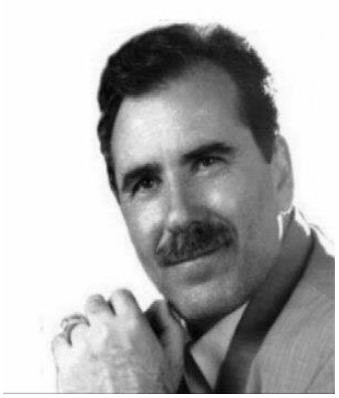
گوزدن ایتیب اکیلمه ین
چتینلیک ده چکیلمه ین
یاد اونونده بوکولمه ین
دیزدن ساری داریخاجام

وار دوولتیم اولوب تالان
بو دردلردیر منه قالان
طالئعیمی داشا چالان
قیزدان ساری داریخاجام

"موغان اوغلو" ازدیردیگین
مجلیسلرده سوزدوردوگون
سینه ن اوسته گزدیردیگین
سازدان ساری داریخاجام

شاعیر موغان اوغلو حاقدا قیسا تانیتیم وشعرلری

بختیار علیمرادی (موغان اوغلو) تخلوصو ایله تانینان شاعیر بختیار علی مرادی ۱۳۴۰جی ایلده موغان بؤلگه سی نین پارساآباد شهری نین



فیروزآبادکندینده دونیایا گؤز آچدی . اوتوز ایلدن آرتیق یارادیجیلیغیندا ۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۸۱ جی ایللرده "آی ساوالان" عنوانلی اوچ اثری بوراخیلدی.ایکی اثریده: (شاعیر اوره ییم) و(عؤمرومون آغاجیندان بیر یارپاق)، ۱۳۹۳ اینجی ایلده ایشیق اوزو گؤردو . ۱۳۹۵جی ایلین آذر آیینین ۲۴کانسر خسته لیگیله حیاتین دییشدی.

لکه لنمه یه...

دوشمن قانان اولسا آغیر درد دئییل
قانمایان آداما ککه لنمه یه
یادین طعنه سینه دؤزمه یه نه وار؟
اورک دوست الیله لکه لنمه یه

ایگید ائلین آتماز آرالانسادا
تمیز آد قالاندیر قارالانسادا
آدام شیر الینده یارالانسادا
چاققالا، تولکویه تیکه لنمه یه

قانان حاقّی آرار، خسیس وار ایستر
قانماز شر یارادار، ایگید عار ایستر
"موغان اوغلو" ظولوم کاری خوار ایستر
ائلینده یئکه لیب اکه لنمه یه

بیزی...

یقین کئچمزدیلر گوناهیمیزدان
گورسه یدی بو گونده دده لر بیزی
بیزده قئیرته باخ، بیزده عارا باخ
دیدرگین ائیله ییب گئده لر بیزی

قونشولار الیندن قارالانمیشیق
ائلدن آیری دوشوب آرالانمیشیق
گورک نئچه کره ن یارالانمیشیق؟
اولدورر داها بو زده لر بیزی

موغان اوغلو دوشمان بیر آندا یاتمیر
وطن داردا قالیب، الیمیز چاتمیر
بو دردلر نیه بس بیزی اویاتمیر؟!
یاغی گئجه-گوندوز هده لر بیزی

ج. محمد نژاد دان شعرلر

آیاقلاریمدا زنجیرلر وار

اوره ییمی سیخیر بو زنجیرلر
آه ه ه!
اوره ییمی سیخیر



بوراسی قارانلیق
بوراسی سویوق
بوراسی پنجره
سیز
اللریم اوشویور ،
اوره ییم ده.

یورقونام
یوخلاماق ایسته ییرم
یوخو مندن قاچیر
گؤزلریمی یوموارام ،
هر یئر قارانلیق
آچیرام ،
هر یئر قارانلیق
اونوتماق ایسته ییرم ،
هر شئیی
سایی سایماغا باشلاییرام ،
یوخو گلسین دییه
بیر ، ایکی ، او...
بیر ، ای...
ساییلاری ایتیریرم ،
اونوتورام ،
هر شئیی اونوتورام
سویوق گئدیر ،
قارانلیق دا
بیر پنجره آچیلیر
گونش نور ساچیر
گؤزلریم قاماشیر
آه ه ه ! نه لر اولور؟ !
من بیر قوشام ؟!
اوچماق ایسته ییرم
قاناد چالیرام
و
اوچورام...
اوچورام...
اوچورام...
یئر کوره سی کیچیک لشیر...
کیچیک لشیر...
و ایتیر.
سلام ، اؤزگورلوک !

÷÷÷

نه دیر سنده بو کین ؟ نه دیر بو نیفرت ؟!
آی اینصاف سیز ، نه دیر سن ده بو شیددت ؟!
هارا گئتدی دوستلوق ؟ هاردا صیداقت ؟!
آه ای یازیق اینسان ! هارا گئدیرسن ؟

زنجیره چکیلدی سئوگینین آدی
داماقلاردان گئتدی یاشامین دادی
ندن محو ائیله دین ، آخی هر زادی ؟
آه ای یازیق اینسان ! هارا گئدیرسن ؟!

هر کسی گؤرورم حوزونلو ، یاسلی
چوخلارین گؤرورم اوره یی پاسلی
هم کرم اؤلوبدو ، هم ده کی اصلی
آه ای یازیق اینسان ! هارا گئدیرسن ؟!

باشدان گؤتورولوب اینسانلیق تاجی
دوغرو، یالان اولوب ؛ شیرین لر، آجی
یاد دان چیخاریلیب قارداش ، هم باجی
آه ای یازیق اینسان ! هارا گئدیرسن ؟!
÷÷÷

اوره ییم ایسته دی سنله دانیشام
حئییف کی داشلارین دیلین بیلمه دیم
"سیزلاما اوره ییم " دئمک ایسته دیم
گؤزده کی یاشلارین دیلین بیلمه دیم

گلدیم یالوارام کی : رحم ائیله منه
دی یَم : ووررولموشام ؛ عاشیقم سنه
آج- سوسوز بیر قوشام ؛ گلمیشم دنه
هاوالی باشلارین دیلین بیمه دیم

من کیمم سن کیمی دیلبر یانیندا ؟!
قارا دمیر نه دیر گوهر کانیندا ؟!
ایسته دیم بونلاری دی یَم شانیندا
او قاتیل قاشلارین دیلین بیلمه دیم.
÷÷÷

یاری اینجیتمه یه جم دای ، گئدیرم
گؤزو یاشلی ،اوره یی ضای گئدیرم
وطنین تورپاغینی ترک ائدیرم
یوواسیز قوشلارا من تای گئدیرم

سنین اولسون بو یاشام ، خوشجا یاشا
منی بئزدیردی حایات ، وای ! گئدیرم

سن کی بو عشقه بیر "گون آغلامادین"
شنلیک ائت ، چال داها " نای نای " گئدیرم

ساچینین بیر تئلینه قییمازیدیم
دور منی سال یولا ، های های گئدیرم
یاشاماق مؤحنتی دای بسدی منه
داشدی صبریم ، اؤلومه پای گئدیرم.

چاغیرین گلسین آنام ، بیرجه کره
منه چالسین " بالا لای لای " گئدیرم
÷÷÷

بیر وفاسیز یارین دوشدوم فعلینه
اوره ییمی وئردیم نامرد الینه
خنجر باغلاماسین ، سؤیله بئلینه
منی اؤلدورمه یه خنجر نه لازیم ؟!

اونسوز عؤمور سورمک ، اؤلومدن بئتر
قلبیمین اوستونده آغریلار بیتر
منی اؤلدورمه یه بیر کلمه یئتر
بونو باغیرماغا حنجر نه لازیم ؟!

بو سئوگیدن اؤترو ، بئزدیم وطن دن
کوسدوم یاشاماقدان ، ال اوزدوم تندن
بیر کیچیک ایز حتتا قالماسین مندن
باتمیش بیر گمی یه لنگر نه لازیم ؟!

سئودالی آنلاریم گئدیبدی گلمز
کؤنول غمه باتیب ، بیر داها گولمز
اوره یی یانمایان حالیمی بیلمز
اودوزموش عسگره سنگر نه لازیم ؟!



صدیقه آتلوپور(گونش) دن شعرلر

آیریلیق یولو

گور نئجه دونیادی ایکی اوزلو دونیا
گوستریر بیرگون خوش بیرگون بد اوزون
گوزلریم قان قوسار دیلیم اود توکر
دینله یین کونلومون آیریلیق سوزون

سنیله سئویشیب داغلارا بنزه ر
دومانلار اونونده دایاندیم هر آن
قوش تک قاناد چالیب ماوی گویلره
اولدوزلار یوردوندا دولاندیم هرآن

بیر گون بیر بوغاناق کسدی یولومو
دوشوندوم آیریلیق نیشانه سی دیر
حزیندن دویدوغوم کونلومون ایچره
باغریما داغ چکن دومان سسی دیر

سونوندا آییردی کور دومان بیزی
یانییدی دومانین یامان اللری
گور نئجه الولی دویقولاریما
قارا اورپک اولدی دومان اللری

سنسیز خیالیمده توتولدو گونش
بولوتلار قووشوب قارا یئل اسدی
محبت کروانین بوراخمازییدیم
اینان قارانلیقلار گونومو کسدی

گوی گوز دورنالارا یاناشیب گئتدین
باتیردین باغریما نیسگیل قییناغین
خیالین اوزومدن آلدی اوزومو
قویلادی باغریما سنسیزلیک داغین



ایندی یاشاییرام بوغاناق ایچره
آیریلیق یولوندان عطرینی آللام
آی سیز گجه لردن سوراغو توتوب
اینان یالنیز سنین (گونش)ین اوللام

صدیقه آتلوپور (گونش) اهر

یئنه ده کونلومون یورقون گمیسی
ایتیب دنیزلرده بوغولوب غمده
دون آتمیش نیسگیل لر ایتگین خیال لار
اریییب یئنیدن جوشوب سینه مده

دوزولور گوزومون اونونده هر آن
سورقولو گوزلرین سون باخیشلارین
حسرت آرخاسیندا گیزلنن سسین
باغریمی تیتره دن او گوز یاشلارین

سن سیز دومان بوغوب کونلومون سسین
بویات گولوشلریم سولوب دوداغدا
بیلیرسن نه زامان کوچه جک دومان؟
سن گلن زاماندا ،سن گلن چاغدا

گل کی ایلیشمیشم یامان گونلره
قوللاریم باغلیدیر بو دار قفسده
اولدوزلاردا بیلیر هر گئجه گوندوز
گوزلریم یولدادیر قولاغیم سس ده

گل کی قاناد چالیب ماوی گویلره
کوسن اولدوزلاری باریشدیراق بیز
ماوی گوی اوزونده آی ایشیغیندا
یوواسیز اولدوزا یووا قوراق بیز

گل قوربان ائیله یک (گونش) نفسین
دویقولو گونلره نملی گونلره

ال اله باغلاییب نیفرین ائیله یه ک
دومانلی گونلره چنلی گونلره

سئوگیلیم

سئوگیلیم سنسیز زامانین حربه سیندن قورخورام
نیسگیله باتمیش خیالین تار سسیندن قورخورام
هارداسان قانلی دومان یول باغلاییب شن چاغلارا
کور دومانین کور سسی، چن ناله سیندن قوخورام

سنله شنلیک ماهنیسی اویناردی دیللردن دیله
یاسه باتمیش لایلایین غم نغمه سیندن قورخورام
سن گئدندن تار خیالیمده گونش تور باغلاییب
نئیله ییم سن سیزلیگین افسانه سیندن قورخورام

گل (گونش) تک کونلومه نور وئر ایشیقلاندیر منی
گل کی سن سیز حسرتین سوسقون سسیندن قورخورام.

تک سنی سئودیم

ازلدن کونلومو خومار باخیشین
یارالی اوو کیمی سالیب کمنده
اوزومو گویلرده ملک سانمیشام
ساچلاریما سنین الین دینده

دوغرو ایلقارینی، سوزونو
منی اووسونلییان خومار گوزونو
اولدوز تک پارلایان گونش اوزونو
لاله لرده سئودی بلبل ده ، منده

ائل اوبانی هارایلارام هایلارام
دونیالارا عشقیمیزی سویله رم
خومار گوزلریمی قوربان ائیله رم
سن بیر گئجه بیزه قوناق گلنده

باهاردا لاله نی سوسنی سئودیم
نرگیزه بزنمیش چمنی سئودیم
سنه کونول وئریب تک سنی سئودیم
آدیمی سس له ییب (گونش) دییندە



سلمان صفریان داغلی ۵ شعر

دوقتور = Doqtur

دوقتور دوقتور
آمان دوقتور
بورامدا بیر آغری وار
تام سینه مین سولوندا
یولداشیما آتاسی خوروز یئمیش آلاندا
ساپی باتیر بؤیرومه

سئوینجلی شاد اوشاقلار
بؤلوشوب اوناییرلار
سونرا تاخیملاریلا بیز دییه اؤوونورلر
آغیزدان چیخان هر بیز
سانجیلیر بو کؤکسومه

قارداشیمی آتاسی داغلاردا گزدیره نده
گؤردوکلری دردیکلری کهلیک اوتو پولک یارپیز
قانقال گوه ن گزه نه تک
داغلاییر دیل دوداغیم
گؤینه دیر گؤزلریمی
آمان دوقتور سن آلله
اؤگئیلیگین علاجی نه؟
دونیادا قاتلانیلماز
ساغالماز ان آجی نه؟

وطن آدی گله نده
بوتون ائللر گوله نده
جوشقو هیجان سسی گؤی اوزونو دله نده
منیم قلبیم دلینیر
سانکی جانیم آلینیر

اؤنه مسه میر دردیمی بو دونیادا کیمسه جیک
یالقیزلیق اودور منی
بوغور بوعذاب دوقتور
بوغور بو آغیر حوزون
گئجه لر اوزون دوقتور
اؤرتوسوز اوشورم من
گوندوزلر گونش آلتدا
ایستیدن پیشیرم من

سینه مده کی بو سیزی اوسانانا بنزه میر
یاریلیر یارام دوقتور
توکه نیر چارام دوقتور

هله بیر ده بایرامدا

بیزده ده هر ائو کیمی یاپراق دولماسی پیشر
یانیندا بارداقلاردا کؤپوکلو آیران جوشار
سونرا هدیه اوچون
آچیلار ساندیق آنجاق
پنجره مده کی پردم
چکیلسه گلر هردم
منه خبر گتیرر
اوست قاتداکی گؤرکملی
مراسیمله وئریلن
بایراملیقلاردان سرچم



آه دوقتور! نه یازیق کی
بؤلونموشدور هدیه لر
منه دوشن پای ایسه
ساییقلاماقمیش مگر
آرزوسونو چکدیکیم
ان واجب کلمه لری
آییق کن ساییقلیرام ؛
بایرام، یاپراق
پردم، سرچم
ساندیق،
آنجاق

اوندا گل

یالقیزلیق جانیما یئته جک بیر گون
صبریمین توتاری بیته جک بیر گون
آدیم دا یادیملا ایته جک بیر گون
قارانلیق قانیما قاریشاندا گل

قوشونا گووه نن آخیر قالار تک
ایمانلا لئش اوسته لئش قالانار تک
سلیمانی ییخان قاریشقالار تک
قورد قوشلار جانیما داریشاندا گل

منی ییخماق اوچون چوخ تله سیرسن
قورخولوق تک قارغا ده ییر اسیرسن
بئینینده بوخاوین دانان اسیرسن
قاناتلارلا زینجیر یاریشاندا گل

نئچه کی سسیمه ائلدن سس گلیر
جالانیر جیگره جان نفس گلیر
چاققاللارا غنیم دار قفس گلیر
خائینلر خصم ایله باریشاندا گل

آی آغالار = Ay ağala

آی آغالار سیزه بیر سیرر سؤیله ییم
مزار قیلین قلبینیزی قویلاییم
من اولدوغوم بئرلی، یئرچی دئییلم
چاره سیزم یاردیم ائدین نئیله ییم
دییه جکسیز دنیا غریب دولودور
بوتون غریبلرین گؤزو سولودور
بو ظالم فلگین ظولمونه قاتلان
عیصیانچی اولاماق عقلین یولودور

نئدم هزیانیما قولاق وئرن یوخ
حوزونلو باغچامدان بیر گول درن یوخ

خالی لار توخودوم الوان ایپه کدن
بیرین آلیب اوتاغینا سرن یوخ
دنچیسی اولمایان دگیرمان کیمی
اوت- علفله ایتمیش اوست پئیقان کیمی
گؤزدن دوشوب آتیلمیشام قیراغا
مصرف واقتی بیتمیش بیر درمان کیمی

قرآن اوخومایان موسلمانا تای
آخیردا بسله نن بیر جئیرانا تای
منلیگیمدن قوپوب خوخان اولموشام
اینسانا بنزه ین بیر حئیوانا تای

مینیب بوینوموزا بویوردو یئری
یئتیشدیک مقصده دئدی: دور گئری!
دئییلمیشم اؤز اوبامدا ائلیمده
بو داغلارین نه چاققالی نه شئری

قاراباغین آحیسقانین اویغورون
حله بیمین باشینداکی یومروغون
دردی دلی ائدر منی قیرماسام
ظالیملرین کرکوکداکی قویروغون

منیم ده دئمه لی اؤزل سؤزوم وار
اؤزل آحیلارا بیر جوت گؤزوم وار
شعرین میطبخینده شئف اولماسام دا
شوربازا لاییق بیر چیمدیک دوزوم وار

من ده سئودالاندیم هر انسان قدر
بعضاً هاوالاندیم قهرمان قدر
بعضاً ده طعنه لی تؤهمتلی اوخدان
داشلاندی گؤزلریم بیر عمان قدر

کؤنول ایستر بیرآز غوربتدن دییه
غوربتده قالانان حسرتدن دییه
سئوینجی کدری دوزوب رفلره
اینسانی حیسلره حؤرمتدن دییه

آمما وطن دردی بوراخمیر کی هئچ
آخمیر زمان طالع قاریخمیر کی هئچ
ارتونقا کؤچه لی عصیرلر اولدو
قیلیچلار قینیندا داریخمیر کی هئچ

بیزده قوتسال اولان شئیلر اؤوولر
آلاندا قلمی اورک دؤوولر
دؤیونتو سئوگینین زیروه سی دئمک
بیزده وطن الله قدر سئویلر

بو اوزدن شعریمه اؤزوم گم ووردوم
آرخاداکی کؤرپولری سیندیردیم
سیغیندیم میللتین حیلیز شمعینه
غیر ملی چیراقلاری سؤندوردوم

منیم چین داشی لعل تورپاغی مرجان
ووقارینا قوربان ای آذربایجان
سنین چین اولمایان یئرچین اولمارام
بیر نوقطانا ده یمز میلیونلارجا جان

یئنه خزان یئنه حوزون یئنه غم
یئنه قالدیم میللتیمه نه دییه م
یئنه اسدی گولومسه ین دوداغیم
ممکن اولمور نه دانیشام نه دینم

بایرام دئدیک باهار ایله تانیشدیق
کرم دئدیک اصلی دئدیک آلیشدیق
دویون - درنک قوروب تویا چالیشدیق
اوبامیزی آلدی دومان باسدی چن

بیر طرفدن تره کمه پرده سی
بیر طرفدن دؤهوللرین گور سسی
یاش گؤزلرین اویناماغا هوسی
هئچ بیلمه دیم بو نه زیلدیر بو نه بم

تتی- پاپی نییتلندیک دورماغا
یئریمه یین خیالینی قورماغا
عصیرلرین یورغونلوغون یورماغا
ها سوروندوک گئدنمه دیک بیر قدم

الیمیزده قاوود ایکن یئل اسدی
سوفره میزین برکتی تلسدی
بسم الله دئمه دن دئدیلر بسدی
واقت اولمادی نه دوشونم نه بیلم

ایتیر منی
آخشاملار داریخیر گئجه لر اوچون
ایللر قاناد چالیر قوجالار اوچون
شعریم جان چکیشیر هئجه لر اوچون
میصراعلار ایچینه یاتیرین منی
دیلغمین "دو"سوندان اؤتورون منی

اؤزوم بوردا روحوم قالا داغیندا
داغلارین باشیندا قار سوراغیندا
ساری تئله حسرت یار داراغیندا
شهرین سارایینداں سوپورون منی
کندین کوچه سینه توپورون منی

ایسترسیز سویوزا قاپاق اولارام
ایسترسیز بالیزا قایماق اولارام
جیگریم لازیم‌سا جایاق اولارام
شعرین شرابینا باتیرین منی
نامحرم گؤرمه دن بیتیرین منی

یئتر کی سیرریمی یادا وئرمه یین
آرزی - دیله گیمی بادا وئرمه یین
سازیمی موزه یه - زادا وئرمه یین
تاریخ تاختچاسیندان گؤتورون منی
جوغرافی ایچینه گتیرین منی
نه وار کی آنلامیر کیمسه دیلیمی
سورونورم توتان یوخدور الیمی
بونجا بی وفالیق بوکوب بئلیمی
سئوگی سولارینا یئتیرین منی
انگین دنیزلرده ایتیرین منی

اعتیراف = E'tiraf
قافیه نین قامتینه قیلدیم ایقتیدا
حیاتیمین عیصمتینه ائتدیم ایفتیرا
سس اویومو زینجیرلنیب قولاغیمدا یئر آلاندا
اوشاقلیغین آرخاسینجا
او شاهلیغیم
او شادلیغیم سیرالاندی
یاشادیغیم ساوونماسیز خاطیره لر یارالاندی
دوغرولوغون لامی اوسته ایستمه دن دوشدو کاف
اؤزلنه جک اوزوله جک گون گؤرمه دیم اعتیراف!
خوش دئدیگیم
نوش دئدیگیم
یاشانمامیش بوش بیر لاف
کاف دئدیگین "بله"میزی "بلکه"له دی
شوبهه میزی بلگه له دی
اویسا سؤزون اؤزو, دوزو؛
تکرار تکرار اوغرادیغیم قیفیل قاپی نه یاخشی کی
ماضی اولدو
اوجاق اوسته قیزان قازان قارا گونه راضی اولدو
ثاواب اوچون تئللریمده گزن اللر
تسلیه دؤنن دیللر
دیللرده دوگون نیسگیللر
...
واز کئچیلمز بعضی شئیی الدن وئردیم
لازیم اولان
واجیب اولان بعضی شئیدن قورتولماق سا
اوشاق ایکن ان موقددس آرزیم اولدو
افسوس دئییم ؟
کئشکه دئییم ؟

هاییف دئییم هانکی گونه ؟!
ائشیدیبسیز یقین اولا
" فالان یئرده فیلان مئوسیم یاشانیلماز "
من دونیایا قوجا گلدیم
قیرخ یاشیمدا
اوشاقلیغی گنجلیگی آنلامادیم
قوجا گلدیم
گئجه گلدیم
گون گؤرمه دیم
ده یقه ده یقه
ساعات ساعات
گونلریمی گئجه له دیم
هئچ بیلمه دیم نئجه ائله دیم
قیرخدان باشلار ببه لیگیم
اون یاشیمدا اللی ایدیم
بللی ایدیم
ایرمی, آتمیش
اوتوز, یئتمیش
قیرخدا چاتمیش یاشاییشدا بس دئییلن پئس دئییلن
زیروه لره
اوندان سونرا زیروالاما !
بوش بوشونا من ده وارام دئمک اوچون

ابوالفت مدد اوغلو



صاباحا

ایچیمده بیر شام یاندیر،
یاندیر، الین اسمسین.
سن اؤزونو اینساندیر،
اومیدینی کسمسین
صاباحا!
گؤزلرینی گئنیش آچ،
هر ضربه نی گؤروب دوی.
اومید قیغیلجیمیندان
بیر چینقی ال یئری قوی
صاباحا...
دوداغیندا سود تامی،
یاناغیندا قیزارتی،
اووسونلاییب آدامی
آلیب آپار، قیز آرتیق
صاباحا...
***
بیر آز مندن اینجیکسن،
بیر آز دا قیسمتیندن.
بیر آز دا قایغین آرتیق
فرقلرین نیسبتیندن.

عؤمره، گونه چئوریلیر
باش وئرنلر ایچینده.
یاشادیغین هر شئیده
پای وار منیم اوچون ده!

گوناه سایدین، سایمادین
من بیلیرم کیم ندی.
وارلیغینی ترک ائتمیش
لئیلی اورک کیمده دی؟!

سن هم منی اووتسان،
هم ده اؤز قیسمتینی،
حیات عشقین آرتیرار
فرقلرین نیسبتینی!
***
دؤیوش قایدالارینی
کیم بیلیر سندن یاخشی!
هله ده ووروشوروق
دوماندان، چندن یاخشی...

ایستک یاخادان دارتیر،
چوخو کدره باتیر.
پیسلیک بیر آندا آرتیر
گؤیریر دندن یاخشی!

کیم ایستمیر کی، گولسون،
سئودالی عؤمور سورسون...
تام وئرمیر، باری بؤلسون
اورگی تنتن یاخشی!

سرتدی بختین اوزو ده،
دره سی ده، دوزو ده...

هئچ مجنونون اؤزو ده
ساییلماز مندن یاخشی!
***
من ایندیجه
ائله بو آن
دوشوندوم کی،
هر شئی یاخشی،
هر شئی گؤزل
اولااولا خیالیمدا
نییه یوخسان سن یانیمدا؟!

گون ده خوشدو،
طبیعت ده گولومسونور.
ایش ده یوخدو،
الیم بوشدو
گؤزلریمی چکیب آلام.
نئچه چیچک،
گول ایسینیر
بو مقامدا،
بو حالیمدا
نییه یوخسان سن یانیمدا؟!
ایشی گوجو بللی اولان
کپنکلر، آریلار وار،
اوچوشورلار ساغا سولا
حتّی قوشلار
جیویلدشیر،
بیر یووادا اولااولا...
منسه جاواب آختاریرام
اورک سیخان سوالیما
بو آنیمدا
نییه یوخسان سن یانیمدا؟!

یول باغلیدی،
یوخسا اوزاق؟
بلکه هله ترددود وار؟
اطرافیمدا بیر چالچاغیر،
بیر بوسات وار...
ایچیمدسه حسرت آدلی
بیر یالقوزاق!
چوخ چتیندی بو حالیمدا
سئوه سئوه تنها قالماق.
بیر سؤز سؤیله،
بهانه دئه، اینانیم دا!

نییه یوخسان سن یانیمدا!
***
بوز کیمیدی دیوارلار
اوشودور گؤزلریمی.
قورخورام پیچیلدایام
اوشویه، سؤزلریمی...

فلک دیل وئریر اونا
اللری دونادونا.
بختیم آپاریر سونا
بئشییه ایزلریمی!

اؤلومون ده، «اول»ون دا
گؤردوم آزین، بولون دا!
قویمارام حاق یولوندا
تیتره ده دیزلریمی!
***
الیم داها چیخیبدی
اومودون اتگیندن.

من اؤزومو آسمیشام
بولودون اتگیندن!

مئه ده اسیب تیتره دیر
اوزولورم آنبااان...
جانیم بیر آز فیتره دی،
بیر آز دا کی، آغ یالان!

اومودون اتگیله
الیم بیرگه کسیلدی!
بولودون اتگیله
قالماق هله بسیمدی!
***

سسیم اورتالیقدادی
اؤزوم قویو دیبینده.
روحوم اورتالیقدادی،
گؤزوم قویو دیبینده...

شوملاندیم کدر اوچون،
ایل بویو اکین، بیچین...

یانیرام ایچینایچین
کؤزوم قویو دیبینده....

بیر آچار، بیر کیلیدله
گاه آچ، گاه دا کیلیدله!
بیر کندیره اومیدله،
دؤزوم قویو دیبینده!
***
ساچلارینی تؤک اوزومه،
نفه سیمله دارایییم...
گؤزلرینه باخیم سنین
گؤزلریندن یاریییم...

آغ گونوم هله یول گلیر،
بیلمیرم هاردا دوراجاق...
کیرپیگین اوخا چئوریلیر
یقین سینمدن ووراجاق...

منه سئوینمک ده یاساق،
منه یارینماق دا اولماز...
روحوموزا قولاق آساق
روح بیردیسه، عؤمور سولماز!
***
گؤزومون کؤکونو دوز یاندیراجاق،
کیرپیگیم یارپاق تک تؤکوله جکدیر.



سنی یوخلوغوما ایناندیراجاق
جانیم ایلمه ایلمه سؤکوله جکدیر.

بو حیات هر کسه بیر جور گؤرونور
بیرینه اوغلاندی، بیرینه ده قیز.
آرخامجا بیر اؤلوم گلیر سورونور
یا منی تک بیلیر، یا دا کی، یالقیز...

نه دوزدا یانماغیم، نه یارپاق بختیم
عؤمرومه، سؤزومه هئچ نه جالامیر.
منیم اؤزوم بویدا صاف محبتیم
منی قم الیندن چکیب آلاممیر!
***
تنهالیقدی یوخلوغون،
یوخلوغون دا بیر ناغیل...

بو یوخلوغون عذابین
چکیر اورکله عاغیل...

دومانلی فیکیرلرین
فیکیرلی باخیشلاری...
سنسیزلیک حیاتیمین
بیتمه یهن یاغیشلاری...

آسیلماقدی خیالدان،
بوغوب سونسوز آهلاری...
چیخارا بیلمه مکدی
عؤموردن گوناهلاری...
***
منه هر گون چیچکدن،
یا گولدن دانیش، جانیم!
دانیش، ناغیللارینا
اوشاق تکی اینانیم.

گؤیدن هئچ نه دوشمه ین
ناغیللارین ایچینده.

من اؤز عاغلیملا، گولوم
عاغیللارین ایچینده...
قارانلیق قویولارین
ایشیق تاپیم دیبیندن.
گزیب تاپیم آچاری
یاتمیش دیوین جیبیندن...

آچیم اومد قاپیسین،
چین اولسون آغ یوخولار.
الیمدن سن مؤحکم توت،
قویما، الیم ییخیلار!..

منه هر گون ناغیل ائت،
گولوم، سن اولموشلاری...
منیمله بیرلیکده گئت،
گؤر، سنسیز سولموشلاری.
***
گئجه نین
تن یاریسینادک
حَیَطده
وارگل ائتمیشم،
فیکیرلشمیشم...
حتّی
هاوانین شاختاسی
وئجیمه اولماییب.
آما
تأسوف کی،
بیر قرارا
گله بیلمه میشم...
آخیردا

بللی اولوب کی،
سن دئمه
گئجه نین تن یاریسینادک
حَیَطده
وئییللنمیشم
اؤزو ده
دلی کیمی
دانیشادانیشا
تک تنها...
اوزومو
توتوب صاباحا...
***
دهنه دن، گؤزدن بولانیب،
دورولمور منیم احوالیم.
اوچوب داغیلمیش کومادی،
قورولمور منیم احوالیم...

قالیب اورتادا تالانمیر
اودا آتیرام قالانمیر.
شوشه دی، سینیب، جالانمیر،
وورولمور منیم احوالیم.

سئوینج، یا قم جوتلننده
کئچمیر حؤکمو جوت الین ده.
تک او گؤزه لین الینده
قیریلمیر منیم احوالیم.

چاغیر یوخولاریمی

دان سؤکولور، صاباحدی
نه سؤز دئدی، نه باخدی...
پئریک دوشوب نه واختدی
چاغیر یوخولاریمی.

اوددو، یوخسا اوجاقدی،
دلیسوودو، قوچاقدی.
شیمشک کیمی او چاخدی
آغیر یوخولاریمی...

گؤزومو باغلاییرام،
نم کیرپیک ساخلاییرام.
هله ده آغلاییرام
فاغیر یوخولاریمی...
***
بو قدر حسرت چکیب،
بو قدر گؤینه ییرم.
اؤزومه سیتملری
من اؤزوم ائیله ییرم.
***
گؤزوم دولوب، روحومو
دیندیر، اینصافین اولسون...
اوزو سولوب روحومون
گولدور، اینصافین اولسون....
***
منی گوللله مه یه
سیلاح سورساتلا گلدین.
دوشمنین اولماسام دا،
دوروب بو آدلا گلدین!..

نه باخیشیندا نیفرت،
نه اوزونده غضب وار،
گلیشیندن اوخونور،
یاشادیغین عذابلار...

من نیشانگاه اولماغی
قازانمیشام بلکه ده...
کؤنلوم سنه چتیردی

سئوگیم بیتیب کؤلگه ده!..
***
دینله، بیر زامان آییر
دینله سن ده بو سسی.
گؤر نئجه تنگیبدی،
اورگیمین نفسی...

دوشور اومیدلی آنلار،
یارپاق تؤکولور سانکی.
چیخیر اوزه یالانلار،
ایلمه سؤکولور سانکی...

دومان چکیلیر گئری،
گؤز گؤرور دؤرد طرفی...
کؤورلدیر گؤیو، یئری
بیر سئوگی نین شرفی...

دینله و اویغون بیلسن،
دوشون ده باره سینده!
او سس ایلیشیب قالیب،
احاطن دایره سینده.
***
گونوم سؤز اویونوندا،
گئجم قلمله کئچدی.
الیم قالدی قوینومدا،
عؤمروم المله کئچدی.

سئوینج گؤیون دیبینده
کندیر تاپمادیم آتیم.
نه پول یوخدو جیبیمده،
نه اوچماغا قانادیم!
یول اؤلچدوم، خیالیمدا
فیکیرلریم دولاشدی.

الیمی هارا آتدیم،
الیم قانا بولاشدی.

تسللیم گله جک گون،
او دا من تک پییادا!
مؤعجیزه گؤزله ییردیم،
قالمایب تا دونیادا...

سیغممازام

سیّدعمادالدین نسیمی حضرتلرینین معروف غزلینه بیر تضمین«قیزیل قلم»دن.

اِئیلمه امتحان منـــی،من امتحانه سیغمـازام.
جَم ده منیم دی جام دا،بو دودمانه سیغمـازام.
جمع اِئله کهکشانلاری،بو کهکشانه سیغمـازام.
ذَرّه نَیِّـــرَم اینـــان،وصـــفِ نهانه سیـــغـمازام.
(منده سیغارایکی جهان من بو جهانه سیغمازام)
(گوهرِلامکان مـــنم کـــوْن و مکانه سیغمازام)
طارُمِ چرخِ اَرغنون،خیـــلِ فَاَیْـــنَ تَذْهَبُـــون.
یوخدو،چرا،و،چین و چون،زُمره اَهلِ یُوقِنون.
سوره پاکِ مـــؤمنون،مستِ اِلَیْهِ راجعـــون.
عشقیده تاپمیشام جنـــون،باغلیدی راهِ آزمون.
(عرشیله فرش وکافُ ونون،منده بولوندوجمله چون)
(کَسْ سؤزونو اوزاتماچوخ،شرح و بیانه سیغمازام)
عرشـَه اوجـــالدی رأیتیم،وارعَلَـَم هـــدایتیم.
کیمسَه یَه یوخدومنّتیم،عشقه دولوب قانیم اتیم.
ذاتِ اَحددی مِدحتیم،وحـــدته چاتـــدی کثرتیـــم.
فیضِ اَزَل دی قِدْمَتیم،جوشـــدو صفایِ صحبتیـم.
(کونْ و مـکان دی آیتیم،ذاتـــه گـــئدیر بدایتیم)
(سن بو نشانیلن منـــی،من بونشانه سیغمازام)
اِی آدی زینتِ دَهـــَن،فیضیله جانیـما گیـریش.
هجرِ رُخِ نگاریدن سینه م اولـوبدی ریش ریش.

حقّه یاخین قدم گؤتور باطله فیکرینـــی دَئییش.
بَزَک منم،نَمَـــک منـم،ایندی جهاندا تـــک منم.
وِئرمنه خِرقه حقـــــــی،جمله وجودیمه ایلیش.
(اَنجم ایله فَلَک منم،وحی اولان مَلَک منم)
(کیمسه گمان وظنّ ایله اولمادی حقّیله بیلیش)
(چک دیلینی سَن اَبْصَم اول،من بولسانه سیغمازام)
(حقّی بیلن بیلرکی من،ظنّ و گمانه سیغمازام)
معدنِ غَلّ و غَش منم،عاشق پرعطش،منم.
سیرتِ پاکیدن سوروش جانایئتیردی جانی کی.
گؤللرآرا،گؤلش منم،جان اِئده پیشکش منم.
سِرّ درونی سؤیله دی عاشیقینا نهانـــی کی.
مرکـزِ کشمکش مـــنم،ثِقْلِ بلاده لش منم.
مُسْتَتَرْ اولدو معنی لر چیخدی اؤزه معانی کی.
آیتِ خـورْوَشْ منم،صـــورتِ حـــورْوَشْ منم.
شهرِغریبی ده گـــؤرن وصـــلتِ آشنانـــی کی.
(ذرّه منم،گؤنش منم،چارْله،پنج و شش منم)
(صورته باخ کی معنی نی صورت ایچینده تانی کی)
صورتی گؤرربیان ایله،من بو بیانه سیغمازام)
(جسمیله جان منم ولی،جسم ایله جانه سیغمازام)
دجله نی قات فـراتیله،مـوته یِئتیرحیاتیله.
آیتِ کبـریایـــی یم،مـــن بوائِـــوین سئوینجییم.
من گزیـرم نجاتیله،بـاخ مـــــنه التفاتیله.
گلسه نه قدری درد و غم،سانماکی ذرّه اینجییم.
شورگتیرنشاطیله،عیشیله سور و ساتیله.
ذِکرِخَفی ده وار اَلیم،ذِکرِجَلـــی ده،اینجـــی یم.
سسله بو کائناتیله،صـــدقیله هـــم ثباتیله.
کـــوره داغِ خلقتیـــن تاپدالانان بیرینجـــی یـــم.
(ذاتیله هـم صفاتیله،قَدْریله هـــم براتیله)
(هم صدفم،هم اینجییم،حَشر و صراط سینجییم)
(گل شکرَم نباتیله،بسته دهانه سیغمازام)
(بونجا قماش ورختیله من بو دکانه سیغمازام)
شـــرّمنم،شـــررمـنم،نفـعْ منـم،ضررمنم.
کَهف منم،امان مـــنم،روح منم،روان منـــم.
غیب منم،حَضـــرمنم،سارْمنم،ســـفرمنم.
اَرضیله آسمان منم،آتشـــه پاسبـــان مـــنم.
گؤزده کی اَشکِ ترمنم،عاشقِ خون جگرمنم.
ناریله گُلْسِتان مـــنم،باغیله بوستـان منـــم.
خلقتی مُبتدا دِئسین،بیل کی اونا خَبـــرمنم.
گؤل ده منم،تیکان منم،صورتِ کهکشان منم
(شَهدْمنم،شَکـــرمنم،شـــمس منم،قمـــرمنم)
(جانیله هم جهان منم،دهریله هم زمان منم
(روح وروان باغیشلارام روح وروانه سیغمازام)
(گؤزربولطیفه نی کی من دهروزمانه سیغمازام)
آیتِ دادگرمـنم،خلقته بال و پر منم.
نوحم و صاحبِ یَمم،موسی ام اَلده اَرقمم.
اَثرمنم،ثمرمنم،لعل منـــم،گُهر منم.
عیسیِ صاحـــبِ دمم،محتشـــمم،معظّمم.
تیغ منم،تَبرمنم،قضـــامنم،قـَدَر منم.
نقشِ نگیـــنِ خاتمـــم،محتـــرمم،مقـــدمم.
بَشرمنـم،نَفرمنم،زُهَـرمنم،ظَـهَرمنم.
سانماعیاریدن کمم،صاحـــب کلِّ عالَـــمم.
(ناره یانان شَجَرمنم،چـــــرخه چیخان حَجَرمنم)
(گرچه محیـــطِ اعظمم،آدم آدیمدی آدمـــــم)
(گؤربواودون زبانه سین،من بوزبانه سیغمازام)
(واریله کُنْ فَکان منم،من بومکانه سیغمازام)
داغِ جنون چکیب جانیم،من..ده جنون پیـــشه یم.
عشقیده مُهْتَلَکْ منم،روحودامشتـــرک منـم.
عاشق وصل دلبرم اصـــلِ وجوده ریشـــه یم.
عاشقِ بی کَلَک منم،عشقه گؤزل محـک منم
چون کی«قیزیل قلم»آدیم جامِ ولایت عیشی یم.
گؤزده کی مَردُمَک منم،دریاداکی سَمَک منم
اَلده«قیزیل قلم»یازارشـــاهِ جهانْ جِیْشـــی یم.

(گرچه بوگؤن«نسیمی یم»هاشمی یم قریشی یم)
(منده اولودور،آیتیم،آیه نشانه سیغمازام)

رخشنده اعتصامی معروف به «پروین اعتصامی» شاعرمعاصر آذربایجان است. از وی به عنوان «مشهورترین شاعر زن » یاد شده. وی در ۱۵فروردین ۱۳۲۰ درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.



پروین اعتصامی دن

کؤچورن :ا. سامانی **"ایمان" و ا. سامانی ایمان دن یئدی شعر**



ساریمساق ایله سوغان

ساریمساق حیرص ایله دئدی آی سوغان
واه نه قوخون وار سنین اینسان بوغان
سوغان دئدی کس سسین آی خیره سر
پیس قوخون عالمده یاییبدیر اثر

یوخسا دئییرسن بس ، اؤزون لاله سن
باغدا بیته ن سرو ، سن آلاله سن
عبَث یئره قالخیب اوجالتما اؤزون
سن ده بیزیم اصلیده سن قان سؤزون

اصلیوی دانماق ایله ایتمز قوخون
اؤزون تانی اؤزلو یووه آز توخون

عرشه اوجالسان دا بیز اجزاداسان
اصلیوی دانسان دا حرام زاداسان
توتما اؤزون اصلیوی قان ساریمساق
عطیرلی گوللردن اولارمی اومساق

یئتیشمز

تام یارانمیشدان ادب ارکاندا اینسان یاخشیدیر
کال یئتیشمز دال قالاندان ، دالدالانسان یاخشیدیر
چاش، قابان توسپور، بئیین بوش، گؤن قالین، ایسلانمازین
هارداسا ترکین قیلیب یالقیز دولانسان یاخشیدیر

اولسا قونشون بانلاییب ، کورلار کافاندا دویقونو
بویله قونشو بانلاغیندان دارسا زیندان یاخشیدیر
بایقوشا محفیل گرکمز ، ذووق آلیر ویرانادان
بانلاییب محفیللری قویدورسا ویران یاخشیدیر

قونچانی گولشنده بولبول ، نغمه لرله گولدورور
سوسسا بولبول، گول یئرینده بیتسه قالقان یاخشیدیر
کیم قوپارسین زوغدان اول ، پیرپیزلانان قالقانلاری
کؤک ووروب زوغلانمامیشدان چارا قیلسان یاخشیدیر

خوشلاسین نه ی چین گره ک ایرانلیلار پاپ درنه یین
شنلی درنکلر بزندیرمکده ایران یاخشیدیر
آزقین آز فرهنگ ایله چوخلاردان آرتینماقدادیر
بویله آرتین عیللتین تئزلیکده تاپسان یاخشیدیر

یوخسا کال جاهیل یئتیشمز، قبره ده کال گئتمه لی
دردینه بو کاللارین عئلم ایله درمان یاخشیدیر
توختامازسا عئلم ایله، ائللردن عوذرون قیلمالی
کال یئتیشمزلر کؤکون دیبدن قوپارسان یاخشیدیر.

آغلادیب شیون قوپارماق آرتیرار ائل قایغیسین
"ایمان"ین اؤلچونده کالدان چوللو مایدان یاخشیدیر

هر بیر زامان
حاق یولوندان آزانلار اوچون
عیّاش ایله فاحیشه نین

شئیطان ایله هر بیر زامان
اولار قیز قین هوس لری
سؤنولمز اود دور نه یامان

ایندی یه تک بو عادتین
ترکین قیلان اولا نما ییب
قاندا زوغ آتمیش چاییرین
جاندان گؤکون یولا نما ییب

دویماز اؤلونجه هوس دن
اجل بوغوب ییخمایا نجا
گؤز لری رف لرده گزر
جان بدن دن چیخمایا نجا

ارلی قادین عیاش ایله
ائو لادینی آتیب قاچیر
سانکی قوهوم قارداشی نین
سینه سینه سونگو ساچیر

شرمه دولاشقانی " ایمان"
شئیطانین اورتاغی سانیر
قئیرتی یوخ قولای لاری
وطنداش اولموش سا دانیر

قورخورام
شئیطان منه گؤزلریوی بارالتما
دیش قیجیریب قلب ائویمی دارالتما

گونَش شاخان یوللاریمی قارالتما
سن یاشایان قارانلیقدان قورخورام

قارانلیقدا یاشایانلار یامان دیر
کؤلگه لمه گونش لریم آمان دیر
گونش منی آلقیشلاییر زامان دیر
چن بورانلی دومانلیقدان قورخورام

دومانلیقدا هرنه دئسن تاپیلار
دالداسیندا تور تله لر یاپیلار
اوردان گئچن کاروانچیلار چاپیلار
کاروان بوران بورانلیقدان قورخورام

قاراداغی چولقاماسین قارانلیق
صفا لارین دوغراماسین یامانلیق
ائل اوباسین آرخالاسین آمانلیق
یازمیر «ایمان» آمانلیقدان قورخورام

سددی وار

اؤلکه لرین بللی اولان سددی وار
زیروه لرده تورک ائلی نین رددی وار
ائللری ده دیزله مه یین حددی وار
ائل سینه سین دامغا لاما آ ظالیم

تورک ائلی گؤز سنی هارا قالدیریب
ائوسیز اؤزو سنه سرا سالدیریب
یوخ اؤزونه هر نه سنه آلدیریب
بس اؤزومه ایندی دئییر نه آلیم

دئییر سن می دوشمور آدیم یادیما
خالق گره ک گیزیر دئسین آدیما
ائل کیریدن کسیم گلر دادیما

وار سا اونلار کیمسه کسنمز قالیم

من خوش اولوم ائلیم نه اولسا اولسون
چیچکلر سارالیب قینیندا سولسون
جیبلریمین باشی یاریمسا دولسون
دادمام آجی بولدور پَتکلر بالیم

قان تؤکورمک اولموش ایشیم ازلدن
باش تؤکرم سئچیلمه سین خزلدن
شعر یازانی بئزیکدیررم غزلدن
یاز ماز«ایمان»ائل له یاماندیر حالیم

یانا یانا

نئجه سن دوشونمویم قالاسان یانا یانا
قانانی بئزیکدیریب گتیرم خالقی جانا
هر یونولماز الینه وئردیرم بیر زوپاتا
قانانی شاپلادیبان بویادام خالقی قانا

دوشوننلر دریسین سویدورام اولگوج ایله
نسیمی تک دریسین ائدم آنبار سامانا
یاخشی پیس آنلایانی دینه دوشمن سانیبان
اؤلدوروب باشچیلارین سونرا زیندان قالانا

ایقتیصاد بیلگیلرین دئیه م ائلدن چیخارین
حاققیم هاردا دئیه نی دؤیدورم حاققی دانا
بازار آل وئرچیلری اولا دالال باشیلار
باهالیق کئش تاپیبان گونو گوندن اوزانا

فاغیرین حاققی فقط بازاری گزمک اولا
آلماغا تاپمایا پول یاتا قلبی دایانا
آلدادام میللتی هئی بوش یالان وعده ایله
وعده لر بوشسا گه رک اونا ائللر اینانا

ساده دیر میللتی میز یالانا وار اینامی
بو ائلی تووالماغا واردی آرتین باهانا

کئچجک قویمازیدی حاققین اؤزگه لریئسین
اونلار «ایمان» نه بیلیم هارا گئتدی هایانا

یئرین گیلایه سی

دون گئجه دویدوم منی یئر دینله ییر بورهان ایله
اینله ییر من نئیله ییم حاققیم دانان اینسان ایله
جانلینی جانسیزلاری دایییم بئلیمده گزدیریب
بسله لی دوپدان دولو اوستومده کی ایمکان ایله

دؤنده ریب گوندوز گئجه مجّانی بیر یول دؤورومه
ایلده ده گون دؤورونه دؤرد فصل لی عونوان ایله
دینجه لیب تؤیشونمه یه بیر لحظه یوخدور فورصتیم
خالقی گزدیرمک قرار اولموش منه میزان ایله

وار اؤلو هاردا دیری منده یاتارکن دورمالی
بول یئییب ایچمکلری مندن تؤره ن ائحسان ایله
مزله نیب مزلندیرن اوستومده شنلیکلر قوران
ترسه چرخین چئوریله گاه وار دئیه ن هذیان ایله

آچ دویوم شعر ایله نه ی چین قارقاییر اونلار منی
چپ چئویر اولسام حیات الدن گئدر بیر آن ایله
سویله دیم نیفرین ائدن یئرسیز قالانلاردیر یقین
ال له شیرلر بلکه ده بند ایچره یورقون جان ایله

نظمه سالمیش حاق سنی هر جور یارانمیش تامسینا
یوخ بیری هر یانلارا صاحیب بیری هئچ یان ایله
دوی تانی آچ بنددن یئرسیز یالین دوستاقلاری
سیغناغین گؤستر سیغیب دینجین آلا ایسکان ایله

قارقاماقدان هئچ زامان یوخسا یاحالماز دیللری
یئرسیز ایشسیز آچ چتین حاققین سانا «ایمان «ایله

آج ایله توخ

سوروشدو بیرگون آج توخدان ، بو نه اؤلچو نه میزاندیر
سارالسین گون به گون رنگیم، قیزار، سانما نه دؤوراندیر
یئ ایچ کؤنلون نه لر سئوسه، تامارزی من ده حسرتده

سوروب السیزلریـن قـانین، نیـریلـدا نسلیـم اینسـانـدیر

نـدن بیلمـم گئجـه گـوندوز، مـن ایشـــده سـن بـارینماقدا
آیاق باش قان ترایچره من،قازانجیم سن چین آت جاندیر
دولاشمیـــر بـوینـووا اؤرکن، خـارال باردان کیمی قارنین
تـوتـان یـوخ خیـرخاناندان بیر، سورا بو وئرگی هاراندیر

تـاپ اگـری گز دولان دوزده، من آجلیق آغرین آلماقدا
خجالت اهـل عیـالیمـــدان ،اوره ییـم قمـــدن آل قـــانـدیر
چیغیـردی کس سسیـن لال قـال، دیکلـدر ظـالیمی مظلوم
آزیـل ،ظـالیم اولان یئـرده ،آجـا سـورقـو سـوآل مـانـدیر

گـره ک ظالیمـلره مظلـوم چؤکوب هر آن باغیر باسسین
آییل بیـل سیـزلـره بیـــزدن هـر آن اؤل قـال دا فـرمـاندیر

آج آه چکـدی دئـدی بیـرگـون تـوتـار آهیم سنی ظالیم
دئمـه بوینـوم یـوغونـــدور قان اینامیم حاقدیر«ایمان»دیر
قیـلار تـانری مـدد حـــاقلی آلار حـاققیـن بیـر آن سنـدن
اوچـــوردان پایـه سین ظولمون دیریلدان حاقق یزداندیر

رحمان گل محمدی

سئوینمز

احتیاطی الدن وئرمه ای کؤنول
یولداشین نه معلوم دوشمان نه معلوم
اورک دن جان دئمه جان دئیَن لره
صداقت نه معلوم یالان نه معلوم

باشینا بؤرک قویور انسان انسانا
چالیشیر قویماسین دوستو قیمجانا
بو ظولمو حئیوان دا قیلمیر حئیوانا
بیزدن ده انسان دیر حئیوان نه معلوم

هرکسه آغلاییب یاخچی یام دئمه
چوخدا حاخ دانیشیب حاخچی یام دئمه
گؤینویوب میللته خالخچی یام دئمه
گلجک نه معلوم فرمان نه معلوم

یالانچی نامازلا آرتیماز ایمان
اورک دن گرک کی نامازلا پئیمان
اطاعت عبادت آییرماز انسان
بیر بئله آدام وار انسان نه معلوم

دونیانین کدرین محنتین آتین
یوکوزو گولوش له فرح له چاتین
جاوانکن سورگینن جاوانلیق آتین
بلکه باغیشلادی صبحان نه معلوم

بو چرخین وفاسی گؤرسنیب کیمه
چوخ چکمز داغیلار باغلیدیر هیمه
بو دونیا فانی دیر آلدانما کمه
ائدرسن حساب دا زیان نه معلوم

سئوینمز حقیقت چتین دیر چتین
مئیدانی گئنیش دیر سولاری درین
یالان سؤز نه یامان بس گلیر شیرین
داد لاردا دؤنوبدور یاقین نه معلوم

شاعیر اللهوردی گل محمدی

زمستان دوشوبدور باهار فصلیمه
یازیرسان دردیمدن یاز آغلا اوغلوم
چوخلو فصیل لری زمان دگیشیب
صبر ائیله تلسمه آز آغلا اوغلوم

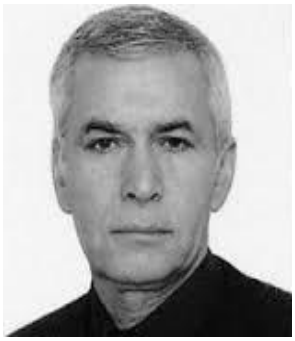
عومرومون کوهلانی یول لاردا قالدی
خاطیرم سئوینجیم ائل لرده قالدی
شَن کئچن گونلریم دیل لرده قالدی
ائدیرلر دای منه ناز،آغلا اوغلوم

سالیبدیر طالعیم منی کمنده
درک ائدر دردیمی دویوب بیلنده

واخت یئتیشیب اللهوردی اؤلنده
اؤزون مزاریمی قاز آغلا اوغلوم

کریم گل اندام (ایکی شعر)

جغرافیادا بوغولان تاریخ!



پایلارا باخ پایلارا
قارا ایللر ،آیلارا
قارا اللر اوزاندی
سد باغلادی چایلارا
اورمو گؤلو قورودو
ملت قالدی وایلارا!

*

هرگلنه حیکایت
هر بیله نه شیکایت
کیمسه چاره قیلمادی
بو موشکوله نهایت
اورمو گولو سؤیله دیک
آد قویدولار سیاست!!
قییدیلار جاوانلارا
سالدیلار زیندانلارا

*

هر دولت بو ملته
بیر جور ناغیل سؤیله دی
دئدی دارقورساق اولما!
دؤنوب عاغیل سؤیله دی
هرکیم آغزینی آچدی
سن بیر بوغول سؤیله دی!
بو ایشی تاپشیر بیزه
نه داخلی واردیر سیزه

بوموشکول حل اولاندی!
اورمو گؤلو دولاندی!

*

دولاندی آیلار ، ایللر
اؤتدو بیر-بیر فصیللر
توپلانتیلار باشلادی
ییغیشدی باش بیلنلر!
بو ملتین دالدادا
ساققالینا گولنلر!
اورمو گؤلو آدینی
خریطه دن سیلنلر!
یئییبب، ایچیب یازدیلار
یازدیقلارین پوزدولار!
اورمو گؤلو قویوسون
داها درین قازدیلار!
آییردیلار بودجانی
آییردیلار؟ بس هانی؟
مجلیس دئدی نئجه اولدو؟
دولت دئدی گئج اولدو !

*

میلیارد- میلیارد پوللاری
قارا اللر آلدیلار
عوضینده بیزلری
یامان درده سالدیلار
مافیالار جیبلری
دولارلارا دولدولار
اونلار سوقات گتیردی
بیر بئله سددی ، بندی
هم قویولار باتدیلار
هم ده چایلار توکندی
هم گؤلو قوروتدولار
هم نئچه پارا کندی

هر شئی دوزا بلندی!
طبیعت دیله گلدی:
دور بوردان کؤچ افندی!
*
اورمو گؤلو باتاندان
نه قدر باغ سؤکولدو
بنده چکیلمیش سولار
گلیب چاتدی باخچایا
باخچاداکی آلمایا
الما پولا گئتمه دی
قوخوب ،چؤله تؤکولدو!
اکینچینین ،باغدارین
بئلی سینیب، بوکولدو!
اوزون یاخشی بیلیرسن ،
کیم آغلادی ،کیم گولدو!!!
اورمو گؤلو یوخ داها
خریطه دن سیلیندی!
جغرافیا دئییل کی
سیلینن تاریخیندی
تورک ائولادی بیل ایندی
بو درد آرتیق سنین دی
چاره وارسا قیل ایندی!! اورمو-۱۳۹۶

ر. ر آلتای آغ (ایکی شعر)

ناغیل یازئرام

یقین میرجلال ینی گوناهینین اوستون اورتمک اوچون
دیرکده دکی لامپا ائشیغینی آلداتماغا چالیشیر
چونکی ائشیغین آلتینا کربلا گتریب
ائشیغین دویغولارینا یازیغیم گلیر
آما یازدیغیم یالنیز سوکاکداکی بیر سویود
و بیر ده باشی کسیک قلمه آغاجلارینادی
... الکتریک توتماسین دییه
... اونلارلا درد له شیرم
آداملار آجدیلار
قونشولار یالین
فقط پیشیک لر اینسلارین یالنیشلاریندان
...بایرام ادیللر
ناغیل داوام ادیر
گورن منیم بو حیکایتیمین سونو نه دیر؟
...آخی نه دانیئشاجاخ؟
ایچیمده کی عاغیل ناغیل ده ییر
قولاغ آس
...قولاغ تاپ
داوام ادیر بلکه من
÷÷÷÷

ای زامان

پاییمدا گوردوم آغ ساچلارینی
ساققیزلیغم تاپدالاندی
یول اولدوم یولچولارا
دوه مینللره
یول اولدوم اوزاقلارا
اولدوزلارا
آیلارا
آغلادی گونش
دومان کیمی باخیشیندا ایسلاندیم
ماویه اوخشار راکین اولدوم
چیئرپنب چئرپنیب داغی دلن بولاغا
قوشولدوم
دیبینده آنامین سئودیی یارپئزی گوردوم
گوزلرده کی آغ بولاغا قاریشدی گوز یاشیم
بیرده آتامین آخشاملار آت مینیشنه
و دوعالارینا قاریشدیم
روحومدان هر سحر گونش چئخار

منده زامان خروس بانیندا پارتلاتار
او زامان گوزلرینین بوجاغی بولاغا دونر
و کندیمیزین گوزللری یاریشار
او زامان گوزلرین توز ایچنده ایتر
بلکه دوپ دورو وودکا آغلایار
و ساچلارداکی قئوریم
دئمک کی بورولغان
بیر کوپوک کیمی رئکلام
دیققت ات
دیققت ات
تانریلار ایچمه سین باخیشینی
ایچمه سین لر ساکیتلیغینی

آزرائللی



دؤردلوک

کاش کی، سوْباسی اوْلسایدی
بوزا دؤنموش بو اوْتاغین
کئیفی وار ! ترلی شوشه‌ده
بارماق‌لا، شئعیر یازماغین

سنی، فلک قارغاییب‌دی
پینوکییو، آهای... یازیق
باخ! توکوموز ده تپرنمیر
یئتمیش میلیون حوققا بازیق

اوشویورم- اوشویورم
باخما بو چیخان توستومه
باخما کی دئییرم باخما
باخیشینی چک اوستومه

سنین هرنه‌یین اینجه‌دیر
ایزینین ده ایزی اینجه
ایتیردیم تاپا بیلمه‌دیم
اؤتوز دوققوز ایل گزینجه

آتا، دئدین، عاقلیما5
سئوگی‌له امک گلدی
یادیما، ائویمیزدن
اوْ پالیت دیرک گلدی

سن موتلو اوْلارسان، دئیه6
آیریلیق آغوسون ایچدیم
باشیمی آلیب گئدیرم...
سنین اؤترو، سندن کئچدیم

دار آیاغیندا، آنلادیم
بوْراز ایپلری گؤردوکده
کؤیوموزده چیراقلارین
پیلته‌سیزلیک نه‌دن‌ینی

آی ساری یازلی تبریزیم
سوْلغون بنیزلی تبریزیم
نه‌دن کوْر اوْلدو اوْجاغین
اوْغوللو- قیزلی تبریزیم

الی بوْش گلدیم، گلنده
اوزو قارایام، اؤلنده

پوشگومون پوشگو بوْش چیخدی

ایکی دونیانی بؤلنده

دئسه‌نیز ده اینانماز
یان- یؤوره‌مه باخمیشام
فایتونچوم اؤزو بیلیر
آت گؤزلویو تاخمیشام

بوْش‌یئره! بوْینونو بوکمه
اومار- اومار نه باخیرسان؟
اؤزوم قم‌له ایچ- ایچه‌یم
سن ده کولومو یاخیرسان

نه فلک نه زامان نه آجی‌حسرت
منیم اومیدیمی پوْزا بیلمز کی
!قافا- بئیین- بیلیک- باش منیم‌ایکن
فلک آلین‌یازی یازا بیلمز کی

اونوتمازلیق دفتریمده
یازدیغیم شئعیر کیمی‌سن
بزه‌یین- بوْیان یوْخسا دا
دیریلییییمین هیمی‌سن

دؤنه- دؤنه قینادیغیم جاوانلیق
آه...!، هارداسان؟ قوْل- قانادیم قیریلیب
شعیرلریم ازبریمدن آسیلمیر
آمان...!، دئمه، شاعیرلییین یوْرولوب

امک‌ـ امک قازانیلمیش سوفره‌مین
اوستونو تولکولر چاققاللار آلدی

نفسیمین چارخی بوْشا فیرلانیر
دردیمین چاراسی اؤلومه قالدی



هوشنگ جعفری

حاجیلار

گئدیرسیز مکه یه تکمیل اولا ایمان حاجیلار؟
وئره آللاه سیزه ده حوری و قلمان حاجیلار؟
فیکر ائدیرسیز کی قیامت ده ده وار خر تو خری
آق عرق چین اولاجاق هر کسه نین تاج سری
آلاجاق دور و برین حوری و قلمان و پری ؟
وئره جکلر سیزه ده روضه رضوان حاجیلار؟

گئدیرسیز مکه یه بو ملتی آلداتماق اوچون
اوزادا زساققالیزی جینسی باهالاتماق اوچون
یاکی شیطان کیشی لر شیطانا داش آتماق اوچون
شیطانی وورمایین آی کوهنه مسلمان حاجیلار

هئچ اولوب بیر گئجه سیز باش چکه سیز قونشولارا
گؤره سیز قونشونون آروادی عجب گییدی قارا
اری بیچاره آجیندان اؤزونو چکدی دارا
سیز دوغوردان حاجی سیز یا کی یالاندان حاجیلار؟

گر پولون چوخدو کیشی وئرگینن آجلاری دویور
گؤرموسن دولت الان مین دیلینن خالقی سویور
بیزی بیچاره ائدیب سیزلری آواره قویور
بو نه یاتماقدی یاتیبسیز سیزی قرآن حاجیلار؟

گاه گئدیرسیز وئریسیز کربلادا صداما پول
ائله بیر چرله مک حالدا سالیسیز ائششگه چول
من اؤلوم کیمدی قویان جنگ ده آروادلاری دول
یا گؤرن بیز دئییریک صداما بهتان حاجی لار؟
قاراگونلر گرک هر یئرده وار ایرانه گله؟

نییه قویمولللار بو ایران سر و سامانه گله؟
هئچ گؤروبسوز سیز عربلر ده خراسانه گله؟
او شه کرب و بلادیر بو خراسان حاجیلار

خراسان شاهینه یوخ فرقی امام حسنین
یوخ امام ائیله امام دیر بو منیم دیر او سنین؟
قولو سینسین گؤروم آللاه بئله قانون کسه نین
سیزه دیوان ائله سین شاه شهیدان حاجی لار

بیزی آللاه دئییب آج قوی پولو وو وئر عربه
ییغ آپار وار یوخووی وئرگینن او زن جلبه
ائیلده بیر یول دا عزیزیم یولووی سال حلبه
گرر آجیندان نه چکیر اوردا نریمان حاجی لار

جفر آباددا الان ملت آجیندان قیریلیر
قیرمیزی باشماق اوچون دیل سیز اوشاقلار ویریلیر
ولی چوخلاری یئییب ملتین حاققین حیریلیر
چوخو تاپمیر گییه تا اینینه تومان حاجیلار

هله قوی کئیف ائله سین مکه ده استانداریمیز
یاخشی ماهردی شعار وئرمه یه فرمانداریمیز
یاری میز خواب جهالتده دیر قالدی یاریمیز
یاریمیزدا اوره یی غمدن اولوب قان حاجی لار

زنگان آباد اولا ویران اولا استاندارا نه
خالق اولر جرو جهنم کیشی فرماندارا نه
چوخ گناه بیزده دی بو بی گناه انسانلارا نه
بولارا نه کی اولوب ات نئچه تومان حاجیلار

کیشی بونلار گلیب استانه کی تا کئیف ائله سین
باهادی تاکسی چؤرک قارداس ، حسن بور نیله سین
گلیب هر کس قورا بو شهرده بیر پول تله سین
خالقی آلداتماغادی بیر بئله احسان حاجیلار

صبح اولور حضرت استاندار اولور کوهه روان
یئیه صبحانه ، سونا ائیلیه تفریح کنان
ساهات اون بیرده گلیر دفترینه مرد جوان
یئتیشیر وقت اذان باغلانیر هر یان حاجیلار
ایشه واخ قالمیری دایکی سیزه قربان حاجیلار

کس سسین شاعر بدبخت قوتار سؤزلریوی
یوخوسوزلوق چیخادار صبحه کیمی گؤزلریوی
ایندی زنگانی یاتیب سن دؤیوسن دیزلریوی؟
دردی فرهنگ دی اولماز بونا درمان حاجیلار
سیزه دیوان ائله سین شاه شهیدان حاجیلار

عباسقلی آقاپور سولغون (اوچ شعر)

کؤنلوم



محببت گونو یوخ اوشودور هاوا
آختاریر بیر ایستی قوجاغی کؤنلوم
قاییدیب کئچمیش ده،گذیر آنانی
قوینون دا تاپماغا شن چاغی،کؤنلوم

کینه لر بوی آتدی بیز بوی آتاندا
زامان حورمه تیده،ساتدی،ساتاندا
مجلیس ده اوشاخلار،اوسته چاتاندا
اوتانیب آختاریر آیاغی کؤنلوم

هر بیر کس اؤز آتین بیر یانا چاپی
قیریلیر قارداشلیق-باجیلیق ساپی
گؤرورم آچیلمیر قوناغا قاپی
کئچمیش تک آختاریر قوناغی کؤنلوم

آج قالماخ دئییل تک اوروشلوق قارداش
عبث باغلاییب سان قارنینا سن داش
سولغونام آجلاری دویدوران بیر آش
ایچ دولو ایسته ییر ات-یاغی کؤنلوم

اول

آکؤنلوم قوزغون تک اوزاتما عؤمری
یئگینن شاهانه تئز اؤل،قارتال اول
هئچ دئیمز قانمادان جاوان قالاسان
قوی ساچین آغارت سین دوشونجه،چال اول

هر زامان ایچیندن چورویر آلما
چورودن کین لری قلبینه سالما
هئچ زامان دیلین له کیمسه نی چالما
درد لرین درمانی دیل ده بیر بال اول

خیرداجا اولساندا گتیر آلما-نار
اوزانیب بهره سیز اولما بیر چینار
قورویان الیف لر ایبلمز سینار
خال ووران کامانا یوموشاخ دال اول

یاغیش اول سپه لن سولغون باغلارا
سئوینج وئر کدرله دولان چاغلارا
حسرت دی یورغونلار اوجا داغلارا
ال چاتان چیچک لی آلچاخ بیر یال اول

نئینیرم

عیشوه لی یار جاوان لیق دا یاپیشار
قوجالاندا نازلی یاری نئینیرم
دیشلر وار کان تامارزی قال چؤره گه
دیش دوشنده بهره-باری نئینیرم

مئه سیز داغین هئچ یاپیشماز هاواسی
گول به ینمز قئیری بولبول نواسی
اوجا داغلار قیزیل ترلان یوواسی
ترلان اؤلسه داغدا ساری نئینیرم

ساغ لیقیمدا بیر حالیمی سورمویان
مندن سورا ساخلاما یاس تؤکمه قان
اؤلسم قارین حسرتینده خسته کان
قبربم اوسته یاغما قاری نئینیرم

نه اوزه گول نه دالدا دا کؤکوم کس
سئوه ن مه سن یالان سئویب سالما سس
درده یانان یاخچی قاهیم بیری بس
یوز ال یوموخ قلبی داری نئینیرم

شاختا ووراز دئمه قیش دا باغ اولسون
سولغون چالیش بلکه اوزون آغ اولسون
بئش گون یاشا کئف داماغین چاغ اولسون
یوز عؤمور لی آه و زاری نئینیرم

ترجمه شعر" **قلب مادر**" ایرج میرزا به ترکی قشقائی توسط استاد : **علی اصغر حسنی طیبی**

او منی گؤرنده بورنونو اه ییر
هر یئره اوتورپر یئریمی دوییر
قارقیش ائدیر ,منی هر یئرده سوییر
تا دیریدور خوشلیگبیزه حارامدیر
نه دئیم , باشیما دنیا تام دیر
اگر سیرنگ کی گؤینیمی آلانگ سن
تویوموزدان بیر کلام گپ چالانگ سن
گرگ گئدنگ تئز آنانگی بولانگ سن
او ظالمی یر اوزوندن گوتیرنگ
قانلی اور گینی منه گتیرنگ
عاشقده کی , مهر و وفا یوخودو
وجودنده لطف و صفا یوخودو
ذره هنر غیر از جفا یوخودو
ایچدی چکدی مست ودلی اولدو او
آناسینی بیر خلوتده بولدو او
تا ابد بو ننگینگ آلتیندا قالدی
بیر خنجر آناسی دؤشونه سالدی
چاخارتدی اورگین الینه آلدی
دئدی بو سوغاتی یارا آپارام
داها من تئز اؤز آرزومه چاتارام
او قانلی اورگی الده گتیردی
تا کی یارینگ قاپوسونا ائتیردی
دگدی یره, توردو قلبی گؤتوردو
گؤردو اوره گ بیر آه چکدی چاغیردی :
دگدینگ یئره بالام هارانگ آغیردی؟
جانوم چیخسین ببم الینگ چیزیلدی
کور اولایدوم بالام قیچینگ آغیردی؟

منبع: www.aghureil.blogfa.com

اجتماعی شبکه لر دن درلمه لر



مصاحبه با وزیرخارجه کشور مجعول قره‌باغ

روزنامه ضدتورک "شرق" و تجزیه خاک اسلام

روزنامه شرق در شماره امروز خود و در تداوم



تفکرات ضدتورکی خود، به خاک کشور آذربایجان چشم دوخته و طی مصاحبه با فردی که آن را وزیر امورخارجه کشور خودخوانده قره‌باغ دانسته، از تاسیس کشور جدید و تجزیه آذرباجان حمایت کرده است.

یول‌پرس: مدتی است که توطئه تاسیس کشور کردستان شکست خورده و این کشور در نطفه خفه شد و در این راستا موضع‌گیری صریح مقام معظم رهبری در خصوص اقلیم کرد شمال عراق، فصل الخطابی بود برای مواضع سیاسیون ایران، تا اقدام داخلی و بین‌المللی جهت مقابله با تاسیس کشوری ناخوانده در منطقه بکار گیرند.

اما به نظر می‌رسد این توطئه تجزیه کشورهای اسلامی هنوز به پایان نرسیده است چرا که کشوری جدید در خاک‌های اشغالی کشور شیعه و همسایه، جمهوری آذربایجان، در حال شکل‌گیری است.

متاسفانه برخی از سیاسیون و روزنامه‌های کشور با قلم افرادی که دشمنی ذاتی با مردم تورک چه در داخل و چه در خارج از کشور، دارند به خود جرات عدول از فرمایشات مقام معظم رهبری داده‌اند، وقتی رهبری اعلام می‌کنند "قره باغ خاک آذربایجان است" این افراد و روزنامه‌ها از تاسیس کشور "قره باغ " سخن گفته‌اند.

روزنامه شرق در شماره امروز خود در مطلبی تحت عنوان "از عقد قرارداد صلح بسیار دور شده‌ایم" گفتگویی با ماسیس مایلیان، که آن را وزیر امورخارجه کشور " کشور خودخوانده قره‌باغ " دانسته، انجام داده است.

نکته جالب توجه این مصاحبه که نشانگر نیت شوم نویسنده است در سطر اول مقدمه آمده است: "در بسیاری از نقشه‌ها نام و نشانی از جمهوری قره‌باغ کوهستانی نیست، اما این دولت خودخوانده به‌عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیک ازجمله بازیگران مهم قفقاز جنوبی است." که نویسنده تولد چنین کشور خودخوانده‌ای را واقعیت دانسته است.

نویسنده ی این مقدمه نوشته است:" براساس آخرین سرشماری رسمی در اتحاد شوروی نزدیک به ۸۰ درصد مردم این ناحیه ارمنی بودند، بنابراین ترجیح می‌دادند تابع ایروان باشند که تنها چند ساعت با آنها فاصله داشت. " فارغ از اینکه آمار جعلی چگونه از ذهن نویسنده تروش کرده است، احتمالا این نویسنده از قتل‌عام مسلمانان شیعه در قره‌باغ و اخراج اجباری خبر ندارد و شاید از این اتفاق خبر داشته ولی با توجه به فطرت و سابقه خود، این موضوع را نادیده گرفته است.

این نویسنده معترف است که این کشور خودخوانده توسط هیچ کشوری به غیر از ارمنستان به رسمیت شناخته نشده است؛ پس باید این روزنامه را دومین جایی دانست که آن را به رسمیت شناخته است.
تفکرات ضدتورکی این روزنامه در گذشته بخصوص در بحبوحه تشکیل "فراکسیون مناطق تورک‌نشین" برای مردم ایران آشناست و حال این رسانه قصد دارد این تفکر ضدتورک خود را به خارج از مرزهای کشور کشیده و قبول تجزیه کشوری شیعی بر این تفکر ناسالم خود ترجیح دهد.منبع یول پرس

اعتراض باکو به ساخت کلیسا در استان جبراییللی

ائلمار محمدیاروف، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان طی سخنانی در نشست شورای وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا، به اقدام ارامنه در ساخت کلیسا در ناحیه «جبراییل» در جنوب قره باغ اعتراض کرد.
به گزارش یول‌پرس، ائلمار محمدیاروف در بیست و چهارمین نشست شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا در وین گفت: « بی میلی برخی نیروها در منطقه به برداشته شدن گام های سیاسی ضروری برای تغییر «وضع موجود» ، همچنان موجب نگرانی است.
وزیر خارجه جمهوری آذربایجان افزود: « ایروان نشان می دهد که سیاست تغییر بافت جمعیتی، فرهنگی و فیزیکی اراضی اشغالی (جمهوری) آذربایجان و تحکیم اشغال نظامی آن و ایجاد وضعیت « عمل انجام شده » را پیش می برد« .
المار محمدیاروف افزود: « افتتاح کلیسا در ناحیه «جبراییل» را که تا قبل از اشغال در سال ۱۹۹۳ ، بطور کامل آذربایجانی‌ها در آنجا ساکن بودند، نقض فاحش حقوق انسانی بین المللی از طرف ارمنستان است. ارمنستان همچنین به موازات این گام های مخرب خود، با پیشنهاد ما برای اعزام هیات های سازمان های بین المللی برای نیازسنجی در مناطق اشغالی مخالفت می کند.
ائلمار محمدیاروف افزود: « مانور اخیر ارمنستان در مناطق اشغالی و اقدامات مشابه، تلاش ها برای صلح را نقض می کند. گروه مینسک و روسای این گروه باید در ارتباط با تمامی اینها، تدبیر همه جانبه اتخاذ کنند .منبع یول پرس

ترامپین قدس شریفی اسرائیلین باش کندی اعلان ائتمه سینه دونیا مسلمانلارینین تپکیسی

پیام‌های سیاسی نشست استانبول

سرانجام نشست فوری سازمان همکاری اسلامی برای قدس که رجب طیب اردوغان وعده‌اش را داده بود، برگزار شد.
سازمان همکاری اسلامی بعد از سازمان ملل، با عضویت ۵۷کشور بزرگ‌ترین نهاد حقوقی بین‌المللی به‌حساب می‌آید که اکنون ریاست دوره‌ای آن به‌مدت ۳سال در اختیار رئیس‌جمهور ترکیه قرار دارد. در نشست روز گذشته، نمایندگان ۴۸کشور در سطوح مختلف برای اعلام مخالفت خود با تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر به‌رسمیت‌شناختن قدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل مشارکت داشتند.



اگرچه انتظار می‌رفت با توجه به واکنش منفی گسترده ملت‌های عربی و مسلمان به اقدامات ترامپ، سطح نمایندگان حاضر در نشست قدس بسیار بالا باشد، تنها ۱۶کشور (اردن، قطر، کویت، مراکش، یمن، سومالی، فلسطین، لبنان، موریتانی، سودان، قبرس، آذربایجان، ایران، افغانستان، ترکیه و ونزوئلا) در سطح پادشاه، رئیس‌جمهور و یا امیر به استانبول رفتند و مابقی در سطوح نخست‌وزیر، وزیر خارجه و یا حتی نازل‌تر از آن در نشست فوق‌العاده سازمان همکاری اسلامی شرکت کردند.
این نشست با سخنان تند اردوغان علیه آمریکا و اسرائیل در ظهر روز چهارشنبه کار خود را آغاز کرد. رئیس‌جمهور ترکیه، اسرائیل را رژیمی اشغالگر و تروریستی خواند و از حاضران در نشست درخواست کرد قدس شرقی را به‌عنوان پایتخت فلسطین به رسمیت بشناسند. بعد از اردوغان نوبت به رئیس

دولت خودگردان فلسطین رسید تا سخنان طولانی و خسته‌کننده خود را آغاز کند. در سخنان محمود عباس که کمی بیش از یک ساعت ادامه داشت، حتی یک مرتبه کلمه «انتفاضه» (که مطالبه عمومی مردم فلسطین در مقابل اقدام آمریکاست) به‌کار نرفت.

سومین سخنران این نشست نیز ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن بود که سخنان خود را به ۲ زبان عربی و انگلیسی در ۴دقیقه به اتمام رساند و توجه تمام حضار را به تسلط و قاطعیت خود جلب کرد. اگرچه نشست استانبول در مرکز توجه بخش عمده رسانه‌های عربی و اسلامی قرار داشت، اما هیچ‌یک از رسانه‌های سعودی (روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و تلویزیون‌های خبری) حتی اشاره‌ای به برگزاری این نشست نداشتند. رویکرد رسانه‌ای عربستان در کنار مشارکت سطح پایین این کشور در نشست قدس (وزیر امور اسلامی و اوقاف) مورد انتقاد گسترده کاربران عرب شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

این در حالی است که کشورهای امارات و بحرین نیز همچون عربستان سعودی نمایندگان خود را در سطوحی نازل و پایین‌تر از وزیر خارجه به استانبول فرستاده بودند. در این میان اما حضور سامح شکری، وزیر خارجه مصر در نشست قدس تا حد زیادی مورد توجه قرار گرفته بود، چراکه با توجه به موضع عربستان انتظار می‌رفت مصر نیز همچون امارات و بحرین، مشارکت حداقلی و تشریفاتی در نشست استانبول داشته باشد.

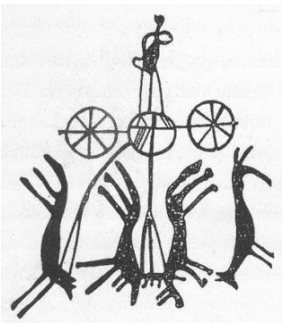
روزنامه رای‌الیوم در گزارشی که از نشست استانبول نوشته مدعی شده مصر در ابتدا تمایلی برای حضور جدی در نشست قدس نداشته و بعد از سفر روز دوشنبه، پوتین به قاهره تصمیم این کشور تغییر کرده است. از سوی دیگر، عدم‌حضور هیچ نماینده‌ای از طرف سوریه ازجمله حاشیه‌های نشست استانبول بود؛ عضویت سوریه در سازمان همکاری اسلامی برخلاف اتحادیه عرب به تعلیق در نیامده و این کشور به‌صورت حقوقی قادر به ارسال نمایندگان خود به استانبول بود،

بنابراین عدم‌مشارکت دمشق را می‌توان نشانه‌ای از تیرگی مستمر روابط دوجانبه سوریه و ترکیه ارزیابی کرد. اما پررنگ‌ترین حاشیه نشست استانبول، بدون‌شک حضور مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا بود؛ به‌گونه‌ای که بارها توجه دوربین شبکه‌های خبری پوشش‌دهنده نشست را در زمان سخنرانی‌های سران به‌خود جلب کرد.

حضور مادورو به‌عنوان مهمان سازمان همکاری اسلامی، در سایه عدم‌مشارکت رهبران مشهور جهان عرب، وزن بیشتری پیدا کرده و تحسین رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی را به‌دنبال داشت.

همچنین ترتیب قرار گرفتن رهبران و نمایندگان کشورهای سازمان همکاری اسلامی برای عکس پایانی نشست نیز تا حد زیادی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت؛ یاسر ابوهلاله، مدیر شبکه الجزیره در توییتر خود نوشت: ایستادن اردوغان میان رئیس‌جمهور فلسطین و پادشاه اردن و یا حضور روحانی در کنار امیر قطر، در حقیقت بیانی تمثیلی از ائتلاف‌های جدید در خاورمیانه است.منبع یول پرس

"زبان ترکی در بوته زبانشناسی تطبیقی" منتشر شد



کتاب "زبان ترکی در بوته زبانشناسی تطبیقی" در ۴۰۰ صفحه به قیمت ۲۵۰۰۰ تومان توسط انتشارات اختر تبریز منتشر گردید. مقالاتی تحت همین عنوان از نخستین پیش شماره نشریه "امید زنجان" در سال ۷۲ منتشر گردید و علاقمندان بیشماری را گرد آورد و استقبال بیحدی از آن بعمل آمد. سپس به صورت کتابی مستقل در سال ۱۳۷۶ توسط انتشارات زنگان (با مدیریت دکتر مهدی افضلی) چاپ و منتشر شد و تمام تیراژ این کتاب به تعداد ۲۰۰۰ جلد در عرض یک هفته در جشنواره اقوام در تهران بفروش رفت .

در این کتاب، زبان ترکی در تطابق با ۷ زبان زنده ی جهان، زیباییها، توانمندیها و مشخصات آنها مورد بررسی قرار می گیرد. عناوینی مانند: انتخاب یک زبان بین المللی / سرچشمه ی زبان / آشنائی با زبانهای جهان / علم زبان شناسی / زبانشناسی تطبیقی / تداخل واژگان / زبان و فرهنگ / تنوع زبانها / اسطوره زبان / زبانهای فراساخته مانند اسپرانتو / پایگاه های استنادی / رتبه بندی مقالات بین المللی / تاریخ خط ترکی / زبان معیار ترکی / حضور و تاثیر زبانها بر یکدیگر / زبان بنیادین ترکی - اسم -صفت -فعل و

فرمها و وجوه افعال / قسمتهای مختلف بیان - اعداد و حروف اضافه در زبان ترکی / ضرورت ایجاد فرهنگستان زبان ترکی / تدریس زبان ترکی در مدارس و... @yurddash

بهترین سن ازدواج چه سنی است؟

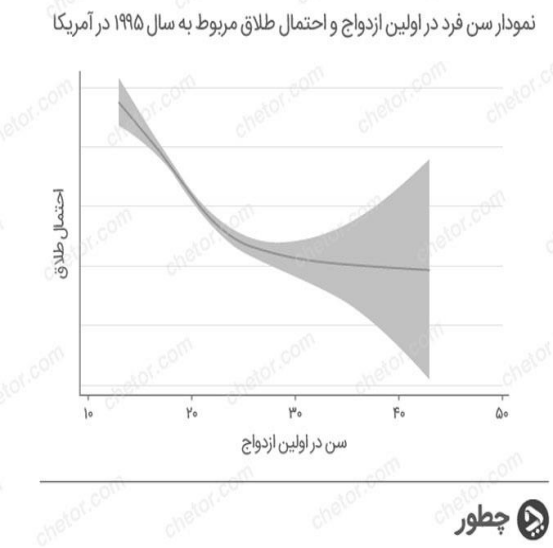
ازدواج موفق به عوامل بسیاری بستگی دارد. برخی معتقدند که شناخت کافی طرفین قبل از ازدواج و همچنین داشتن استقلال مالی از عوامل مهم زندگی مشترک پایدار است. درحالی‌که همه‌ی اینها کاملا منطقی هستند اما عامل دیگری نیز وجود دارد که شاید در اکثر اوقات نادیده گرفته شود. این عامل مهم و تأثیرگذار، سن طرفین هنگام ازدواج است. فکر می‌کنید بهترین سن ازدواج چه سنی است؟ در مطلب زیر، به بررسی دو مورد از تحقیقاتی می‌پردازیم که در رابطه با تأثیر سن ازدواج بر آمار طلاق منتشر شده‌اند. با ما همراه باشید تا درباره‌ی بهترین سن ازدواج بیشتر بدانیم.

مطالعه‌ی جدیدی درباره‌ی بهترین سن ازدواج نشان می‌دهد که اگر افراد نمی‌خواهند حداقل در ۵ سال اول زندگی مشترک‌شان طلاق بگیرند، باید بین ۲۸ تا ۳۲ سالگی ازدواج کنند.

قبل از توضیح بیشتر در این مورد از شما خواهش می‌کنم که اگر سن‌تان بالاتر از این اعداد است و هنوز ازدواج نکرده‌اید، از دست من عصبانی نشوید و جبهه نگیرید. اینها فقط آمار و ارقام هستند و نمی‌توانند به‌هیچ‌وجه وضعیت شخصی شما یا آخرین فرد فریبکار/ روان‌پریش/ خودشیفته‌ای که چندین ماه از عمرتان را هدر داد، توجیه کنند. هیچ‌کس شما را سرزنش نمی‌کند. شما فردی فوق‌العاده و بسیار دوست‌داشتنی هستید.

نیک ولفینگرِ جامعه‌شناس این پژوهش را در دانشگاه یوتا انجام داد و مؤسسه‌ی مطالعات خانواده آن را چاپ کرد. این مطالعه نشان می‌دهد افرادی که بین سنین ۲۸ تا ۳۲ سالگی ازدواج می‌کنند، در سال‌های آتی به‌احتمال کمتری طلاق می‌گیرند. این اظهارنظری جدید است؛ جامعه‌شناسان پیش از این معتقد بودند که ازدواج در سنین بالاتر معمولا به ثبات بیشتر منجر می‌شود و هیچ سقف سنی خاصی برای ازدواج موفق وجود ندارد.

ولفینگر داده‌های سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ مربوط به بررسی ملی رشد خانواده را تجزیه‌وتحلیل کرد. او نوعی منحنی زنگوله‌ای وارونه پیدا کرد. ولفینگر می‌نویسد: «با سپری‌شدن سنین نوجوانی و رسیدن به اواخر دهه‌ی ۲۰ یا اوایل دهه‌ی ۳۰ زندگی احتمال طلاق کاهش می‌یابد. سپس با رسیدن به اواخر دهه‌ی ۳۰ و اوایل دهه‌ی ۴۰، احتمال طلاق دوباره افزایش می‌یابد.» این مطالعه می‌گوید که به‌ازای هر سال پس از ۳۲ سالگی، احتمال طلاق حدود ۵ درصد بالا می‌رود.



در واقع این تئوری ازدواج، به زبان ساده یعنی اینکه برای ازدواج، سن شما نباید خیلی پایین یا بیش‌ازحد بالا باشد.

دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد، چرا اواخر دهه‌ی ۲۰ یا اوایل دهه‌ی ۳۰ برای شروع رابطه‌ای مادام‌العمر، منطقی به‌نظر می‌رسد و بهترین سن ازدواج معرفی شده است: افراد در این سنین به اندازه‌ی کافی بالغ هستند تا تشخیص دهند که آیا واقعا با کسی سازش و تفاهم دارند یا فقط تحت‌تأثیر هورمون‌ها قرار گرفته‌اند. آنها قبلا انتخاب‌های قابل‌توجهی در زندگی‌شان انجام داده‌اند و مسئولیت‌های مهمی به‌عهده گرفته‌اند و ممکن است از نظر مالی دست‌شان آن‌قدر باز باشد که بتوانند در صورت لزوم از فرد دیگری حمایت مالی کنند.

از سوی دیگر، آنها آن‌قدر پیر و انعطاف‌ناپذیر (سرسخت) نیستند که نتوانند تغییرات کوچکی در عادات، سبک زندگی، اهداف و بهداشت شخصی‌شان – که در هر ازدواجی لازم و ضروی است – ایجاد کنند. آنها احتمالا همسران سابق یا فرزندانی ندارند که مجبور باشند زمان، منابع و وفاداری‌شان را میان آنها تقسیم کنند.

ولفینگر می‌گوید که حتی پس از کنترل جنسیت، نژاد، ساختار خانوادگی و سن در زمان انجام بررسی، تحصیلات، سنت دینی، حضور در مراسم مذهبی، سابقه‌ی جنسی و

همچنین اندازه‌ی منطقه‌ی شهری که شرکت‌کنندگان در آن زندگی می‌کردند، این منحنی همچنان به همین شکل بود.
او فکر می‌کند که دلیل آن ممکن است «سوگیری انتخاب» باشد. او می‌نویسد: «کسانی که برای ازدواج تا دهه‌ی ۳۰ زندگی‌شان صبر می‌کنند، ممکن است از آن نوع افرادی باشند که آمادگی تشکیل خانواده و زندگی مشترک را ندارند.» همچنین به این معناست که «افرادی که دیرتر از معمول ازدواج می‌کنند، مدام به‌دنبال غربال‌کردن گزینه‌های مناسب برای ازدواج هستند تا بهترین همسران را از میان شریک‌های احتمالی زندگی برای خود انتخاب کنند«.
یک‌بار دیگر تکرار می‌کنم که این نظر آقای ولفینگر است که بهترین سن ازدواج ۲۸ تا ۳۲ سالگی است و مجردهای بالای ۳۲ سال، افراد مناسبی برای ازدواج نیستند؛ نه نظر شخصی من.
اما سایر جامعه‌شناسانی که جوانب مختلف این مسئله را بررسی کردند هم هستند که با نظر ولفینگر موافق نیستند. فیلیپ کوهن از دانشگاه مریلند با تجزیه‌وتحلیل مجموعه‌ی متفاوتی از داده‌ها از سازمان بررسی جامعه‌ی آمریکا اعلام کرد که بالارفتن سن به این معنا نیست که شانس بقا و ادامه‌ی ازدواج شما کمتر می‌شود. او می‌گوید که اگر نمی‌خواهید طلاق بگیرید، باید بین ۴۵ تا ۴۹ سالگی ازدواج کنید. او تأکید می‌کند که درست به همین دلیل است که مردم نباید تصمیمات مهم زندگی‌شان را بر مبنای تجزیه‌وتحلیل‌های آماری موجود در اینترنت بگیرند .



حقیقت این است که طلاق، یک الگوی اجتماعی دشوار برای اندازه‌گیری و سنجش است. بسیاری از مناطق و استان‌ها در جمع‌آوری و ارائه‌ی آمار مربوط به طلاق همکاری نمی‌کنند و ازآنجاکه در آمریکا تعداد روزافزونی از مردم تصمیم می‌گیرند که بدون ثبت رسمی ازدواج‌شان باهم زندگی کنند، شمارش تعداد طلاق‌ها دیگر روش مطمئنی برای اندازه‌گیری میزان شکست در زندگی مشترک نیست.
بااین‌حال موارد واضحی وجود دارند که در تمامی تحقیقات به‌اثبات رسیده‌اند: داشتن پول و مدرک دانشگاهی، احتمال طلاق‌گرفتن شما را کاهش می‌دهد. نامزدبودن قبل از ازدواج و به‌تعویق‌انداختن زمان بچه‌دار شدن تا رسیدن به تفاهم نسبی در زندگی مشترک نیز در کاهش احتمال طلاق مؤثر است. این موارد، کاملا درست و اثبات‌شده هستند و می‌توانید با خیال راحت به آنها اعتماد کنید.
اختلاف سنی در ازدواج، یکی دیگر از مسائلی است که هنگام تصمیم گیری برای ازدواج بهتر است درباره‌اش فکر کنید. منبع: یول‌پرس به نقل از سایت چطور

تورک دیللی اولکه لرین پارلمان اوتوروسو

میزبانی این نشست یک روزه را «داستان‌بیک جمعه بیک‌اف» رئیس مجلس شورای عالی قرقیزستان برعهده دارد و نماینده مجارستان نیز به عنوان عضو ناظر در این نشست شرکت کرده است.
مجمع پارلمانی کشورهای تورک‌زبان موسوم بهTurkPA در سال ۲۰۰۸ میلادی بر اساس توافقنامه امضای شده میان روسای پارلمان های جمهوری آذربایجان ، ترکیه، قزاقستان و



قرقیزستان در استانبول تاسیس شد و هدف از تاسیس این مجمع بین المللی تقویت روابط بین پارلمانی میان کشورهای عضو اعلام شده است.
»اکتای اسداف » رییس مجلس ملی جمهوری آذربایجان ، در هفتمین مجمع پارلمانی کشورهای تورک‌زبان گفت : ۹ سال از شکل گیری « ترک پا » می گذرد و با تلاش مشترک کشورهای عضو این تشکل بین المللی امروز دارای جایگاه سیاسی جدی در جهان است.

وی افزود: تلاش های انجام گرفته در راستای شناساندن مجمع پارلمانی کشورهای تورک‌زبان در سطح بین المللی نتایج مثبت داشته و هم اکنون این مجمع در اتحادیه بین پارلمانی سازمان همکاری اسلامی ، مجمع پارلمانی سازمان همکاری کشورهای حوزه دریای سیاه و سازمان تعامل و اعتماد در آسیا بعنوان ناظر و نیز در مجمع پارلمانی سازمان امنیت و همکاری اروپا بعنوان میهمان ، حضور دارد.

به گفته اکتای اسداف مجمع پارلمانی کشورهای تورک‌زبان در حال حاضر با پارلمان اروپا و مجمع پارلمانی کشورهای همسود همکاری می کند و دو هفته پیش این مجمع بعنوان ناظر در مجمع پارلمانی کشورهای آسیا شرکت کرد.

ریاست دوره ای مجمع پارلمانی کشورهای تورک‌زبان در این اجلاس از سوی قزاقستان به قرقیزستان واگذار شده است، اجلاس بعدی این مجمع در ترکیه برگزار خواهد شد.

هیات کشورهای تورک‌زبان در حاشیه این اجلاس همچنین با «سورنبای جئین بکوف» رئیس جمهوری قرقیزستان دیدار کردند. منبع : یول‌پرس

تخاری دیگر برای کارگردان اردبیلی:



فیلم"۹۹۹۹۹۹۹۹۹" تندیس طلایی جشنواره فینکس فرانسه را کسب کرد

به گزارش یول‌پرس، ظهر امروز فیلم "۹۹۹۹۹۹۹۹۹" ساخته کریم عظیمی هنرمند توانمند اردبیلی تندیس طلایی بهترین فیلم تجربی جشنواره جهانی فینکس فرانسه را کسب کرد.

فیلم "۹۹۹۹۹۹۹۹۹" به کارگردانی کریم عظیمی و تهیه شده در انجمن سینمای جوان اردبیل پیش از این در جشنواره‌های متعدد جهانی و کشوری جوایز دیگری نیز دریافت کرده بود و یکی از پرافتخارترین ساخته‌های کارگردانان اردبیلی به شمار می‌رود.

این فیلم که مضمونی فلسفی و تکامل گرایانه دارد پیش از موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم طلایی لندن، بهترین فیلم جشنواره دور آلمان و بهترین فیلم کوتاه تهران شده بود

توافق جدید گمرکی ایران و آذربایجان ساعت کار گمرک افزایش یافت

به گزارش ایلنا؛ در این نشست که قبل از ظهر امروز با حضور «مسعود کرباسیان» وزیر اقتصاد و دارایی کشورمان، «آیدین علی اف» رییس کمیته گمرکات جمهوری آذربایجان، «جواد جهانگیرزاده» سفیر ایران در جمهوری آذربایجان و تعدادی از کارشناسان دو طرف برگزار شد دو طرف در زمینه، همکاری های مختلف دو کشور به ویژه گمرکی به مذاکره پرداختند.

افزایش ساعات کاری گمرک آستارا، بیله سوار، پلدشت - شاه تختی و فراهم کردن زمینه یک گمرک جدید در ایمیشلی و اصلان دوز، آسان سازی واردات صادرات و واردات، تلاش برای یکسان سازی رویه گمرکی ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان و بکارگیری برخی شیوه های تسهیل در امورات گمرکی از عمده مباحث مطرح در این نشست بود.

وزیر اقتصاد کشورمان در ایبناره گفت: در این نشست قرار شد ساعت کاری گمرک آستارا شبانه روزی و ۲۴ ساعته شود و من پس از بازگشت به تهران موضوع را در اسرع وقت پیگیری می کنم. مقرر شد فعلا بخش ترانزیت گمرک بیله سوار نیز ۲۴ ساعته شود و بخش مسافری آن در روزهای عید و تعطیلی بازنگری و ساماندهی شود و گمرک پلدشت - شاه تختی هم ساعت کاری اش از ۱۰ ساعت بیشتر شود.

کرباسیان با اشاره به افزایش همکاری های تجاری دو کشور بر فراهم کردن تسهیلات گمرکی هم تاکید کرد و گفت: توافق کردیم در زمینه تبادل الکترونیکی اطلاعات که از سال گذشته شروع شده سرعت کار افزایش یابد تا معطلی های مرز کاهش یابد و ارزیابی مدیریت خطر هم از این طریق بهبود یابد.

وزیر اقتصاد و دارایی کشورمان توسعه همکاری ها از دوجانبه به چند جانبه در حوزه گمرک را از دیگر توافقات دو طرف در این نشست اعلام کرد و گفت: قرار شد همکاری با گرجستان و روسیه را در این بخش پیگیری کنیم.

وی هماهنگی در زمینه همکاری با سازمان جهانی گمرک و تشکیل کمیته های گمرکی برای حل مشکلات احتمالی به وجود آمده در روند عملیات گمرکی را از دیگر توافقات به عمل آمده با طرف آذری در این نشست مشترک اعلام کرد.

درخواست نماینده مجلس از ارمنستان برای توقف آلوده کردن رودخانه آراز

نمایندگان پارس‌آباد و بیله‌سوار از ارمنستان خواست تا آلوده کردن رودخانه آراز را متوقف کنند.

شکور پورحسین از کشور ارمنستان خواست تا به روند آلوده‌سازی آب رودخانه آراز پایان دهد.

وی اعلام کرد: آلوده شدن آب رودخانه آراز به شیوع سرطان در دشت مغان در استان اردبیل منجر شده است.

این نماینده مجلس ایران روند کنونی را شکل‌گیری سونامی سرطان در منطقه مغان عنوان کرد و گفت: مسئولیت این مسئله با ارمنستان است.

یونسکو: در ۱۰ سال گذشته ۹۳۰ خبرنگار کشته شدند

سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) اعلام کرد خشونت علیه خبرنگاران در سراسر جهان افزایش یافته است و ۹۳۰ خبرنگار از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ میلادی در کشورهای مختلف جهان کشته شده‌اند.



در گزارش سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد(یونسکو) آمده است که خبرنگاران در خطرند و در کشورهای مختلف جهان ربوده، دستگیر و شکنجه می‌شوند.

یونسکو این آمار را در ارتباط با روز جهانی "پایان مصونیت عاملان جرم و جنایت علیه گزارشگران" (دوم نوامبر) منتشر کرده است.در آمار منتشرشده از طرف یونسکو آمده است که تنها در سال گذشته میلادی (۲۰۱۶) ۱۰۲ خبرنگار در جهان کشته شده‌اند.

بر اساس این آمار، افغانستان و مکزیک خطرناک‌ترین کشورها برای خبرنگاران در سال گذشته میلادی بوده‌اند. در هر یک از این دو کشور ۱۳ خبرنگار کشته شده‌اند. پس از افغانستان و مکزیک یمن با ۱۱ مورد، عراق با ۹ مورد و سوریه با ۸ مورد در بالای این فهرست قرار گرفته‌اند.

آخرین مورد کشته شدن یک خبرنگار که با اعتراض‌های جهانی نیز مواجه شد، مرگ دافنه کاروآنا گالیتسیا، خبرنگار افشاگر مالتی بود که در پی انفجار بمبی که زیر خودروی او تعبیه شده بود، جان باخت. پسر این روزنامه‌نگار دولت مالت را به دست داشتن در قتل مادرش متهم کرده است.

به گزارش ایسنا،یونسکو اعلام کرده تنها ۱۰ درصد از پرونده‌های مربوط به مرگ خبرنگاران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ به نتیجه رسیده و مجرم یا مجرمان این پرونده‌ها شناخته شده‌اند.

در آمار یونسکو همچنین آمده است که در سال گذشته میلادی ۹۴درصد قربانیان خبرنگاران محلی بوده‌اند.

به گزارش دویچه وله، ولفگانگ شولتس، عضو هیأت مدیره کمیسیون یونسکو در آلمان در این باره گفت: قتل خبرنگاران، دستگیری خودسرانه آنها، شکنجه، ارعاب و پیگرد آنها باید متوقف شود و خلافکاران در دادگاه به سزای اعمال خود برسند.عضو هیأت مدیره کمیسیون یونسکو در ادامه اظهار کرد که تنها ۱۰ درصد از عاملان قتل خبرنگاران شناخته و محکوم می‌شوند و این رقم بسیار کم است. تنها با مطبوعات آزاد می‌توان افکار عمومی را بازتاب داد.

سازمان یونسکو همچنین به افزایش موردهای ربوده شدن، دستگیری و شکنجه خبرنگاران اشاره کرده و بر این نظر است که این موردها به خصوص در کشورهای عربی افزایش یافته است.

سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴ بعد از تلاش‌های سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق روزنامه‌نگاران، روزی را برای پررنگ‌کردن جرم و جنایت علیه گزارش‌گران رسانه‌ای وارد تقویم رسمی خود کرد. دلیل انتخاب تاریخ ۲ نوامبر (۱۱ آبان) این است که در چنین روزی دو گزارشگر رادیو فرانسه هنگام انجام وظایف حرفه‌ای خود در کشور مالی کشته شدند اما عاملان قتل آن‌ها همچون بسیاری از جنایت‌های دیگر علیه اهالی رسانه، هرگز بازخواست و مجازات نشدند.

یاشام پسیکولوژیسی YAŞAM PSİKOLOJİSİ

دکتر حسین شرقی(سوی تورک)
Dr.HÜSEYİN ŞƏRQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)



اویونجاق آلین.

آلدیغنیز اویونجاقلار اوشاقلارینیزی نه قدر سئویندیریرسه، سیز بؤیوکلرین ده اؤزونوزه آلدییینیز اویونجاقلار سیزی سئویندیریر. مثلا، سودا اوزمک اوچون اؤزونوزه هاوا ایله دولدورولان قاییق آلین، توپلا اویناایین، تورپاق اوزرینه اوزانین و تورپاغین ایییینی آلین و او ایین سیزه نه قدر راحاتلیق وئردیگینی حیس ائدین.

آرابیر برک عصبلشین.

آلنینیزی قیریشدیرین، قاشلارینیزی چاتین، وار گوجونوز ایله بایرین، سؤیون و اوجادان ایستمه دیگینیز شئیلره ایچینیزده یییلیب قالان شئیلری دئیین (یاخشی اولار کی، بونو ائدرکن یالنیز اولاسینیز).

مشق ائدین.

اونوتماایین کی، مشق ائتمک، بدنی تربییلندیرمک بوتون نیگارانچی‌لیقلاری آرادان قالدیریر. او قدر مشق ائدین کی، یورولاسینیز. چونکی یورولمادان راحاتلیق مومکون دئییل. بیر پسیخولوژی مثل وار: «گؤی قارالماسا، بولودلار چاخماسا، یایش یاغماز. قارا بولودلار حیاتیمیزدا دا سونراکی یاغیشلارین نیشانه‌سیدیر».

نیگارانچیلیقلارینیزی بیر ساندیغا قویاراق آغزینی باغلایین.

هر گئجه یاتمادان اؤنجه پالتارلارینیزی چیخاردیب آسدییینیز زامان نیگارانچیلیقلارینیزی دا اونونلا برابر اؤزونوزدن اوزاقلاشدیرین. سیزی نیگاران ائدن مؤوزولاری بیر کایز اوزرینه یازیب گیزلتمگی باغارین. امین اولون کی، او نیگارانچیلیقلار تام هلل اولماسا دا، درجه‌سی آزالاجاق.

آز یئیین، کئیفیتلی یئیین.

بیر اوتورومدا بیر کیلو یئمک سنی او قدر سیخا بیلر کی، ۱۰۰ قرام کئیفیتلی یئدیگینده بیر او قدر سئوینجلی اولا بیلرسن.

اوزونوزو اؤرتون.

ایکی الینیزی اوزونوزه دوغرو قویون، بارماقلارینیزی گؤزونوزون اوزرینه یاپیشدیرین و یاواش-یاواش باسین. دریندن نفس آلین. سونرا اللرینیزی گؤتورون، گؤزلرینیزی یاواش-یاواشاچین.

چوخ جیدی شئیلره جیدییه آلمایین.

جیدی شئیلرین تؤرتدیگی جیدی نیگارانچیلیقلار سیزی مأیوس ائده بیلر. اونا گؤره ده جیدی نیگارانچیلیقلاری جوزی نیگارانچیلیقلارا چئویرمگی

باجارین و «هر شئی یاخشی اولاجاق» دئیین و بونو بیر نئچه دفعه تکرارلایین

سئودیکلرینیزی اؤپون.

اؤپمه‌یه بهانه آختارین. دوداقلارینیزین واسیطه‌سیله وئردیگینیز و آلدییینیز موثبت ائنئرژیسیزین یاشاماینیزی گؤزللشدیره‌جک.

قوجاقلاشین.

سیز اوشاقلاری و یا سئودیگینیز اینسانلاری قوجاقلادیقجا اونلارین موثبت ائنئرژیسینی اؤز جانینیزا چکیرسینیز. بو یوللا دا روحی ساغلاملییینیزی تامین ائدیرسینیز. بونا گؤره ده سئودیکلرینیزی قوجاقلایاراق قارشیمالاقدان ذؤوق آلین.

اوجا سسله سئوگینیزی بیان ائدین.



سئودیگینیز اینسانلارلا قارشیلاشدیقدا اونون اوچون نه قدر داریخدییینیزی و اونو نه قدر اؤزله‌دیگینیزی اوجا سسله دئمکدن چکینمگین «من سنی سئویرم» دئیین.

گولمه‌یه بهانه آختارین.

اولا بیلر کی، گولمک اوچون مؤوزو تاپمایاسینیز. آنجاق ائله شرایط یارادین کی، سیز گوله بیله‌سینیز. گولون. ۵ دقیقه دن ۱۵ دقیقه یه قدر گولون. او قدر اورکدن گولون کی، قارین ازله‌لرینیز آغریماغا باشلاسین. او قدر گولون کی، گولوشدن سرمست اولاسینیز.

یازین.

اؤز پروبلئملرینیزی کایز اوزرینه یازین. بونونلا یاناشی اؤز مووففقیتلرینیزی ده کایز اوزرینده یازین. سونرا پروبلئملرینیزی سورعتله اوخویون و بیر کنارا آتین. آنجاق مووففقیتلرینیزی ساعاتلارلا اوخویون.

داخیلی «من»ینیزی اؤز خیدمتکارینیزا چئویرین.

هر کسه بللیدیر کی، داخیلی «من» اینسانین پروبلئمینین حلینده اونا کؤمک ائدن واسیطه‌دیر. بیز اونا اینانیراق ایشلریمیزین حلینی اونا تاپشیریریق. بس بیز اینانديیمیز او «من»ه گوونه‌رک وونو آلداداراق اؤز خیدمتکاریمیزا چئورمگی باجارمالییییق.

اؤز–اؤزونوزله عهد باغلایین .

اؤزونوز اؤزونوزه دئیین کی، من بو نیگارانچیلیین آخیرینا نهایت کی، آیین فیلان گونونده چیخاجاغام. هر نه قدر اؤز عهدینیزده جیدی اولسانیز، بیر او قدر مووففقیت الده ائده جکسینیز.

فیکرینیزی باشینیزا توپلامای باجارین.

حرکتینیز، سس تونونوزا، گؤرونتونوز، بیر سؤزل، دوشونجنیزه حاکیم اولون. اگر اؤزونوزه اینانیرسینیزسا، چوخ چکمیه‌جک کی، هانسی ایستیقامته ایسته‌سنیز گئتمگی باجاراجاقسینیز.

اؤزونوزه ایجازه وئرین.

دینج یئر تاپین و قیشقیراراق اؤزونوزه دئیین کی، «من سنه بیر داها شانس وئریرم»وه بو سؤزو یوزلرله تکرار ائدین «من باجاراجاغام...». آنجاق بؤیوک شئیلری فیکیرلشین. حیاتینیزی کیچیک مسله‌لرله مشغول ائدیب اؤزونوزو کیچیلتمکدن واز کئچین، بؤیوک



دوشونون، بؤیوک قازانین، انگین راحاتلیق قازانین.

راحات اینسان ایشدن ال چکمگی باجارار.

هر بیلیکلی اینسان نه زامان ایشله‌ییب و نه زامان ایشلمه دیگینی بیلر. حیاتدا بیزه گرگین وضعیتلری یاشادان ایش دونیامیز بیزیم ایشه نئجه یاناشما طرزیمیزدن ایره لی گلیر. ایشه گئتدیگینیز یوللاری، ائوه گئتدیگینیز یوللاری دییشدیرین. گونده‌لیک شخصی ماشینینیزلا گئتدیگینیز یول سیزی ایشینیزدن بئزدیره بیلر. اونا گؤره ده ایشه گئتدیگینیز یوللاری موختلیف واسیطه‌لرله گئتمگینیز مصلحتدیر.

آهسته دانیشمای اونوتمایین.

آهسته دانیشماق سیزین نه درجه‌ده ساوادلی، تربییه‌لی اولدوغونوزلا یاناشی هانسی دونیا گؤرونوشونه مالیک اولدوغونوزو و هانسی عصبی وضعیتده اولدوغونوزو گؤسترییر. گلین آهسته دانیشاق،بیر-بیریمیزی باشا دوشک.

مئهربیان اولون.

هر بیر توپلوم حیس ایییات و هیجانلا حرکت ائدن فردلرینی دوزگون قبول ائتمز. اونا گؤره ده یاخشی آدام اولماق اوچون یاخشیلیغا دوغرو ایره‌لیله‌مک اوچون مئهربیان اولماق لازیمدیر. مئهربیان اولاق کی، باشقا-لارینین مئهری-محبتینی اؤزوموزه دوغرو چکک.

دونیاگؤروشونوزه یئنیدن باخین.

اینانديينيز بير شئی سيزی چتين وضعيته ساليرسا، اونو دييشديرين. بيلين کی، سيز دونياگؤروشو اوچون دئييلسينيز، دونياگؤروشو سزين اوچوندور و سيز اونو ايسته‌ديگينيز کيمی دييشديرمه‌يه قاديرسينيز.

واختینیزی ایتیرمکدن قورخمایین.

باجاریقلی اینسانلار واختلاریندان دوزگون ایستیفاده ائده‌رک قالان واختلارینی آیلنجه‌یه یؤنلده بیلیرلر. باجارمایان اینسانلار ایسه هئچ واخت واخت تاپا بیلمیرلر.

اؤز ایستکلرینیزه اهمیت وئرین.

بو ایستک ماددی معنافئ اوزرینده قورولماسا داها یاخشیدیر. لاپ اوزاقلاردا بیر دای، بیر موقدس مکانی، بیر یاشلی اینسانی و یا بیر شهید مزارینی گؤرمک بیزده ایستکلریمیزین اینسانی یؤنلو اولماسینی و اونون نه قدر موقدس و اولوی اولدوغونون دا ثوبوتودور.

نفسینیزه اهمیت وئرین.

بیلیریک کی، هر آلدییمیز نفس سئودیگیمیز عؤمروموزون و حیاتیمیزین، داها دوغرو دیریلیگیمیزین ضامینیدیر. بیر آن بئده اونو آلماساق بوتون هر شئی بیزیم اوچون یوخدور. دینج بیر یئر تاپین، نفس آلیب وئردیگینیز ریتملره معنالی شکیلده قولاق آسین.

یاخشی دوستونوز اولسون.

حیسوه هیجان دولو حیات یاشایان اینسانلارلا دوست اولماق چتیندیر. اونلار سیزده عصبی گرگینلیک یارادا بیلر. ساکین آداملارلا دوست اولماق ایسه سیزی راحاتلادا بیلر.

حیاتدا ائده‌جگینیز دییشیکلیکلر آراسیندا موعین بیر زامان اولمالیدیر.

هر شئیی حیاتیمیزدا بیر آندا دییشدیرمک مازوخیستیک بیر حرکتدیر. اونا گؤره ده دییشیکلیکلری موعین فاصیلرله حیاتا کئچیرمک لازیمدیر.



گؤروشه ۱۵ دقیقه تئز گلین.

ایسته‌دیگینیز یئره گئتدیگینیز زامان تعیین ائتدیگینیز واختدان ۱۵ دقیقه چوخ واخت آییرین. بو ایسه سیزی تلسمه‌یه و سترئسه دوشمه‌یه قویمایاجاق. هم ده گئتدیگینیز یئرده ۱۰-۱۵ دقیقهزامانینیز اولدوغو واخت سیز اورا ایله تانیشلیق الده ائده بیله‌جکسینیز.

ایستیفاده ائتدیگینیز قاب–قاجای ذؤوقله سئچین.

بیر مئیوه‌نی بیر گؤزل قابدا یئیه‌جکسینیز، بیر ستکانی چایی و یا کوفئنی بیر گؤزل فینجاندا ایچه جکسینیز، ان آزی اوندان آلدییینیز فایدا قدر ذؤوق آلاجاقسینیز.

واختیندا نیگاران اولمای باجارین.

بیر چوخ اینسانلار باشقالارینین باشینا گلنلری اؤزون تطبیق ائده‌رک سببسیز یئره نیگاران اولورلار. آنجاق بیر حادیثه نین کیمه هارادا باش وئره‌جگی بللی اولمادییینا گؤره بیز باش وئرمه‌یهن حادیثه لره نیجاران اولماماالییییق. چالیشین ایندینی فیکیرلشین، گله‌جگی هئچ کس بیلمیر.

راحاتلیی قبول ائدین.

راحاتلیق ائله بیر مؤوضودور کی، اونو هر کس موختلیف جور قبول ائده بیلر. سیزیسه اونو اؤزونوزه اویغون شکیلده قبول ائدین. قبول ائدین کی، بئله بیر مؤوضو وار.

ساچلارینیزی دارایین.

هر گون ساچلارینیزی اؤزونوز و یا بیر باشقاسی داراقلا داراسین. چالیشین درینیزه زییان وئرمه‌ین داراقلاردان ایستیفاده ائدین. باجاردیقجا توکلرین دیبینه یاخین حرکت ائتدیرین. سونرا ایسه اونلاری بارماقلارینیزلا داراماغا باشلایین. گوزگونون قارشیسینا کئچه‌رک ساچینیزدان و اؤز گؤزللیگینیزدن ذؤوق آلین.

آیاغینیزا موناسیب آیاققابی گئیین.

آیاقلاریمیز قلبیمیزدیر. بو آرتیق هر کسه بللی‌دیر. ان باهالی و کئیفیتلی آیاققابینی آلیب و آیایمیزا اویغون اولانینین گئیه‌رک فیزیکی و روحی ساغلام-لییمیزی تمین ائتمگی باجارمالییییق. ائوده اوتور-دوغونوز زامان هئچ بیر آیاققابیدان ایستیفاده ائتمگین.

هارادا اولورسونوزسا اولون هر شئیین یاخشیسینی آختارین •

یاخشی دئمک چوخ پول خرجله‌مک دئمک دئییل. سنه اویغون اولان و سنی راحاتلادان هر شئی سنه



گؤره یاخشیدیر. بیزده موثبت حیس لری و پوزیتیو ائنئرژینی یارادان هر شئی یاخشیدیر.

اونوتما کی، سن بیر اینسانسان.

باشقالارینا اوخشاماقدان چکینین. اؤزونوزو اولدوغونوز کیمی قبول ائدین. یئنین اؤزونوزه باخین، گؤرون نه قدر یاخشف کئیفیتلرینیز وار.

آهسته و لیریک موسیقییه قولاق آسین.

یادینیزا سالین کی، آنالاریمیزین حزین لایلالاری ایله نه قدر شیرین یوخولارا دالمیشیق. اونا گؤره ده حیاتینیزی حزین و دولغون موسیقیلرله اوشاقلیق حیاتی قدر راحاتلاشدیرمای باجارین.

هر بیر شئیده بیر حظ واردیر.

یازدا یامیاشیل بیر داغا، آیاینیزین آلتیندا بیتن بیر چیچه‌یه باخدییینیزدا، یا دا ایرادنیزین گوجو ایله قازاندییینیز بیر اوغورا باخدییینیزدا بؤیوک بیر هززین اولدوغونو گؤره‌جکسینیز. بوتون بونلاری بیلمک و کشف ائتمک اوچونیلک نؤوبه‌ده اؤزونوزو کشف ائتمه لیسینیز. ان بؤیوک هزز سیزین اؤزونوزسونوز.

آجی کئچمیشی اونودون.

کئچمیش اوچون اؤزونوزو هئچ زامان قیناماایین. چونکی کئچمیش آرتیق یوخدور و او ختیره‌دن باشقا بیر شئی دئییلدیر. بو نتیجه‌یه چاتا بیلسنیز کی، کئچمیش ایشلر کئچمیشده قالدی، اوندا راحات یاشاماق حیس لرینی قازانمیش اولاجاقسینیز.

اوشاقلاری موشاهیده ائدین.

اوشاقلاری موشاهیده ائتمک بیزه بیر درس اولمالیدیر. اونلاردان راحاتلییین نه اولدوغونو اؤیره‌نین. باخین کی، اونلار ایندینی نئجه یاشاییرلار و سیز ده اونلاردان بو طرزده یاشامای اؤیره‌نین.

آهسته دوشونمگی مشق ائدین.

یومشاق و اینجه دوشونجه طرزینی اؤزونه عادت ائدین. گؤزل حیس لر بخش ائدن منظره‌لری سئیر ائدین. حزین سسلره قولاق آسین، سونرا باخین گؤرون سیزده نه باش وئره‌جک.

سلیقلی اولون.

سلیقه‌سیزلیک فیزیکی باخیمدان سیزی یارار، روحی باخیمدان ایسه سیزی اوساندیرار. سلیقلی اولون کی، قویدوغونوز هر شئیین یئرینده اولدوغوندان ذؤوق آلین.

قصدن هیجان یارادین.

اؤزونوزو تانییین، سیزی تهریک ائدن و و سیزی دینجلدن زامانی اؤز داخیلینیزده کشف ائدین. هئچ

واخت اؤزونوزو بير راحاتلاما مئتودو ايله آلداتمايين. چونکی راحاتلانماين موختليف موهرريکلری واردير.

پورتاغال يئيين.

پورتاغال يئمک توکسينلری آتماق دئمکدير. جانينيزين يئنيدن نفس آلماسی دئمکدير.

آلما سيرکه‌سی ايچين.

گئجه ياتمازدان اول ١ يئمک قاشيی آلما سيرکه سينی ١ چای قاشيی بالی ايله قاريشديراراق قبول ائدين. سحر يوخودان قالخدييينيز زامان جانينيز بير چوخ زهرلی ماددەلردن تميزلنميش اولاجاقدير.

ليموندان ايستيفادنی اونوتمايين.

ليمون ساغلاملیق منبعيی اولماقلا ياناشی اونون عطری سيزه فراحليق و دينج احوال-روحييه بخش ائده‌جک.

ائو حيوانی ساخلايين.

ائوينيزده بير قوش ساخلاسانيز مئهريبانليق حيس لرينيزی اونونلا پايلاشاراق نه قدر راحاتلادييينيزی گؤره‌جکسينيز.

سئوه‌رک ياشايين، سئويله‌رک ياشايين، سئوين، سئويلين، سئوديرين و بونونلا دا سئوگينين دادينی چيخارين.اؤزونوزه ان آزی ٣٠ ثانيه دوشونمک ايمکانی وئرين.

بير شئيدن نيگارانسينيزسا، بير ساکيت يئر تاپاراق ٣٠ ثانيه دوزگون فيکيرلشمگينيز يئتر کی، سيز نيگارانچيليقدان قورتاراسينيز. بو ٣٠ ثانيه نی گونونوزون ان مهم زامانی حساب ائتمگينيز لازيمدير.

اوخودوغونوز يازيلارا ديقت وئرين.

کيچيک يازيلميش يازيلاری اوخومايين، اونلار مقصديؤنلو يازيلاردير. بو سيزی يورار و واختينيزی آلار. باشقالاريندان خواهيش ائدين اونلاری سيزين اوچون اوخوسون و سيزه ايضاح ائتسين. سيز ايسه ان بؤيوک يازيلاری اوخويون.

آنيندا بايشلامای باجارين.

منفی حيس لر گؤندريلنه يوخ، گؤندرنه داها زيبانوئريجيدير. اونا گؤره ده منفی ائنئرژيدن آزاد اولماق،گوناهکاری ايسه آنی مقامياندا بايشلا کی، بير داها اونو فيکيرلشمه‌يهسن.

آرخانجا قاپيلاری اؤرتمگی باجار.

بوتون زهرلی فيکيرلردن، گونده‌ليک حياتين مسئوليتلرينددن آزاد اولماق اوچون ان آزی بير ساعات قاپيلارينی باشقالارينين اوزونه باغلامای باجارماليسان.

بويونوزو اوزو يوخاری دوغرو دارتين.

ايکی الينيزی يوخاری قالديراراق سيزی کيمسه گؤيدن چکيرميش کيمی اوزو يوخاری دارتينين. بئله‌ليکل، يئردن قوپمای فيکيرلشين. بير نئچه دفعه بونو تکرار ائدين و اونا اينانين.

باشقالارينا الينيزله توخونون .

تانيش آداملارلا ال وئره‌رک گؤروشون. اونلارين الينين اوجوندا اولان ائنئرژينی آلين. تصووروونوزه گتيرين کی، ان بؤيوک داوالارين سونو گؤروشوب و اؤپوشمک کيمی توخونمالارلا باريشا چئوريلير.



Xudafərin

Türkcə - Farsca

ocak-2018 – İL 14- SAY 159-ELMİ-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRGİ

telegram.me@XUDAFERIN

WWW.KHUDAFARIN.IR

BÖYÜK TÜRKLƏR

QƏHRAMAN ƏKİNÇİ

ƏZBƏRƏLİ HACƏVİ

